

# کیمهان ۵۰

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده  
جمعه ۳ تا پنجشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۳ خورشیدی  
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۶۷

# رهبر ملی



خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنججاه) پوند  
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت  
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند  
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت  
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

آگهی در **کیهان** آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:  
[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)  
روابط عمومی:  
[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)  
آگهی و تبلیغات:  
[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)  
سردبیری:  
[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

وبسایت **کیهان** نمونه به زبان انگلیسی

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY  
[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه : جاله عنکبوت»  
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com)  
[www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE  
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

[@KayhanLife](https://twitter.com/KayhanLife)  
[@kayhanlife](https://www.instagram.com/kayhanlife)  
[@KayhanLife](https://www.facebook.com/KayhanLife)  
<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

[@KayhanLondon](https://twitter.com/KayhanLondon)  
[@kayhanlondon](https://www.instagram.com/kayhanlondon)  
[@kayhanlondon](https://www.facebook.com/kayhanlondon)  
[https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

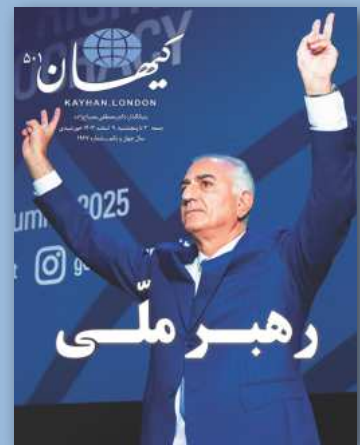
10 New Square-Lincoln's Inn  
London WC2A 3QG  
Tel: 0044 (0)20 3633 3684  
e-mail:  
[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)  
[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)  
[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)  
[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)  
[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

\*\*\*\*\*

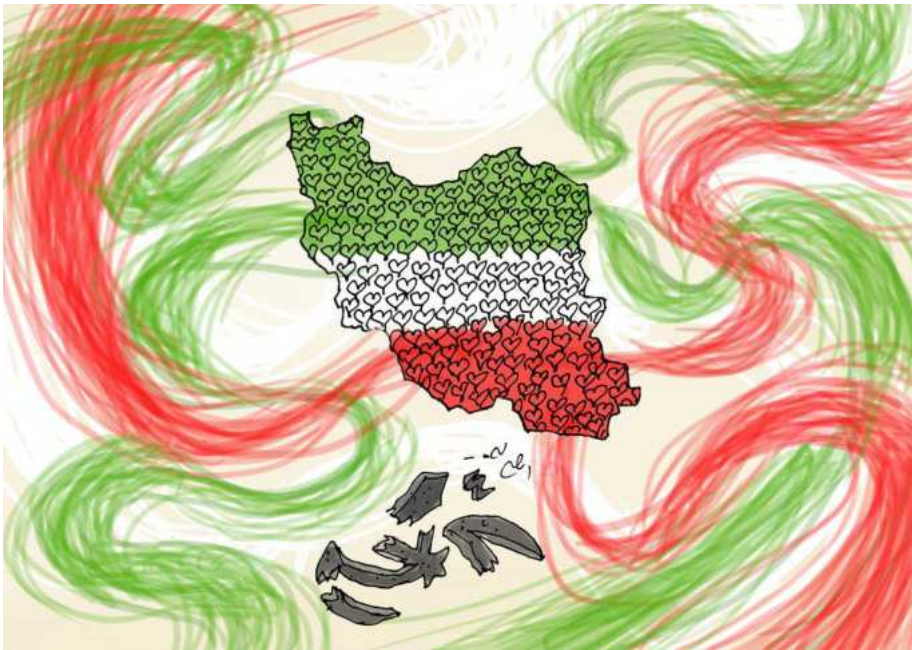
سال چهل و یکم

کیهان شماره ۱۹۶۷ (۵۰۱)

جمعه ۳ تا پنجشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۳  
۲۱ تا ۲۷ فوریه ۲۰۲۵







● **شاهزاده رضا پهلوی نه صرفاً به عنوان نوه رضاشاه و ولیعهد محمدرضا شاه پهلوی بلکه به مثابه شاخص‌ترین چهره اپوزیسیون جمهوری اسلامی و بر اساس دیدگاه‌های دموکرات و کثرت‌گرای سیاسی بدون شک بهترین انتخاب برای هدایت سکان رهبری انقلاب ملی است.**

از انقلاب ۵۷ در ایران آمد «جهنمی بر روی زمین بود» به کشتار مردم بی‌گناه در سینما رکس، اعدام‌های گسترده نظامیان، مقامات حکومت پیشین، کارآفرینان، روشنفکران، متفکران و حتی کارمندان دولت، و محدود ساختن فضای سیاسی و اجتماعی کشور با روی کار آمدن جمهوری اسلامی اشاره کرد.

وی در بخشی از این سخنرانی با اشاره به رفتار گزینشی برخی مدافعان حقوق بشر گفت: «زنان ایرانی فقط علیه حجاب اجباری می‌جنگند. مبارزه آنها برای یک تکه پارچه نیست؛ بلکه برای بازپس‌گیری برابری و کشورشان است. زنان شجاعی مانند فاطمه سپهری، نسرين شاکرمی و ناهید شیرپیشه، با وجود زندان، بدرفتاری و آزار بی‌وقفه، کماکان به مقاومت ادامه می‌دهند. اما من می‌بینم که نام‌های شان برای بسیاری از حاضران در این جمع ناآشنا است. چرا؟ زیرا برخی سازمان‌های حقوق بشر تحت تاثیر تعصبات سیاسی و ترجیحات ایدئولوژیک تصمیم می‌گیرند که کدام صداها تقویت شوند و کدام‌ها خاموش شوند. این به هیچ وجه اخلاقی و قابل قبول نیست.»

او همچنین تأکید کرد: «ما فقط علیه جمهوری اسلامی نمی‌جنگیم. ما برای ایران می‌جنگیم. بنابراین بگذارید واضح بگویم: ما هرگز، هرگز اجازه نخواهیم داد که کشورمان تکه تکه شود.»

رهبر جنبش ملی ایران افزود «پس از آنکه با قتل مهسا امینی در سال ۲۰۲۲، خیزش زن، زندگی، آزادی آغاز شد. رژیم و مدافعان آن سعی کردند این جنبش را بر اساس خطوط قومیتی توصیف کنند، اما مادر خود مهسا او را «دختر ایران» خواند. معترضان با شعار پاسخ دادند: «از زاهدان تا کردستان، جانم فدای ایران». این صدای یک ملت متحد است.»

وی در بخش پایانی سخنرانی خود تأکید کرد: «به»

شاهزاده رضا پهلوی که ۲۴ آبان ۱۴۰۳ بطور رسمی آمادگی پذیرش نقش رهبری انقلاب ملی و دوران گذار از جمهوری اسلامی را اعلام کرد، طی دو هفته گذشته در یک تور اروپایی ضمن ایراد سخنرانی در هفدهمین «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» و دیدارهای جداگانه با مقامات کشورهای اروپایی، چند مصاحبه با رسانه‌های فارسی‌زبان و بین‌المللی نیز انجام داد. برگزار «نشست همگرایی مونیخ» با حضور جمعی از نمایندگان گروه‌ها، سازمان‌ها و احزاب ملی‌گرای اپوزیسیون جمهوری اسلامی از دیگر بخش‌های مهم این سفر بود.

رضا پهلوی از نخستین روزهای ماه فوریه تور اروپایی خود را آغاز کرد و با حضور در کشورهای بریتانیا، فرانسه، آلمان و سوئیس با مقامات مختلف کشورهای اروپایی دیدار و بر ضرورت حمایت غرب از مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی تأکید کرد.

دیدار با هیئتی از سناتورهای فرانسوی از جمله نایب رئیس اول سنای فرانسه، نمایندگان مجلس عوام و اعیان بریتانیا، جزو دیدارهای رسمی شاهزاده رضا پهلوی با مقامات غربی در این سفر بود.

اندرو میچل عضو پارلمان بریتانیا پس از دیدار با رضا پهلوی در شبکه «ایکس» از گفتگوی خود با ولیعهد ایران درباره سرکوب در سراسر کشور و رنج ملت ایران و همچنین تأثیرات تخریبی جمهوری اسلامی و نیابتی‌های آن در منطقه خاورمیانه خبر داد.

سخنرانی در هفدهمین اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی

رضا پهلوی روز سه‌شنبه ۱۸ فوریه ۲۰۲۵ برابر با ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ در هفدهمین «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» سخنرانی کرد. او با اشاره به اینکه آنچه پس

نقطه‌ای را در نظر بگیرید که می‌بایست به آن رسید. برای رسیدن به این نقطه، قاعدتاً عوامل و عناصری دخالت دارند که یکی از مهم‌ترین آنها «زمان» است. ممکن است بسیاری از خیلی پیشتر از نظر ذهنی به آن نقطه رسیده باشند. اما کمبود عوامل عینی مانع رسیدن عمومی و عملی به آن نقطه یا هدف می‌شود. در طول زمان و بنا بر تجربه، بخش بزرگی از ذهن همگان هرچه شفاف‌تر آن هدف را می‌بیند اما الزاماً به این معنی نیست که در عمل نیز به آن می‌رسد.



تظاهرات ایرانیان در ژنو همزمان با سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در هفدهمین اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی/سه‌شنبه ۱۷ فوریه ۲۰۲۵/۲۰ بهمن ۱۴۰۳

در این میان، اگر ذهن حرکت کند ولی عوامل لازم برای رسیدن به آن نقطه ایستا باشند و یا تحرک لازم را نداشته باشند، ذهن از آن نقطه نیز خواهد گذشت بدون آنکه در عمل به آن رسیده باشد! شکست یک ایده، یک خیزش، یک انقلاب، نتیجه‌ی چنین فرآیندی است! درجا زدن عوامل عینی در برابر تحولات ذهنی! گذشتن ذهن از نقطه و هدفی که به آن نرسیده و به آن دست نیافته! یک مثال ساده در این مورد، تلاش برای اجرای ایده‌های عالی و جذاب بدون داشتن امکانات و ابزار لازم است. قطعاً در اجرای آن موفق نمی‌شوید و شکست می‌خورید! و مایوس می‌شوید. جمهوری اسلامی می‌خواهد ذهن‌ها پرواز کنند و از آن نقطه‌ی هدف بگذرند اما تحولات عینی و جمعی هرگز شکل نگیرد! تا سرانجام آن نقطه حذف شود و آن آذهان خسته و مایوس به این نتیجه برسند که این رژیم سرنوشت محتوم آنهاست! در حالی که نیست! هرگز نبوده! ۴۶ سال هم زیادی عمر کرده!

تمام اعتراضات و جنبش‌ها در بیش از چهار دهه گذشته، تبدیل تحرک ذهن به عمل برای رسیدن به نقطه‌ی هدف اما بدون عوامل و ابزار لازم بوده است؛ از دهه شصت و ۷۸ تا ۸۸ و ۹۶ و ۴۰۱.

گذشته از شرایط لازم، یکی از مهم‌ترین عوامل، نیروی هدایت‌کننده و رهبری است که نه یکسویه و ارادی بلکه بطور متقابل و در یک بده بستان بین ذهنیت همگانی و عینیت جامعه شکل می‌گیرد. مبحثی که بدون تردید کیهان لندن نخستین منبع فکری و جریان‌ساز ملی بوده که آن را نه تنها در ارتباط با نقش دو پادشاه فقید پهلوی در ساختن ایران نوین بلکه در اهمیت وجود شاهزاده رضا پهلوی برای عبور از گسست ۵۷ و رسیدن به آینده مطرح کرد و در شرایطی که بسیاری از ایرانیان در داخل و خارج صدای خود را یا در سرکوب و یا در غوغا و هیاهوی اصلاحات بر سر هیچ، گم کرده بودند، از این نقش و ضرورت آن به تکرار نوشت. امروز شاهدیم که آن مباحث مورد توجه نسل‌های جوان قرار گرفته و به اشکال مختلف در نشریات و رسانه‌ها به آن پرداخته می‌شود.

اینهمه ولی چیزهایی نیستند که تازه کشف شده و یا در روند تحولات اجتماعی ناشناخته باشند. تمام موضوع بر سر تشخیص آنهاست! تشخیصی که این روزها، اگرچه نه به صراحت، اما در محافل سیاسی و اجتماعی و دانشگاهی ایران و دستگاه‌های خود رژیم نیز می‌توان شنید؛ حتا درباره وجود شخصیتی راسخ و مورد اعتماد که توانایی و شایستگی «هدایت این تغییر، و رهبری دوران گذار» را داشته باشد. شخصیتی که از سال ۵۷ تا اطلاع ثانوی، کسی جز شاهزاده رضا پهلوی نیست.

اگر تاریخ و زمان بازی دیگری در سر نداشته باشند، این واقعیت هم توسط جامعه‌ای که آن را تشخیص داده به انکارکنندگان داخلی و خارجی نیز تحمیل خواهد شد.

→ کسانی که سعی در ساکت کردن ما یا مسدود کردن راه ما را دارند می‌گوییم: ما منتظر چراغ سبز شما نیستیم. ملت ایران از شما ترحم نمی‌خواهند. آنها خواهان شراکت شما هستند. سؤال ما این است: آیا با ما همراه می‌شوید؟»

### نشست همگرایی مونیخ، سرآغاز همکاری‌های سازمانیافته

«نشست همگرایی مونیخ» از دیگر بخش‌های مهم این تور اروپایی بود. این نشست روز یکشنبه ۱۶ فوریه برابر ۲۸ بهمن ۱۴۰۳ به دعوت دبیرخانه شاهزاده رضا پهلوی و با حضور جمعی از نمایندگان گروه‌ها، سازمان‌ها و احزاب ملی و میهن‌دوست برگزار شد که سرآغاز یک همکاری سازمانیافته میان شخصیت‌های حقوقی اپوزیسیون به شمار می‌رود.

اصلی‌ترین خروجی این نشست بیانیه ۱۲ ماده‌ای با عنوان «اصول و چارچوب همکاری احزاب، سازمان‌ها و افراد آزادیخواه و میهن‌پرست» بود که مبنای همکاری گروه‌های حاضر در نشست و دیگر گروه‌های سیاسی خواهد بود که به این جمع خواهند پیوست.

امضاکندگان این بیانیه تأکید کرده‌اند که «خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار دگرباره یک دولت ملی در ایران» هستند و متعهد شدند که برای پیروزی انقلاب ملی ایران با یکدیگر همکاری کنند.

در بند دوم این بیانیه تأکید شده ایران کشوری است یکپارچه و تجزیه‌ناپذیر، با یک ملت به نام «ملت ایران». بر این اساس، التزام به حفظ تمامیت ارضی و یگانگی ملت ایران، پایه فهم مشترک و شرط نخست و غیرقابل مذاکره‌ی هرگونه همکاری سیاسی برای نجات ایران است.

امضاکندگان همچنین برای دفاع از «حق بدیهی ملت ایران برای انتخاب شکل نظام آینده کشور از طریق یک انتخابات آزاد، دموکراتیک و منصفانه» متعهد شدند.

در این بیانیه تأکید شده «ما متعهد می‌شویم که از همه‌ی حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان ایران شامل آزادی بیان و رسانه، آزادی اینترنت و گردش اطلاعات، آزادی ادیان و باورها، آزادی انجمن و اجتماعات، آزادی زنان، آزادی پوشش و دیگر آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و مدنی دفاع کنیم، و در رفع تبعیض‌های مذهبی، جنسیتی و جنسی با همه توان خویش بکوشیم.»

همچنین این بیانیه تأکید کرده «پرچم شیروخورشید» پرچم ملی ایران و نماد مبارزه علیه جمهوری اسلامی است. این بند در همین نشست و به پیشنهاد برخی شرکت‌کنندگان به بیانیه ده ماده‌ای نخست اضافه شد.

بندی که به پیشنهاد برخی شرکت‌کنندگان به طرح اولیه اضافه گشت، مربوط به نقش شاهزاده است. «بر پایه خواست گسترده مردم ایران که در سال‌های اخیر در شعارها و پیام‌های آنها جلوه‌گر شده» او بطور رسمی از سوی امضاکندگان به عنوان «رهبر انقلاب ملی و دوران گذار، تا زمان شکل‌گیری نخستین مجلس ملی و آغاز به کار دولت دموکراتیک از طریق انتخابات آزاد» معرفی شد.

تأکید بر این رهبری در انقلاب ملی و دوران گذار در حالی در نشست همگرایی مونیخ مورد تأکید قرار گرفته که سه ماه پیش و در ۲۴ آبان‌ماه امسال شاهزاده رضا پهلوی در یک پیام ویدئویی آمادگی خود را برای رهبری دوران گذار اعلام کرده بود.

او تأکید کرده بود قصد دارد «توان و نیروی» خود را «در مسیر استقرار دولتی ملی، و جلب حمایت حداکثری جهانی برای تحقق آن» به‌کار بگیرد. این در حالیست که پیش از این و در سال‌های گذشته

بارها در شعارها و دیوانه‌نویسی‌های معترضان، و همچنین از سوی فعالان سیاسی، زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه بر اعتماد بخش زیادی از شهروندان به شاهزاده برای هدایت اعتراضات مردمی و گذار از جمهوری اسلامی تأکید شده بود.

در همین ارتباط، پس از آنکه وی در دی‌ماه ۱۴۰۱ در گفتگو با تلویزیون «منوتو» در پاسخ به اینکه چرا بطور روشن نقش رهبری جنبش انقلابی را بر عهده نگرفته گفت: «هر نوع کاری که انجام می‌دهیم باید یک مبنای مشروعیت و یا یک نوع وکالتی از داخل ایران داشته باشد» کارزاری معروف به «وکالت می‌دهم» به راه افتاد و چندصد هزار تن از شهروندان در شبکه‌های اجتماعی با استفاده از هشتگ «وکالت می‌دهم» بر تمایل خود بر رهبری او در مسیر مبارزات با جمهوری اسلامی تأکید کردند. برخی از گروه‌ها و سازمان‌ها و احزاب سیاسی نیز با صدور بیانیه‌هایی بر وکالت خود به وی تأکید کردند.

رضا پهلوی همچنین اردیبهشت ۱۴۰۳ در یک سخنرانی در تورنتو بر «ائتلاف مشتاقان» تأکید کرد. او با اشاره دوباره بر اصول حداقلی همکاری بین نیروهای باورمند به سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار دولت ملی در ایران، از جمله باورمندی به تمامیت ارضی ایران، سکولاریسم و حق انتخاب ملت برای تعیین نوع نظام، تأکید نمود که «در ماه‌های گذشته برنامه‌های جامع را به همراه مشاوران و کارشناسان تنظیم کرده‌ایم که در آن نقش جامعه ایرانیان خارج از کشور یا همان دیاسپورای ایرانی بسیار مهم و کلیدی است.»

او با اشاره به نقش ایرانیان خارج کشور در مبارزه با جمهوری اسلامی عنوان کرد: «باید نهاد بسازیم، از آن نهادها حمایت مالی و سیاسی کنیم، آن نهادها را تقویت کنیم، تا بتوانند به مردم ایران کمک کنند و بر سیاست‌های مرتبط با ایران در کشورهایی که در آن زندگی می‌کنیم اثر داشته باشیم.»

برگزاری «نشست همگرایی مونیخ» نتیجه ماه‌ها تلاش رهبر ملی و مشاوران و کارشناسان همکار او برای سرآغاز جدیدی جهت همکاری سازمان‌ها و احزاب سیاسی فعال اپوزیسیون در مبارزه با جمهوری اسلامی و حمایت از مردم درون کشور بوده است.

### هراس جمهوری اسلامی از نقش رهبری شاهزاده رضا پهلوی

تور اروپایی رضا پهلوی در حالی برگزار شد که با فشارهای جمهوری اسلامی بر دولت‌های غربی سه سخنرانی او در بریتانیا، هلند و آلمان لغو شد.

وی قرار بود در سفر به بریتانیا و در روز ۱۱ فوریه برابر با ۲۳ بهمن‌ماه در مجمع کمبریج سخنرانی کند. این مجمع چند روز پیش از برگزاری نشست در بیانیه‌ای از لغو آن به «دلایل امنیتی» خبر داد و بدون ارائه جزییات تأکید کرد «این تصمیم بر اساس تأمین امنیت» ایشان گرفته شده است.

سخنرانی دوم قرار بود در تاریخ ۱۳ فوریه برابر با ۲۵ بهمن‌ماه در مجلس دوم پارلمان هلند برگزار شود اما چند روز به برگزاری، دفتر ارتباطات پارلمان هلند بدون هیچ توضیحی از لغو این سخنرانی خبر داد. با اینهمه مشخص شد لغو این سخنرانی با فشار جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

همزمان «دفتر مطبوعاتی رضا پهلوی» از لغو سخنرانی او در کنفرانس امنیتی مونیخ که قرار بود روز شنبه ۱۵ فوریه برابر با ۲۷ بهمن‌ماه برگزار شود خبر داد. چند روز بعد اما این دعوت تأیید شد ولی باز در روز پنجشنبه ۲۵ بهمن‌ماه شاهزاده رضا پهلوی از لغو دوباره این سخنرانی «به دستور

دولت آلمان و تحت تهدید رژیم اسلامی ایران» خبر داد. پیام روشن فشار جمهوری اسلامی به دولت‌های اروپایی برای لغو سخنرانی‌های رضا پهلوی، چیزی جز نقش ویژه و مهم او در هدایت مبارزات ملی مردم ایران علیه حکومت نیست. تسلیم دولت‌های غربی در برابر فشارهای حکومت ایران نشان می‌دهد دست‌کم تا زمانی که مبارزات مردم ایران وارد مراحل نهایی نشده، نمی‌توان نسبت به قرار گرفتن تمام‌قد دولت‌های غربی در کنار مردم ایران خوشبین بود. در همین حال همانطور که شاهزاده بارها تأکید کرده باید برای جلب حمایت گسترده دولت‌های خارجی از مردم ایران و همچنین تشدید فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی تلاش کرد.

### همراهی و حمایت بی‌دریغ ایرانیان خارج کشور

ایرانیان در کشورهای مختلف با تجمع‌های اعتراضی به لغو سخنرانی‌های شاهزاده در بریتانیا، هلند و آلمان اعتراض کردند.

همچنین هزاران تن از ایرانیان شنبه ۱۵ فوریه و سه‌شنبه ۱۸ فوریه در مونیخ و ژنو برای حمایت از شاهزاده رضا پهلوی و تأکید بر رهبری او تجمع کردند.

وی به همراه بانو یاسمین روز سه‌شنبه ۱۸ فوریه پس از ایراد سخنرانی در در هفدمین اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی در جمع ایرانیان مشتاقی که در میدان ملل ژنو تجمع کرده بودند حاضر شد و مورد استقبال گرم آنها قرار گرفت. او طی سخنانی تأکید کرد که ایرانیان خارج کشور باید صدای هموطنان داخل را به گوش جهانیان برسانند و به آنها بگویند ملت ایران ملتی هستند صلح‌دوست؛ ملتی هستند که به ارزش‌های انسانی و حقوق بشر احترام می‌گذارند. او تأکید کرد «آزادی ایران تنها آزادی ایران نخواهد بود بلکه آزادی جهان خواهد بود از تروریسم و دیکتاتوری؛ و خواهیم رسید به آزادی و دموکراسی و ثبات، و اینکه مملکت‌مان در فرای آزادی به روند ترقی و پیشرفت یک ملت برگردد.»

رضا پهلوی به دلیل دیدگاه‌های با ثبات و ملی‌گرایانه طی چهار دهه گذشته و همچنین اعتقاد و باور به دموکراسی و حق حاکمیت ملت، توانسته همراهی بخش گسترده‌ای از نیروهای جمهوریخواه و همچنین خانواده‌های دادخواه و معترضان آسیب‌دیده را با خود داشته باشد.

از سوی دیگر یکی از مهمترین نگرانی‌های مردم به ویژه با توجه به تجربه تلخ انقلاب ۵۷، در مورد فرای سرنگونی جمهوری اسلامی است. احتمال بروز خشونت و جنگ داخلی، تهدید تمامیت ارضی، هرج و مرج و انحراف مسیر مبارزات آزادیخواهانه مردم در دوران گذار از جمله نگرانی‌های جامعه است.

شاهزاده رضا پهلوی اما بارها بر در دست بودن نقشه راه و الگوهایی جهت کاهش هزینه‌های دوران گذار و انتقال قدرت تأکید کرده و با پذیرش رهبری مبارزات جنبش ملی در دوران گذار در عمل مسئولیت سنگین عبور ملت و مملکت از دورانی پرخطر را به جان خریده است. او اثبات کرده تنها شخصیتی است که در دوران به اصطلاح قدرت جمهوری اسلامی بر مبارزه و هدف خود علیه آن ایستاد و اینک در ضعیف‌ترین روزهای رژیم که ایران در یک نقطه عطف تاریخی قرار گرفته، قادر است رهبری ملی را بر عهده بگیرد.

به بیان دیگر او نه صرفاً به عنوان نوه رضاشاه و ولیعهد محمدرضا شاه پهلوی بلکه به مثابه شاخص‌ترین چهره اپوزیسیون جمهوری اسلامی و بر اساس دیدگاه‌های دموکرات و کثرت‌گرای سیاسی بدون شک بهترین انتخاب برای هدایت سکان رهبری انقلاب ملی است.

# سخنان شاهزاده رضا پهلوی در هفدهمین «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی»: ما برای ایران می‌جنگیم؛ با ما همراه می‌شوید؟

هستند، گاه به خاطر بیان احساسات خود با مجازات مرگ مواجه می‌شوند.

جمهوری اسلامی با همه افشار جامعه ایران وارد جنگ شده و افشار مختلف جامعه ایران را در سراسر کشور، فراتر از مرزهای استانی، زبانی و قومی، هدف قرار داده است. رژیم با این حال، با وجود تمام تلاش‌هایش نخواهد توانست ایرانیان را دچار تفرقه کند.

ما فقط علیه جمهوری اسلامی نمی‌جنگیم. ما برای ایران می‌جنگیم. بنابراین بگذارید واضح بگویم: ما هرگز، هرگز اجازه نخواهیم داد که کشورمان تکه تکه شود.

ما این را در خیابان‌های شهرهای سراسر ایران می‌بینیم، جایی که یک ملت با اتحاد بپا خاسته است. اعتراضات ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ نقطه عطفی بنیادین بودند. ایرانیان دیگر برای اصلاحات شعار نمی‌دادند؛ آنها خواهان پایان جمهوری اسلامی بودند. یک دهه پس از اینکه جنبش سبز برای بازپس‌گیری رای‌های دزدیده‌شده تلاش کرد، نسل ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ برای بازپس‌گیری کشور دزدیده‌شده‌شان می‌جنگند؛ و آنها بهای سنگینی پرداخته‌اند. در نوامبر ۲۰۱۹، رژیم بیش از ۱۵۰۰ معترض را قتل‌عام کرد، بسیاری از فاصله نزدیک به ضرب گلوله کشته شدند. هزاران نفر دستگیر، شکنجه، یا ناپدید شدند.

پس از آن با قتل مهسا امینی در سال ۲۰۲۲، خیزش زن، زندگی، آزادی آغاز شد. رژیم و مدافعان آن سعی کردند این جنبش را بر اساس خطوط قومیتی توصیف کنند، اما مادر خود مهسا او را «دختر ایران» خواند. معترضان با شعار پاسخ دادند: «از زاهدان تا کردستان، جانم فدای ایران.» این صدای یک ملت متحد است.

با وجود سرکوب‌های خشن و قطع اینترنت، مقاومت ادامه دارد. منوچهر بختیاری، که پسرش پویا را در اعتراضات از دست داد، از درون سلول زندان خود بی‌وقفه برای عدالت می‌جنگد. شجاعت او تجسم روحیه مردمی است که نمی‌شکند.

اما جنایات جمهوری اسلامی به مرزهای ایران محدود نمی‌شود. رژیم از سفارتخانه‌ها و به اصطلاح «مراکز فرهنگی» خود به عنوان پایگاه‌های جاسوسی و تروریسم در سراسر اروپا استفاده می‌کند. وقتی نمی‌تواند به مخالفان در خارج از کشور دسترسی پیدا کند، شهروندان خارجی را در داخل ایران به گروگان می‌گیرد و آنها را برای باج‌گیری سیاسی زندانی می‌کند.

اینها جنایاتی هستند که جهان از آنها آگاه است. اما جنایات بسیار دیگری وجود دارند که اغلب نادیده گرفته می‌شوند، مانند تخریب محیط زیست توسط رژیم. من عدالت زیست‌محیطی را یکی از حقوق بشری هموطنانم می‌دانم.

دهه‌ها فساد و مدیریت نادرست، فجایعی زیست‌محیطی ایجاد کرده که زندگی میلیون‌ها نفر را تهدید می‌کند. دریاچه ارومیه، که زمانی بزرگترین دریاچه آب شور در خاورمیانه بود، تقریباً ناپدید شده است. این معضل، موجب توفان‌های نمکی شده که زمین‌های کشاورزی را ویران می‌کند و باعث بیماری‌های تنفسی می‌شود. رودخانه‌هایی مانند زاینده‌رود خشک شده‌اند و کشاورزان را بدون آب گذاشته‌اند. در خوزستان، جایی که قرن‌ها آب جاری بوده، کمبود



شاهزاده رضا پهلوی در پایان سخنرانی در هفدهمین اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی / ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ / فوریه ۲۰۲۵ / عکس از کیهان لندن

تعصبات سیاسی و ترجیحات ایدئولوژیک تصمیم می‌گیرند که کدام صداها تقویت شوند و کدام‌ها خاموش شوند. این به هیچ وجه اخلاقی و قابل قبول نیست. تمام کسانی که برای یک ایران سکولار و دموکراتیک مبارزه می‌کنند، باید بدون توجه به پیشینه یا وابستگی‌های سیاسی‌شان شناخته شوند.

خوشحالم که نشست ژنو بر اساس همین روحیه عمل می‌کند، و از آنها بابت میزبانی از چندین تن از شجاع‌ترین معترضان ایران و خانواده‌هایشان در اینجا سپاسگزارم. از نازنین افشین‌جم برای تسهیل حضور آنها و از نشست ژنو برای میزبانی از آنها ممنونم.

جمهوری اسلامی مردم را از هر ایدئولوژی و همچنین هر دینی هدف سرکوب قرار می‌دهد. بهائیان بطور سیستماتیک تحت تعقیب قرار گرفته‌اند، رهبران‌شان زندانی شده‌اند، گورستان‌هایشان نبش قبر و جوانانشان از تحصیل محروم شده‌اند. مسیحیان، به خصوص مسلمانان مسیحی‌شده، در ترس دائمی زندگی می‌کنند. مسلمانان سنی، درویش، یهودیان، و زرتشتیان نیز مانند هموطنان مسیحی خود، با محدودیت‌ها و تبعیض‌های گسترده روبرو هستند. تضاد نهادینه‌شده رژیم با هرگونه تنوع، از جمله تنوع مذهبی، قرن‌ها همزیستی و وحدت منحصر به فرد در ایران را تهدید کرده است.

جنگ رژیم با میراث فرهنگی ما نیز از طریق هدف قرار دادن تاریخ ایران پیش از اسلام دنبال می‌شود. مکان‌هایی مانند تخت جمشید و پاسارگاد، نمادهای تمدن باستانی ایران، در اثر بی‌توجهی در معرض نابودی هستند و دسترسی به این مکان‌ها اغلب توسط رژیم مسدود می‌شود. با تلاش برای حذف این نمادهای هویت ملی، دشمنان ایران سعی در بازویسی تاریخ و محروم کردن ایرانیان از میراث غنی‌شان را دارند.

در ایران حتی افراد خلاق نیز در امان نیستند. موسیقی‌دانان، هنرمندان، و شاعران که قلب فرهنگ ایران

خانم‌ها و آقایان، دوستان، و مدافعان خستگی‌ناپذیر حقوق بشر؛

برای من افتخار بزرگی است که امروز اینجا با شما صحبت کنم. حضور در ژنو، خانه شورای حقوق بشر سازمان ملل، به این خطابه اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد. من صمیمانه از دکتر نوئر و اعضای تیم‌اش تشکر می‌کنم که این کنفرانس را به نمادی از امید برای صداهای سرکوب‌شده در سراسر جهان تبدیل کرده‌اند. من اینجا به نمایندگی از هم‌میهنانم حضور دارم که صدای‌شان مدت‌هاست که به شدت سرکوب شده است، نه تنها به دست رژیم ستمگری که کشور ما را اشغال کرده، بلکه از سوی تعصب ایدئولوژیکی که حقیقت را درباره ایران تحریف می‌کند.

داستان جمهوری اسلامی داستان فریب است. یکی از پیامدهای این فریب، که با توهمات رهبران رژیم همراه شد، رهبران غربی و بسیاری را در رسانه‌ها واداشت تا خمینی را به عنوان یک «قدیس» به تصویر بکشند و انقلاب را به عنوان جنبشی در مسیر عدالت و آزادی نشان دهند. اما آنچه پس از انقلاب آمد، جهنمی بر روی زمین بود.

حتی پیش از به قدرت رسیدن، شورش خمینی و پیروانش با آتش زدن سینما رکس در آبادان، که بیش از ۴۰۰ نفر در آن کشته شدند، چهره واقعی خود را نشان داد؛ پیش‌درآمدی از آنچه قرار بود بر سر مردم بیاید.

پس از قدرت گرفتن، تواناترین و وطن‌پرست‌ترین ایرانیان اولین هدف‌های رژیم بودند: افسران نظامی، کارآفرینان، روشنفکران، متخصصان، و کارمندان دولتی که همگی به ساخت یک ملت پرافتخار و در حال توسعه کمک کرده بودند. من بسیاری از آنها را شخصاً می‌شناختم. قتل عام آنها در روزنامه‌های انقلابی جشن گرفته و حتی تشویق می‌شد، در حالی که در رسانه‌های غربی هیچ خبری درباره آنها نبود.

بسیاری از این مردان و زنان هنوز برای جهان ناشناخته هستند زیرا هیچ لابی یا پشتیبان سیاسی نداشتند. در عوض، در قبرهای بی‌نام و نشان دفن شده‌اند و از خانواده‌هایشان حتی حق سوگواری برای آنها دریغ شده است. اما یاد آنها در عزم و اراده نسل جدید ایران، و در قلب‌های کسانی که به مبارزه آنها ادامه می‌دهند زنده می‌ماند.

رژیم پس از آن، جنگ خود را علیه زنان ایرانی آغاز کرد. اولین قانونی که خمینی لغو کرد، قانون مترقی حمایت از خانواده بود. قانون اجباری حجاب، که بلافاصله پس از انقلاب اعمال شد، به ابزاری برای سرکوب تبدیل شد و نماد وسواس جمهوری اسلامی برای کنترل بدن و زندگی زنان بود.

با این حال، از همان روزهای اول تا به امروز، زنان ایرانی در حال مبارزه بوده‌اند. اما بگذارید واضح بگویم: زنان ایرانی فقط علیه حجاب اجباری نمی‌جنگند. مبارزه آنها برای یک تکه پارچه نیست؛ بلکه برای بازپس‌گیری برابری و کشورشان است. زنان شجاعی مانند فاطمه سپهری، نسرین شاکرمی و ناهید شیرپیشه، با وجود زندان، بدرفتاری و آزار بی‌وقفه، کماکان به مقاومت ادامه می‌دهند. اما من می‌بینم که نام‌های‌شان برای بسیاری از حاضران در این جمع ناآشنا است. چرا؟ زیرا برخی سازمان‌های حقوق بشر تحت تاثیر

آب به اعتراضات مکرر منجر شده که هر کدام به شدت سرکوب شده‌اند.

آلودگی هوا در تهران و اهواز جزو بدترین‌ها در جهان است. آلودگی اغلب به سطوح سمی می‌رسد و مدارس و کسب و کارها را مجبور به تعطیلی می‌کند. و کسانی که جرأت می‌کنند صحبت کنند، همچون فعالان محیط زیست مانند کاووس سیدامامی، زندانی یا کشته می‌شوند.

در همین حال، کشوری که روی دومین ذخایر بزرگ گاز جهان نشسته، قطع مداوم و سراسری برق را تجربه می‌کند. بیماران در بیمارستان‌ها می‌میرند، کسب‌وکارها ورشکسته می‌شوند و خانواده‌ها در تاریکی می‌مانند.

حتی ابتدایی‌ترین نیازها، از جمله خوراک، به کالاهای لوکسی تبدیل شده‌اند که فقط برای معدودی با امتیازات ویژه در دسترس است. در کشوری که باید یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان باشد، تعداد رو به رشدی از هموطنان من حتی نمی‌توانند نان بخردند، چه رسد به گوشت اینها همه از نتایج رژیم است که بجای حکومت، غارت و تاراج می‌کند. اما آنچه توسط جمهوری اسلامی ایجاد شده می‌تواند با سرنگونی آن حل شود.

امروز ما با فرصتی تاریخی روبرو هستیم. رژیم ضعیف‌تر از هر زمان دیگری است. محور مقاومت آن از هم پاشیده و مشروعیت داخلی آن تبخیر شده است. اکنون زمان عمل است.

بنابراین، به درخواست هموطنانم، من به جلو می‌آیم تا این جنبش و انتقال را رهبری کنم. نه برای خودم، نه برای پست یا قدرت، بلکه به خاطر انجام وظیفه‌ام به عنوان یک میهن‌پرست. استراتژی من برای براندازی این رژیم و بازسازی ایران روشن است:

- بسیج شبکه‌های مردمی در داخل ایران
- متحد کردن ایرانیان دیاسپورا در تبعید
- فشار بر دولت‌های G20 برای اعمال فشار حداکثری بر رژیم و ارائه پشتیبانی حداکثری به مردم ایران
- ایجاد شکاف در رژیم و تشویق به ریزش
- و آماده‌سازی برای ثبات سیاسی، انتخابات دموکراتیک، و توسعه و بازسازی اقتصادی ایران.

بنابراین، خانم‌ها و آقایان، من پیامی از یک ملت در بند برای شما می‌آورم. مردم ایران بیش از چهار دهه رنج کشیده‌اند، اما روح آنها همچنان شکست‌ناپذیر است. آنها نه تنها برای خودشان، بلکه برای ارزش‌های آزادی، عدالت و کرامت انسانی می‌جنگند.

این موضوع فقط درباره بقای ملت ما نیست، بلکه درباره ثبات بین‌المللی و صلح جهانی است. چرا که همانطور که در هفته گذشته از حملات تروریستی تا گروگانگیری را شاهد بودیم، جمهوری اسلامی با وجود ادعاهایش در داووس و درخواست‌هایش برای یک معامله جدید، هنوز به جنگ با جهان آزاد ادامه می‌دهد. تا زمانی که رژیم سرنگون نشود، این رفتارها متوقف نخواهد شد.

در طول دو هفته گذشته که در قاره اروپا سفر کرده‌ام، با مقامات حکومتی از تمام احزاب و گرایش‌ها صحبت کرده‌ام. من می‌دانم که ایرانیان و آلمان دموکراتیک آنها دوستان زیادی در سراسر اروپا دارند و تعداد این دوستان در حال افزایش است. اما به کسانی که سعی در ساکت کردن ما یا مسدود کردن راه ما را دارند می‌گویم: ما منتظر چراغ سبز شما نیستیم. ملت ایران از شما ترجم می‌خواهند. آنها خواهان شراکت شما هستند. سوال ما این است: آیا با ما همراه می‌شوید؟ سپاسگزارم.

## برگزاری «نشست همگرایی مونیخ» با تأکید بر اصول همکاری احزاب آزادیخواه و میهن‌پرست و رهبری شاهزاده رضا پهلوی در انقلاب ملی ایران

خواهیم رفت.

● در بیانیه پایانی این نشست بر سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری دوباره‌ی یک دولت ملی از مسیر یک انقلاب ملی، بر یکپارچگی و تجزیه‌ناپذیری کشور و «ملت ایران»، بر تأمین حقوق بنیادین بشر و رفع انواع تبعیض‌ها و نگاهبانی از محیط زیست تأکید شده است.

● در این بیانیه همچنین بر نقش شاهزاده رضا پهلوی به عنوان «رهبر انقلاب ملی و دوران گذار تا زمان انتخاب اولین مجلس و دولت دموکراتیک از طریق انتخابات آزاد» تأکید شده و آمده است: «بر پایه خواست ملت ایران که در سال‌های اخیر در شعارها و پیام‌های آنها جلوه‌گر شده است ما شاهزاده رضا پهلوی را رهبر انقلاب ملی و دوران گذار تا زمان شکل‌گیری نخستین مجلس ملی و آغاز به کار دولت دموکراتیک از طریق انتخابات آزاد می‌دانیم و با تمام توان از ایشان در این مسیر پشتیبانی خواهیم کرد.»

«نشست همگرایی مونیخ» با حضور شاهزاده رضا پهلوی و جمعی از فعالان سیاسی و نمایندگان احزاب و گروه‌های ملی‌گرا و همچنین خبرنگاران رسانه‌های مختلف روز یکشنبه ۱۶ فوریه ۲۰۲۵ (۲۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۳) در ایالت بایرن واقع در جنوب آلمان برگزار شد.



شاهزاده رضا پهلوی در «نشست همگرایی مونیخ» / یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۳ / ۱۶ فوریه ۲۰۲۵

در آغاز این نشست که نزدیک به پنج ساعت به طول انجامید، شاهزاده پهلوی تأکید کرد هدف از این نشست راه‌اندازی تشکیلات جدید نیست و می‌خواهیم بین گروه‌هایی که به سه اصل «تمامیت ارضی ایران»، «تشکیل یک حکومت سکولار دموکراتیک» و «حقوق بشر» باور دارند، «مکانیسم همکاری» ایجاد کنیم.

در این نشست نمایندگانی از احزاب مختلف از جمله «ایران نوین»، «رستاخیز ایرانیان»، «حزب مشروطه ایران» / لیبرال دموکرات»، «جمعیت جمهوریخواهان حامی شاهزاده رضا پهلوی»، «حزب پان ایرانیست»، «ایرانیان کرد میهن‌پرست»، «نهاد مردمی»، «هفت آبان»، «سازمان مشروطه»، «مؤسسه امید» و گروه‌های ملی‌گرای دیگر حضور داشتند و پیشنهادات خود را برای اضافه شدن به اصول ۱۰ ماده‌ای اولیه «پروژه شکوفایی ایران» ارائه دادند. این اصول در همایشی که «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در اوایل مهرماه ۱۴۰۳ در شهر واشنگتن برگزار کرده بود ارائه شده بودند.

● «نشست همگرایی مونیخ» با حضور شاهزاده رضا پهلوی و جمعی از فعالان سیاسی و نمایندگان احزاب و گروه‌های ملی‌گرا و همچنین خبرنگاران رسانه‌های مختلف روز یکشنبه ۱۶ فوریه ۲۰۲۵ (۲۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۳) در ایالت بایرن واقع در جنوب آلمان برگزار شد.

● در آغاز این نشست شاهزاده پهلوی تأکید کرد هدف از این نشست راه‌اندازی تشکیلات جدید نیست و می‌خواهیم بین گروه‌هایی که به سه اصل «تمامیت ارضی ایران»، «تشکیل یک حکومت سکولار دموکراتیک» و «حقوق بشر» باور دارند، «مکانیسم همکاری» ایجاد کنیم ● در این نشست مطرح شد که بسیاری از مردم ایران شاهزاده رضا پهلوی را در نقش «رضاشاه دوم» می‌بینند و او را پادشاه ایران می‌دانند. وی در واکنش به این موضوع گفت: «اصرار بر اینکه آیا رضا پهلوی در آینده باید نقشی داشته باشد یا نه، واقعاً بحثی زودرس است، اگر از من انتظار دارید که رهبری ملی را به عهده بگیرم از حالا خط و نشان کشیدن، نه تنها اختلاف درست می‌کند بلکه به حاشیه



را نیز در یک فرآیند شفاف عدالت انتقالی به سرانجام برسانیم.

(۷) ما بر این باوریم که در فردای پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، دولت ایران برای بیشینه کردن منافع ملی، و تامین صلح و ثبات منطقه، می‌بایست با همه دولت‌های جهان، گفتگو، تنش‌زدایی و همکاری کند.

(۸) ما به بازسازی اقتصاد کشور در چارچوب یک اقتصاد بازاربنیان که فرصت‌های لازم را برای همه ایرانیان فراهم کند باور داریم. دولت ملی در ایران با ایجاد شرایط مساعد برای بروز بیشتر و استفاده بهتر از روحیه کارآفرین ایرانیان داخل و خارج کشور، رفاه و رشد اقتصادی و توسعه پایدار را برای ملت ایران به ارمغان خواهد آورد.

(۹) ما متعهد می‌شویم که از همه‌ی حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان ایران شامل آزادی بیان و رسانه، آزادی اینترنت و گردش اطلاعات، آزادی ادیان و باورها، آزادی انجمن و اجتماعات، آزادی زنان، آزادی پوشش و دیگر آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و مدنی دفاع کنیم، و در رفع تبعیض‌های مذهبی، جنسیتی و جنسی با همه توان خویش بکوشیم.

(۱۰) ما متعهد به نگاهبانی از محیط زیست، حیات وحش، منابع طبیعی و میراث فرهنگی کشور ایران هستیم و در این مسیر بر نقش مهم دولت ملی در کنار عموم مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد تاکید داریم.

(۱۱) بر پایه خواست گسترده مردم ایران که در سال‌های اخیر در شعارها و پیام‌های آنها جلوه‌گر شده است، ما شاهزاده رضا پهلوی را رهبر انقلاب ملی و دوران گذار، تا زمان شکل‌گیری نخستین مجلس ملی و آغاز به کار دولت دموکراتیک از طریق انتخابات آزاد می‌دانیم و با تمام توان از ایشان در این مسیر پشتیبانی خواهیم کرد.

(۱۲) ما پرچم سه رنگ شیروخورشید نشان ایران را که ریشه در تاریخ درازآهنگ و بهم پیوسته دولت و ملت ایران دارد، نماد وحدت ملی و پرچم مبارزات گسترده ملت ایران می‌دانیم و مبارزه خود را دوشادوش هم زیر این پرچم ادامه خواهیم داد

دموکراتیک از طریق انتخابات آزاد می‌دانیم و با تمام توان از ایشان در این مسیر پشتیبانی خواهیم کرد.» همچنین بر اساس بیانیه این نشست، «پرچم شیروخورشید» پرچم ملی ایران و نماد مبارزه علیه جمهوری اسلامی خواهد بود متن کامل این بیانیه ۱۲ ماده‌ای با عنوان «اصول و چارچوب همکاری احزاب، سازمان‌ها و افراد آزادیخواه و میهن‌پرست» به شرح زیر است:

(۱) ما خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار دگرباره یک دولت ملی در ایران هستیم و بر این باوریم که تحقق این هدف، از مسیر یک انقلاب ملی می‌گذرد. ما متعهد می‌شویم که برای پیروزی انقلاب ملی ایران با یکدیگر همکاری کنیم.

(۲) ایران کشوری است یکپارچه و تجزیه‌ناپذیر، با یک ملت به نام «ملت ایران». بر این اساس، التزام به حفظ تمامیت ارضی و یگانگی ملت ایران، پایه فهم مشترک و شرط نخست و غیرقابل مذاکره‌ی هرگونه همکاری سیاسی برای نجات ایران است.

(۳) ما باورمند و متعهد به برقراری یک حکومت قانون در ایران بر پایه دموکراسی سکولار هستیم که حقوق بنیادین بشر را برای همه شهروندان ایران تامین و تضمین کند.

(۴) ما متعهد می‌شویم که از حق بدیهی ملت ایران برای انتخاب شکل نظام آینده کشور از طریق یک انتخابات آزاد، دموکراتیک و منصفانه دفاع کنیم.

(۵) در مسیر پیروزی انقلاب ملی ایران، ترجیح ما پرهیز از خشونت است. اما در مقابل خشونت سازمانیافته و عریان جمهوری اسلامی، ما از حق ملت ایران برای محافظت از خود و یکدیگر دفاع می‌کنیم.

(۶) ما به استراتژی فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی، حمایت حداکثری از ملت ایران و انقلاب ملی‌شان، و ریزش حداکثری از جمهوری اسلامی باور داریم. ما در چارچوب این استراتژی با هم همکاری می‌کنیم، و متعهد می‌شویم که حقیقت‌یابی در خصوص همه جنایات رژیم، و رسیدگی به پرونده ناقضان حقوق بشر و مرتکبان جنایت علیه بشریت

یکی از پیشنهاداتی که از سوی نمایندگان برخی احزاب مطرح شد مربوط به «اصل رهبری» بود. آنها از شاهزاده رضا پهلوی که پیشتر اعلام کرده بود بنا به خواست حامیانش مسئولیت رهبری دوران گذار را می‌پذیرد، خواستند تا به صورت رسمی رهبری انقلاب ملی علیه رژیم جمهوری اسلامی را بپذیرد.

از دیگر پیشنهادات مطرح شده در این نشست، اضافه شدن اصل «عدالت انتقالی» به اصول ۱۰ گانه بود.

در این نشست مطرح شد که بسیاری از مردم ایران شاهزاده رضا پهلوی را در نقش «رضاشاه دوم» می‌بینند و او را پادشاه ایران می‌دانند. در واکنش به این موضع وی گفت: «اصرار بر اینکه آیا رضا پهلوی در آینده باید نقشی داشته باشد یا نه، واقعاً بحثی زودرس است، اگر از من انتظار دارید که رهبری ملی را به عهده بگیرم از حالا خط و نشان کشیدن، نه تنها اختلاف درست می‌کند بلکه به حاشیه خواهیم رفت.»

او با تاکید بر اینکه نظام آینده و نقش‌ها را صندوق رأی پس از جمهوری اسلامی تعیین خواهد کرد و طرح و اصرار بر این مباحث در شرایط کنونی بی‌فایده است، گفت که «از من انتظار نداشته باشید مدیریت کارهای اجرایی را به عهده بگیرم، این وظیفه‌ای است که بر عهده «کمیته هماهنگی» است که از بین خود شما باید تشکیل شود و اصلی‌ترین مأموریت آن «ایجاد هماهنگی، اطلاع‌رسانی و یاریگری برای پروژه شکوفایی ایران است.»

شاهزاده در ادامه افزود: «ما اینجا نیستیم که برای آینده تعیین سرنوشت کنیم که حکومت آینده ایران جمهوری یا پادشاهی باشد... هدف ما امروز فقط نجات ایران است و در آینده رسالت ما امکان برگزاری انتخابات آزاد در ایران است.»

### انتقاد از رفتارهای تند و افراطی

در ادامه این نشست، به برخورد اشخاص و گروه‌های افراطی که خود را طرفدار پادشاهی معرفی می‌کنند نیز اشاره شد. از جمله اینکه آنها از الفاظ توهین‌آمیز در مراودات سیاسی مثلاً خطاب به دولت آلمان استفاده کرده‌اند. رضا پهلوی با تکرار مواضع پیشین خود در این ارتباط که بارها توضیح داده است، گفت: «اینجا هستیم تا در مقابل آنهایی که با برخورد زننده و نادرست ضد مرام و اصول دموکراسی برخورد می‌کنند فاصله بگیریم و از آنها اعلام برائت کنیم... شوخی هم نداریم چون این رفتارها به ضرر مسیر دموکراسی است و متأسفانه به نام طرفداری از من برخوردهایی می‌کنند که دود آن در چشم ما و بقیه می‌رود. تنها راه به حاشیه بردن حاشیه‌سازان این است که فصل جدید همکاری آغاز شود.»

پس از پایان بخش اول این نشست، نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی و فعالان سیاسی مستقل با بحث و تبادل نظر در ساعت تنفس، بر سر یک بیانیه ۱۲ ماده‌ای به توافق رسیدند. این بیانیه در آغاز کنفرانس خبری و پرسش و پاسخ که در ادامه «نشست همگرایی مونیخ» برگزار شد، اعلام و خوانده شد بر اساس این بیانیه، بر نقش شاهزاده رضا پهلوی از سوی گروه‌های شرکت‌کننده در این نشست به عنوان «رهبر انقلاب ملی و دوران گذار تا زمان انتخاب اولین مجلس و دولت دموکراتیک از طریق انتخابات آزاد» تاکید شده و آمده است: «بر پایه خواست ملت ایران که در سال‌های اخیر در شعارها و پیام‌های آنها جلوه‌گر شده است ما شاهزاده رضا پهلوی را رهبر انقلاب ملی و دوران گذار تا زمان شکل‌گیری نخستین مجلس ملی و آغاز به کار دولت

## شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با کیهان لندن:

# فلسفه‌ی مبارزه‌ی من، برگرداندن قدرت به مردم است



۳۰ بهمن ۱۴۰۳ به عنوان سخنران در هفدهمین «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» حضور یابد و بار دیگر صدای ملت ایران و آزادی و حقوق آنها باشد.

در حاشیه کنفرانس ژنو، پانته‌آ مدیری این فرصت را یافت تا به گفتگویی کوتاه با ولیعهد ایران بپردازد.

شاهزاده رضا پهلوی در سفر اروپایی خود پس از دیدار و گفتگو با سیاستمداران و برخی محافل اجتماعی و مدنی بریتانیا و فرانسه با وجود دو بار لغو دعوت کنفرانس امنیتی مونیخ تحت فشار دولت آلمان و تهدیدات جمهوری اسلامی، راهی مونیخ شد تا در جمع ایرانیان حاضر شود و در «نشست همگرایی مونیخ» شرکت کند و سپس روز سه‌شنبه



## گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با «فاکس نیوز»: برای تغییر رژیم در ایران «فرصت طلایی» به وجود آمده است



گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پیرز مورگان / فوریه ۲۰۲۵

چیز، قلم برای قربانیان تمام این درگیری‌ها می‌تپد، اما باید به تنها راه حل دائمی و واقعی فکر کنیم. دوباره تأکید می‌کنم که وقتی در ایران رژیمی وجود دارد که عامل بی‌ثباتی، تشدید تنش و حامی تروریسم است، چگونه می‌توان در چنین فضایی از صلح مشروع، پایدار و ماندگار صحبت کرد؟ به نظرم، عامل کلیدی برای تغییر وضعیت در سراسر خاورمیانه، نبود این رژیم است.

**آیت‌الله چه زمانی کنار می‌رود؟**

او در پاسخ به این پرسش که «چطور می‌شود آیت‌الله‌ها را از سناریوهای منطقه کنار گذاشت؟» توضیح داد: «همانطور که همیشه گفته‌ام، فرمولی که ما همیشه به آن پایبندیم این است که مردم ایران، خودشان عامل اصلی تغییر هستند. آنها نیروهای واقعی روی زمین هستند.» مورگان از رضا پهلوی پرسید: «شما سناریویی شبیه آنچه در سوریه دیدیم، متصور هستید؟» او پاسخ داد: «ایران از نظر ساختار اجتماعی و سیاسی، کشوری منحصر به فرد است و نمی‌توان آن را با عراق، افغانستان یا سوریه مقایسه کرد.» مورگان در ادامه پرسید: «اما از نظر خیزش و قیام مردمی برای غلبه بر رژیم در داخل کشور چطور؟» رضا پهلوی توضیح داد: «این همان چیزی است که مردم ایران سال‌هاست در تلاش برای انجام آن هستند، اما در این نبرد تنها مانده‌اند و هیچ حمایتی از جهان خارج دریافت نکرده‌اند.»

**اولویت ترامپ در مورد ایران می‌بایست چه باشد؟**

مورگان به عنوان آخرین سؤال از رضا پهلوی پرسید: «اگر یک درخواست برای کمک از پرزیدنت ترامپ داشته باشید، آن چیست؟» او پاسخ داد: «چیزی که در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ و کارزار فشار حداکثری یاد گرفتیم، این است که این سیاست بدون شک مؤثر بود، اما کافی نیست. به همین دلیل، پیشنهاد می‌کنم که در کنار سیاست فشار حداکثری، حمایت حداکثری از مردم نیز وجود داشته باشد. امیدوارم اروپا نیز به این سیاست بپیوندد و عناصر دیگری هم اضافه شوند تا فشار افزایش یابد.»

در پایان، مورگان خطاب به شاهزاده پهلوی گفت: «هر بار که شما را می‌بینم، اتفاقات تاریخی رخ داده است.» رضا پهلوی با لبخند پاسخ داد: «پس بیایید توافق کنیم دفعه بعد هم اضافه شوند تا فشار افزایش یابد.»

که منبع اصلی بی‌ثباتی است، پایان بدهند.»

رضا پهلوی در بخش دیگری از این مصاحبه، «سرنگونی جمهوری اسلامی» را زمینه‌ساز همکاری‌های واقع‌بینانه و پایدار برای حل مسائل منطقه، از جمله مسئله اسرائیل و فلسطین دانست و تأکید کرد: «اما تا وقتی جمهوری اسلامی در حال خرابکاری است، چنین چیزی ممکن نیست، زیرا هرچند که نیابتی‌های رژیم تضعیف شده‌اند، اما تفکر پشت آنها همچنان پابرجاست.»

او در ادامه توضیح داد: «به نظرم، نابودی یک ایدئولوژی فقط با کشتن افراد، کار بسیار دشواری است. آنچه برای از بین بردن یک ایدئولوژی لازم است، این است که مردم یک گزینه جایگزین داشته باشند تا بتوانند از این رژیم که با ایدئولوژی خود دنبال سلطه‌جویی است، رهایی یابند. این شبیه تفکر کمونیستی در دوران جنگ سرد در اتحاد جماهیر شوروی یا حکومت دینی اسلامی کنونی است که در تلاش است ایدئولوژی خود را صادر کند، همانطور که خمینی و تمام دیدگاه او بر پایه صدور این ایدئولوژی به سراسر جهان بنا شده بود. اما برای آن جایگزین وجود دارد، زیرا خواسته مردم ایران امروز همان ارزش‌هایی است که جهان آزاد از آنها برخوردار و به آن پایبند است: حقوق بشر، دموکراسی و عدم تبعیض در هر شکل و نوع. این دقیقاً همان چیزی است که مردم ایران می‌خواهند؛ درست برعکس رژیمی که ذاتاً با این ارزش‌ها در تضاد است و نمی‌تواند با جهانی که بر اساس این اصول بنا شده، همزیستی داشته باشد.»

رضا پهلوی تأکید کرد: «هرگز نمی‌توان با رژیم ایران به یک نتیجه منطقی از طریق سازش رسید و نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. به همین دلیل، آنها هرگز [سازش] را نخواهند پذیرفت، حتی در آخرین تلاش‌های پرزیدنت ترامپ که همچنان فرصتی دیگر برای آن فراهم کرده تا مسیر درست را انتخاب کند، خامنه‌ای [پیشنهاد مذاکره] را رد کرد، اما نه به این دلیل که منطقی نبود!»

**طرح ترامپ برای آینده غزه**

یکی از پرسش‌های مورگان از شاهزاده پهلوی درباره طرح دونالد ترامپ برای صلح و بازسازی غزه و انتقال ساکنان آن به مصر و اردن بود. او گفت: «پیش از هر

● شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با پیرز مورگان در شبکه «فاکس نیوز» با اشاره به ضرورت «بازتنظیم سیاست دولت‌های غربی در خاورمیانه» بر ضعف بی‌سابقه جمهوری اسلامی و افزایش انگیزه مردم ایران برای سرنگونی این رژیم تأکید کرد.

● او در این مصاحبه ۱۰ دقیقه‌ای که ۱۳ فوریه (۲۵ بهمن‌ماه) پخش شد، گفت: «در ۴۶ سال گذشته، هیچگاه رژیم ایران را تا این اندازه ضعیف و در مقابل، مردم ایران را تا این حد مصمم و استوار ندیده بودم.»

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با پیرز مورگان در شبکه «فاکس نیوز» با اشاره به ضرورت «بازتنظیم سیاست دولت‌های غربی در خاورمیانه» بر ضعف بی‌سابقه جمهوری اسلامی و افزایش انگیزه مردم ایران برای سرنگونی این رژیم تأکید کرد.

او در این مصاحبه ۱۰ دقیقه‌ای که ۱۳ فوریه (۲۵ بهمن‌ماه) پخش شد، گفت: «در ۴۶ سال گذشته، هیچگاه رژیم ایران را تا این اندازه ضعیف و در مقابل، مردم ایران را تا این حد مصمم و استوار ندیده بودم.»

رضا پهلوی عنوان کرد: «از دست دادن نیروهای نیابتی و سقوط رژیم بشار اسد در سوریه ضربه سنگینی به رژیم اسلامی و ابزارهای دخالت‌های برون‌مرزی آن برای ایجاد آشوب در منطقه وارد کرده است و به همین دلیل، رژیم در حال حاضر در تنگنای کامل قرار گرفته است.»

او در پاسخ به پرسشی در مورد «روند سریع سرنگونی بشار اسد در سوریه» و «احتمال تکرار خیزشی مشابه در ایران» گفت: «در طول سال‌ها و دهه‌ها، اعتراضات مردم ایران، به ویژه پس از انقلاب مهسا، افزایش یافته است. این یعنی مردم بیش از پیش آماده عبور از این رژیم هستند. شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» در خیابان‌ها بلندتر از همیشه شده است، از جمله در چند روز گذشته که چهل و ششمین سالگرد انقلاب بود. آنچه برای همه ما مهم است، این است که باور کنیم یک هماهنگی بی‌سابقه از عوامل مختلف شکل گرفته است. یک فرصت طلایی برای پایان دادن به ریشه اصلی بحران‌های منطقه، یعنی جمهوری اسلامی، ایجاد شده است.»

**گزینه سوم: حمایت از مردم ایران**

شاهزاده پهلوی با تأکید مجدد بر آمادگی مردم ایران برای تغییر رژیم افزود: «آنچه مهم است، این است که برخی دولت‌ها که از این واقعیت عقب مانده‌اند، خود را با آن هماهنگ کنند. چرا این موضوع اهمیت دارد؟ زیرا همانطور که تمایل دارند از درگیری یا تشدید آن جلوگیری کنند، تنها راه جلوگیری از درگیری، به ویژه زمانی که دیپلماسی که از ابتدا بر پایه یک پیش‌فرض غلط، یعنی تغییر رفتار رژیم، بنا شده بود، نتوانسته به هدف خود برسد، این است که سیاست خود را تغییر بدهند.»

او تأکید کرد: «بهترین راه برای جلوگیری از این مشکل، کنار گذاشتن دیپلماسی شکست‌خورده‌ای است که مستقیماً به درگیری و جنگ منجر شده است و ارائه گزینه‌ی سوم که همان توانمندسازی مردم ایران است. بنابراین، سیاست فشار حداکثری که تا کنون بر رژیم اعمال شده، باید با سیاست حمایت حداکثری از مردم همراه شود تا مردم بتوانند به هدف نهایی خود، یعنی آزادی، دست یابند و به این رژیم

## بیانیه «اصول و چارچوب همکاری احزاب، سازمان‌ها و افراد آزادیخواه و میهن‌پرست»



شاهزاده رضا پهلوی در «نشست همکاری مونیخ» / یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۳ / ۱۶ فوریه ۲۰۲۵

حقیقت‌یابی در خصوص همه جنایات رژیم، و رسیدگی به پرونده ناقضان حقوق بشر و مرتکبان جنایت علیه بشریت را نیز در یک فرآیند شفاف عدالت انتقالی به سرانجام برسانیم (۷) ما بر این باوریم که در فردای پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، دولت ایران برای پیشینه کردن منافع ملی، و تأمین صلح و ثبات منطقه، می‌بایست با همه دولت‌های جهان، گفتگو، تنش‌زدایی و همکاری کند.

(۸) ما به بازسازی اقتصاد کشور در چارچوب یک اقتصاد بازاریبنا که فرصت‌های لازم را برای همه ایرانیان فراهم کند باور داریم. دولت ملی در ایران با ایجاد شرایط مساعد برای بروز بیشتر و استفاده بهتر از روحیه کارآفرین ایرانیان داخل و خارج کشور، رفاه و رشد اقتصادی و توسعه پایدار را برای ملت ایران به ارمغان خواهد آورد.

(۹) ما متعهد می‌شویم که از همه حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان ایران شامل آزادی بیان و رسانه، آزادی اینترنت و گردش اطلاعات، آزادی ادیان و باورها، آزادی انجمن و اجتماعات، آزادی زنان، آزادی پوشش و دیگر آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و مدنی دفاع کنیم، و در رفع تبعیض‌های مذهبی، جنسیتی و جنسی با همه توان خویش بکوشیم.

(۱۰) ما متعهد به نگاهیانی از محیط زیست، حیات وحش، منابع طبیعی و میراث فرهنگی کشور ایران هستیم و در این مسیر بر نقش مهم دولت ملی در کنار عموم مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد تأکید داریم.

(۱۱) بر پایه خواست گسترده مردم ایران که در سال‌های اخیر در شعارها و پیام‌های آنها جلوه‌گر شده است، ما شاهزاده رضا پهلوی را رهبر انقلاب ملی و دوران گذار، تا زمان شکل‌گیری نخستین مجلس ملی و آغاز به کار دولت دموکراتیک از طریق انتخابات آزاد می‌دانیم و با تمام توان از ایشان در این مسیر پشتیبانی خواهیم کرد.

(۱۲) ما پرچم سه رنگ شیروخورشیدنشان ایران را که ریشه در تاریخ درازآهنگ و بهم پیوسته دولت و ملت ایران دارد، نماد وحدت ملی و پرچم مبارزات گسترده ملت ایران می‌دانیم و مبارزه خود را دوشادوش هم زیر این پرچم ادامه خواهیم داد.

روز یکشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۳ برابر با ۱۶ فوریه ۲۰۲۵ «نشست همکاری مونیخ» با حضور شاهزاده رضا پهلوی و شماری از فعالان سیاسی مستقل و نمایندگان احزاب و گروه‌های ایرانی آزادیخواه و میهن‌پرست و همچنین خبرنگاران رسانه‌های مختلف در ایالت بایرن واقع در جنوب آلمان برگزار شد. در پایان این نشست که تقریباً پنج ساعت به طول انجامید، پس از تبادل نظر و پرسش و پاسخ بیانیه‌ای صادر شد که متن آن را در ادامه می‌خوانید.

اصول و چارچوب همکاری احزاب، سازمان‌ها و افراد آزادیخواه و میهن‌پرست

(۱) ما خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار دگرباره یک دولت ملی در ایران هستیم و بر این باوریم که تحقق این هدف، از مسیر یک انقلاب ملی می‌گذرد. ما متعهد می‌شویم که برای پیروزی انقلاب ملی ایران با یکدیگر همکاری کنیم.

(۲) ایران کشوری است یکپارچه و تجزیه‌ناپذیر، با یک ملت به نام «ملت ایران». بر این اساس، التزام به حفظ تمامیت ارضی و یگانگی ملت ایران، پایه فهم مشترک و شرط نخست و غیرقابل مذاکره هرگونه همکاری سیاسی برای نجات ایران است.

(۳) ما باورمند و متعهد به برقراری یک حکومت قانون در ایران بر پایه دموکراسی سکولار هستیم که حقوق بنیادین بشر را برای همه شهروندان ایران تأمین و تضمین کند.

(۴) ما متعهد می‌شویم که از حق بدیهی ملت ایران برای انتخاب شکل نظام آینده کشور از طریق یک انتخابات آزاد، دموکراتیک و منصفانه دفاع کنیم.

(۵) در مسیر پیروزی انقلاب ملی ایران، ترجیح ما پرهیز از خشونت است. اما در مقابل خشونت سازمانیافته و عریان جمهوری اسلامی، ما از حق ملت ایران برای محافظت از خود و یکدیگر دفاع می‌کنیم.

(۶) ما به استراتژی فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی، حمایت حداکثری از ملت ایران و انقلاب ملی‌شان، و ریزش حداکثری از جمهوری اسلامی باور داریم. ما در چارچوب این استراتژی با هم همکاری می‌کنیم، و متعهد می‌شویم که

مارکو روییو:

## مردم ایران از جمهوری اسلامی و رهبران آن متنفرند

● وزیر خارجه آمریکا در آستانه سفر به خاورمیانه برای دیدار با رهبران اسرائیل، عربستان و امارات، با هدف «مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده» حکومت ایران و گروه‌های نیابتی آن، می‌گوید: «مردم ایران از رژیم جمهوری اسلامی متنفرند».

● مارکو روییو، ۱۳ فوریه (۲۵ بهمن‌ماه)، در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» درباره چالش‌ها و برنامه‌های وزارت خارجه آمریکا و سیاست‌های دولت دونالد ترامپ در خاورمیانه صحبت کرد.

● روییو در این مصاحبه توضیح داد: «آنها [جمهوری اسلامی] کشورشان را نابود کردند، میلیاردها دلار را صرف حزب‌الله و گروه‌های تروریستی کردند و هیچ کاری برای مردم خود انجام ندادند. بنابراین، مشکلات داخلی بزرگی دارند و فکر می‌کنم که در این بازی شکست خورده‌اند. حزب‌الله و حماس ضعیف شده‌اند، سوریه را از دست داده‌اند و از آن کشور بیرون رانده شده‌اند».

وزیر خارجه آمریکا در آستانه سفر به خاورمیانه برای دیدار با رهبران اسرائیل، عربستان و امارات، با هدف «مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده» حکومت ایران و گروه‌های نیابتی آن، می‌گوید: «مردم ایران از رژیم جمهوری اسلامی متنفرند».

مارکو روییو، ۱۳ فوریه (۲۵ بهمن‌ماه)، در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» درباره چالش‌ها و برنامه‌های وزارت خارجه آمریکا و سیاست‌های دولت دونالد ترامپ در خاورمیانه صحبت کرد.

او با اشاره به اینکه رژیم ایران با از دست دادن حمایت حماس، حزب‌الله و پایگاه‌هایش در سوریه به شدت تضعیف شده است، گفت که دونالد ترامپ درباره آینده این رژیم و اعمال تحریم‌های بیشتر تصمیم‌گیری خواهد کرد.

روییو در این مصاحبه توضیح داد: «آنها [جمهوری اسلامی] کشورشان را نابود کردند، میلیاردها دلار را صرف حزب‌الله و گروه‌های تروریستی کردند و هیچ کاری برای مردم خود انجام ندادند. بنابراین، مشکلات داخلی بزرگی دارند و فکر می‌کنم که در این بازی شکست خورده‌اند. حزب‌الله و حماس ضعیف شده‌اند، سوریه را از دست داده‌اند و از آن کشور بیرون رانده شده‌اند».

او با اشاره به حملات اسرائیل به تأسیسات پدافندی جمهوری اسلامی و فروپاشی حکومت بشار اسد گفت: «رژیم ایران به شدت آسیب‌پذیر شده و باید فشار بیشتری بر آن اعمال کنیم تا زمانی که این فعالیت‌های مخرب را متوقف کند... آنها همچنان در تلاش‌اند تا به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند و به تأمین تسلیحات برای گروه‌های تروریستی، از جمله حوثی‌ها، ادامه می‌دهند. این گروه‌ها در یمن به کشتیرانی جهانی حمله کرده‌اند و باعث افزایش قیمت‌ها برای همه شده‌اند».

وزیر خارجه آمریکا در بخش دیگری از این مصاحبه تأکید کرد: «تا زمانی که رژیم ایران به ترویج

→ تروریسم بین‌المللی از طریق حزب‌الله، حماس و گروه‌هایی که در سوریه و عراق دارد ادامه دهد، باید با فشار بیشتری روبرو شود. نه تنها از سوی ما، بلکه از طرف سایر کشورهای جهان نیز باید خشم و مجازات اقدامات خود را احساس کند. ترامپ گزینه‌های متعددی برای این کار در اختیار دارد.»



مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا / عکس: رویترز

#### هدف ترامپ در قبال ایران

او توضیح داد: «رئیس‌جمهور آمریکا قصد دارد جمهوری اسلامی را وادار کند که از حمایت از تروریست‌ها دست بردارد، بی‌ثبات کردن منطقه را متوقف کند و از تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت مسلط در خاورمیانه صرف نظر کند... این رفتارها باید پایان یابد. جمهوری اسلامی تهدیدی مستقیم برای اسرائیل و آمریکا است و این تهدید باید برطرف شود. ترامپ قصد دارد بازدارندگی را دوباره برقرار کند.»

روبیو در این مصاحبه، ضمن اشاره به چالش‌ها و برنامه‌های وزارت خارجه آمریکا، تأکید کرد که رژیم ایران با از دست دادن پایگاه‌های خود در منطقه، بسیار تضعیف شده و دونالد ترامپ در مورد آینده این رژیم و تحریم‌های بیشتر علیه آن تصمیم‌گیری خواهد کرد.

مارک روبیو پیش از این در ۱۵ ژانویه (۲۶ دی‌ماه) در کنگره گفته بود، «من هیچ کشوری را نمی‌شناسم که اختلاف میان مردم و کسانی که بر آنها حکم می‌رانند بیشتر از ایران باشد... اجازه دهید به روشنی بگویم، وقتی از ایران صحبت می‌کنم، منظورم مَلاهاست؛ نه مردم ایران که از فرهنگی کهن و غنی برخوردارند.»

مارک روبیو ۱۳ فوریه (۲۵ بهمن‌ماه) برای شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ به این شهر سفر کرده است. گزارش شد که در مسیر بازگشت هواپیمای او دچار نقص فنی شد و مجبور شد به مونیخ بازگردد. او قرار است از ۱۵ تا ۱۸ فوریه به اسرائیل، عربستان سعودی و امارات متحده عربی سفر کند بر اساس بیانیه وزارت خارجه آمریکا، «محور اصلی این سفر آزاد ساختن گروگان‌های آمریکایی و همه گروگان‌های دیگر از اسارت حماس، حرکت رو به جلو به مرحله دوم توافق آتش‌بس در غزه، و مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده رژیم ایران و گروه‌های نیابتی وابسته به آن است.»

## شیخ قنبرعلی

(کیهان لندن شماره ۱۱۲۴) مهر ۱۳۸۵

خبراندیش (احمد احرار)



در معقولات سخن براند. در بدو ورود به تهران، شیخ با چند نفری از معاریف نزدیک شده بود از جمله محسن حداد و دکتر محمود شروین.

شب اولی که شیخ در منزل دیده‌ورها به منبر رفت ناگهان از داستان آفرینش و قصه آدم و حوا گریز زد به جغرافیای عالم و چگونگی سر برآوردن آب از دل خاک (به فرمان خداوند عالم) و تفکیک قاره‌ها و پیدایش جزایر و مجمع‌الجزایر و جاری شدن انهار و تبخیر آب و تبدیل به ابر و نزول باران و غیره.

معلوم شد که این معلومات را شیخ روز قبل در محضر مرحوم حداد فرا گرفته است تا شب، در منزل دیده‌ورها چاشنی روضه اهل‌البیت کند. اجمالاً آسمان و ریسمان را به هم دوخت و کم و بیش از عهده برآمد.

دیگر روز، شیخ می‌رود پیش دکتر شروین تا از او چیزهایی در زمینه علم طب بیاموزد و این بار از ترکیب طبابت و فقهت، خوراکی برای منبرش فراهم سازد.

مرحوم دکتر شروین را خوش‌جنسی غلبه می‌کند و شرحی درباره تحول علم طب از زمان کشف میکروب در انبان حافظه شیخ می‌ریزد بدین قرار که با کشف میکروب توسط لوئی پاستور دانشمند بزرگ فرانسوی تاریخ پزشکی ورق خورد و معلوم شد قسمت اعظم بیماریها توسط موجودات ذره‌بینی به انسان منتقل می‌شوند. این موجودات که در اصل «میک» نام دارند با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شوند مگر این که روی پارچه سفید و کاملاً تمیز بنشینند. به همین جهت است که پزشکان در وقت معاینه بیمار، روپوش سفید لباده‌مانند می‌پوشند و چون این نوع لباس را در زبان فرانسه می‌گویند «رُب»، مثل روپوش‌ها یعنی لباس منزل، پس میکرب ترکیبی است از دو کلمه «میک» و «رُب»!

حالا خودتان مجسم کنید که چه کربلاست امشب... دهه عاشوراست. مجلس عزاداری خامس آل عبا در منزل دو شخصیت محترم و با حضور عده‌ای از رجال و معاریف و اهل فضل. شیخ بر منبر نشسته و این مهملات را به هم می‌بافد و تحویل می‌دهد. علاءالدین میرزا آن طرف توی کله کچل خود می‌زند، ضیاءالدین میرزا این طرف و مستمعین، سرها را در گریبان فرو برده به خود زور می‌آورند مبادا که از خنده منفجر شوند...

هر بار که یکی از این علمای اعلام و حجج اسلام، فی‌المثل آیت‌الله جنتی یا آیت‌الله خزعلی، در خطبه‌های نماز جمعه ضمن مابقی افاضات و افادات خود، گریز به صحرای هسته‌ای می‌زند و با آب و تاب درباره کیک زرد و پلوتونیوم اورانیوم و سانتریفوژ و آب سبک و آب سنگین داد سخن می‌دهد، مخلص شما را از تونل زمان به سالها پیش برمی‌گرداند و به یاد شیخ قنبرعلی می‌اندازد و منبر رفتن او در منزل شازده دیده‌ور.

شیخنا، طلبه دهاتی ساده‌ضمیری بود که در سالهای پر غوغای ملی شدن نفت آمده بود به تهران و در مجامع و مجالس می‌پلکید و از منزل بهبهانی به منزل کاشانی و از آنجا به منزل امام‌جمعه می‌رفت و می‌کوشید سری توی سرها درآورد. به‌وساطت یکی از بستگان مرحوم کاشانی، که می‌خواست نانی توی سفره شیخ بگذارد، مرحوم ضیاءالدین میرزا دیده‌ور از شیخ دعوت کرده بود دهه اول محرم را در منزل ایشان منبر برود.

دیده‌ورها دو برادر بودند از سلاله قاجار که در محله سنتی شاهزادگاه قجر - پامانار - منزل داشتند و طبق مرسوم سنواتی، در منزل بزرگ و قدیمی‌شان، دهه اول ماه محرم را شبی چند ساعت مجلس عزاداری حسینی برپا می‌کردند. نظر به تشخص فردی و خانوادگی این دو برادر، که یکی از آنها مدتی هم معاونت وزارتخانه‌ای را به‌عهده داشت، مستمعین مجلس روضه‌خوانی عموماً اشخاصی از طبقات متعین بودند و منبر رفتن در چنین مجلسی، برای اهل منبر هم فال بود هم تماشا. هم منبر می‌رفتند و ذکر مصیبتی می‌گفتند و حق‌القدمی عاید می‌کردند، هم با رجال و معاریف آشنا می‌شدند.

شیخ قنبرعلی جوان بود و جویای نام. با آن که سواد حوزوی او از «سطح» تجاوز نمی‌کرد، به این قانع نبود که مثل یک روضه‌خوان معمولی بر منبر بجهد و از قساوت شمر و شقاوت یزید و جسارت ابن‌زیاد و ظلمی که از ناحیه آن اشقیاء بر امام و انصارش رفته بود چند کلمه‌ای بگوید و اشکی بگیرد و پائین بیاید.

حال که چنان فرصتی پیش آمده و چنین منبری به دستش افتاده بود، لازم می‌دید جهت کسب اعتبار، چند کلمه‌ای هم

## اصلاحات ارضی: خدمت یا خیانت (۳)

برای ناسزا گفتن به شاه بهتر است موضوع دیگری غیر از برنامه مترقی  
اصلاحات ارضی پیدا کنید!

اگر اصلاحات ارضی ویرانگر و امّ الفساد بود چرا وقتی زمام امور به دست خودتان افتاد آن را باطل نکردید؟

## منوچهر خلخالی

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از اردیبهشت تا خرداد ماه ۱۳۸۳ - شماره ۱۰۰۴ - ۱۰۰۸)

مجری نخستین مرحله اصلاحات ارضی در آذربایجان طی مقاله‌ای مفصل به دفاع از این برنامه برخاسته و جنبه‌های مثبت آن را برشمرده است.

گزیده‌ای از این مقاله را که در آخرین شماره مجله ره آورد (چاپ لس آنجلس) انتشار یافته است برای مطالعه شما برگزیده‌ایم که در چهارشماره به نظرتان خواهد رسید.

به قدری ناراحت شدم که سرم درد گرفت. بلافاصله به سازمانهای مربوطه جریان را گفتم و تقاضا کردم موجباتی فراهم شود که عروس را فوراً به خانه داماد ببرند. ضمناً اضافه کردم اگر فوراً اقدام نشود، من خودم به محل می‌آیم گرچه این منطقه در محدوده مأموریت من نیست و عروس را به خانه داماد خواهم برد. خوشبختانه مأمورین فوراً بدون پرداخت پول همان روز عروس را به خانه داماد بردند.

برای آقای دکتر منطقه دیگری را متذکر می‌شوم. در يك منطقه آذربایجان زمین زیربنای ساختمان رعایا متعلق به ارباب بود، چوب سقف اطاقها و غیره را هم ارباب می‌داد، هر موقعی که ارباب یا مباشر یا کدخدا از رعیت ناراضی بودند، عین چوبهای ارباب را از رعیت مطالبه می‌کردند. اگر رعیت عین چوبها را نمی‌داد برای برداشت چوبها سقف را خراب می‌کردند و رعیت ناچار می‌شد از آن ده فرار کند. آقای دکتر ایزدی اگر در مثال عربده جو و تاکستان فرضی شما اشاره به يك یا چند عربده جو می‌فرمایند متأسفانه در سیستم ارباب رعیتی واقعی مملکت ما همان طور که در موارد مستند بالا اشاره شد، اکثریت مالکین متجاوز بودند، بنابراین نمونه فرضی شما قیاس مع الفارق می‌باشد.

در زمان نخست وزیری شادروان دکتر مصدق قانونی به تصویب مجلس رسید که به موجب آن ده درصد از سهم محصول مالک به مصرف احداث و تعمیر و تکمیل ساختمانهای عام‌المنفعه روستاها از قبیل مدرسه، حمام، راه و غیره می‌رسید. علیرغم تصویب لایحه و علاقه دولت به اجرای آن، فقط خالصجات دولتی و تعداد بسیار محدود مالکین آن را اجرا نمودند. بقیه مالکین کوچکترین اعتنایی به اجرای قانون نکردند. در صورتی که قانون مزبور شامل رفاه و ایجاد تسهیلاتی می‌شد که ۱۷ میلیون از ده نشین‌ها را در بر می‌گرفت. این مورد نیز مثال و شاهد دیگری است از این تعداد مالکین سودپرست و غاصب در روستاهای ایران برخلاف نظر آقای دکتر ایزدی که آنها را اقلیت محدود می‌دانند، اکثریت را تشکیل می‌دادند به طوری که دولت مقتدر دکتر مصدق نتوانست آنها را وادار به اجرای قانون نماید.

آقای دکتر می‌فرمایند که اگر به چند نفر ظلم می‌شد چرا به دادگاه مراجعه نمی‌کردند؟ این نظر نیز تصویری غیرعملی بود زیرا شاک، ۱۷ میلیون رعیت بی‌سواد و بدون امکانات در مقابل هزاران نفر افراد متجاوز متنفذ و دارای امکانات که تعویض استاندار و فرماندار و قاضی برایشان به سادگی انجام می‌گرفت.

مهدی بازرگان از جمله کسانیست که اصلاحات ارضی را مایه فساد و تیره بختی می‌دانند و براین باورند که شاه، با اجرای این برنامه آمریکایی پایه‌های نظم اقتصادی و روابط اجتماعی را در ایران متزلزل ساخت.

در پاسخ به مقاله‌های متعدد دکتر ایزدی در این زمینه، مهندس منوچهر خلخالی معاون پیشین وزارت کشاورزی و

شدم پرسیدم چرا این پول را پول تشک می‌گویند؟ پدر داماد جریان پول تشک را شرح داد و گفت براساس سنت این منطقه در سابق موقعی که عروس را به خانه داماد می‌بردند می‌بایستی قبلاً عروس را به خانه ارباب ببرند (شرم دارم



بقیه ماجرا را بنویسم) در هر صورت اگر ارباب بیمار بود یا در مسافرت بود یا حوصله نداشت و غیره، بستگاه عروس و داماد باید يك پول به ارباب بدهند. این پول را «پول تشک» می‌گویند. حالا ارباب این پول را مطالبه می‌کند تا بگذارد عروس به خانه داماد برود. من با شنیدن این توضیح

چهل سال پس از اجرای برنامه اصلاحات ارضی، هنوز این سؤال اختلاف برانگیز موضوع مباحثات روشنفکری و حتی مجادلات محفلی است که اصلاحات ارضی آیا خدمت بود یا خیانت. و آن را آمریکائیکها دیکته کردند یا از نیازها و ضرورت‌های ملی ریشه می‌گرفت.

دکتر علیمحمد ایزدی وزیر کشاورزی در کابینه مهندس

● کافی بود با يك فتوا کشاورزان را مکلف کنید که اراضی را به مالکین سابق برگردانند تا نظام ارباب رعیتی برقرار و مفاسد ریشه‌کن شود!

## پول تشک!

آقای دکتر ایزدی مرقوم می‌دارد: «عده‌ای از مالکین مخصوصاً در مناطقی که خانجانی هنوز رایج بود ظلم می‌کردند و حقوقشان را می‌بردند ولی تعداد مالکین ظالم در سطح مملکت نسبت به کل مملکت بسیار کم بود... چند نفر از اهالی يك شهر عربده‌ای و بدمستی و چاقوکشی و حتی مرتکب قتل و جنایت شوند آیا مجوزی به دست می‌دهد که دلسوزان و مصلحین جامعه دستور دهند کلیه درختان انگور منطقه را از ریشه درآورند؟ آیا راه اجتماعی برطرف کردن مفاسد این چنین است؟» از سخنان آقای دکتر ایزدی چنین استنباط می‌شود ایشان اصولاً روستاهای مناطق کشور را ندیده‌اند یا لاقلاً مطالعه نکرده‌اند و از نظام بهره‌برداری ارباب و رعیت (قرون وسطی) سابق کاملاً بی‌اطلاع هستند. همان طور که ایشان در بالا اشاره کردند تصور می‌کنند متجاوز و اجحاف کننده نسبت به رعیت در سابق چند نفر محدود بود ولی متأسفانه توجه ندارند تجاوز و اجحاف به موجب عرف و سنت هر منطقه متفاوت بود. آیا آقای دکتر اطلاع دارند در يك منطقه وقتی که عروس را به خانه داماد می‌برند باید فامیل عروس و داماد پول تشک را به ارباب بپردازند بعد ارباب اجازه بدهد عروس را به خانه داماد ببرند؟ اگر چه شرم دارم این موضوع را که من با آن برخورد کردم بنویسم ولی جهت اطلاع آن دسته از خوانندگان که آشنایی به سنت‌های نظام ارباب و رعیتی ندارند با تأسف اضافه می‌کنم. يك روز چند نفر زارع بسیار ناراحت و عصبانی به اطاق کار من (در مراغه) آمدند. یکی نفر از زارعین خود را معرفی کرد که من پدر داماد هستم. يك نفر را هم معرفی کرد و گفت ایشان هم پدر عروس می‌باشد. ما می‌خواهیم عروس را به خانه داماد ببریم، ارباب نمی‌گذارد، پول تشک می‌خواهد تا بگذارد عروس را ببرند خانه داماد. من گفتم ما هم در عروسی به دوستان و قوم خویش‌ها شیرینی می‌دهیم شما هم يك جعبه شیرینی به ارباب می‌داید و این اختلافات را تمام می‌کردید. پدر داماد جواب داد موضوع شیرینی نیست، ما هم فهم داریم. حتماً شیرینی برای ارباب می‌فرستایم ولی ارباب دو هزار تومان پول تشک می‌خواهد، ما هم این قدر پول نداریم. من کنجکاو

دیگر به نام وزارت اصلاحات و وزارت منابع طبیعی تشکیل گردید. بانک تعاون کشاورزی وام در اختیار هزاران شرکت تعاونی گذارد. شاید برخی از جمله آقای دکتر ایزدی تصور کنند که این اعتبارات از محل وام دریافتی از آمریکا تأمین می‌شد در صورتی که وام آمریکا فقط برای خرید لوازم و مهمات و تجهیز ارتش مصرف می‌شد.

### چرا ام‌الفساد را باطل نکردید؟

اگر آقای دکتر ایزدی ایمان دارند که برنامه اصلاحات ارضی، شوم و ویرانگر و ام‌الفساد است و تمام گرفتاری‌های اقتصادی و ناهنجاریهای اجتماعی از اصلاحات ارضی است خودشان در هنگامی که وزیر کشاورزی بودند می‌توانستند ام‌الفساد را باطل کنند و شفافبخش جامعه ایران شوند. معلوم



واگذاری اسناد مالکیت دهقانان توسط محمدرضا شاه

نیست چرا این فرصت طلایی را از دست دادند. در این موقع کافی بود ولایت فقیه به دهقانان اخطار (فتوا) می‌کرد این اراضی را که شما از مالک خریداری کرده‌اید چون معامله به زور انجام شده است و مالک یعنی فروشنده راضی نبود معامله حرام است، اولاد شما نیز چون از معامله حرام تغذیه کرده است لذا حرام‌زاده به دنیا خواهند آمد، لازم است زمین را فوراً به صاحب آن تحویل بدهید، خودتان نیز مثل سابق به شغل شریف فرمانبرداری (رعیت) مشغول شوید. با این فتوا بدیهی است بدون ددرس و هزینه همه چیز جا به جا شده و نظام بهره برداری ارباب و رعیتی (یعنی نظام قرون وسطی و دلخواه آقای دکتر ایزدی) برقرار و فساد ریشه کن می‌شد و اقتصاد بیمار شفای کامل می‌یافت و تمام گرفتاریهای امروز کشور برطرف می‌شد و سرمایه ذخیره مالکین چرخهای اقتصاد کشور را به حرکت طبیعی در می‌آورد و سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی به رقابت خود ادامه می‌دادند. شاید آقای دکتر و اشخاص دیگر بفرمایند این اقدام شوخی است و غیرعملی بود. ضرورت دارد توضیح دهم در موقع شروع پیاده کردن قانون اصلاحات ارضی اکثر مردم می‌گفتند، شروع کردن این برنامه شوخی است حتی به مجریان برنامه هم متلک می‌گفتند. ملاحظه می‌فرمایید شوخی نبود، برنامه نیز بدون سر و صدا انجام شد و با توجه به این که زور و قدرت ولایت فقیه به مراتب بیش از شاه بود حتماً آقای دکتر ایزدی می‌توانستند از آن فرصت طلایی استفاده نمایند.

اقتصادی عامل اصلی برای نزول سریع اصول اخلاقی جامعه و تباهی و تنزل آن نیست. عوامل فساد، ظلم و فشار حکومتها و عوامل دیگر سیاسی و اجتماعی است که شرح آن از حوصله این مختصر خارج است و اصولاً شرح آن را از جامعه‌شناسان و محققین باید شنید.

برای یادآوری تکرار می‌کنم آقای دکتر ایزدی در مقاله خود نوشته‌اند «تمام فساد اجتماعی امروز ایران ریشه اقتصاد دارد چون اقتصاد کشور بیمار است فساد اجتماعی به حداکثر رسیده است. اینها ثمره شجره خبیثه‌ای است که شاه با اصلاحات ارضی کاشت». این نظر ایشان همانطور که در بالا به تفصیل شرح داده شده صادق نیست چنان که در آمریکا فساد اجتماعی روز به روز گسترش پیدا نموده است. اگر هدف ایشان حمله به شاه فقید و ناسزا گفتن به ایشان

رعیت همیشه مورد تجاوز مباشر و کدخدا هم بود. مالکین فقط در موقع برداشت محصول به املاک خود می‌رفتند. در یک منطقه مراغه طبق آمار برداری از ۲۵۰ نفر مالک، ۲۴۰ نفر در شهرها زندگی می‌کردند و از این ۲۴۰ نفر مالک، ۱۶۰ نفر بازرگان یا نماینده مجلس یا کارمند بودند و عده‌ای از آنها نیز در خارج از کشور زندگی می‌کردند. در این مورد زنده‌یاد ارسنجانی در مصاحبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۴۱ که در صفحات ۷۱ و ۷۲ اطلاعات و روابط عمومی وزارت کشاورزی چاپ شده است می‌گوید: «این آقایان را دیدم که مریض هم هستند یا قند دارند یا اوره یا قلبشان خوب نیست ولی همین آقایان از سر شب در کازینو تا پنج صبح بازی می‌کنند». ایشان در همین صفحه می‌نویسد: «بعضی از این آقایان که آدمهای محترم هم هستند خودشان چندین مرتبه به من می‌گفتند ما به ایران بیاییم چه کنیم، یک گاو شیرده داریم شیر می‌دهد برای ما می‌فرستند. این طرز تفکر ایشان است. ایستاده اند که رفورم ارضی نشود و تولید به میزان امروز خود باقی بماند. مالکین خیلی از نقاط ایران هستند که با تمام قوا از این که در ده آنان مدرسه باز شود مخالفت می‌کنند...»

به نظر می‌رسد که تنفر شخص آقای دکتر ایزدی از برنامه اصلاحات ارضی در حدی است که تمام کمبودها و نارسائی اقتصادی کشور را که به سالیان دراز قبل از اجرای قانون بر می‌گردد، همگی را مربوط به اصلاحات ارضی دانسته و با ام‌الفساد نامیدن این قانون به شاه ناسزا می‌گویند و ایراد می‌گیرند و عملاً از نظام بهره‌برداری قرون وسطائی قبل از ۱۳۴۰ ایران دفاع و آن را تأیید می‌مایند. این ایرادات در حدی غیرواقع و غیرمنطقی است که مثلاً زلزله بوئین زهرا و قزوین آن سالها را نیز ناشی از اجرای برنامه مترقی اصلاحات ارضی می‌نامند.

آقای دکتر ایزدی در مقاله خود ریشه‌های فساد را در بیماری اقتصاد می‌دانند. به نظر بنده نارسائی اقتصاد می‌تواند تنها یکی از عوامل فساد در جامعه باشد چنان که فساد اجتماعی رو به افزایش امروز ما در ایران قابل مقایسه با فساد دستگاههای دولتی مردم در سالهای قبل از ۱۳۴۰ که رسماً وسیله دکتر امینی نخست وزیر ورشکسته اعلام شد، هم نیست. متأسفانه آمار در این مورد تهیه نشده است که مطرح نمایند ولی بر همگان مشهود است که فحشاء و سایر مفاسد در سالهای اخیر بیش از سالهای ورشکستگی اقتصادی گذشته می‌باشد. آقای دکتر ایزدی شاهد و ناظر بر زندگی و رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم آمریکا هستند. در این کشور که از نظر درآمد سرانه در طبقه بالایی از ممالک پیشرفته صنعتی قرار دارد فساد اجتماعی و طلاق و اعتیاد به مواد مخدر و الکل سال به سال رو به افزایش می‌باشد. براساس آمار طلاق منتشر شده، میزان آن در برخی از ایالات مثل کالیفرنیا ۵۰ درصد و رو به افزایش است. در آمریکا به طور کلی در مغرب زمین پیشرفته از نظر صنعتی و تکنولوژی همجنس بازی شایع و به حدی گسترش پیدا نموده که همجنس بازان روزهای خاصی در سال راه پیمایی می‌مایند. در سال گذشته در روز خاص همجنس بازی در پاریس، همجنس بازاها به رهبری شهردار پاریس که افتخار به همجنس بازی می‌کند در خیابان شانزه لیزه رژه رفتند و عکس و تصویر آن در تلویزیونها و مجلات و روزنامه‌ها به تماشا گذارده شد. در برخی از ممالک از جمله بعضی از ایالات آمریکا قانونی نمودن ازدواج همجنس بازاها در مجالس قانونگذاری به مراحل نهائی رسیده است. وجود قانونی مراکز لهو و لعب و شیوع پورنوگرافی و حتی نمایش آنها در برخی از کانالهای تلویزیونی نمونه‌هایی است که حتماً آقای دکتر ایزدی و دیگر افراد در این جامعه از آن مطلع می‌باشند. بنابراین برخلاف نظر آقای دکتر، عامل

است از برنامه مترقی اصلاحات ارضی نمی‌توانند استفاده کنند، باید یک ابزار دیگر پیدا کنند.

جناب آقای دکتر ایزدی در حکومت بعد از انقلاب به نظر جنابعالی آیا بهتر نبود لااقل همان اقتصاد قبل از انقلاب را (با تمام آن بیماریها) مراقبت می‌کردند و ادامه می‌دادند یعنی همان درآمد سرانه و ارزش پول را حفظ می‌کردند؟ چرا دولت و رژیم دلخواه جنابعالی که با انقلاب اسلامی به ثمر رسید نه تنها نتوانست اقتصاد بیمار شاه را (در این مدت ۲۴ سال) درمان بخشد بلکه متأسفانه بیماری آن را تشدید کرد؟ در دهات ایران از نظر اقتصادی همیشه فقر و کمبود درآمد مطرح بوده است ولی فساد در روستاها مرکز اجرای قانون اصلاحات ارضی نبود و در مقابل فساد در شهرها بوده و می‌باشد.

قطعاً به نظر آقای دکتر ایزدی ۸ سال جنگ ایران با عراق کوچک‌ترین اثر منفی در بحرانی شدن بیماری اقتصاد کشور نداشت و حتی به قول زعمای کشور و رهبری کشور این جنگ برای کشور برکت داشت. نمی‌دانم چرا چیزی که عیان و مبرهن است از نظر ایشان پنهان مانده و اشاره‌ای به آن در این مقالات نفرموده‌اند.

هنگام شروع برنامه اصلاحات ارضی همانطور که اشاره شد برای هزینه‌های اجرای قانون اعتبار نبود. از اواسط ۱۳۴۱ امکانات دولت بهتر شد، برنامه‌های عمرانی اعتبار کافی پیدا نمودند و ما کارمندان زودتر و بهتر بحران و نارسایی اقتصادی را متوجه می‌شدیم. برنامه‌های اجرایی وزارت کشاورزی آن قدر بالا رفت که از داخل آن دو وزارتخانه

# بنیاد «فردریش نائومان»: ممانعت از حضور شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ یک رسوایی تمام عیار برای آلمان است



شاهزاده رضا پهلوی

پس کجاست آن «سیاست خارجی فمینیستی» که او همواره از آن سخن می‌گوید؟ چرا وقتی حقوق زنان در ایران بطور وحشیانه‌ای پایمال می‌شود تا حدی که اخیراً زنان معترض کشته شده‌اند، او سکوت کرده است؟ بربوک همواره از تعهد خود به امنیت اسرائیل صحبت می‌کند. پس چرا اکنون از منتقد شماری یک رژیم که نابودی اسرائیل را رسماً در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است، حمایت نکرده است؟ اگر او واقعاً به این ارزش‌ها پایبند می‌بود، یک دعوت ساده از یک چهره برجسته‌ی اپوزیسیون ایران نباید پس گرفته می‌شد.

**این تصمیم، خیانت به ارزش‌های دموکراتیک است**  
این تصمیم هیچ ربطی به سیاست خارجی مبتنی بر ارزش‌ها ندارد و تنها امید باقیمانده این است که آنالنا بربوک هرچه سریع‌تر این تصمیم خجالت‌آور را لغو کند. شاید هنوز هم بتوان از شاهزاده رضا پهلوی در مونیخ استقبال کرد و تا حدودی اعتبار ازدست‌رفته‌ی آلمان را بازیافت.

اگر نگاهی به رسانه‌های اجتماعی بیندازیم، می‌بینیم که این اقدام، به اعتبار بین‌المللی آلمان آسیب جدی وارد کرده است. آلمان باید از دموکراسی حمایت کند، نه از دیکتاتورهای کمپین «پایبندی به دموکراسی» که توسط بنیاد فردریش نائومن برای آزادی راه‌اندازی شده، با هدف تقویت نیروهای دموکراسی‌خواه در سراسر جهان فعالیت می‌کند. این مقاله بخشی از این ابتکار است. این بنیاد با افتخار از صدای مخالفان دموکراسی‌خواه رژیم‌های سرکوبگر، چه در داخل این کشورها و چه در تبعید، حمایت می‌کند. این صداها نباید نادیده گرفته شوند. آلمان و تمامی کشورهای دموکراتیک باید به آنها گوش دهند.

شاهزاده رضا پهلوی بدون قید و شرط به دموکراسی سکولار، انتخابات آزاد و حقوق بشر متعهد است.

**حذف از کنفرانس مونیخ: تسلیم شدن به رژیم ملایان؟**  
برای رژیم تمامیت‌خواه جمهوری اسلامی، شاهزاده رضا پهلوی دشمنی سرسخت و غیرقابل‌تحمل است، اما برای بسیاری از ایرانیان، او نماد امید است.

با این حال، کنفرانس امنیتی مونیخ اخیراً تصمیم گرفت که از حضور او جلوگیری کند. این تصمیم بطور رسمی توسط کریستوف هویسگن رئیس این کنفرانس، اعلام شد، کسی که به گفته‌ی سخنگوی کنفرانس، «با هماهنگی دولت آلمان» تصمیم گرفت دعوت قبلی از شاهزاده رضا پهلوی را «رسمی نکند» دلیل این اقدام ذکر نشده است، اما این فرضیه که این اقدام نتیجه‌ی عقب‌نشینی در برابر فشار جمهوری اسلامی بوده، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. چرا باید یک دعوت رسمی که قبلاً صادر شده بود، آنهم در لحظات آخر، پس گرفته شود؟ اگر ملاحظات و منافع رژیم در ایران در میان نبوده، پس دلیل این اقدام چه می‌تواند باشد؟

**این تصمیم، یک رسوایی برای آلمان است**  
این تصمیم کوچک و بی‌اهمیت نیست، بلکه یک رسوایی تمام‌عیار برای آلمان است.

چه تصمیم به این اقدام از سوی کریستوف هویسگن بوده باشد، چه از طرف وزارت خارجه‌ی آلمان، در هر صورت، آنالنا بربوک، وزیر خارجه‌ی آلمان، نه تنها با این تصمیم مخالفت نکرده، بلکه به احتمال زیاد آن را تأیید کرده است. این تصمیم، توهینی آشکار به اپوزیسیون دموکراسی‌خواه ایران، چه در داخل کشور و چه در تبعید، محسوب می‌شود. این اقدام، برخلاف تمام شعارهای همیشگی بربوک درباره‌ی دفاع از حقوق بشر است.

● بنیاد آزادی «فردریش نائومان» بنیادی که در جمهوری فدرال آلمان در زمینه ارتقاء اصول لیبرال و آموزش سیاسی فعال است در بیانیه‌ای اعلام کرد، ممانعت از حضور شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ یک «رسوایی» برای آلمان است.

● در این بیانیه که ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) منتشر شده، آمده است که رضا پهلوی «بدون قید و شرط به دموکراسی سکولار، انتخابات آزاد و حقوق بشر متعهد است» و «چهره‌ای جهانی برای تمام ایرانیان به شمار می‌رود که برای یک دموکراسی لیبرال و مبتنی بر حاکمیت قانون مبارزه می‌کنند».

● در این بیانیه همچنین تأکید شده، لغو سخنرانی رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ، «توهینی آشکار به اپوزیسیون دموکراسی‌خواه ایران، چه در داخل کشور و چه در تبعید، محسوب می‌شود و برخلاف تمام شعارهای همیشگی بربوک درباره‌ی دفاع از حقوق بشر است».

ممانعت از حضور شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۲۵ با اعتراضات زیادی علیه برگزارکنندگان این کنفرانس و دولت آلمان مواجه شده است.

بنیاد آزادی «فردریش نائومان» که در جمهوری فدرال آلمان در زمینه ارتقاء اصول لیبرال و آموزش سیاسی فعال است در بیانیه‌ای اعلام کرد، ممانعت از حضور شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ یک «رسوایی» برای آلمان است.

در این بیانیه که ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) منتشر شده، آمده است که رضا پهلوی «بدون قید و شرط به دموکراسی سکولار، انتخابات آزاد و حقوق بشر متعهد است» و «چهره‌ای جهانی برای تمام ایرانیان به شمار می‌رود که برای یک دموکراسی لیبرال و مبتنی بر حاکمیت قانون مبارزه می‌کنند».

در این بیانیه همچنین تأکید شده، لغو سخنرانی رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ، «توهینی آشکار به اپوزیسیون دموکراسی‌خواه ایران، چه در داخل کشور و چه در تبعید، محسوب می‌شود و برخلاف تمام شعارهای همیشگی بربوک [وزیر خارجه] درباره‌ی دفاع از حقوق بشر است».

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:  
هر سال در ماه فوریه، کنفرانس امنیتی مونیخ برگزار می‌شود. نشست با اهمیت جهانی که آلمان به درستی به آن افتخار می‌کند.

شاهزاده رضا پهلوی، فرزند ارشد آخرین پادشاه ایران، پیشتر در سال ۲۰۲۳ در این کنفرانس شرکت کرده بود. او که دانش‌آموخته‌ی علوم سیاسی است و همراه با خانواده‌اش در ایالت مریلند آمریکا زندگی می‌کند، برای یک ایران دموکراتیک، بدون جاه‌طلبی‌های سلطنت‌طلبانه‌ی ارتجاعی، تلاش می‌کند. او چهره‌ای جهانی برای تمام ایرانیان به شمار می‌رود که برای یک دموکراسی لیبرال و مبتنی بر حاکمیت قانون مبارزه می‌کنند.

در پلتفرم «ایکس»، او حدود ۱/۵ میلیون دنبال‌کننده در سراسر جهان دارد. در سال ۲۰۲۳، بیش از ۳۰۰ هزار ایرانی در تبعید طوماری را امضا کردند که به او اختیار می‌داد تا در دوران گذار، تا زمان برگزاری یک referendum که خودش نیز خواهان آن است می‌کند تا به عنوان نماینده‌ی اپوزیسیون ایران درباره‌ی آینده‌ی کشور سخن بگوید.

## انتقاد شدید جی.دی. ونس از اروپایی‌ها در کنفرانس امنیتی مونیخ؛ «آنچه به خطر افتاده دموکراسی و آزادی بیان است»



جی.دی. ونس معاون دونالد ترامپ در کنفرانس امنیتی مونیخ / عکس: رویترز

که «اگر برخی از این نخبگان، مخالفت خود را با نهادها و هنجارهای دموکراتیک ما آشکارا بیان کنند، این موضوع بسیار نگران‌کننده است.»

این اظهارات در حالی مطرح شد که مسئولان برگزارکننده این کنفرانس با دخالت وزارت خارجه آلمان دو بار از حضور شاهزاده رضا پهلوی در این کنفرانس ممانعت کردند.

مخالفان جمهوری اسلامی می‌گویند ادعاهای رئیس جمهور آلمان برخلاف عملکرد دولت آن کشور درست در راستای منافع جمهوری اسلامی برای خاموش کردن صدای آزادیخواهان در ایران بود که رضا پهلوی بخش بزرگی از آنها را نمایندگی می‌کند. منتقدان می‌گویند دولت آلمان در عمل بازچه ملاحا قرار گرفته و تحت تأثیر فشارهای رژیم ایران سخنرانی شخصیتی را که صدای ملت ایران به شمار می‌رود لغو کرده است.

در واکنش به جلوگیری برگزارکنندگان کنفرانس امنیتی مونیخ و دولت آلمان از حضور رضا پهلوی در این کنفرانس، بنیاد آزادی «فریدریش نائومان» بنیادی که در جمهوری فدرال آلمان در زمینه ارتقاء اصول لیبرال و آموزش سیاسی فعال است در بیانیه‌ای اعلام کرد، ممانعت از حضور رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ یک «رسوایی تمام‌عیار» برای آلمان است.

در این بیانیه همچنین تأکید شده، لغو سخنرانی رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ، «توهینی آشکار به اپوزیسیون دموکراسی‌خواه ایران، چه در داخل کشور و چه در تبعید، محسوب می‌شود و برخلاف تمام شعارهای همیشگی بریوک درباری دفاع از حقوق بشر است.»

نمی‌کنید.»

بخشی از صحبت‌های ونس که بیشتر در بین ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی بازتاب پیدا کرد، اشاره او به منع شدن برخی افراد از حضور در کنفرانس مونیخ بود.

معاون دونالد ترامپ در اینباره گفت: «برگزارکنندگان کنفرانس مونیخ قانونگذاران احزاب عوام‌گرا، از چپ و راست را از حضور در این گفتگو منع کرده‌اند. حالا، بار دیگر [تاکید می‌کنم] ما لازم نیست با هر چیزی که این افراد می‌گویند موافق باشیم. اما زمانی که افراد چیزی را نمایندگی می‌کنند، وقتی که قانونگذاران بخش قابل توجهی از مردم را نمایندگی می‌کنند، بر ماست که حداقل با آنها وارد گفتگو شویم.»

ونس در شرایطی به وضعیت آزادی بیان در اروپا انتقاد کرد که پیش از او فرانک والتر اشتاین مایر رئیس جمهور آلمان در آغاز کنفرانس امنیتی مونیخ، سیاست‌های دونالد ترامپ را به باد انتقاد گرفت و گفت او «بی‌ملاحظه» است. اشتاین مایر با اشاره به اینکه دولت ترامپ جهان‌بینی متفاوتی از ما دارد مدعی شد که این جهان‌بینی به «اصول تثبیت‌شده، همکاری‌های دیرینه و اعتماد متقابل بی‌توجه است» و «مسیر دولت جدید آمریکا برای سایر دولت‌ها قابل پذیرش نیست و باید تغییر پیدا کند!»

رئیس جمهوری آلمان در ادامه نیز هشدار داد که «بی‌قانونی نباید به الگوی نظم‌نویز جهانی تبدیل شود» و ادعا کرد «دموکراسی زمین بازی برای بی‌ثباتی» نیست. اشتاین مایر همچنین گفت، «آنچه امروز در خطر است، حفظ و استواری دموکراسی ماست!» او تأکید کرد

● سخنرانی جی.دی. ونس معاون دونالد ترامپ در شصت و یکمین کنفرانس امنیتی مونیخ، بازتاب زیادی در افکار عمومی داشت. او از «کاهش دموکراسی و آزادی بیان» در سراسر اروپا انتقاد کرد و هشدار داد مسئله «مهاجرت بدون بررسی» به تهدیدی جدی برای این قاره تبدیل شده است.

● ونس روز جمعه ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «تهدیدی که من بیش از همه در مورد اروپا نگران آن هستم، نه روسیه است، نه چین و نه هیچ عامل خارجی دیگری. آنچه مرا نگران می‌کند، تهدیدی از درون است؛ عقب‌نشینی اروپا از برخی از بنیادی‌ترین ارزش‌های خود مثل آزادی بیان.»

● بخشی از صحبت‌های معاون ترامپ، که بیشتر در بین ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی بازتاب پیدا کرد، اشاره او به منع شدن برخی افراد از حضور در کنفرانس مونیخ بود.

● ونس در اینباره گفت: «برگزارکنندگان کنفرانس مونیخ قانونگذاران احزاب عوام‌گرا، از چپ و راست را از حضور در این گفتگو منع کرده‌اند. حالا، بار دیگر [تاکید می‌کنم] ما لازم نیست با هر چیزی که این افراد می‌گویند موافق باشیم. اما زمانی که افراد چیزی را نمایندگی می‌کنند، وقتی که قانونگذاران بخش قابل توجهی از مردم را نمایندگی می‌کنند، بر ماست که حداقل با آنها وارد گفتگو شویم.»

سخنرانی جی.دی. ونس معاون دونالد ترامپ در شصت و یکمین کنفرانس امنیتی مونیخ، بازتاب زیادی در افکار عمومی داشت. او از «کاهش دموکراسی و آزادی بیان» در سراسر اروپا انتقاد کرد و هشدار داد مسئله «مهاجرت بدون رویه» به تهدیدی جدی برای این قاره تبدیل شده است.

در حالی که گفته می‌شد از اولویت‌های کنفرانس مونیخ مسئله اوکراین و وضعیت خاورمیانه است، معاون رئیس جمهوری آمریکا در سخنان خود بیشتر به انتقاد از اروپا پرداخت.

ونس روز جمعه ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «تهدیدی که من بیش از همه در مورد اروپا نگران آن هستم، نه روسیه است، نه چین و نه هیچ عامل خارجی دیگری. آنچه مرا نگران می‌کند، تهدیدی از درون است؛ عقب‌نشینی اروپا از برخی از بنیادی‌ترین ارزش‌های خود مثل آزادی بیان.»

معاون رئیس جمهور ایالات متحده در بخش دیگری از صحبت‌های خود در این کنفرانس با اشاره به حملاتی که در سال‌های اخیر از سوی مهاجران خارجی در اروپا صورت گرفته، آن را به عنوان نمونه‌ای از پیامدهای غلط یک استراتژی دانست که او آن را «باز کردن بی‌رویه درها به روی میلیون‌ها مهاجر» نامید.

ونس همچنین گفت: «دموکراسی بر این اصل مقدس استوار است که صدای مردم اهمیت دارد. هیچ جایی برای دیوار آتش وجود ندارد. یا این اصل را رعایت می‌کنید یا

## هشدار رافائل گروسی در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ: جمهوری اسلامی سرعت غنی‌سازی اورانیوم تا نزدیک درجه تسلیحاتی را افزایش داده است



رافائل گروسی / عکس: رویترز

طبق گزارش‌های آژانس ذخایر اورانیوم غنی شده ایران با خلوص ۶۰ درصد تا یک ماه آینده به میزان ۲۵۰ کیلوگرم خواهد رسید. این میزان برای ساخت چند بمب کافی است! این اظهارات در حالی مطرح شد که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دو گزینه پیش روی جمهوری اسلامی گذاشته است: معامله با امضاء سند مکتوب یا بمباران



تأسیسات اتمی اما علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین ۱۴۰۳ در جمع فرماندهان نیروی هوایی ارتش گفت که «نپاید با آمریکا مذاکره کرد».

وزنامه «واشنگتن پست» ۱۳ فوریه (۲۵ بهمن‌ماه) در گزارشی به نقل از مقامات آمریکایی و اسرائیلی نوشت، اگر جمهوری اسلامی نپذیرد که مانند لیبی تأسیسات هسته‌ای خود را کنار بگذارد، اسرائیل فارغ از اینکه آمریکا حمایت کند یا نه، آماده حمله به این تأسیسات است.

● رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جمعه ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ، در گفتگو با رویترز هشدار داد که زمان برای رسیدن به توافقی که بتواند برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی را محدود کند روبه پایان است، چرا که به گفته او «تهران سرعت غنی‌سازی اورانیوم را تا نزدیک درجه تسلیحاتی افزایش داده است».

● او توضیح داد: «فکر می‌کنم زمان در حال تمام شدن است، اما این به این معنا نیست که نمی‌توانیم سریع اقدام کنیم. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آنجا حضور دارد و تمام اطلاعات و عناصر لازم را دارد، اما وقتی بحث سیاست پیش می‌آید، این به عهده کشورهاست».

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داده است که زمان برای احیای توافقی هسته‌ای با جمهوری اسلامی در حال پایان است.

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جمعه ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ، در گفتگو با رویترز هشدار داد که زمان برای رسیدن به توافقی که بتواند برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی را محدود کند روبه پایان است، چرا که به گفته او «تهران سرعت غنی‌سازی اورانیوم را تا نزدیک درجه تسلیحاتی افزایش داده است».

گروسی می‌گوید که هنوز موفق به مشورت‌های سیاسی با دولت جدید ایالات متحده درباره مسئله ایران نشده است، اما احتمالاً گزارش جامع خود در مورد فعالیت‌های هسته‌ای

## وزیر خزانه‌داری دولت ترامپ: متعهدم صادرات نفت جمهوری اسلامی به «روزی ۱۰۰ هزار بشکه» کاهش پیدا کند

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا می‌گوید مأموریت دارد صادرات نفت جمهوری اسلامی را به کمتر از ۱۰ درصد حجم فعلی آن کاهش دهد و از ۱/۵ میلیون بشکه در روز به ۱۰۰ هزار بشکه در روز برساند.

● او در مصاحبه با «فاکس بیزینس» توضیح داد که «اقتصاد ایران در حال حاضر بسیار شکننده است و با تورم گسترده و کسری بودجه عظیم روبروست، آنهم در شرایطی که روزانه ۱/۴ میلیون بشکه نفت صادر می‌کند. اگر این میزان را به ۱۰۰ هزار بشکه در روز بازگردانیم، ایران دچار بحران اقتصادی شدید خواهد شد».

● بسنت در ادامه با اشاره به تلاش دولت ترامپ برای رساندن فروش نفت جمهوری اسلامی به سطح دوران نخست ریاست جمهوری دونالد ترامپ، گفت: «ما معتقدیم که می‌توانیم حداکثر فشار اقتصادی را بر حکومت ایران اعمال کنیم».

وزیر خزانه‌داری آمریکا، اعلام کرد که دولت ترامپ قصد دارد در بخشی از اعمال «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی، صادرات نفت ایران را به کمتر از ۱۰ درصد میزان فعلی آن کاهش دهد.

اسکات بسنت، ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) در مصاحبه‌ای با «فاکس بیزینس» توضیح داد هدف آمریکا کاهش صادرات نفت ایران به ۱۰۰ هزار بشکه در روز است که میزان چشمگیری کمتر در مقایسه با میزان کنونی آن حدود ۱/۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

وزیر خزانه‌داری آمریکا با بیان اینکه «درآمدهای نفتی جمهوری اسلامی به تامین مالی فعالیت‌های تروریستی در سراسر جهان کمک می‌کند» گفت، خرید نفت تحریمی جمهوری اسلامی از سوی کشورهایی مانند چین و هند «غیرقابل قبول» است.

اسکات بسنت با تاکید بر اینکه «کاهش صادرات نفت به ۱۰۰ هزار بشکه در روز، جمهوری اسلامی را با فشار اقتصادی شدیدی مواجه خواهد کرد»، گفت اقتصاد جمهوری اسلامی به دلیل کسری بودجه و تورم شدید، اکنون بسیار شکننده است.

خبرگزاری بلومبرگ می‌نویسد، وزیر خزانه‌داری علیه جمهوری اسلامی لحنی تندتر از اظهارات اخیر ترامپ دارد. رئیس جمهور آمریکا هفته گذشته گفته بود ←



## سناتور لیندسی گراهام: جمهوری اسلامی دو گزینه دارد؛ یا توافق مشابه «مدل لیبی» یا «مباران تأسیسات هسته‌ای»



کنفرانس خبری لیندسی گراهام سناتور جمهوریخواه آمریکا در تل آویو / عکس: رویترز

وادار کنیم که جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود را کنار بگذارند» او درباره گزینه دوم عنوان کرد، اگر حکومت ایران مسیر مذاکره را انتخاب کند باید برای آن مهلت مشخصی تعیین شود. این سناتور آمریکایی «مدل خلع سلاح هسته‌ای لیبی» را پیشنهاد کرد که به گفته او از نظر دیپلماتیک نیز مورد قبول جامعه بین‌الملل است. پیش از این مایکل لایتر سفیر اسرائیل در آمریکا گفته بود تنها راه حل مؤثر برای متوقف کردن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی، توافقی مشابه «مدل لیبی» است، که شامل تخریب کامل زیرساخت‌های هسته‌ای و جمع‌آوری اورانیوم غنی‌شده در آن کشور بود. این سناتور جمهوریخواه در بخشی از صحبت‌هایش توضیح داد: «در مسیر نظامی که در آن ما به اسرائیل کمک خواهیم کرد تا ضربه قاطعی به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران وارد کند، باید بگویم که من این گزینه را ترجیح می‌دهم. مسیر دوم نیز مذاکره با ایران است، تا تلاش کنیم آنها مجبور شوند از اهداف هسته‌ای خود دست بکشند. اگر این مسیر انتخاب شود، باید محدود به مهلت معین باشد و در این زمینه زمان‌بندی مشخصی اتخاذ شود.»

سفیر اسرائیل گفته بود، «مهمترین موضوع جلوگیری از دستیابی ملاهای تهران به سلاح هسته‌ای است. چون آنها دیوانه هستند و از آن [تسلیمات اتمی] استفاده خواهند کرد.» مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های حکومتی بارها هشدار داده‌اند که توافقی لیبی با دولت‌های غربی که از سال ۲۰۰۳ شکل گرفت، زمینه‌ساز سقوط رژیم معمر قذافی شد و در نهایت لیبی را «خلع سلاح» کرد. خود قذافی نیز در اکتبر ۲۰۱۱ و در جریان «بهار عربی» به شکل فجیعی در نزدیکی «سرت» زادگاه‌اش در شمال لیبی کشته شد. در همین ارتباط محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به مواضع علی خامنه‌ای برای «عدم مذاکره با آمریکا» گفته بود غربی‌ها به دنبال «خلع سلاح» جمهوری اسلامی هستند.

● گروهی از قانونگذاران آمریکا از دو حزب جمهوریخواه و دموکرات دوشنبه شب ۱۷ فوریه ۲۰۲۵ (۲۹ بهمن‌ماه) در مقر ارتش اسرائیل در تل‌آویو با بنیامین نتانیا هو نخست‌وزیر اسرائیل جلسه داشتند.

● لیندسی گراهام و جونی ارنست سناتورهای جمهوریخواه و شلدون وایت‌هاوس، ریچارد بلومنتال، آدام شیف و اندی کیم از حزب دموکرات در این جلسه حضور داشتند.

گروهی از قانونگذاران آمریکا از دو حزب جمهوریخواه و دموکرات دوشنبه شب ۱۷ فوریه ۲۰۲۵ (۲۹ بهمن‌ماه) در مقر ارتش اسرائیل در تل‌آویو با بنیامین نتانیا هو نخست‌وزیر اسرائیل جلسه داشتند. لیندسی گراهام و جونی ارنست سناتورهای جمهوریخواه و شلدون وایت‌هاوس، ریچارد بلومنتال، آدام شیف و اندی کیم از حزب دموکرات در این جلسه حضور داشتند جزئیات زیادی از محتوای گفتگوی آنها منتشر نشد اما لیندسی گراهام در کنفرانس خبری بار دیگر هشدار داد، جمهوری اسلامی ایران مجهز به سلاح اتمی، کابوسی برای اسرائیل و جهان است، زیرا کشورهای عربی هم به دنبال سلاح هسته‌ای هستند و رقابت تسلیحات اتمی آغاز می‌شود او تأکید کرد، رژیم ایران تلاش خود را برای دستیابی به سلاح هسته‌ای افزایش داده و آن را تضمینی برای بقای خود ارزیابی می‌کند اما اجازه دستیابی به سلاح اتمی نخواهد داشت.

این سناتور توضیح داد که «جمهوری اسلامی به شدت روی سه چیز متمرکز است: پاکسازی اسلام از اعراب سنی، نابود کردن اسرائیل و بیرون راندن غرب از خاورمیانه... بنابراین هر تصمیمی که من به عنوان یک سناتور در این منطقه می‌گیرم این است که مطمئن شوم جاه‌طلبی‌های هسته‌ای آنها هرگز تحقق نخواهد یافت.»

وی تشریح کرد: «دو گزینه درمورد برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد؛ یا به اسرائیل کمک کنید تا تأسیسات هسته‌ای آنها را بمباران کند. من آن مسیر را ترجیح می‌دهم. یا آنها را

→ که تمایلی به امضای فرمان فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی نداشته و امیدوار است که توافقی برای جلوگیری از اجرای آن حاصل شود؛ توافقی که به گفته او مانع از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای شود.

با اینهمه اما علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اعلام



اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا / عکس: رویترز

کرد که مخالف مذاکره با آمریکا است و مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم نیز که درباره مذاکره و رفع تحریم‌ها وعده و وعید می‌داد، عنوان کرد که «سخن رهبری برای دولت فصل‌الخطاب است.»

مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند مسئله آمریکا فقط «هسته‌ای» نیست و به دنبال خلع سلاح جمهوری اسلامی است. آمریکا رسماً اعلام نکرده است که چنین هدفی دارد اما مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا، ۱۳ فوریه (۲۵ بهمن‌ماه)، در آستانه سفر به خاورمیانه در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» گفت: «تا زمانی که رژیم ایران به ترویج تروریسم بین‌المللی از طریق حزب‌الله، حماس و گروه‌هایی که در سوریه و عراق دارد ادامه دهد، باید با فشار بیشتری روبرو شود.»

روبوو همچنین توضیح داد: «رئیس جمهور آمریکا قصد دارد جمهوری اسلامی را وادار کند که از حمایت از تروریست‌ها دست بردارد، بی‌ثبات کردن منطقه را متوقف کند و از تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت مسلط در خاورمیانه صرف نظر کند... این رفتارها باید پایان یابد. جمهوری اسلامی تهدیدی مستقیم برای اسرائیل و آمریکا است و این تهدید باید برطرف شود. ترامپ قصد دارد بازدارندگی را دوباره برقرار کند.»

محسن پاک‌نژاد وزیر نفت جمهوری اسلامی در واکنش به سیاست دونالد ترامپ برای «فشار حداکثری با هدف به صفر رساندن فروش نفت ایران» ادعا کرد «به صفر رساندن صادرات نفت جمهوری اسلامی ایران آرزویی است که هرگز به آن دست نخواهند یافت.»

پس از خروج آمریکا از برجام در دولت اول ترامپ در هشتم ماه مه سال ۲۰۱۸، فروش نفت ایران از حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز به زیر ۳۰۰ هزار بشکه در کاهش پیدا کرد.

## توفان ترامپ توفان خامنه‌ای را می‌روبد و می‌برد؛ «پیروزی» هفتم اکتبر به شکست استراتژیک رژیم ایران تبدیل شد!



«محور مقاومت» در مهمترین بخش‌های خود به سقوط کشانده شد. کرانه باختری در واکنش به این رویدادهای از جای خود تکان نخورد و حزب‌الله لبنان به عنوان مهم‌ترین ستون «محور مقاومت» رژیم ایران در مجاورت اسرائیل، که ماموریت داشت شهر الخلیل اسرائیل را به حمله تهدید کند، برای پشتیبانی از غزه به یک درگیری برای پرت کردن حواس اسرائیل در جنوب که جمهوری اسلامی هم نمی‌خواست به یک جنگ فراگیر تبدیل شود، بسنده کرد.

در مواجهه با «توفان جنوب» در غزه و «توفان شمال» با جبهه پشتیبانی حزب‌الله آنهم در سال انتخابات سرنوشت‌ساز آمریکا، اسرائیل مستقیم به جنگ برای نابودی غزه و کوچ ساکنان آن روی آورد و پس از چند ماه شروع به جنگی برای «ریشه‌کن» کردن حزب‌الله لبنان کرد و در پایان اکتبر گذشته پس از کشته شدن کادرهای ارشد رهبری و به اصطلاح نخبگان این گروه، آن را مجبور به امضای توافقی کرد که شبیه به تسلیم کامل در برابر ماشین جنگی اسرائیل بود.

عملیات «محور مقاومت» و در واقع «محور رژیم ایران» در غزه و لبنان با برتری قاطع نظامی اسرائیل به پایان رسید که نتایج آن در غزه و لبنان نمایان است. بعد هم با سقوط رژیم اسد و بیرون راندن نیروهای جمهوری اسلامی از سوریه و از دست دادن دمشق، تمام سرمایه‌گذاری‌های مالی و نظامی و نیروی انسانی رژیم ایران دود شد و هوا رفت. اما موضوع به همینجا نیز ختم نشد! توفانی که جمهوری اسلامی می‌خواست از آن برای تغییر چهره منطقه جهت دست یافتن به منافع و تقویت نیروی خود استفاده کند، منجر به باز شدن دست اسرائیل و هموار کردن توفان دیگری به رهبری دونالد ترامپ شد که ویژگی‌های آن از همان روزی که ترامپ کار خود را در کاخ سفید آغاز کرد، نمایان شده است.

\*منبع: ایندپندنت عربی

\*نویسنده: تونی فرنیس نویسنده و تحلیلگر سیاسی لبنانی

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

می‌کرد. از همین رو احزاب وابسته در بیروت جمع شده و اهداف خود را مشخص کردند که مهمترین آنها آزادی قدس و اقامه نماز در آنجا بود!

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی توانست حلقه‌های را که مقامات تل‌آویو آن را «حلقه آتش» می‌نامند، به دور اسرائیل محکم کند. اطرافیان خامنه‌ای این واقعیت را کتمان نکردند که تکمیل این حلقه شامل وارد کردن کرانه باختری به شورش همزمان علیه اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطینی است که می‌بایست منجر به ایجاد یک توازن بازدارنده جامع بین تهران و تل‌آویو از طریق گروه‌های هم‌پیمان شود.

رژیم ایران معتقد بود که بخشی از این موازنه را با تسلیح و تامین مالی شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان به دست آورده و تکمیل آن مشروط به کنترل اوضاع فلسطین و جابجایی اوضاع در اردن است، به ویژه آنکه سوریه با حضور سنگین ایران در دمشق تحت عنوان شعار حمایت از رژیم بشار اسد کاملاً در دسترس بود.

رژیم خامنه‌ای دخالت در عملیات هفتم اکتبر حماس را ساعتی پس از وقوع آن بطور رسمی تکذیب کرد. محمدجواد ظریف یکی از چهره‌های کلیدی دولت مسعود پزشکیان، اخیراً تا آنجا پیش رفت که حمله هفتم اکتبر را سبب ضایع شدن نشست رژیم با آمریکا دانست که به ادعای وی قرار بود در نهم اکتبر، یعنی دو روز پس از حمله، برگزار شود.

این موضع مزورانه رژیم ایران این پرسش را مطرح می‌کند که پس تهران واقعاً از نظریه «وحدت میدان‌ها» به دنبال چه بود؟! آیا به دنبال راه‌اندازی نبردی همه‌جانبه علیه اسرائیل بود یا فقط برای ساختن یک ساختار تهدیدآمیز علیه تل‌آویو و کشورهای عربی به عنوان کارت بازی و جهت باج‌خواهی در مذاکرات ابتدا با دولت اوپاما و سپس با دولت جو بایدن آن را تقویت می‌کرد؟!

اما «توفان الاقصی» که یحیی السنوار مسئول شاخه حماس در غزه به راه انداخت استراتژی اعلام شده رژیم ایران را از بیخ و بُن نابود کرد و «وحدت میدان‌ها»ی به اصطلاح

● رژیم خامنه‌ای دخالت در عملیات هفتم اکتبر حماس را ساعتی پس از وقوع آن بطور رسمی تکذیب کرد. محمدجواد ظریف یکی از چهره‌های کلیدی دولت مسعود پزشکیان، اخیراً تا آنجا پیش رفت که حمله هفتم اکتبر را سبب ضایع شدن نشست رژیم با آمریکا دانست که به ادعای وی قرار بود در نهم اکتبر، یعنی دو روز پس از حمله، برگزار شود.

● این موضع مزورانه رژیم ایران این پرسش را مطرح می‌کند که پس تهران واقعاً از نظریه «وحدت میدان‌ها» به دنبال چه بود؟! آیا به دنبال راه‌اندازی نبردی همه‌جانبه علیه اسرائیل بود یا فقط برای ساختن یک ساختار تهدیدآمیز علیه تل‌آویو و کشورهای عربی به عنوان کارت بازی و جهت باج‌خواهی در مذاکرات ابتدا با دولت اوپاما و سپس با دولت جو بایدن آن را تقویت می‌کرد؟!

تونی فرنیس (ایندپندنت عربی) - پس از گذشت بیش از یک سال از آنچه برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسید، جنگ غزه به این تصویر پایان داد. «مسائل بین‌المللی» اندیشکده آمریکایی متخصص در سیاست خارجی، با بیان اینکه پیروزی تاکتیکی رژیم ایران در هفتم اکتبر به شکست استراتژیک آن منجر شده، می‌افزاید جمهوری اسلامی ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری آسیب‌پذیر شده و مهمترین هدف مقامات آن فقط حفظ رژیم است.

شاید وقتی رژیم ایران گروه حماس و بقیه سازمان‌هایی را که به بهانه مقابله با اسرائیل تأسیس کرده بود، تسلیح و تأمین مالی می‌کرد، به ذهن‌اش هم خطور نمی‌کرد که برخی از آنها طبق زمان‌بندی خودشان، مانند حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ بدون هماهنگی لازم دست به حمله می‌زنند، اما مطمئناً کاملاً آگاه بود که چنین اتفاقی رخ خواهد داد.

در ماه‌های قبل از «توفان الاقصی»، تهران بر نظریه «وحدت میدان‌ها» در چارچوب موسوم به «محور مقاومت» پافشاری می‌کرد و با انتساب آن به حسن نصرالله دبیرکل سابق حزب‌الله، برای اجرای عملی این نظریه تلاش

## «واشنگتن پست»: اگر جمهوری اسلامی مثل لیبی برنامه اتمی خود را کنار نگذارد اسرائیل حمله خواهد کرد



و نظنز زیر زمین پنهان شدند آسیب بزند. تحلیلگران اطلاعات نظامی آمریکا در ارزیابی ژانویه ۲۰۲۵ به این نتیجه رسیدند که اگر توافقی بین آمریکا و جمهوری اسلامی صورت نگیرد، اسرائیل احتمالاً در شش ماهه اول سال ۲۰۲۵ به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی حمله خواهد کرد.

در بخش دیگری از گزارش «واشنگتن پست» آمده، دولت‌های بایدن و ترامپ هر دو بحث کرده‌اند که حمله اسرائیل تا چه زمانی برنامه هسته‌ای [رژیم] ایران را به تأخیر می‌اندازد. یکی از مقامات آمریکایی می‌گوید، که این اقدام در بهترین حالت این توقف شش ماهه خواهد بود. اما مقامات اسرائیلی گمان می‌کنند که اثرات آن یک سال یا بیشتر ادامه خواهد بود. یکی از دلایل فوریت اسرائیل برای حمله احتمالی این است که مقامات می‌ترسند رژیم ایران مخفیانه به سمت سطح غنی سازی ۹۰ درصدی مورد نیاز برای ساخت بمب اتمی برود.

به نوشته‌ی این روزنامه، ترامپ که همیشه معامله‌گر بوده، از اولین دوره ریاست جمهوری خود یک معامله تاریخی با حکومت ایران را متصور بوده است. اگرچه در سال ۲۰۱۸ او از برجام خارج شد اما ادعا کرد که می‌تواند به توافق بهتر و بزرگتری دست یابد. او با شینزو آبه نخست‌وزیر پیشین ژاپن و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه همکاری کرد تا جمهوری اسلامی تحت فشار تحریم‌ها مجبور به توافق شود. مارک تی اسپر وزیر دفاع وقت آمریکا در اوت ۲۰۲۹ گفته بود، «ما می‌خواهیم با ایران صحبت کنیم و در مورد مسیر دیپلماتیک رو به جلو صحبت کنیم. اما این تلاش شکست خورد.»

در پایان این گزارش آمده، «رویکرد چگشی ترامپ به مذاکرات (اخلال و سپس توافق) ویژگی اصلی هفته‌های اول دوره دوم ریاست جمهوری او بوده است. اما اقدام تهاجمی تهدیدآمیز علیه جمهوری اسلامی حتی برای ترامپ نیز راهگشاست. او به وضوح خواهان جنگ نیست. اما تصمیم گیرنده نهایی در اینجا ممکن است نتانیاهاو باشد، نه ترامپ.»

که اسرائیل می‌خواهد از این فرصت استفاده کند. به گفته این مقامات، اگر جمهوری اسلامی نپذیرد که مانند لیبی تأسیسات هسته‌ای خود را کنار بگذارد، اسرائیل فارغ از اینکه آمریکا حمایت کند یا نه، آماده حمله به این تأسیسات است. مقامات گفته‌اند که دولت بایدن در آخرین روزهای خود بررسی کرده بود که آیا از این اولتیماتوم اسرائیل حمایت کند یا نه؛ و در نهایت حمایت نکرد، اما این سناریو یکی از گزینه‌هایی است که ترامپ در مورد آن واضح صحبت کرده است.

دونالد ترامپ در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت: «فکر می‌کنم که در مورد ایران به توافق برسیم. من که توافق را ترجیح می‌دهم. افراد زیادی فکر می‌کنند که ما یا اسرائیل با کمک یا تأیید ما قصد داریم ایران را بمباران کنیم؛ در حالی که [برای حمله به ایران] به ما نیاز دارد.»

او در تشریح راهکارهای خود برای گفتگو با جمهوری اسلامی تأکید کرد: «دو راه برای متوقف کردن آنها وجود دارد، یا بمب یا با یک تکه کاغذ امضاء شده و سند تدوین شده. ترجیح می‌دهم توافقی را انجام دهم که به آنها لطمه‌ای نزند. فکر می‌کنم آنها نیز همین را می‌خواهند.»

روزنامه «واشنگتن پست» در ادامه می‌نویسد، «ترامپ امیدوار است ضعف، تهران را مجبور به چانه‌زنی کند. رئیس‌جمهوری آمریکا در اینباره گفته بود، «فکر می‌کنم ایران واقعاً ترسیده است، صادقانه بگویم، زیرا توان دفاعی آنها تقریباً از بین رفته است. آنها لحظات بسیار سختی را پشت سر گذاشته‌اند. کل ماجرای پیچرهای برای آنها یک فاجعه بود.»

بنیامین نتانیاهاو نخست‌وزیر اسرائیل با ترامپ درباره چندین سطح احتمالی از حمایت آمریکا، از حمایت نظامی فعال از یک حمله تهاجمی مانند پشتیبانی اطلاعاتی، پشتیبانی هواپیماهای سوخت‌رسان تا حمایت سیاسی صحبت کرده است. ایالات متحده پیش از این به اسرائیل مهمات برای تخریب سنگرها ارسال کرده است که می‌تواند به شدت به سانتریفیوژها و سایر تجهیزات غنی سازی اورانیوم که در فرود

● روزنامه «واشنگتن پست» ۱۳ فوریه (۲۵ بهمن ماه) در گزارشی می‌نویسد، «ترامپ که وعده توقف جنگ‌ها در سراسر جهان را داده بود، مطمئناً خواهان درگیری دیگری در خاورمیانه نیست. اما او از سوی اسرائیل تحت فشار است.»

● به گفته مقامات آمریکایی و اسرائیلی، اگر جمهوری اسلامی نپذیرد که مانند لیبی تأسیسات هسته‌ای خود را کنار بگذارد، اسرائیل فارغ از اینکه آمریکا حمایت کند یا نه، آماده حمله به این تأسیسات است.

● این مقامات گفته‌اند که دولت بایدن در آخرین روزهای خود بررسی کرده بود که آیا از این اولتیماتوم اسرائیل حمایت کند یا نه؛ و در نهایت حمایت نکرد، اما این سناریو یکی از گزینه‌هایی است که ترامپ در مورد آن واضح صحبت کرده است.

● «رویکرد چگشی ترامپ به مذاکرات (اخلال و سپس توافق) ویژگی اصلی هفته‌های اول دوره دوم ریاست جمهوری او بوده است. اما اقدام تهاجمی تهدیدآمیز علیه جمهوری اسلامی حتی برای ترامپ نیز راهگشاست. او به وضوح خواهان جنگ نیست. اما تصمیم گیرنده نهایی در اینجا ممکن است نتانیاهاو باشد، نه ترامپ.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا می‌گوید اگر جمهوری اسلامی توافق کند، بمباران نخواهد شد. او با صراحت دو گزینه پیش روی مقامات تهران گذاشته است: معامله با امضای یک سند تدوین شده یا بمباران.

روزنامه «واشنگتن پست» ۱۳ فوریه (۲۵ بهمن ماه) در گزارشی می‌نویسد، «ترامپ که وعده توقف جنگ‌ها در سراسر جهان را داده بود، مطمئناً خواهان درگیری دیگری در خاورمیانه نیست. اما او از سوی اسرائیل تحت فشار است، که تهران را پس از شکست متحدانش در غزه، لبنان و سوریه و حمله ویرانگر اسرائیل به پدافند هوایی و سایت‌های تولید موشک در ماه اکتبر، در دوره‌ای از حداکثر آسیب‌پذیری می‌بیند.» در این گزارش به نقل از مقام‌های آمریکایی و اسرائیلی آمده

# مارکو روبیو وارد تل آویو شد؛ احیای همکاری آمریکا و اسرائیل برای به «صفر» رساندن صادرات نفت جمهوری اسلامی



استقبال از وزیر خارجه آمریکا در فرودگاه تل آویو / عکس: رویترز

۱/۵ میلیون بشکه است، به کمتر از ۱۰ درصد میزان فعلی یعنی حدود ۱۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دهد. تجربه نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۸ پس از خروج آمریکا از برجام و آغاز کارزار «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی، سرویس‌های امنیتی و نظامی اسرائیل نقش مکملی در کاهش صادرات نفت ایران ایفا کرده‌اند.

## مأموریت اسرائیل در همکاری با آمریکا

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۷ شهریور ۱۴۰۳ در جمع شماری از فرماندهان قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه گفته بود، «۱۴ فروند کشتی ما را در دریای سرخ و دریای مدیترانه با هدف قطع صادرات نفت ایران زدند. اوایل متوجه نبودیم که چه کسی و کدام کشور کشتی‌هایمان را می‌زند، اما بالاخره متوجه شدیم. رژیم صهیونیستی بسیار مرموزانه و مبهم کشتی‌های ایران را در دریای سرخ و دریای مدیترانه هدف قرار می‌داد.»

ترامپ ۱۶ بهمن‌ماه به وزارتخانه‌های آمریکا دستورالعمل مقابله با فعالیت‌های مخرب جمهوری اسلامی را در منطقه برای جلوگیری از تأمین مالی تروریسم و مقابله با تهدیدات اتمی تهران صادر کرد که بخشی از آن مربوط به مأموریت‌ها برای به «صفر» رساندن صادرات نفت ایران بود.

علاوه بر این، یکی از اصلی‌ترین دلایل خروج ترامپ از برجام، اسناد و مدارکی بود که بنیامین نتانیاهو پس از سرقت آرشیو اتمی جمهوری اسلامی توسط مأموران موساد، در اختیار آمریکا قرار داد. این اسناد نشان می‌داد که جمهوری اسلامی دست‌کم در سه تا چهار سایت اعلام‌نشده، به صورت مخفیانه فعالیت‌های اتمی ممنوعه داشته است.

وزیر خارجه آمریکا پس از اسرائیل برای دیدار با مقامات امارات و سعودی راهی به ابوظبی و ریاض خواهد شد.

قبل منطقه را دنبال خواهد کرد. همچنین گفته شده است که یکی از محورهای گفتگوی روبیو با مقامات اسرائیلی، مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی است. پایگاه خبری «المانیتور» به نقل از یک منبع



دیپلماتیک ارشد اسرائیلی در تاریخ ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن) گزارش داد که دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در مورد جمهوری اسلامی به «تفاهم کامل» رسیده‌اند. به گفته این منبع، اگر توافق هسته‌ای با ایران به نتیجه نرسد، «دروازه‌های جهنم» به روی جمهوری اسلامی باز خواهد شد.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرده که مأموریت دارد صادرات نفت جمهوری اسلامی را که روزانه

● مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا در اولین سفر خود به خاورمیانه در این مقام وارد اسرائیل شد. او پس از شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ شامگاه شنبه ۱۵ فوریه (۲۷ بهمن‌ماه) به تل آویو رفت.

● یک مقام وزارت خارجه آمریکا پیشتر اعلام کرده بود که روبیو در این سفر درباره غزه و پیامدهای حمله حماس به اسرائیل گفتگو خواهد کرد و همچنین رویکرد ترامپ در قبل منطقه را دنبال می‌کند.

● تجربه نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۸ پس از خروج آمریکا از برجام و آغاز کارزار «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی، سرویس‌های امنیتی و نظامی اسرائیل نقش مکملی در کاهش صادرات نفت ایران ایفا کرده‌اند.

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا در اولین سفر خود به خاورمیانه در این مقام وارد اسرائیل شد. او پس از شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ شامگاه شنبه ۱۵ فوریه (۲۷ بهمن‌ماه) به تل آویو رفت.

گیدئون سعار وزیر خارجه اسرائیل در فرودگاه بن‌گوریون تل آویو از روبیو استقبال کرد. قرار است وزیر خارجه آمریکا روز یکشنبه ۱۶ فوریه با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل دیدار کند.

روبیو در شرایطی به اسرائیل سفر کرده که دونالد ترامپ پیشنهاد داده است آمریکا برای بازسازی غزه کنترل این منطقه را به دست بگیرد و مصر و اردن مناطقی را برای اسکان حدود دو میلیون فلسطینی ساکن این منطقه ایجاد کنند. ترامپ در طرح بازسازی غزه به دنبال تبدیل آن به یک منطقه گردشگری است.

یک مقام وزارت خارجه آمریکا پیشتر اعلام کرده بود که روبیو در این سفر درباره غزه و پیامدهای حمله حماس به اسرائیل گفتگو خواهد کرد و همچنین رویکرد ترامپ در

# آغاز کنفرانس امنیتی مونیخ؛ اعتراض رئیس جمهور آلمان به سیاست‌های ترامپ، موعظه برای دموکراسی و حقوق بشر!



سخنرانی جی دی وُئس، معاون رئیس جمهوری آمریکا در کنفرانس امنیت مونیخ / رویترز

● شصت و یکمین کنفرانس امنیتی مونیخ (MSC) از جمعه ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) به مدت سه روز با حضور مقامات آلمان و چند کشور جهان و شماری از صاحب‌نظران سیاسی و امنیتی و روزنامه‌نگاران در هتل «بایریش هوف» آغاز شد. گفته می‌شود اولویت موضوعی این کنفرانس درباره «خاورمیانه و اوکراین» است.

● این کنفرانس پیش از آغاز تحت تأثیر دو رویداد قرار گرفت: اقدام تروریستی یک پناهجوی افغانستانی که در نزدیکی محل برگزاری کنفرانس مونیخ اتومبیل را به درون جمعیتی از تظاهرکنندگان اتحادیه کارکنان خدمات آلمان راند و بیش از ۲۸ نفر از آنان را زخمی کرد که حال برخی از آنها وخیم اعلام شده و همچنین لغو سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی با دخالت وزارت خارجه این کشور که با اعتراض گسترده ایرانیان و محافل سیاسی آلمانی و دیگر کشورها روبرو شد.

● فرانک والتر اشتاین مایر رئیس جمهور آلمان در آغاز کنفرانس امنیتی مونیخ، سیاست‌های دونالد ترامپ را به باد انتقاد گرفت و گفت او «بی‌ملاحظه» است. او در ادامه نیز هشدار داد که «بی‌قانونی نباید به الگوی نظم نوین جهانی تبدیل شود» و ادعا کرد «دموکراسی زمین بازی برای بی‌ثباتی» نیست.

● این ادعاها درحالی مطرح شده که شاهزاده رضا پهلوی و مخالفان جمهوری اسلامی دولت آلمان را متهم می‌کنند که در عمل بازیچه ملاما قرار گرفته و تحت تأثیر فشارهای رژیم ایران سخنرانی شخصیتی را که صدای ملت ایران به شمار می‌رود لغو کرده است.

شصت و یکمین کنفرانس امنیتی مونیخ (MSC) از جمعه ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) به مدت سه روز با حضور مقامات آلمان و چند کشور جهان و شماری از صاحب‌نظران سیاسی و امنیتی و روزنامه‌نگاران در هتل «بایریش هوف» آغاز شد. گفته می‌شود اولویت موضوعی این کنفرانس درباره «خاورمیانه و اوکراین» است.

بیش از ۶۰ رئیس دولت و حدود ۱۰۰ وزیر خارجه و دفاع از کشورهای مختلف در این کنفرانس شرکت دارند. در این کنفرانس با بیش از ۲۰۰ رویداد برنامه‌ریزی شده، بحران‌های بین‌المللی، مسائل دفاعی و سیاست‌های خارجی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

این کنفرانس پیش از آغاز تحت تأثیر دو رویداد قرار گرفت: اقدام تروریستی یک پناهجوی افغانستانی که در نزدیکی محل برگزاری کنفرانس مونیخ اتومبیل را به درون جمعیتی از تظاهرکنندگان اتحادیه کارکنان خدمات آلمان راند و بیش از ۲۸ نفر از آنان را زخمی کرد که حال برخی از آنها وخیم اعلام شده و همچنین لغو سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی با دخالت وزارت خارجه این کشور که با اعتراض گسترده ایرانیان و محافل سیاسی آلمانی و دیگر کشورها روبرو شد.

فرانک والتر اشتاین مایر رئیس جمهور آلمان در آغاز کنفرانس امنیتی مونیخ، سیاست‌های دونالد ترامپ را به باد انتقاد گرفت و گفت او «بی‌ملاحظه» است. اشتاین مایر با اشاره به اینکه دولت ترامپ جهان‌بینی متفاوتی از ما دارد مدعی شد که این جهان‌بینی به «اصول تثبیت‌شده،

همکاری‌های دیرینه و اعتماد متقابل بی‌توجه است» و «مسیر دولت جدید آمریکا برای سایر دولت‌ها قابل پذیرش نیست و باید تغییر پیدا کند!»

## سخنرانی معاون ترامپ

جی دی وُئس معاون رئیس جمهوری آمریکا در سخنرانی خود در کنفرانس امنیتی مونیخ بر اهمیت پاس داشتن از ارزش‌های مشترک آمریکا و اروپا تأکید کرد. او حمله تروریستی روز پنجشنبه در مونیخ را محکوم نمود و روند فزاینده مهاجرت بی‌رویه در جهان طی سال‌های اخیر را یک چالش مهم دانست.

جی دی وُئس در بخش دیگری از سخنانش نمونه‌هایی از مخاطرات علیه آزادی‌های شهروندان اروپایی و آمریکایی در سال‌های اخیر و لزوم دفاع از دموکراسی را یادآور شد و تأکید کرد که تحت رهبری دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، بر خلاف دولت جو بایدن، شرایط متفاوت خواهد بود و اکنون «کلانتر تازهای در شهر است».

برخی منابع گزارش دادند وئس از ملاقات با اولاف شولتز صدراعظم آلمان خودداری کرد.

در این دوره از کنفرانس امنیتی مونیخ، به نظر می‌رسد جنگ روسیه و اوکراین، طرح صلح دونالد ترامپ برای اوکراین و غزه، روابط غرب با چین، وضعیت خاورمیانه، هزینه‌های دفاعی و حق سهم کشورها در تأمین هزینه‌های ناتو، بحران‌های مربوط به آب و هوا، انرژی و امنیت غذایی و هوش مصنوعی و امنیت سایبری در اولویت بحث‌ها قرار داشته باشد. با اینهمه فضای این کنفرانس تحت تأثیر سیاست‌های ترامپ و اختلاف دیدگاه‌های کلان او با رهبران اروپایی قرار دارد.

رئیس جمهوری آلمان در ادامه نیز هشدار داد که «بی‌قانونی نباید به الگوی نظم نوین جهانی تبدیل شود» و ادعا کرد «دموکراسی زمین بازی برای بی‌ثباتی» نیست.

این ادعاها درحالی مطرح شده که شاهزاده رضا پهلوی و مخالفان جمهوری اسلامی دولت آلمان را متهم می‌کنند که در عمل بازیچه ملاما قرار گرفته و تحت تأثیر فشارهای رژیم ایران سخنرانی شخصیتی را که صدای ملت ایران به شمار می‌رود لغو کرده است.

رئیس جمهور آلمان هشدار داد «آنچه امروز در خطر است، حفظ و استواری دموکراسی ماست.» او تأکید کرد که «اگر برخی از این نخبگان، مخالفت خود را با نهادها و هنجارهای دموکراتیک ما آشکارا بیان کنند، این موضوع بسیار نگران‌کننده است.»

در همین ارتباط بنیاد آزادی «فریدریش نائومان» بنیادی که در جمهوری فدرال آلمان در زمینه ارتقاء اصول لیبرال و آموزش سیاسی فعال است در بیانیه‌ای اعلام کرد، ممانعت از حضور رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ یک «رسوایی تمام‌عیار» برای آلمان است.

در این بیانیه همچنین تأکید شده، لغو سخنرانی رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ، «توهینی آشکار به اپوزیسیون دموکراسی‌خواه ایران، چه در داخل کشور و چه در تبعید، محسوب می‌شود و برخلاف تمام شعارهای همیشگی بریوک [وزیر خارجه آلمان] درباره‌ی دفاع از

# دکتر لیندسی فورمن و همسرش گروگان «ملاهای مهربان و متفکر» شدند؛ «تو را می‌بینیم، ما بهم وصل هستیم!»

منتشر شده آمده است: «این حادثه پیش‌بینی نشده باعث نگرانی زیاد کل خانواده آنها شده و ما بر تضمین سلامت و راحتی آنها در این شرایط سخت، متمرکز هستیم.»  
دو گروگان گفته‌اند که «ترجیح داده‌اند توصیه افرادی را که به آنها می‌گویند به ایران سفر نکنند نادیده بگیرند، زیرا معتقدند که مهم نیست در کجای دنیا هستید، اکثر مردم انسان‌های خوب و مهربانی هستند که برای زندگی معنادار تلاش می‌کنند!» بازداشت آنها بار دیگر ثابت کرد که این خیالات و فانتزی‌ها در جمهوری اسلامی هیچ محلی از اعراب ندارد.

این دو نفر گفته بودند سفر به ایران «یکی از چالش‌برانگیزترین و صادقانه بگویم، کمی ترسناک‌ترین بخش‌های سفر ما» بود و همچنین اعلام کرده بودند که «انتخاب کرده‌اند به حرکت رو به جلو ادامه دهند.»  
دکتر فورمن همچنین تأکید کرده بود «بله، ما از خطرات آن آگاه هستیم. اما همچنین می‌دانیم که ملاقات با افراد باورنکردنی، شنیدن داستان‌های آنها و دیدن مناظر خیره‌کننده این مناطق ارزش خطر کردن دارد.»

این اظهارات در حالی مطرح شده بود که جمهوری اسلامی ایران از گروگانگیری شهروندان خارجی یا دوتابعیتی‌ها به عنوان ابزاری برای معامله و امتیاز گرفتن از دولت‌های غربی استفاده می‌کند. در عین حال چنین گروگان‌هایی پس از آنکه

بریتانیایی است که به همراه همسرش کریگ در ایران به گروگان گرفته شده‌اند. او پیش از آنکه در کرمان توسط نهادهای امنیتی بازداشت شود در اصفهان با یک آخوند دیدار و به او ابراز ارادت کرده بود!

فورمن سوم ژانویه ۲۰۲۴ تصویری از خود با حجاب اجباری (روسری) در کنار این آخوند منتشر می‌کند. او به نشان احترام دست روی سینه‌اش گذاشته و درباره این دیدار و احساس صمیمیت با ملای حکومت با اشاره به آیه‌ای از سوره «حج» نوشته بود: «در قرآن، قلب نماد اخلاص، پاکی و حقیقت درونی است.»

یک سال بعد، خبرگزاری‌های حکومتی شامگاه چهارشنبه ۲۴ بهمن‌ماه گزارش دادند دو شهروند بریتانیایی که به اتهامات امنیتی بازداشت شده‌اند در محل دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان با هوگو شورتز سفیر بریتانیا در تهران دیدار کردند. مهدی بخشی دادستان کرمان و رحمان جلالی معاون امنیتی- انتظامی استاندار کرمان نیز در این دیدار حضور داشتند.

بر اساس گزارش منابع انگلیسی، این زوج ۵۰ و اندی ساله در حال جهانگردی و سفر با موتورسیکلت بودند و در ماه دسامبر ۲۰۲۴ (دی‌ماه ۱۴۰۳) از مرز زمینی ارمنستان وارد ایران شدند. آنها در مسیر حرکت تدریجی به سمت استرالیا بودند که در کرمان گیر نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی

لیندسی فورمن شهروند بریتانیایی که به همراه همسرش کریگ در ایران به گروگان گرفته شدند پیش از آنکه در کرمان توسط نهادهای امنیتی بازداشت شود در اصفهان با یک آخوند از مسئولان مدرسه علمیه ناصریه دیدار و به ابراز ارادت کرده بود!

دکتر فورمن که معلم «سبک زندگی» است، سوم ژانویه ۲۰۲۵ [پیش از آنکه به گروگان گرفته شوند] در اینستاگرامش با انتشار تصویری از دیدار با ملای مدرسه علمیه ناصریه نوشته بود «افتخار دیدار با این ملای مهربان و متفکر را داشتم. با وجود تفاوت‌های ما در پیشینه، زبان و باور، همین حرکت گویای همه چیز بود: تو را می‌بینم. تو را ارج می‌نهم. ما بهم وصل هستیم!»

فورمن سوم ژانویه ۲۰۲۴ تصویری از خود با حجاب اجباری (روسری) در کنار این آخوند منتشر کرده بود. او به نشان احترام دست روی سینه‌اش گذاشته و درباره این دیدار و احساس صمیمیت با آن ملا با اشاره به آیه‌ای از سوره «حج» نوشته بود: «در قرآن، قلب نماد اخلاص، پاکی و حقیقت درونی است.»

ورود این زوج به ایران درست همزمان با اوج تهدیدات جمهوری اسلامی برای انجام عملیات «وعده صادق ۳» بود. وزارت خارجه بریتانیا قبل از این، از شهروندان این کشور خواسته بود از هرگونه سفر به ایران خودداری کنند.



گشت و گذار فورمن و همسرش در ایران



دیدار لیندسی فورمن شهروند بریتانیایی با یکی از آخوندهای مدرسه علمیه ناصریه اصفهان پیش از آنکه توسط رژیم ملایان به گروگان گرفته شود

با هزینه از جیب ملت ایران، آزاد می‌شوند و به کشورهای خود برمی‌گردند با انواع مصاحبه و انتشار خاطرات به کسب درآمد می‌پردازند و برخی از آنها با دریافت غرامت‌های کلان از پول‌های بلوکه شده‌ی ایران میلیونر می‌شوند!

یکی از تازه‌ترین موارد گروگانگیری و باج‌خواهی، مبادله چچیلیا سالا خبرنگار ایتالیایی با محمد عابدینی است که به اتهام نقض تحریم‌های آمریکا در میلان بازداشت شده بود. عابدینی قطعات حساس ممنوعه از جمله مربوط به ساخت پهپاد را به ایران منتقل می‌کرد. آمریکا از دولت ایتالیا خواستار استرداد وی شده بود اما اندکی پیش از آنکه دولت ترامپ بطور رسمی کار خود را شروع کند، پس از سفر جورجیو ملونی نخست‌وزیر ایتالیا به آمریکا و گفتگو با ترامپ، سالا به ایتالیا بازگشت و عابدینی به ایران اخراج شد و در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفت.

افتاده و به گروگان گرفته شدند تا برای باج‌گیری رژیم ایران مورد مبادله قرار بگیرند.

ورود آنها به ایران درست همزمان با اوج تهدیدات جمهوری اسلامی برای انجام عملیات «وعده صادق ۳» بود. وزارت خارجه بریتانیا قبل از این، از شهروندان این کشور خواسته بود از هرگونه سفر به ایران خودداری کنند. آمریکا، فرانسه، آلمان، هلند و سوئد هم از دیگر کشورهایی هستند که چنین هشدارهایی را صادر کرده‌اند. با اینهمه این زوج به ایران رفتند!

روزنامه «دیلی میل» در گزارشی می‌نویسد کریگ فورمن نجار است و دکتر لیندسی فورمن مربی [سبک] زندگی است که پیش از بازداشت، در تبریز، تهران و اصفهان اقامت داشتند. اما هرگز به هتل بعدی خود در کرمان نرسیدند. در بیانیه خانواده آنها که از سوی وزارت خارجه بریتانیا

بر اساس گزارش‌ها، دکتر فورمن پیش از این سفر گفته بود: «ما از خطرات آن آگاه هستیم. اما همچنین می‌دانیم که ملاقات با افراد باورنکردنی، شنیدن داستان‌های آنها و دیدن مناظر خیره‌کننده این مناطق ارزش خطر کردن دارد.»  
این در حالیست که چنین گروگان‌هایی پس از آنکه با هزینه از جیب ملت ایران، مبادله می‌شوند و به کشورهای خود برمی‌گردند با انواع مصاحبه و انتشار خاطرات به کسب درآمد می‌پردازند و برخی از آنها با دریافت غرامت‌های کلان از پول‌های بلوکه شده‌ی ایران میلیونر می‌شوند!

«در مدرسه علمیه ناصریه اصفهان، افتخار دیدار با این ملای مهربان و متفکر را داشتم. با وجود تفاوت‌های ما در پیشینه، زبان و باور، همین حرکت گویای همه چیز بود: تو را می‌بینم. تو را ارج می‌نهم. ما بهم وصل هستیم!»  
این بخشی از پست اینستاگرامی لیندسی فورمن شهروند

# جمهوری اسلامی روبروی «دروازه‌های جهنم»: هشدار امنیتی‌ها درباره درگیری میان مردم و حکومت

امنیت ملی مجلس که او نیز از موافقان سرسخت توافق با دولت ترامپ است، در مصاحبه با روزنامه «آرمان ملی» عنوان کرده که احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه وجود دارد و اسرائیل «به شدت عجله دارد که آمریکا را به جنگ مستقیم با ایران بکشاند.»

او توضیح داد، «همانطور که از ابتدای وقوع هفت اکتبر پیش‌بینی می‌شد، این کمین گسترش یافت و چون ایران دیپلماسی فعالی از خود نشان نداد، به این کمین نیز نزدیک شد.»

فلاح‌پیشه همچنین هشدار داده است «همان افرادی که از هماران ایران سخن می‌گویند، بلافاصله از ناراضی‌های مردم صحبت کرده و بر روی ایجاد آن تکیه می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند کشور را از درون دچار چالش کنند.»

رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی البته راهکار ویژه‌ای برای نظام ارائه نداد اما با ابراز تأسف گفته است «نکته تلخ ماجرا این است که اگر دولت گام موثر و عملی در عمل به وعده‌های خود انجام ندهد، در مقابل این دشمنی‌ها دست بسته‌ای خواهد داشت و از حمایت کامل مردم بهره‌مند نمی‌شود.»

نگرانی از آغاز موج جدید تظاهرات ضدحکومتی، مقامات جمهوری اسلامی را به شدت نگران کرده است هرچند کاظم صدیقی امام جمعه فاسد تهران ادعا می‌کند «مردم عهد

تحریم را زیاد خواهند کرد، هدفشان هم ایجاد ناراضی‌های بیشتر در بین مردم و درگیری بین حکومت و مردم است.»

راهکار او برای نظام «رفع تبعیض، مبارزه با فساد و به ویژه فساد کاسبان تحریم و ایجاد رضایت عمومی، دستگیری از فقرا و آسیب‌دیدگان» است. ضمن اینکه هشدار داده است «آگاه باشیم که طرح موضوعات اختلاف انگیز، به ویژه دمیدن بر برخی محدودیت‌های اجتماعی آزردهنده، بازی در زمین کمپین فشار حداکثری است.»

**فشارهای کمرشکن**

حسین مرعشی دبیرکل حزب اصلاح‌طلب «کارگزاران سازندگی» نیز هشدار می‌دهد، «فشار حداکثری و اعمال بی‌امان تحریم‌های ثانویه» فشاری کمرشکن بر اقتصاد ایران تحمیل می‌کند و «امواج سهمگین فشارهای اقتصادی بر گرده مردم سنگینی خواهد کرد» و پیامدهای آن برای معیشت و رفاه جامعه، بسی ناگوار خواهد بود. او ابراز امیدواری کرده «روزنه‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها» ایجاد شود و نظام بتواند با «تنفس نیم‌بند» کارش را ادامه دهد

## الگوی امام حسین و مردم کوفه

علی مطهری نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی از حکومت خواسته دعوت ترامپ برای مذاکره را بپذیرد. او در کانال تلگرامی خود یادداشتی نوشته که در نهایت می‌شود از آن برداشت کرد که راهی بجز وقت خریدن در پوشش

● پایگاه خبری «المانیاتور» به نقل از یک منبع دیپلماتیک ارشد اسرائیلی ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) گزارش داد دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در مورد جمهوری اسلامی به «تفاهم کامل» رسیده‌اند. به گفته این منبع، اگر توافق هسته‌ای با ایران به دست نیاید دروازه‌های جهنم به روی جمهوری اسلامی باز می‌شود.

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا می‌گوید مأموریت دارد صادرات نفت جمهوری اسلامی را که روزانه ۱/۵ میلیون بشکه در روز است به کمتر از ۱۰ درصد میزان فعلی یعنی روزانه حدود ۱۰۰ هزار بشکه کاهش دهد.

● حشمت‌الله فلاح‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس هشدار داده است «همان افرادی که از هماران ایران سخن می‌گویند، بلافاصله از ناراضی‌های مردم صحبت کرده و بر روی ایجاد آن تکیه می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند کشور را از درون دچار چالش کنند.»

دولت ترامپ حلقه فشارها علیه جمهوری اسلامی را تنگ‌تر کرده به این امید که در تهران علی خامنه‌ای وادار شود نمایندگان خود را پای میز مذاکره برای معامله‌ی ناممکن آبی و موشکی و بی‌ثباتی در خاورمیانه بفرستد.

پایگاه خبری «المانیاتور» به نقل از یک منبع دیپلماتیک ارشد اسرائیلی ۱۴ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) گزارش داد دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در مورد جمهوری اسلامی به «تفاهم کامل» رسیده‌اند. به گفته این منبع، اگر توافق هسته‌ای با ایران به دست نیاید دروازه‌های جهنم به روی جمهوری اسلامی باز می‌شود.

همزمان اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا می‌گوید مأموریت دارد صادرات نفت جمهوری اسلامی را که روزانه ۱/۵ میلیون بشکه در روز است به کمتر از ۱۰ درصد میزان فعلی یعنی روزانه حدود ۱۰۰ هزار بشکه کاهش دهد.

او در مصاحبه با «فاکس بیزینس» توضیح داد که «اقتصاد ایران در حال حاضر بسیار شکننده است و با تورم گسترده و کسری بودجه عظیم روبروست و با کاهش فروش نفت دچار بحران اقتصادی شدید خواهد شد.»

مارکو روبریو وزیر دولت ترامپ نیز در مصاحبه با «فاکس نیوز» عنوان کرد، «آنها [جمهوری اسلامی] کشورشان را نابود کردند، میلیاردها دلار را صرف حزب‌الله و گروه‌های تروریستی کردند و هیچ کاری برای مردم خود انجام ندادند. بنابراین، مشکلات داخلی بزرگی دارند و فکر می‌کنم که در این بازی شکست خورده‌اند.»

وزرای ترامپ و مشاوران او با شدت بیشتری از ضرورت اجرای تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی و مجازات رژیم ایران صحبت می‌کنند اما ترامپ خودش می‌گوید تمایل نداشت که فرمان «کارزار فشار حداکثری» را امضاء کند و به دنبال یک معامله است، هرچند دو گزینه پیش روی جمهوری اسلامی گذاشته است: امضای کاغذ برای توافق یا بمباران!

در شرایطی که علی خامنه‌ای برای مذاکره با آمریکا مخالفت کرده، در داخل ایران موافقان مذاکره غیرمستقیم هشدار می‌دهند که ادامه این راه بن‌بست است.

## درگیری بین حکومت و مردم

محمدجواد آذری جهرمی وزیر پیشین ارتباطات و از چهره‌های وابسته به وزارت اطلاعات می‌گوید: «حتما فشار



حضور علی خامنه‌ای در مسجد جمکران قم / بهمن ۱۴۰۳

کرده‌اند تا زمان ظهور مقاومت کنند.» اینهمه در حال است که برخی مقامات نظام حمله اسرائیل به تأسیسات آبی داخل ایران را محتمل می‌دانند اما بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل که بسیاری از مردم ایران او را شریکی برای سرنگونی جمهوری اسلامی می‌دانند گفته «بزرگترین دشمن ملاها خود مردم ایران هستند.»

بسیاری از ناظران رویدادهای ایران و تحلیلگران بر این باورند که هفته‌های آینده که سرآغاز سال ۱۴۰۴ خورشیدی است، ایران صحنه‌ی تحولات و دگرگونی‌های بزرگ باشد زیرا نظام هیچ راهکاری برای برون‌رفت از بحران‌ها ندارد.

مذاکره نیست. او در این ارتباط نوشته: «امام حسین دعوت مردم کوفه را پذیرفت با آنکه احتمال قوی می‌داد که آنها بر پیمان خود استوار نخواهند بود. او این دعوت را پذیرفت تا در مقابل تاریخ اتهام حجت کرده باشد و در آینده نگوید حسین علیه‌السلام یک فرصت تاریخی را از دست داد.»

مطهری خواسته نظام دعوت ترامپ را بپذیرد و با مردم اتهام حجت شود که فرصت رفع تحریم را «ما از دست ندادیم.»

## تلاش اسرائیل برای کشاندن نظام به جنگ

اما حشمت‌الله فلاح‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون

## ابراز نگرانی عراقچی از «نظامی سازی» منطقه؛ «می خواهند خلیج فارس را کانون درگیری کنند»

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ در «کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران» که با موضوع کریدورهای آبی و خلیج فارس برگزار شد، تأکید کرد که برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای با هدف تأمین منافع نامشروع خود در تلاش‌اند تا خلیج فارس را به کانون بحران و درگیری تبدیل کنند.

● عباس عراقچی می‌گوید، «سیاست خصمانه حذف جمهوری اسلامی از ترتیبات منطقه‌ای، جنگ تمام‌عیار اقتصادی از طریق تحریم‌ها، و تشدید فشارهای بین‌المللی، بخشی از برنامه‌های ایالات متحده علیه ایران است.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، روز سه شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ در «کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران» که با موضوع کریدورهای آبی و خلیج فارس برگزار شد، تأکید کرد که برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای با هدف تأمین منافع نامشروع خود، در تلاش‌اند تا خلیج فارس را به کانون بحران و درگیری تبدیل کنند.

وی با اشاره به سیاست‌های این کشورها گفت: «دولت‌های فرامنطقه‌ای دهه‌هاست که با نظامی‌سازی منطقه و فروش انبوه تسلیحات به ارزش میلیاردها دلار، این پهنه آبی را در وضعیت تنش دائمی قرار داده‌اند.»

عراقچی همچنین اظهار داشت: «سیاست خصمانه حذف جمهوری اسلامی از ترتیبات منطقه‌ای، جنگ تمام‌عیار اقتصادی از طریق تحریم‌ها، و تشدید فشارهای بین‌المللی، بخشی از برنامه‌های ایالات متحده علیه ایران است.»

اولتیماتوم علی‌خامنه‌ای به مقامات جمهوری اسلامی در مورد «مذاکره نکردن با آمریکا» احتمال شدت گرفتن تشدیدها در منطقه را افزایش داده است، به ویژه آنکه دونالد ترامپ با صراحت اعلام کرد که اگر توافق صورت نگیرد گزینه بعدی «مباران» تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی خواهد بود.

همزمان عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی در نشست‌ی با عنوان «مهدویت و امنیت» مدعی شد «ارتش خود را برای اجرای فرمان رهبری به‌روز کرده و آماده هرگونه اقدامی هستیم.»

### سفر رویو به منطقه

این سخنان در حالی مطرح می‌شود که مارکو رویو وزیر خارجه آمریکا در سفر اخیر خود به منطقه با مقامات اسرائیلی دیدار کرده است. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در نشست خبری مشترک با رویو در ۱۶ فوریه (۲۸ بهمن) اظهار داشت: «شکی ندارم که با حمایت ترامپ، کار جمهوری اسلامی را یکسره می‌کنیم.»

برخی تحلیل‌ها حاکی از آن است که ایالات متحده در راستای سیاست «به صفر رساندن فروش نفت ایران» نظارت بر نقل و انتقال نفت ایران از طریق «ناوگان شیخ» را

## دونالد ترامپ:

# ممکن است به زودی من و پوتین دیدار کنیم؛ مقامات آمریکا و روسیه در عربستان گفتگو می‌کنند

روابط آمریکا و روسیه پس از پیشرفت هفته گذشته، یعنی تماس تلفنی بین رئیس‌جمهور ترامپ و ولادیمیر پوتین خواهد بود. دیدار احتمالی مقام‌های ارشد روسیه و آمریکا باعث نارضایتی دولت اوکراین شده زیرا کی‌یف نگران است که توافقی بین واشنگتن و مسکو بدون اطلاع اوکراین صورت

● ترامپ می‌گوید باور دارد «پوتین می‌خواهد درگیری‌ها تمام شود و به زودی هم تمام شود» و «زلینسکی هم همین را می‌خواهد.»

● پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از «دو منبع آگاه» گزارش داد مقامات ارشد آمریکا و روسیه روز سه شنبه ۱۸



دونالد ترامپ / عکس: رویترز

بگیرد. گفته می‌شود هیئت آمریکایی متشکل از مارکو رویو وزیر خارجه آمریکا، مایک والتز مشاور امنیت ملی کاخ سفید و استیو ویتکوف نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه خواهد بود. مشخص نیست چه کسانی در هیئت روسی حضور خواهند داشت، اما یک منبع اعلام کرد که سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه نیز احتمالاً در این نشست شرکت خواهد کرد.

ویتکوف پیشتر به «فاکس نیوز» گفت که او و والتز یکشنبه شب به عربستان سعودی سفر خواهند کرد. رویو نیز پس از سفر به اسرائیل، روز دوشنبه به عربستان خواهد رسید.

### انتقاد زلینسکی از آمریکا

ولودیمیر زلینسکی رئیس‌جمهور اوکراین روز شنبه در مونیخ به خبرنگاران گفت که اوکراین برای این نشست دعوت نشده است. او افزود: «عجیب است که چنین نشستی قبل از مشورت با شرکای استراتژیک ما برگزار می‌شود. تا جایی که من می‌دانم، روسیه یکی از این شرکا نیست.»

یک مقام ارشد اوکراینی نیز گفت که اوکراین فقط از طریق گزارش‌های رسانه‌ای از این نشست مطلع شده است با اینهمه ترامپ روز یکشنبه ۱۶ فوریه ۲۰۲۵ به خبرنگاران گفت که فرآیند آغاز مذاکرات صلح بین روسیه و اوکراین در حال پیشرفت است و تأکید کرد که زلینسکی در مذاکرات نقش خواهد داشت.

ویتکوف نیز در همین ارتباط توضیح داد، «اوکراین بخشی از این گفتگوها خواهد بود. فکر نمی‌کنم بحث کنار گذاشتن کسی باشد، بلکه بحث بر سر مشارکت همه است.»

فوریه (۳۰ بهمن‌ماه) در عربستان سعودی دیدار خواهند کرد تا درباره توافق احتمالی برای پایان دادن به جنگ اوکراین و آماده ساختن نشست ترامپ-پوتین گفتگو کنند. ● گفته می‌شود هیئت آمریکایی متشکل از مارکو رویو وزیر خارجه آمریکا، مایک والتز مشاور امنیت ملی کاخ سفید و استیو ویتکوف نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه خواهد بود.

رئیس‌جمهور آمریکا یکشنبه ۱۶ فوریه (۲۸ بهمن‌ماه) در فلوریدا به خبرنگاران گفت احتمال دارد خیلی زود با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه دیدار کند تا درباره پایان دادن به جنگ در اوکراین صحبت کنند. دونالد ترامپ در ادامه اظهارات خود در پاسخ به خبرنگاران گفت که «سخت در حال کار بر روی مذاکرات صلح هستیم.»

او همچنین توضیح داد که باور دارد «پوتین می‌خواهد درگیری‌ها تمام شود و به زودی هم تمام شود» و «زلینسکی هم همین را می‌خواهد.»

ترامپ با این حال جزئیات بیشتری درباره این دیدار احتمالی مطرح نکرد و گفت: «زمان آن مشخص نیست، اما ممکن است خیلی زود انجام شود.»

در همین حال پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از «دو منبع آگاه»، گزارش داد مقامات ارشد آمریکا و روسیه روز سه شنبه ۱۸ فوریه (۳۰ بهمن‌ماه) در عربستان سعودی دیدار خواهند کرد تا درباره توافق احتمالی برای پایان دادن به جنگ اوکراین و آماده ساختن نشست ترامپ-پوتین گفتگو کنند.

در این گزارش آمده، «این دیدار گام مهم دیگری در بهبود



ترامپ در همکاری و هماهنگی کامل کار می‌کنیم. ما یک استراتژی مشترک داریم و همیشه می‌توان جزئیات آن را برای عموم توضیح داد، از جمله اینکه درهای جهنم چه زمانی باز می‌شوند و اگر همه گروگان‌های ما برنگردند، باز خواهند شد.»

نخست وزیر اسرائیل افزود: «هماهنگی کامل بین اورشلیم و واشنگتن در مورد دستیابی به تمام اهداف جنگ از جمله بازگرداندن همه ربوده شدگان، از بین بردن قدرت حماس و تهدید آن و اجرای برنامه شجاعانه پرزیدنت ترامپ برای آینده غزه وجود دارد.»

او در مورد سوریه نیز عنوان کرد: «ما وضعیت این کشور را از نزدیک دنبال می‌کنیم و پس از خروج رژیم ایران از آنجا، اجازه نمی‌دهیم هیچ نیروی خارجی، امنیت اسرائیل را

## نتانیاهو در کنفرانس خبری بارویو: شک ندارم با حمایت ترامپ کار جمهوری اسلامی را یکسره می‌کنیم



کنفرانس خبری نتانیاهو و رویو در تل‌آویو / فوریه ۲۰۲۵

تهدید کند. بخشی از سخنانی نتانیاهو در مورد درگیری‌ها با حزب الله بود که گفت: «اسرائیل به توافق آتش‌بس با لبنان متعهد است و بر لزوم اجرای قطعنامه‌های بین‌المللی مرتبط با آن از جمله خلع سلاح حزب الله تأکید دارد.»

وزیر خارجه آمریکا نیز به نوبه خود بر قدرت اتحاد اسرائیل و آمریکا تأکید کرد و گفت: «پرزیدنت ترامپ بزرگترین متحد اسرائیل است.»

مارکو رویو افزود: «همه ربوده‌شدگان باید بازگردانده شوند و آینده جدیدی برای نوار غزه به دور از نقشه‌های بی‌فایده قدیمی باید ساخت.»

بخشی از صحبت‌های وزیر خارجه آمریکا مستقیم مربوط به تهدیدات جمهوری اسلامی و ضرورت مقابله با آن در همکاری با اسرائیل بود. او عنوان کرد: «جمهوری اسلامی بزرگترین تهدید منطقه و عامل اصلی اقدامات تروریستی در خاورمیانه است و همانطور که پرزیدنت ترامپ تأکید کرد، آمریکا اجازه نخواهد داد جمهوری اسلامی به یک حکومت هسته‌ای تبدیل شود.»

رویو در این کنفرانس بار دیگر تأکید کرد که وقتی می‌گوید «ایران» منظورش «آیت‌الله‌ها و رژیم حاکم بر ایران است که مردم ایران از آن حمایت نمی‌کنند.» او تأکید کرد: «ملت ایران قربانیان این رژیم هستند.»

او همچنین در بخش دیگری افزود: «اسرائیل باید به عنوان یک کشور آزاد و دموکراتیک الگویی برای کشورهای خاورمیانه باشد.» مارکو رویو در اولین سفر خاورمیانه‌ای خود به عنوان وزیر خارجه آمریکا قرار است بعد از اسرائیل به عربستان سعودی و امارات سفر کند.

● نخست وزیر اسرائیل در کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه آمریکا که یکشنبه ۱۶ فوریه (۲۸ بهمن‌ماه) پس از دیدارشان در تل‌آویو برگزار شد، رژیم ایران را بزرگترین تهدید در خاورمیانه دانست و گفت: «اسرائیل و ایالات متحده با هم برای پایان دادن به این تهدید تلاش می‌کنند.»

● نتانیاهو در بخشی از سخنان خود توضیح داد، «من و پرزیدنت ترامپ در همکاری و هماهنگی کامل کار می‌کنیم. ما یک استراتژی مشترک داریم و همیشه می‌توان جزئیات آن را برای عموم توضیح داد، از جمله اینکه درهای جهنم چه زمانی باز می‌شوند و اگر همه گروگان‌های ما برنگردند، باز خواهند شد.»

● مارک رویو نیز جمهوری اسلامی را بزرگترین تهدید منطقه و عامل اصلی اقدامات تروریستی در خاورمیانه دانست و گفت: «همانطور که پرزیدنت ترامپ تأکید کرد، آمریکا اجازه نخواهد داد جمهوری اسلامی به یک حکومت هسته‌ای تبدیل شود.»

نخست وزیر اسرائیل در کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه آمریکا که یکشنبه ۱۶ فوریه (۲۸ بهمن‌ماه) پس از دیدارشان در تل‌آویو برگزار شد، رژیم ایران را بزرگترین تهدید در خاورمیانه دانست و گفت: «اسرائیل و ایالات متحده با هم برای پایان دادن به این تهدید تلاش می‌کنند.» بنیامین نتانیاهو در این کنفرانس تأکید کرد: «شک ندارم با حمایت ترامپ کار جمهوری اسلامی را یکسره می‌کنیم.» او در بخشی از سخنان خود توضیح داد، «من و پرزیدنت

تشدید خواهد کرد. در دولت اول ترامپ، علاوه بر نهادهای اطلاعاتی و مراکز مطالعاتی، نیروی دریایی ارتش آمریکا نیز عملیات انتقال نفت ایران را رصد می‌کرد. در این زمینه، برخی متحدان واشنگتن از جمله اسرائیل نیز همکاری داشتند.

**سابقه تشکیل ائتلاف دریایی علیه جمهوری اسلامی**  
آمریکا از اواخر بهمن ۱۳۹۷ و پس از کنفرانس ورشو، تلاش برای ایجاد یک ائتلاف دریایی در خلیج فارس و دریای سرخ را آغاز کرد. کشورهای بریتانیا، استرالیا، کره جنوبی، اسرائیل، بحرین و ژاپن در سطوح مختلف با این ائتلاف همکاری داشته‌اند. دونالد ترامپ یک هفته پس از بازگشت به کاخ سفید، به سه وزارتخانه کلیدی دولت خود (وزارت خارجه، وزارت خزانه‌داری و وزارت دفاع) مأموریت داده است تا فشار



یک نفتکش ایرانی در آبهای آزاد

حداکثری علیه حکومت ایران را افزایش دهند. در همین راستا اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرده که هدف این کشور کاهش صادرات نفت ایران از ۱/۵ میلیون بشکه در روز به کمتر از ۱۰۰ هزار بشکه است.

**نقش اسرائیل در عملیات ضد نفتکش‌های جمهوری اسلامی**  
حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۷ شهریور ۱۴۰۳، در جمع فرماندهان «قرارگاه خاتم‌الانبیاء» سپاه از حملات به نفتکش‌های ایرانی پرده برداشت. وی گفته بود، «۱۴ فروند کشتی ما در دریای سرخ و مدیترانه هدف حمله قرار گرفتند. در ابتدا نمی‌دانستیم چه کشوری پشت این حملات است، اما در نهایت مشخص شد که رژیم صهیونیستی با روش‌هایی مرموز و مبهم، کشتی‌های ایران را در این آبراه‌های راهبردی هدف قرار داده است.»

سیاست «فشار حداکثری» آمریکا، به ویژه در حوزه کاهش فروش نفت ایجاب می‌کند که نظارت و ممانعت از صادرات نفت ایران تشدید شود.

مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند برای همه سناریوها پیش‌بینی لازم را کرده‌اند. تغییر مسیرهای دریایی، انتقال نفت به صورت کشتی به کشتی، خاموش کردن سیستم موقعیت‌یاب کشتی‌ها، جعل سند و ارسال اطلاعات غلط در مورد نفتکش‌ها و توقیف کشتی‌های خارجی و گروگانگیری خدمه آن، راه‌هایی هستند که رژیم ایران برای انتقال نفت خود آزموده است. با این حال، با توجه به فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی و ماهواره‌ای که آمریکا و اسرائیل در اختیار دارند، احتمالاً این بازی پرریسک همچنان ادامه خواهد داشت.

## اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران؛ آزادی «موقت» چهار دانشجوی بازداشت شده



حکومت گذر کرده‌اند.

این دانشجو همچنین با اشاره به نقش دانشگاه در وقوع قتل علی محمد خالقی درمیان تأکید کرد که دانشجویان صرفاً برای پرسش و پاسخ نیامده‌اند بلکه برای اعتراض، دادخواهی، محکومیت مسئولین مقصر دانشگاه و اقدام عملی سریع برای جلوگیری از تکرار این فاجعه جمع شده‌اند تا مسئولین به نقش خود در مرگ دانشجو اعتراف کنند و برای محکومیت تمامی عوامل دانشگاهی و غیردانشگاهی اقدام کنند.

او تأکید کرده دانشجویان در طی یک دهه گذشته به صورت مکرر اعتراض کرده‌اند ولی پاسخ آنها نه پیگیری و اقدام عملی مسئولین دانشگاه بلکه سرکوب و بازداشت و ضرب و شتم دانشجویان معترض بود.

خبرنامه دانشجویی «امیرکبیر» نیز شامگاه گذشته از آزادی «موقت» چهار دانشجوی بازداشت شده در اعتراضات روز گذشته خبر داد و تأکید کرد آزادی این دانشجویان پس از پافشاری و اعتراضات دانشجویی حاصل شده است.

خشم دانشجویان به این علت است که پیشتر گزاره‌هایی از نبود امنیت در اطراف کوی دانشگاه تهران منتشر شده بود و دانشجویان بارها درباره حضور زورگیرها در این منطقه خبر داده بودند اما مقامات دانشگاه اقدامی برای تأمین امنیت دانشجویان انجام نداده بودند.

در همین رابطه «کانال تلگرامی شوراهای صنفی دانشجویان کشور» اعلام کرده «حقیقتی تلخ هر بار با از دست رفتن زندگی یک انسان عریان می‌شود؛ جان دانشجویان نه تنها اولویت مسئولین دانشگاه نیست بلکه مطلقاً اهمیتی در سیاست‌گذاری دانشگاه ندارد.»

شورای صنفی دانشجویان کشور افزوده «در حالی که بخش اعظمی از سیاست‌گذاری و بودجه‌ی دانشگاه صرف کنترل و نظارت پلیسی- امنیتی با خرید تجهیزات و استخدام نیروی انسانی برای سرکوب می‌شود و این کنترل و نظارت که گستره‌ی آن تا حریم شخصی دانشجویان در خیابان و خانه و فضای مجازی کشیده و بارها با کلیدواژه «امنیت» توجیه و قانون‌گذاری شده، مسئولین دانشگاه با بی‌شماری تمام با عنوان «وقوع قتل در خارج از محوطه‌ی دانشگاه»،

داشند با مقاومت نیروهای حراست دانشگاه روبرو شدند. این اعتراضات تا شامگاه جمعه ادامه داشت و حضور مقامات دانشگاه از جمله رئیس دانشگاه تهران در میان معترضان نیز نتوانست دانشجویان را از ادامه اعتراضات منصرف کند. دانشجویان دختر و پسر غیرساکن در خوابگاه نیز تجمع خود در مقابل کوی دانشگاه را ادامه دادند.

به گزارش منابع دانشجویی نیروهای انتظامی و مأموران امنیتی معروف به «لباس شخصی» چند دانشجو را بازداشت و شماری از دانشجویان را مورد ضرب و جرح قرار دادند. «خبرنامه امیرکبیر» که اخبار دانشجویی را منتشر می‌کند شامگاه جمعه با انتشار ویدیوهایی از درگیری نیروهای حراست با دانشجویان معترض نوشت یک دانشجوی دختر معترض توسط مأمور لباس شخصی در ورودی کوی دانشگاه تهران مورد ضرب و جرح قرار گرفته است.

به گزارش فعالان دانشجویی پس از تشدید اعتراضات دانشجویان در ورودی خوابگاه کوی پسران، «بی‌سیم یکی از لباس‌شخصی‌های حاضر در ورودی خوابگاه بر زمین می‌افتد و در پی آن یکی از دانشجویان دختر با دیدن بی‌سیم به حضور فرد اعتراض می‌کند که مأمور لباس شخصی در پاسخ به سمت او حمله‌ور شده و او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد.» گفته شده که «مأموران حراست دانشگاه این دانشجو را به داخل اتاق حراست منتقل کرده‌اند.»

کانال تلگرامی «دانشجویان متحد» نیز گزارش داده یکی از دانشجویان دانشگاه تهران پس از «ضرب و شتم شدید و شکست بین‌اش به دست نیروهای امنیتی به خوابگاه پناه برده و گفت که تمامی وسایلیش به همراه رمز تلفنش توسط آنها سرقت شده است.»

بر اساس یکی از ویدئوهای منتشر شده از اعتراضات دانشجویان، و به گزارش منابع دانشجویی یک دانشجوی دختر پس از آنکه مسئولان دانشگاه به نقش مثبت خود در فاجعه کوی دانشگاه در تیر ماه سال ۷۸، با گرفتن بلندگو نسبت به تبدیل تجمع اعتراضی دانشجویان به قتل امیرمحمد خالقی به استفاده‌ی تبلیغاتی جناح اصلاح‌طلب اعتراض کرد.

او تأکید کرد سال‌هاست دانشجویان با شعار «اصلاح‌طلب اصولگرا دیگه همومه ماجرا» از بازی‌های تبلیغاتی دو جناح

● اعتراضات دانشجویان از ظهر روز جمعه ۲۶ بهمن‌ماه در کوی دانشگاه آغاز و با پیوستن دانشجویان دانشگاه‌های دیگر تا پاسی از شامگاه جمعه ادامه داشت.

● به گزارش منابع دانشجویی نیروهای انتظامی و مأموران امنیتی معروف به «لباس شخصی» چند دانشجو را بازداشت و شماری از دانشجویان را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

● شاهزاده رضا پهلوی ضمن همدردی با خانواده، دوستان و همکلاسی‌های امیرمحمد خالقی، از دانشجویان و استادان دانشگاه‌های سراسر ایران خواست در همبستگی با دانشجویان معترض دانشگاه تهران بایستند و اجازه ندهند که قتل این دانشجو و سرکوب دانشجویان برای حکومت بدون هزینه باشد.

● علی محمد خالقی دانشجوی ۱۹ ساله مقطع کارشناسی در راه بازگشت به خوابگاه و در پی وقوع زورگیری و درگیری در نزدیکی کوی پسران دانشگاه تهران به شدت مجروح شد و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.

دانشجویان دانشگاه تهران طی روز و شب گذشته اعتراضات گسترده‌ای علیه مقامات دانشگاه به دلیل عدم تأمین امنیت کوی دانشگاه برگزار کردند. این اعتراضات در پی قتل یک دانشجوی ۱۹ ساله بر اثر ضربات چاقوی زورگیران صورت گرفته است.

علی محمد خالقی درمیان دانشجوی ۱۹ ساله مقطع کارشناسی رشته کسب و کار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران روز پنجشنبه ۲۵ بهمن‌ماه به قتل رسید. او در راه بازگشت به خوابگاه و در پی وقوع زورگیری و درگیری در نزدیکی ورودی کوی پسران دانشگاه تهران به شدت مجروح شد و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.

قتل این دانشجوی جوان سبب شکل گرفتن اعتراضات گسترده دانشجویان دانشگاه تهران شد. دانشجویان خوابگاه کوی پسران روز جمعه ۲۶ بهمن‌ماه با تجمع در میدان اصلی کوی اعتراضات خود را آغاز کردند.

به گزارش منابع صنفی شماری دیگر از دانشجویان دانشگاه تهران که در همراهی با اعتراضات دانشجویان ساکن در خوابگاه قصد ورود به محوطه کوی دانشگاه را



بازدید خامنه‌ای از ماکت دستاوردهای صنعت دفاعی/ بهمن ۱۴۰۳

## مب‌های سنگین MK-84 به اسرائیل رسید؛ خامنه‌ای: توان ما در مقابل تهدیدات سخت «عالی» است!

خری «سی‌بی‌اس» می‌گوید «حکومت ایران هیچ علاقه‌ای به توافق نشان نداده» و «هیچگونه» تماسی از سوی آنها گرفته نشده است. در این میان، عربستان سعودی برای میانجیگری بین آمریکا و جمهوری اسلامی اعلام آمادگی کرده است و برخی دیپلمات‌های اروپایی ادعا کردند که طرفین به دنبال روزنه‌هایی برای مذاکره می‌گردند.

در واکنش به گزارش‌ها در مورد پیشنهاد آمریکا برای مذاکره، اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۳ گفت: «می‌دانید که این حرف‌ها را نمی‌توان جدی گرفت. حرف و عمل باید متناظر باشد. نمی‌توانید تهدید به نابود کردن کنید و از طرفی به دنبال گفتگو باشید. آنچه ما تصور می‌کنیم، این رویکرد پر از تناقض و تزویر است.»

همزمان عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مسقط با بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان دیدار کرد. عمان سال‌هاست یکی از اصلی‌ترین کانال‌های ارتباطی میان تهران و واشنگتن به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد در تهران مقامات بیشتر تمایل دارند تا عمان نقش میانجی را بین جمهوری اسلامی و واشنگتن بازی کند و نه عربستان.

حسین نوش‌آبادی سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در مسقط می‌گوید: «تلاش سلطنت عمان طی سال‌های اخیر برای رفع تحریم‌ها و رایزنی آنها برای شکل‌گیری و نشست‌های برجام برای حل و فصل مشکلات موجود، نشانه حسن نیت دولت عمان در کاهش تنش‌های منطقه‌ای است.»

### عربستان ظرفیت میانجیگری ندارد

در همین ارتباط، نعمت‌الله ایزدی از دیپلمات‌های سابق وزارت خارجه جمهوری اسلامی به ایلنا می‌گوید «عربستان ظرفیت‌های مناسب برای این کار را ندارد؛ شاید تنها در حد میزبانی باشد ولی اینکه بتواند پیغامی را منتقل کند، من چنین کاری را از ذهن خود بعید می‌بینم، زیرا عمان قبلاً در این زمینه اقدام کرده و شرایط خود را نیز نشان داده است. به نظر می‌رسد که عمان در این زمینه بهتر عمل کند، چرا که عربستان ممکن است نسبت به عمان از حالت بی‌طرفی فاصله داشته باشد.»

مشخص نیست که آیا جمهوری اسلامی فرصت کافی برای انتخاب میانجی‌ها داشته باشد یا نه زیرا شواهد نشان می‌دهد در عمل آمریکا و اسرائیل گزینه نظامی را روی میز گذاشته‌اند. هرچند برخی تحلیلگران معتقدند که گزینه «تغییر رژیم» با کمک مردم داخل ایران نیز پیش روی نتانیاهو و ترامپ هست که جز برای جمهوری اسلامی، برای همه طرفین هزینه کمتری دارد.

● رهبر جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۳ در دیدار با حامیان رژیم مدعی شد «سطح توان ما در مقابله با تهدیدات سخت، عالی است.» این ادعا پس از آن مطرح شده که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دو گزینه پیش روی جمهوری اسلامی گذاشت: یا معامله و امضای یک کاغذ [توافق] یا مب!

● ساعاتی پیش از سخنرانی خامنه‌ای، اسرائیل محموله بزرگ مب‌های ۹۰۰ کیلوگرمی را از آمریکا تحویل گرفت. روزنامه «الاکسار» گزارش داد، این محموله شامل ۱۸۰۰ مب MK-84 است که به نیروی هوایی اسرائیل اختصاص یافته است. این مب‌ها از سطوح بتنی و فلزی قطور نیز عبور می‌کنند.

● از سوی دیگر مارک رویو وزیر خارجه آمریکا به شبکه خبری «سی‌بی‌اس» می‌گوید «حکومت ایران هیچ علاقه‌ای به توافق نشان نداده است» و «هیچگونه» تماسی از سوی آنها گرفته نشده است.

رهبر جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۳ در دیدار با حامیان رژیم مدعی شد «سطح توان ما در مقابله با تهدیدات سخت، عالی است.» این ادعا پس از آن مطرح شده که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دو گزینه پیش روی جمهوری اسلامی گذاشت: یا معامله و امضای یک کاغذ [توافق] یا مب!

خامنه‌ای در این سخنرانی عنوان کرد: «امروز از لحاظ دفاع سخت و تهدید سخت‌افزاری دشمن هیچ نگرانی و مشکلی نداریم و توانایی ما برای مقابله با تهدیدهای سخت در سطح عالی است. مردم از این جهت احساس امنیت می‌کنند.» این در حالیست که مقامات آمریکایی طی هفته‌های اخیر بارها در مصاحبه و سخنرانی‌های خود عنوان کردند حمله هوایی اسرائیل، تأسیسات پدافندی و سایت‌های موشکی جمهوری اسلامی را نابود و توان دفاعی رژیم را بسیار ضعیف کرده است.

ساعاتی پیش از سخنرانی خامنه‌ای، اسرائیل محموله بزرگ مب‌های ۹۰۰ کیلوگرمی را از آمریکا تحویل گرفت. روزنامه «الاکسار» گزارش داد، این محموله شامل ۱۸۰۰ مب MK-84 است که به نیروی هوایی اسرائیل اختصاص یافته است. این مب‌ها از سطوح بتنی و فلزی قطور نیز عبور می‌کنند. این در حالیست که رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی قبلی خود به مقامات نظامی گفته بود اگر بُرد و دقت موشک‌ها کافی نبود جلوتر بروید! اگرچه برخی رسانه‌های داخلی این حرف‌های را تکذیب کردند و نوشتند که منظور وی این نبوده است!

از سوی دیگر مارک رویو وزیر خارجه آمریکا به شبکه

نه تنها پاسخگو و مسئول زندگی از دست‌رفته نیستند بلکه برای پیگیری منت بر سر دانشجویان هم گذاشته‌اند.» دانشجویان دانشگاه امیرکبیر نیز در بیانیه‌ای در پی قتل امیرمحمد خالقی بی‌کفایتی مسئولان جمهوری اسلامی را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است که ناامنی‌های محیط خوابگاه‌ها هشدار داده شده بود، اما مسئولان به آن توجه نکردند و در نتیجه «حادثه‌های هولناک» رخ داد.

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر ضمن ابراز همدردی با دانشجویان دانشگاه تهران، سرکوب اعتراضات دانشجویی از سوی حراست دانشگاه و نیروهای امنیتی را محکوم کرده و اعلام کردند که در صورت ادامه این روند، سکوت نخواهند کرد این بیانیه افزوده «ناامنی تنها به دانشگاه تهران محدود نبوده و دانشجویان پلی‌تکنیک نیز بارها هدف سرقت و تهدید در اطراف دانشگاه، خصوصاً در خیابان رشت و محدوده خوابگاه‌ها، قرار گرفته‌اند. با این حال، نه تنها هیچ اقدامی در جهت رفع این مشکلات صورت نگرفته، بلکه هرگونه اعتراض دانشجویی نیز با بی‌توجهی یا سرکوب روبه‌رو شده است.»

شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به قتل امیرمحمد خالقی درمیان، دانشجوی دانشگاه تهران، در ایکس نوشت: «قتل امیرمحمد خالقی و خشونت علیه دانشجویان معترض در کوی دانشگاه تهران بار دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی چه اندازه در تأمین امنیت ملت بی‌کفایت است و بجای حفاظت از جان و حقوق شهروندان، با سرکوب، بازداشت، و کشتار، خود اصلی‌ترین عامل ناامنی است. بی‌توجهی به فجایع انسانی، صرفاً بخشی از کارنامه سراسر تباهی این رژیم ضدایرانی است.»

شاهزاده در ادامه ضمن همدردی با خانواده، دوستان و همکلاسی‌های خالقی، از دانشجویان و استادان دانشگاه‌های سراسر ایران خواست در همبستگی با دانشجویان معترض دانشگاه تهران بایستند و اجازه ندهند که قتل این دانشجو و سرکوب دانشجویان برای حکومت بدون هزینه باشد. او همچنین از اقشار مختلف ملت ایران نیز خواسته است که «پشتیبان و همراه دانشگاهیان در اعتراضات‌شان علیه ناامنی و سرکوب باشند که امنیت ملت در گرو آسایش و احساس امنیت همه‌ی شهروندان است.»

در این برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب و نزدیک به دولت پزشکیان نیز گزارش اعتراضات روز و شب گذشته دانشجویان دانشگاه تهران را منتشر کرده اما به سوءمدیریت مقامات دولت پزشکیان در شش ماه گذشته اشاره نکرده‌اند! خبرگزاری «ایسنا» در گزارشی نادرست و دستکاری شده نوشت «این تجمع در ساعات پایانی جمعه شب با حضور مسئولان دانشگاه تهران و سخنان حسن حسینی، سرپرست دانشگاه، در جمع دانشگاهیان «به‌صورت آرام و بدون حاشیه پایان یافت.»

روزنامه اصولگرایی «جوان» نیز از فرصت برای انتقاد از جریان رقیب مستقر در دولت استفاده کرده و نوشته «قتل یکی از دانشجویان رشته مدیریت دانشگاه تهران با ضربات چاقوی زورگیران اتفاقی بود که شامگاه چهارشنبه در نزدیکی خوابگاه دانشجویان رخ داد. در فیلم مورد نظر دانشجویی زخمی خودش را از کوچه به خیابان می‌رساند تا درخواست کمک کند، اما خودروها و شهروندان با بی‌تفاوتی از کنار او عبور می‌کنند و دانشجوی زخمی سرانجام نقش بر زمین می‌شود.»

در ادامه مطلب روزنامه «جوان» آمده «این شب‌ها سرریال خاموشی خیابان‌های شهر هم زیاد شده، از این‌رو روشن است در شب‌های تاریک خیابان‌ها، فرصت برای جولان مجرمان هم فراهم باشد.»

## چپ جهانی، بحران فلسطین، بازی روس‌ها؛ چگونه ایدئولوژی می‌تواند قربانیان جنگ را به ابزار ژئوپلیتیک تبدیل کند



سفارت اسرائیل در بهمن ۵۷ همزمان با سفر یاسر عرفات به ایران به سفارت فلسطین تبدیل شد

به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که شباهت زیادی به پروپاگاندای شوروی در جنگ سرد دارد. در دوران جنگ سرد، شوروی تلاش می‌کرد تا گروه‌های چپ‌گرا و سکولار مانند احزاب بعثی در عراق و سوریه، ناصرگرایی در مصر و کشورهای دیگر عربی و کمونیست‌ها در افغانستان را در به اصطلاح «جهان اسلام» تقویت کند. اما شوروی پس از ۱۹۷۹ با حمایت از جمهوری اسلامی، مدل اسلامگرایی انقلابی را برای مقابله با غرب معرفی کرد. پس از فروپاشی شوروی و تضعیف گروه‌های مارکسیستی، جمهوری اسلامی با تشدید ایدئولوژی غرب‌ستیزانه، خلأ ایدئولوژیک در خاورمیانه را پر کرده و این رویکرد را به نفع روسیه در مقابل غرب ادامه داد.

چپ جهانی که همواره به دنبال مظلوم‌نمایی و یافتن یک «قربانی» برای تقابل با نظم لیبرال- سرمایه‌داری غربی بوده، فلسطین را به عنوان نماد «مظلومیت جهانی» مفید یافت. این انتخاب نه از سر همدلی با مردم فلسطین، بلکه بر اساس منطقی «دشمن دشمن من، دوست من است» صورت گرفت. احزاب چپ، از سوسیالیست‌های فرانسه تا کارگران بریتانیا، تحت تأثیر موج ضدآمریکایی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، فلسطین را به پرچم مبارزه‌ی خود تبدیل کردند. رهبرانی چون فیدل کاسترو و هوگو چاوز در آمریکای مرکزی و جنوبی تا قذافی و صدام و جمال عبدالناصر، با شعارهای ضدآمریکایی و ضداسرائیلی تلاش کردند موقعیت سیاسی خود را در جهان عرب و در میان نیروهای چپ تثبیت کنند.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای روسیه و نیروهای نیابتی آن، «کشته‌سازی» یا تولید عمدی و هدفمند قربانی ←

پشت این اتحاد ایدئولوژیک چه عواملی نهفته است؟ برای درک این پدیده، باید به دوران جنگ سرد و سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی بازگردیم؛ سیاست‌هایی که روسیه‌ی پوتین همچنان ادامه‌ی آن را دنبال می‌کند. برخلاف آنچه چپ‌ها تبلیغ می‌کنند، شوروی هرگز دغدغه‌ی «آزادی فلسطین» را نداشت، بلکه از مسئله‌ی فلسطین به عنوان ابزاری برای تضعیف آمریکا و متحدانش بهره می‌برد. از دهه‌ی ۱۹۵۰ مسکو با تجهیز و آموزش گروه‌های فلسطینی، زمینه‌ی تبدیل آنها به نیروهای نیابتی خود را فراهم کرد. اما نکته‌ی کلیدی اینجاست که شوروی هیچگاه به دنبال حل بحران نبود؛ بلکه تداوم آن را به عنوان یک استراتژی بلندمدت برای مهار غرب در خاورمیانه طراحی کرده بود. این سیاست پس از فروپاشی شوروی، توسط روسیه‌ی پوتین ادامه یافت و جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان ابزار ژئوپلیتیک مسکو، همان مدل را در سطح منطقه بازتولید کرد.

رژیم ایران مانند شوروی در دوران جنگ سرد از نیروهای نیابتی (پروکسی‌ها) برای اعمال نفوذ در کشورهای مختلف استفاده می‌کند. گروه‌هایی چون حزب‌الله، حوثی‌ها، حشدالشعبی، فاطمیون و زینبیون و حماس نمونه‌هایی از این رویکرد هستند، مشابه آنچه شوروی با احزاب کمونیست در جهان انجام می‌داد. این مدل به کنترل غیرمستقیم کشورهای از طریق گروه‌های نیابتی، و نه اشغال مستقیم، اتکا دارد. جمهوری اسلامی همچنین از ابزارهای جنگ روانی و تبلیغاتی برای پیروزی در جنگ روایت‌ها در مناطق تحت نفوذ خود بهره می‌برد، مانند شبکه‌های رسانه‌ای «پرس تی‌وی»، «العالم»، «سحر» و شبکه‌های اجتماعی وابسته

● در دوران جنگ سرد، شوروی تلاش می‌کرد تا گروه‌های چپ‌گرا و سکولار مانند احزاب بعثی در عراق و سوریه، ناصرگرایی در مصر و کشورهای دیگر عربی و کمونیست‌ها در افغانستان را در به اصطلاح «جهان اسلام» تقویت کند. اما شوروی پس از ۱۹۷۹ با حمایت از جمهوری اسلامی، مدل اسلامگرایی انقلابی را برای مقابله با غرب معرفی کرد.

● بحران فلسطین که از دهه‌ها پیش در مرکز توجه سیاست جهانی قرار داشته است، نه تنها یک نزاع منطقه‌ای است بلکه به ابزاری ژئوپلیتیک نیز تبدیل شده است. شوروی سابق، جمهوری اسلامی و روسیه‌ی پوتین، همگی از این بحران برای بقاء و منافع خود بهره‌برداری کرده‌اند، در حالی که چپ جهانی، با تکرار شعارهای ایدئولوژیک، این بازی را تسهیل کرده است. تا زمانی که این اتحاد ایدئولوژیک پابرجا باشد، فلسطینیان همچنان درگیر چرخه‌ای از خشونت خواهند ماند، بازنگری در این روایت، نه تنها برای غرب بلکه برای خود فلسطینیان نیز ضروری است.

آریا چمروش - در روزهای سالگرد رویداد بهمن ۵۷ و در بجه‌ی بحران غزه، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چرا چپ جهانی، از اروپا تا آمریکای لاتین و از آسیا تا خاورمیانه، همواره در صف حمایت از فلسطینیان قرار می‌گیرد، بدون آنکه واقعیت‌های میدانی را در نظر بگیرد؟ در حالی که جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن نقشی کلیدی در تداوم درگیری‌ها دارند، چپ‌گرایان جهان، از دانشگاه‌های غربی تا میدان‌های اعتراض، با چپ‌های فلسطینی، اسرائیل و آمریکا را مقصر معرفی می‌کنند. اما

## بیانیه پروژه ققنوس ایران: همگام و هم‌صدا با شاهزاده رضا پهلوی



است. پروژه ققنوس ایران ضمن تعهد نسبت به وظایف خود به عنوان یک اندیشکده علمی، در همبستگی کامل با همه ایرانیانی است که برای استقرار آزادی، عدالت و حاکمیت ملی تلاش می‌کنند.

هیئت هماهنگی پروژه ققنوس ایران  
دکتر آرماند اشرف‌زاده، دکتر فرخ زندی، دکتر شیرین گلی، دکتر شیمیا بزرگی، دکتر هوشنگ لاهوتی، دکتر نامدار بقایی یزدی، دکتر بهرام واحدی، دکتر آریا خوشخو، دکتر الن بستاکیان و  
الاهه بقراط (عضو افتخاری هیئت هماهنگی)

چهارشنبه یکم اسفند ۱۹ / ۲۵۸۳ / فوریه ۲۰۲۵

کرده است. تنها با پایان دادن به نقش جمهوری اسلامی در این بازی و کشتار، می‌توان امید داشت که شاهد صلح و تغییرات واقعی سیاسی و امنیتی و اقتصادی در معادلات منطقه بود.

Christopher Andrew & Vasili Mitrokhin – The World Was Going Our Way: The KGB and the Battle for the Third World (2005)

John Lewis Gaddis – The Cold War: A New History (2005)

Efraim Karsh – Islamic Imperialism: A History (2006)

Barry Rubin – The Tragedy of the Middle East (2002)

Michael Oren – Six Days of War: June 1967 and the Making of the Modern Middle East (2002)

پروژه ققنوس ایران به عنوان اندیشکده‌ای متشکل از دانشگامیان، دانشمندان و کارشناسان عرصه‌های مختلف، متعهد به تحقیقات متکی بر مستندات و داده‌های واقعی کشور و یافتن راهکارهای عینی و عملی برای ایران آینده است.

پروژه ققنوس ایران رهبری شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان سنگ‌بنای یک گذار با ثبات و دموکراتیک به رسمیت می‌شناسد و از آن حمایت می‌کند. ما این نقش پرمسئولیت ایشان را تنها راه مطمئن برای استقرار حاکمیت ملی، ثبات و مشروعیت بین‌المللی می‌دانیم.

اهمیت چنین نقشی ریشه در تجربه و تحقیقات مستند و مستدل و پیشینه‌ی تاریخی ایران دارد و با همگرایی فراگیر گروه‌های ملی و میهن‌پرست و اراده‌ی مردم ایران همسو

واقعی پیدا شود، نخستین گام، پایان دادن به استفاده‌ی ابزاری از آنها به عنوان برگ‌های بازی در رقابت‌های ژئوپلیتیک است.

بحران فلسطین که از دهه‌ها پیش در مرکز توجه سیاست جهانی قرار داشته است، نه تنها یک نزاع منطقه‌ای است بلکه به ابزاری ژئوپلیتیک نیز تبدیل شده است. شوروی سابق، جمهوری اسلامی و روسیه‌ی پوتین، همگی از این بحران برای بقاء و منافع خود بهره‌برداری کرده‌اند، در حالی که چپ جهانی، با تکرار شعارهای ایدئولوژیک، این بازی را تسهیل کرده است. تا زمانی که این اتحاد ایدئولوژیک پابرجا باشد، فلسطینیان همچنان درگیر چرخه‌ای از خشونت خواهند ماند، بازنگری در این روایت، نه تنها برای غرب بلکه برای خود فلسطینیان نیز ضروری است.

در این میان به نظر می‌رسد تنها یک راهکار واقعی برای عبور از این بن‌بست وجود دارد؛ گذار از رژیم حاکم بر ایران که شاهزاده رضا پهلوی آن را به صورت مدون ارائه

→ برای بهره‌برداری سیاسی است. این تاکتیک چگونه عمل می‌کند؟ گروه‌های نیابتی مانند حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله، با حملات موشکی و عملیات‌های تروریستی، اسرائیل را وادار به واکنش می‌کنند. سپس این گروه‌ها عمداً پایگاه‌های خود را در مدارس، بیمارستان‌ها و مناطق مسکونی قرار می‌دهند تا هنگام واکنش اسرائیل، بیشترین تلفات غیرنظامی رخ دهد. همزمان رسانه‌های همسو، با پخش تصاویر دلخراش، موجی از اعتراضات را در جوامع غربی شکل می‌دهند. چپ‌گرایان هم بدون بررسی علت اصلی درگیری، اسرائیل را «جنایتکار جنگی» و آمریکا را «حامی نسل‌کشی» معرفی کرده و فشار سیاسی ایجاد می‌کنند. این استراتژی، به سود چه کسانی است؟ نه فلسطینی‌ها، نه اسرائیل، بلکه روسیه! روسیه‌ای که نیروهای نیابتی آن و احزاب چپ جهانی با هر بحران جدید، موقعیت آن کشور و خود را تثبیت و تقویت می‌کنند.

پروژه‌ی کشته‌سازی تنها به فلسطینیان محدود نمی‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز از این استراتژی برای بقای خود بهره برده است. از اعزام کودکان و افراد فاقد آموزش نظامی به میدان‌های جنگ ایران و عراق تا طرح‌های سازمانیافته‌ی شهیدسازی، همه نشان‌دهنده‌ی استفاده‌ی ابزاری از جان انسان‌ها برای مقاصد ایدئولوژیک و سیاسی است.

اکنون نیز جمهوری اسلامی، با تشدید درگیری‌ها در منطقه و دامن زدن به جنگی که ممکن است آمریکا و متحدانش را درگیر کند، در حال بازی با آتش است.

برخلاف تصور و تبلیغات چپ‌ها، اسرائیل نه تنها از این درگیری‌ها سودی نمی‌برد، بلکه با هر جنگ، دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شود؛ هر درگیری و جنگ، هزینه‌های سیاسی و اقتصادی بر تل‌آویو تحمیل کرده و باعث افزایش فشارهای بین‌المللی و دیپلماتیک می‌شود. کشورهای عربی که به تازگی روابط خود را با اسرائیل بهبود بخشیده‌اند، تحت فشار افکار عمومی قرار گرفته و ضمن تضعیف این روابط سیاست‌های خود را تعدیل می‌کنند.

از سوی دیگر حملات موشکی و عملیات‌های تروریستی، زندگی روزمره‌ی شهروندان اسرائیلی را مختل کرده و هزینه‌های امنیتی زیادی به این کشور تحمیل می‌کند. این در حالیست که روسیه بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای، از این بحران برای تقویت موقعیت خود در برابر غرب بهره می‌برد.

جمهوری اسلامی، که خود ابزار ژئوپلیتیک روسیه در منطقه است، از همان استراتژی چپ جهانی برای تحکیم قدرت خود استفاده می‌کند. پروپاگاندای چپ و جمهوری اسلامی، دست در دست یکدیگر، روایت «مقاومت در برابر امپریالیسم» را تبلیغ می‌کنند، بی‌آنکه اشاره‌ای به سرکوب داخلی، فساد و وابستگی جمهوری اسلامی به کرملین داشته باشند. رسانه‌های چپ‌گرا، از الجزیره تا گاردین، به تریبون تبلیغاتی این محور تبدیل شده‌اند. اتحاد گروه‌های مارکسیستی با اسلامگرایان نیابتی روسیه، که در ظاهر تناقض‌آمیز به نظر می‌رسد، در عمل به دلیل هدف مشترک آنها یعنی تضعیف غرب، شکل گرفته است.

پرسش اساسی این است که آیا حمایت از فلسطین، یعنی حمایت از سیاست‌هایی که منجر به کشتار بیشتر آنها می‌شود؟ آیا چپ جهانی، که همواره مدعی حمایت از آزادی و عدالت است، حاضر خواهد شد واقعیت‌هایی را که بطور سیستماتیک نادیده گرفته، بازبینی کند؟

حقیقت این است که فلسطینیان قربانیان یک بازی بزرگتر هستند؛ بازی‌ای که توسط مسکو، تهران و چپ جهانی هدایت می‌شود. اگر قرار است برای فلسطینیان، راهکاری

# پیشنهاد عربستان برای میانجیگری میان جمهوری اسلامی و دولت ترامپ

● در آستانه سفر مارکو ریبوی وزیر خارجه آمریکا به ریاض، گفته می‌شود عربستان سعودی برای میانجیگری بین دولت ترامپ و جمهوری اسلامی جهت دستیابی به توافق جدیدی در ارتباط با محدود کردن برنامه هسته‌ای تهران اعلام آمادگی کرده است.

● مقامات سعودی شرایط کنونی منطقه را فرصتی تاریخی برای کاهش تنش با جمهوری اسلامی و بهبود روابط می‌دانند و تأکید می‌کنند که تمایلی به درگیر شدن در تقابل آمریکا یا اسرائیل با حکومت ایران ندارند.

در آستانه سفر مارکو ریبوی وزیر خارجه آمریکا به ریاض، گفته می‌شود عربستان سعودی برای میانجیگری بین دولت ترامپ و جمهوری اسلامی جهت دستیابی به توافق جدیدی در ارتباط با محدود کردن برنامه هسته‌ای تهران اعلام آمادگی کرده است. این در شرایطی است که علی‌خانه‌ای اولتیماتوم داده بود «نباید با آمریکا مذاکره کرد».

سی‌ان‌ان ۱۶ فوریه (۲۸ بهمن‌ماه) گزارش داد، پادشاهی سعودی نگران است که حکومت ایران، پس از تضعیف شدید نیروهای نیابتی خود که مدت‌ها به‌عنوان عاملی بازدارنده در برابر حملات اسرائیل تلقی می‌شدند اکنون بیشتر به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای باشد. عربستان امیدوار است که بتواند از روابط نزدیک خود با دونالد ترامپ برای ایجاد یک پل دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی و کاخ سفید استفاده کند.

مشخص نیست که آیا عربستان سعودی پیشنهاد رسمی ارائه کرده یا نه، اما این اقدام نشان‌دهنده تمایل ریاض برای گسترش روابط با دشمن سابق خود و تضمین جایگاهی در مذاکرات احتمالی برای توافقی جدید است.

در حالی که ترامپ تمایل خود را برای مذاکرات جهت یک توافق جدید اعلام کرده اما پیام‌های ارسال از تهران همچنان ضد و نقیض است. علی‌خانه‌ای تأکید کرده که مذاکره با آمریکا «عقلانه نیست» و مسعود پزشکیان رئیس دولت که از موافقان مذاکره با آمریکا بود با عقب‌نشینی از مواضع خود اعلام کرد «رهبری فصل‌الخطاب است».

## زمینه‌های تنش و کاهش آن در منطقه

سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده می‌گویند احتمال دارد اسرائیل در سال ۲۰۲۵ به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی حمله کند. وزارت خارجه آمریکا و وزارت خارجه عربستان سعودی به درخواست‌های CNN برای اظهار نظر پاسخ ندادند. همچنین نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل در نیویورک نیز اظهار نظری نکرد.

عربستان سعودی اگرچه در سال ۲۰۱۵ از توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی بطور علنی استقبال کرد، اما در برخورد‌های خصوصی از اینکه دولت اوباما نگرانی‌های آن کشور در درباره فعالیت‌های منطقه‌ای رژیم ایران به ویژه برنامه موشکی و گروه‌های نیابتی‌اش در یمن، عراق و لبنان در نظر نگرفته، خشمگین بود. در نتیجه از خروج ترامپ از توافق در سال ۲۰۱۸ استقبال کرد.

یک سال پس از خروج ترامپ از توافق اتمی، تأسیسات نفتی عربستان در حمله‌ای بزرگ با پهپادها و موشک‌هایی آسیب دید که تولید نفت خام این کشور را به نصف کاهش داد. گروه انصارالله یمن مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت، اما آمریکا مقصر این حملات را جمهوری اسلامی



دیدار بن سلمان ولیعهد عربستان با عباس عراقچی / مهرماه ۱۴۰۳

با اقتصاد ایران که تحت فشار تحریم‌های آمریکا در حال سقوط است، مسعود پزشکیان که با وعده آشتی جهانی به قدرت رسید، تحت فشار شدید پایگاه اصلاح‌طلب خود و مردم ایران قرار دارد تا بحران‌های اقتصادی مانند سقوط ارزش پول ملی، بیکاری گسترده جوانان و قطع مکرر برق را حل کند.

## افزایش نفوذ عربستان در منطقه

فیراس مقداد پژوهشگر ارشد مؤسسه خاورمیانه در واشنگتن گفت در عین اینکه سیاست خارجی عربستان سعودی بر پایه یک شراکت استراتژیک با آمریکا قرار دارد اما سیاست خارجی ریاض «به دنبال تنوع بخشیدن به گزینه‌های خود، هم در سطح منطقه‌ای و هم بین‌المللی است که اجازه می‌دهد در صورت لزوم، انعطاف‌پذیر و عملگر باشد».

او به سی‌ان‌ان گفت: «ابراز تمایل نسبت به میانجیگری بین رئیس‌جمهور ترامپ و [رژیم] ایران به عربستان سعودی اجازه می‌دهد که بطور ضمنی، خود را از کارزار فشار حداکثری ترامپ علیه تهران دور کند».

در همین حال، روابط ریاض با ترامپ و میزان نفوذ ولیعهد محمد بن سلمان بر او احتمالاً با پیشنهاد ترامپ برای «تسلط» آمریکا بر غزه و اخراج فلسطینی‌ها از این منطقه آزمایش خواهد شد. این طرح می‌تواند روند عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل را که ترامپ و نتانیاهو به شدت دنبال کرده‌اند، به خطر بیندازد.

ترامپ هفته گذشته خوش‌بینانه درباره عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل صحبت کرد و مدعی شد که ریاض خواستار تشکیل کشور مستقل فلسطین در ازای این توافق نیست با این حال، عربستان سعودی بلافاصله واکنش نشان داد و هرگونه طرحی برای جابجایی فلسطینی‌ها را رد کرد و تأکید کرد که عادی‌سازی روابط بدون تشکیل کشور فلسطین انجام نخواهد شد.

با وجود همه اینها اما روابط عربستان با ترامپ همچنان قوی باقی مانده و نفوذ این کشور در سطح بین‌المللی احتمالاً تحت رهبری ترامپ افزایش خواهد یافت.

دانست، هرچند در نهایت از اقدام نظامی در حمایت از عربستان خودداری کرد.

اما از آن زمان، تنش‌ها میان عربستان و جمهوری اسلامی ایران به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. در مارس ۲۰۲۳ دو کشور در یک توافق با میانجیگری چین تفاهم‌نامه‌ای را امضاء کردند که روابط خود را عادی کنند. مقامات سعودی این توافق را یک موفقیت بزرگ می‌دانند، زیرا پس از آن، حملات حوثی‌ها به خاک عربستان متوقف شد و این کشور در حملات متقابل سال گذشته نیز که میان اسرائیل و رژیم ایران روی داد در امان ماند.

سی‌ان‌ان در ادامه این گزارش می‌نویسد، در ۱۵ ماه گذشته، اسرائیل گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی در لبنان و غزه را به شدت تضعیف کرده و اهدافی در سوریه، عراق و حتی یمن را مورد حمله قرار داده است. این تحولات همراه با سقوط رژیم اسد در سوریه، ضربه بزرگی به توانایی‌های حکومت ایران در پیشبرد نفوذ منطقه‌ای آن وارد کرده است.

## عربستان و چشم‌انداز کاهش تنش با جمهوری اسلامی

مقامات سعودی شرایط کنونی منطقه را فرصتی تاریخی برای کاهش تنش با ایران و بهبود روابط می‌دانند و تأکید می‌کنند که تمایلی به درگیر شدن در تقابل آمریکا یا اسرائیل با رژیم ایران ندارند.

آنها همچنین نگرانند که در صورت فشار بیش از حد، تهران به توسعه سلاح هسته‌ای تمایل بیشتری پیدا کند. به همین دلیل، یک توافق جدید هسته‌ای را راهی برای جلوگیری از این سناریو می‌بینند. از دید آنها، یک ایران بیش از حد ضعیف نیز به نفع عربستان نیست، زیرا ریاض سیاست خارجی خود را بر منافع اقتصادی متمرکز کرده و بی‌ثباتی منطقه‌ای را مانعی برای پیشرفت می‌داند. ترامپ که برای دومین بار به ریاست جمهوری رسیده است، بارها گفته که خواهان یک توافق جدید با ایران است. او تأکید کرد تمایل زیادی به افزایش تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی نداشت.

ترامپ دو گزینه پیش روی جمهوری اسلامی گذاشت: یا معامله و امضای یک کاغذ [توافق] یا بمب!

# آیا جمهوری اسلامی مانند دولت مکزیک در برابر ترامپ تسلیم خواهد شد؟



دونالد ترامپ / رویترز

منافع رژیم آسیب رسانده است. برخی مقامات رژیم ایران معتقدند که امضای ترامپ بر این یادداشت با هدف دریافت امتیازاتی از تهران صورت گرفته است که به او برتری روانی بدهد. به این معنا که همانطور که او فشار بر مکزیک را با صدور یک فرمان آغاز کرد اما پس از اندکی عقب‌نشینی کرد و آن را برای یک ماه به تعویق انداخت، در مورد ایران نیز می‌تواند ابتدا دستور «فشار حداکثری» را صادر کند، اما بدون یک دستور اجرایی الزام‌آور، و سپس منتظر واکنش تهران مانند تا دست برتر را در هرگونه مذاکرات احتمالی داشته باشد.

منتقدان از جناح تندرو در ایران اکنون بر این باورند که اصرار بر مذاکره در شرایطی که طرف مقابل سیاست فشار را دنبال می‌کند، نتیجه‌ای نخواهد داشت، بلکه برعکس، باعث تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی خواهد شد. آنها معتقدند که تکرار دیپلماسی مشابه توافق هسته‌ای در دوران حسن روحانی، یک ضربه به دولت کنونی است.

سؤال اصلی این است که رژیم ایران چگونه می‌تواند از این وضعیت به نفع خود استفاده کند؟ آیا تهران می‌تواند امتیازی بدهد که باعث شود ترامپ اجرای کامل این فرمان را متوقف کند، با این استدلال که اولویت رژیم ایران غلبه بر شرایط پیچیده داخلی و خارجی است؟

نکته قابل توجه، اظهارات عباس عراقچی معاون وزیر امور خارجه پس از امضای این یادداشت توسط ترامپ است که گفت، منافع ایران تعیین‌کننده سیاست خارجی آن است. اگرچه این سخن درست است، اما به دنبال اقدامات ترامپ، اظهارات عراقچی این پیام را القاء می‌کند که رژیم ایران اکنون سیاست خود را بر اساس منافع‌اش تنظیم می‌کند، که شامل رفع تحریم‌ها، دستیابی به یک توافق با ترامپ، و اجتناب از مقابله با اسرائیل است. اسرائیل بیش از یک سال و نیم است که در تلاش برای تغییر نظم خاورمیانه بوده و مهم‌ترین وجه این تغییر، نابودی پروژه سلطه‌طلبی رژیم ایران در منطقه است.

\*منبع: ایندیندنت عربی  
 \*نویسنده: هدی رؤف  
 \*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

می‌شوند، انجام دهد. او همچنین باید رهبران و اعضای گروه‌های تروریستی تأمین‌شده توسط ایران را که شهروندان آمریکایی را ربوده، زخمی یا کشته‌اند، تحت تعقیب قرار داده و برای بازداشت و استرداد آنها به آمریکا اقدام کند.

در مورد پرونده هسته‌ای، فرمان ترامپ به صراحت بر حذف آن از معادلات تأکید کرده و اعلام می‌کند که ترامپ به رژیم ایران اجازه نخواهد داد که به ظرفیت تولید سلاح هسته‌ای دست یابد و تحمیلی نسبت به حمایت مستمر تهران از تروریسم، به ویژه علیه منافع آمریکا، نخواهد داشت.

در سال ۲۰۲۰ ترامپ اعلام کرد تا زمانی که رئیس‌جمهور ایالات متحده باشد، جمهوری اسلامی ایران هرگز اجازه دستیابی به سلاح هسته‌ای نخواهد داشت. در داخل ایران، خشم شدیدی از سوی نیروهای تندرو نسبت به این موضوع وجود دارد که ارسال مکرر سیگنال‌های دیپلماتیک از سوی مقامات ایرانی متمایل به اصلاحات و رابطه با غرب، در نهایت منجر به صدور این فرمان جدید از سوی ترامپ برای اعمال فشار بیشتر بر اقتصاد ایران شد که در راستای سیاست حداکثری فشار او قرار دارد. این فرمان شرایط مبهم سیاست‌های ترامپ در قبال حکومت ایران را روشن‌تر کرده است. جناحی تندرو در ایران معتقد است که ادامه ارسال سیگنال‌های مثبت به غرب در حالی که تهران هیچ پاسخ مثبتی دریافت نکرده، اقدامی خطرناک است. آنها بر این باورند که توافق هسته‌ای قبلی ایران را ضعیف نشان داد و این نتیجه عملکرد مسئولان طرفدار رابطه با غرب بود که در سیاست خارجی سوابقی نداشتند، بلکه تنها به مذاکرات و امتیاز دادن به غرب متکی بودند. در این میان، حملات شدیدی علیه محمدجواد ظریف وزیر خارجه وقت و «معاون راهبردی» کنونی دولت چهاردهم صورت گرفته است.

منتقدان داخلی در ایران بر این باورند که این مسیر، محاسبات دشمن را در مورد قدرت تهران تغییر داده است. علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی پیشتر درباره این سیگنال‌ها که «دشمنان را جسورتر» می‌کند، هشدار داده بود. اکنون در ایران این باور وجود دارد که اظهارات و سیگنال‌های جواد ظریف به ویژه در «مجمع داووس»، باعث شد که طرف مقابل ایران را ضعیف ببیند و این به

● سندی که ترامپ اخیراً آن را امضا کرد، بطور مفصل شامل محروم ساختن حکومت ایران از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و خنثی ساختن تمام شبکه‌های تروریستی آن است. همچنین در این دستور تأکید شده که حکومت ایران باید توسعه موشک‌های تهاجمی و سایر توانمندی‌های تسلیحاتی نامتقارن و متعارف خود را متوقف کند.

● برخی مقامات رژیم ایران معتقدند که امضای ترامپ بر این یادداشت با هدف دریافت امتیازاتی از تهران صورت گرفته است که به او برتری روانی بدهد. به این معنا که همانطور که او فشار بر مکزیک را با صدور یک فرمان آغاز کرد اما پس از اندکی عقب‌نشینی کرد و آن را برای یک ماه به تعویق انداخت، در مورد ایران نیز می‌تواند ابتدا دستور «فشار حداکثری» را صادر کند، اما بدون یک دستور اجرایی الزام‌آور، و سپس منتظر واکنش تهران مانند تا دست برتر را در هرگونه مذاکرات احتمالی داشته باشد.

● سؤال اصلی این است که رژیم ایران چگونه می‌تواند از این وضعیت به نفع خود استفاده کند؟ آیا تهران می‌تواند امتیازی بدهد که باعث شود ترامپ اجرای کامل این فرمان را متوقف کند، با این استدلال که اولویت رژیم ایران غلبه بر شرایط پیچیده داخلی و خارجی است؟

هدی رؤف (ایندیندنت عربی) - ترامپ به نهادهای آمریکایی مرتبط با تحریم‌ها دستور داده است که فشار حداکثری را بر رژیم ایران اعمال کنند. در متن یادداشت ترامپ آمده است که رئیس‌جمهوری آمریکا تا اطلاع ثانوی به اعمال فشار حداکثری بر تهران ادامه خواهد داد. دستور ترامپ با هدف بستن تمامی راه‌های دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای و همچنین مقابله با نفوذ منطقه‌ای آن صادر شده است.

سندی که ترامپ اخیراً آن را امضا کرد، بطور مفصل شامل محروم ساختن حکومت ایران از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و خنثی ساختن تمام شبکه‌های تروریستی آن است. همچنین در این دستور تأکید شده که حکومت ایران باید توسعه موشک‌های تهاجمی و سایر توانمندی‌های تسلیحاتی نامتقارن و متعارف خود را متوقف کند علاوه بر این، وزیر خزانه‌داری آمریکا موظف شده است حداکثر فشار اقتصادی را بر دولت ایران اعمال کند، از جمله اعمال تحریم‌ها یا اجرای اقدامات تنبیهی علیه افرادی که تحریم‌های موجود را نقض می‌کنند. همچنین وزیر خزانه‌داری باید به تمام بخش‌های مرتبط از جمله شرکت‌های حمل و نقل، بیمه و اپراتورهای بنادر هشدار دهد که هر فردی که آگاهانه تحریم‌های آمریکا علیه ایران یا گروه‌های تروریستی وابسته به آن را نقض کند، با خطرات جدی و مجازات مواجه خواهد شد.

وزیر امور خارجه نیز موظف شده است که معافیت‌های تحریمی را اصلاح یا لغو کند و همراه با وزیر خزانه‌داری کمپینی برای کاهش صادرات نفت ایران تا رسیدن به صفر راه‌اندازی نماید. نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل نیز مأمور شده تا با متحدان کلیدی همکاری کند و تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی علیه رژیم ایران را دوباره اعمال نماید همچنین دادستان کل ایالات متحده موظف شده است که تمام اقدامات قانونی ممکن را برای تحقیق، مختل کردن و پیگرد شبکه‌های مالی و لجستیک یا عوامل داخل آمریکا که از سوی ایران یا گروه‌های تروریستی نیابتی آن حمایت

## دولت لبنان تعلیق پرواز هواپیماهای مسافربری جمهوری اسلامی به فرودگاه بیروت را تمدید کرد



هواپیمای «ماهان ایر»

● دولت لبنان در بیانیه‌ای که روز دوشنبه ۲۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ صادر شد، تعلیق پرواز هواپیماهای مسافربری از ایران به فرودگاه بیروت را تمدید کرد.

● برخی منابع داخلی به نقل از «یک منبع مطلع امنیتی» گزارش داد که لبنان پس از هشدار آمریکا درباره سرنگون شدن هواپیماهای ایرانی به مقصد بیروت، به جمهوری اسلامی پیام داد که مجوزی برای پروازهای ایرانی به مقصد بیروت صادر نمی‌کند.

دولت لبنان در بیانیه‌ای که روز دوشنبه ۲۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ صادر شد، تعلیق پرواز هواپیماهای مسافربری از ایران به فرودگاه بیروت را تمدید کرد.

هفته گذشته مقامات لبنانی به هواپیمای «ماهان ایر» اجازه فرود در فرودگاه رفیق حریری را ندادند و این هواپیما مجبور شد به تهران بازگردد. این اقدام پس از آن صورت گرفت که ارتش اسرائیل اعلام کرد، جمهوری اسلامی با استفاده از هواپیماهای غیرنظامی، اقدام به قاچاق پول نقد به لبنان برای تجهیز حزب‌الله کرده است.

در واکنش به این تصمیم، جمهوری اسلامی اعلام کرد تا زمانی که پروازهای ایرانی اجازه فرود در بیروت را پیدا نکنند، از فرود پروازهای لبنانی در ایران نیز جلوگیری خواهد کرد.

همچنین ارتش اسرائیل روز چهارشنبه، ۲۴ بهمن‌ماه اعلام کرد که نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی هفته‌های اخیر همچنان از فرودگاه بین‌المللی بیروت برای انتقال پول نقد به حزب‌الله استفاده کرده است.

برخی منابع داخلی به نقل از «یک منبع مطلع امنیتی» گزارش دادند که لبنان پس از هشدار آمریکا درباره سرنگون شدن هواپیماهای ایرانی به مقصد بیروت، به جمهوری اسلامی پیام داد که مجوزی برای پروازهای ایرانی

## دیدار رهبران گروه‌های نیابتی عراقی با مقامات ارشد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی در تهران

● همزمان با سفر مارکو رویو وزیر خارجه آمریکا به منطقه، شماری از رهبران و مقامات گروه‌های شبه‌نظامی عراقی برای دیدار با مقامات ارشد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی به تهران رفتند.

● یکی از این افراد فالح فیاض رئیس هیأت «حشد الشعبی» عراق است که روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ با سردار پاسدار علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی دیدار کرد.

● برخی خبرگزاری‌ها گزارش دادند که طرفین درباره آخرین وضعیت منطقه، منافع «دو ملت» و تهدیدات مشترک پیش روی عراق گفتگو کردند.

● هاشم الحیدری دبیرکل «جنبش عهدالله» عراق نیز با عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی نشست مشترک داشت. این نشست با عنوان «مهدویت و امنیت» در مرکز آموزش‌های هوایی «خضرای» (دوشان‌تپه) در شرق تهران برگزار شد.

● موسوی با عباراتی اغراق‌آمیز و گزاف خطاب به حاضران گفت، «با توجه دقیق به انداز و بشارت‌ها، در این مسیر نورانی، تحت زعامت رهبر علوی تبار و فاطمی سرشت عزیزتر از جانمان، به پیش خواهیم رفت و هیچ مانعی، مشکلی یا چالشی ما را متوقف، کند یا منحرف نخواهد کرد».

● سفر رهبران شبه‌نظامیان عراقی به تهران می‌تواند نشانه و مقدمه‌ای برای فعال شدن دوباره حملات راکتی و پهپادی آنها علیه اهداف آمریکایی باشد.

همزمان با سفر مارکو رویو وزیر خارجه آمریکا به منطقه، شماری از رهبران و مقامات گروه‌های شبه‌نظامی عراقی برای دیدار با مقامات ارشد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی به تهران رفتند.

یکی از این افراد فالح فیاض رئیس هیأت «حشد الشعبی» عراق است که روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ با سردار پاسدار علی‌اکبر احمدیان، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، دیدار کرد.

هرچند جزئیات زیادی از این دیدار منتشر نشده، اما برخی خبرگزاری‌ها گزارش دادند که طرفین درباره آخرین وضعیت منطقه، منافع «دو ملت» و تهدیدات مشترک پیش روی عراق گفتگو کردند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اواسط دی‌ماه ۱۴۰۳ در دیدار با محمد شیخ السوداني نخست‌وزیر عراق خواستار تقویت حشدالشعبی در عراق شده بود.



به مقصد بیروت صادر نمی‌کند.

پس از آنکه دولت لبنان اجازه فرود به هواپیمای «ماهان ایر» نداد، هواداران حزب‌الله که در میان آنها اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز حضور داشتند فرودگاه رفیق حریری را به آشوب کشاندند.

در پی این اتهامات و افزایش نگرانی‌های امنیتی، دولت جدید لبنان پروازهای خطوط هوایی ایران به بیروت را ممنوع اعلام کرد. این تصمیم در حالی گرفته شده که تنش‌های منطقه‌ای میان ایران، لبنان و اسرائیل همچنان ادامه دارد.

نهاد‌های امنیتی اسرائیل گزارش دادند که جمهوری اسلامی در پوشش هواپیماهای مسافربری اقدام به انتقال پول نقد برای حزب‌الله لبنان می‌کند.

همچنین بر اساس گزارش منابع غیررسمی، مأموران امنیتی در فرودگاه بیروت دستور گرفته‌اند هواپیماهایی را که از عراق به لبنان پرواز کرده‌اند به دقت بازرسی کنند.



## سرپرست دانشگاه تهران در ارتباط با قتل دانشجوی دانشگاه تهران: همه ما متهم هستیم!



امیرمحمد خالقی

وی با تأکید بر لزوم پیگیری این مسئله اظهار داشت: «در نشست که با حضور مقامات ارشد کشور برگزار شد، از دانشگاه تهران خواسته شد تا علیه فرد مورد نظر طرح شکایت کند. ما مشخصات این شخص را در اختیار داریم و اقدام قانونی لازم را به عمل آورده‌ایم.»

با گذشت چند روز از قتل دانشجوی جوان اما تا کنون مظنون یا مظنونی که وی را به قتل رسانده‌اند، دستگیر نشده‌اند. غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه روز دوشنبه اعلام کرد: «دادستان تهران و سایر مسئولان و دستگاه‌های ذیربط، با جدیت مشغول شناسایی و دستگیری عوامل قتل دانشجوی دانشگاه تهران هستند.»

روز یکشنبه ۲۸ بهمن، دانشجویان دانشگاه تهران در پایان تجمع خود در اعتراض به شرایطی که منجر به قتل امیرمحمد خالقی شده، بیانیه‌ای منتشر کردند و خواستار «تشکیل کمیته حقیقت‌یاب» و انتشار عمومی اسناد دانشگاه درباره تامین امنیت اطراف کوی دانشگاه شدند.

در این بیانیه که توسط «خبرنامه امیرکبیر» انتشار یافته، لیستی از خواست‌های دانشجویان معترض آمده که یکی از آنها، «تامین امنیت دانشجویان معترض در داخل و بیرون از دانشگاه» است.

در این بیانیه آمده که آنها تا برآورده شدن خواست‌های خود به اعتراضات ادامه خواهند داد.

ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی حاکی از برگزاری تجمع دیگری در روز دوشنبه در دانشگاه تهران است. در یکی از این ویدئوها شنیده می‌شود که شماری از دانشجویان شعار می‌دهند «نفرنفر حجاب‌بان، دریغ از یک ننگبان». شعاری که به گماشتن افرادی در ورودی دانشگاه‌ها برای اعمال محدودیت‌ها در مراکز دانشگاهی برای پوشش دانشجویان به ویژه دختر اشاره دارد.

● دانشجویان در اعتراض به وضعیت دانشگاه و خطرهایی که آنها را تهدید می‌کند، شعار می‌دهند: نفرنفر حجاب‌بان، دریغ از یک ننگبان!

در پی واکنش‌های گسترده به قتل یک از دانشجویان دانشگاه تهران، شماری از آنان خواستار تشکیل «کمیته حقیقت‌یاب» برای بررسی ابعاد این حادثه شدند.

امیرمحمد خالقی ۱۹ ساله و اهل استان خراسان جنوبی، دانشجوی سال دوم رشته مدیریت کسب و کار در دانشگاه تهران شامگاه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳ در نزدیکی کوی دانشگاه تهران مورد حمله سارقان و ضرب و جرح قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان به علت شدت جراحات جان باخت.

حسین حسینی سرپرست دانشگاه تهران، روز دوشنبه ۲۹ بهمن در گفتگو با خبرگزاری ایسنا با اشاره به این حادثه تأکید کرده است: «همه ما متهم هستیم!»

وی با بیان اینکه محل وقوع این اتفاق «یک کوچه خاص» است که پیش از این نیز مواردی از تعرض به دانشجویان در آن گزارش شده بود، از کم‌رنگ بودن حضور پلیس در این محدوده انتقاد کرد.

سرپرست دانشگاه تهران همچنین به مشکلات زیرساختی اطراف دانشگاه اشاره کرد و گفت: «وضعیت نور خیابان‌های اطراف دانشگاه مناسب نیست و دانشجویان با ترس و نگرانی از این منطقه عبور می‌کنند.»

حسینی با اشاره به تنش‌های به وجود آمده در حاشیه یکی از اولین تجمعات اعتراضی دانشجویان، عامل آن را حضور فردی «لباس شخصی» معرفی کرد و گفت: «در جلسه‌ای که با حضور همه مقامات کشور صورت گرفت، از دانشگاه تهران خواسته شد نسبت به ثبت شکایت علیه فرد مورد نظر اقدام شود. ما مشخصات شخص مورد نظر را داریم و از وی شکایت کرده‌ایم.»

از دیگر چهره‌های مرتبط با گروه‌های نیابتی عراقی که به تهران رفته، هاشم الحیدری دبیرکل «جنبش عهدالله» عراق است که با عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی در نشست مشترک عنوان «مهدویت و امنیت» حاضر شد. این نشست در مرکز آموزش‌های هوایی «خضایی» (دوشان‌تپه) در شرق تهران برگزار شد و فعالان



دیدار علی‌اکبر احمدیان با فالح فیاض / ۳۰ بهمن ۱۴۰۳

«مهدوی» در آن حضور داشتند؛ فعالان «مهدوی» افرادی هستند که بر این باورند که انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور «امام زمان» و ایجاد «تمدن نوین اسلامی» است.

عبدالرحیم موسوی در این نشست، خطاب‌های طولانی درباره ضرورت آماده ساختن شرایط برای ظهور «امام زمان» ایراد کرد و علی خامنه‌ای را «نایب امام زمان» و «رهبر عزیزتر از جان» توصیف کرد. او همچنین تأکید کرد که «نگهبانی از دین خدا» یک تکلیف بزرگ است.

موسوی در بخشی از سخنان خود با عباراتی اغراق‌آمیز و گزاف اظهار داشت: «با توجه دقیق به انداز و بشارت‌ها، در این مسیر نورانی، تحت زعامت رهبر علوی‌تبار و فاطمی‌سرشت عزیزتر از جانمان، به پیش خواهیم رفت و هیچ مانعی، مشکلی یا چالشی ما را متوقف، کند یا منحرف نخواهد کرد.»

در ادامه، هاشم الحیدری دبیرکل «جنبش عهدالله» عراق، با تمجید از پیشرفت‌های نظامی جمهوری اسلامی، هشدار داد که «امروز در جهاد تبیین دچار نقص هستیم و با جنگ شناختی و نرم دشمنان علیه ایران اسلامی مواجهیم!»

او همچنین راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» را ستود و معلوم نیست بر اساس کدام شواهد و مستندات ادعا کرد: «میلیون‌ها نفر با شعار لبیک یا خامنه‌ای در صحنه هستند!»

هرچند دو الی سه ماه است که گزارش‌ها از کاهش حملات راکتی و پهبادی نیروهای نیابتی در عراق به اهداف آمریکایی حکایت دارد، اما سفر رهبران شبه‌نظامیان عراقی به تهران می‌تواند نشانه و مقدمه‌ای برای فعال شدن دوباره‌ی آنها باشد. همزمانی این سفرها، با حضور وزیر خارجه دولت ترامپ در خاورمیانه نشان می‌دهد جمهوری اسلامی نگران افزایش احتمالی تنش‌هاست به ویژه آنکه قوای نظامی آمریکا در منطقه نیز در حال تقویت شدن است.

# «اوراسیا اسپشیاال»: جمهوری اسلامی استراتژی اقتصادی خود را بر پایه «کنترل اعتراضات اجتماعی» تنظیم کرده است



نظارات ضد حکومتی در ایران در سال ۲۰۲۲

سیستم ارز نیمایی علاوه بر بی‌ثباتی قیمت ارز، به گسترده‌تر شدن سوء مدیریت اقتصادی نیز انجامید.

با حذف ارز نیمایی و انتقال به بازار توافقی، پیش‌بینی می‌شود که صادرکنندگان از سیستم تبادل ارزی با محدودیت کمتر بهره‌مند شوند. این تغییر به منظور تحریک صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تشویق رشد صنعتی طراحی شده است. با این حال، کسب و کارها همچنان نگران دخالت مستمر دولت در بازارهای ارز هستند. الزام دیرینه صادرکنندگان به بازگشت درآمدها با نرخ‌های پایین‌تر از ارزش بازار آزاد، به عنوان مانعی برای کارایی در نظر گرفته شده که توانایی کسب و کارها را در پاسخ به شرایط واقعی بازار محدود می‌کند.

## الگوبرداری از روسیه

در بخش دیگری از این گزارش آمده، اقدامات اخیر جمهوری اسلامی در زمینه پولی شباهت‌هایی با واکنش روسیه به بحران ارزی پس از جنگ اوکراین دارد. مسکو کنترل‌های سختگیرانه‌ای بر سرمایه اعمال کرد، انتقالات ارزی خارجی را محدود کرد و نرخ‌های بهره را به شدت افزایش داد، که منجر به بهبود سریع ارزش روبل شد. جمهوری اسلامی نیز سعی کرده تا مقررات ارزی را سخت‌تر کرده و کنترل دولتی بر بازارهای ارز را افزایش دهد، اما تفاوت‌های کلیدی بین وضعیت دو کشور وجود دارد.

در بخش دیگری از مقاله «اوراسیا اسپشیاال» آمده، روسیه با وجود تحریم‌ها از مزایای ذخایر ارزی زیاد، پایه صنعتی قوی‌تر و شبکه مالی جهانی یکپارچه برخوردار است. ایران در مقابل با ضعف‌های ساختاری شدید، سوء مدیریت اقتصادی مزمن و انزوای شدید از بازارهای بین‌المللی مواجه است.

علاوه بر این، محدودیت‌های ژئوپلیتیک ایران، فرآیند بهبود اقتصادی را دشوارتر کرده است. در حالی که ←

در این مقاله که ۲۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ منتشر شد، با تشریح وضعیت وخیم جمهوری اسلامی، توضیح داده می‌شود که این الگوبرداری از سیاست‌های اقتصادی روس‌ها کمک چندانی به جمهوری اسلامی نکرده و حکومت نگران افزایش نارضایتی عمومی و اعتراضات داخلی است.

## ایجاد «بازار ارز توافقی» با «سیستم نیما»

در مقدمه این نوشتار آمده، در ماه‌های اخیر، با افزایش شدید قیمت دلار در ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی اقداماتی را برای تثبیت بازار ارز و کنترل تورم انجام داده است. یکی از مهم‌ترین تغییرات معرفی «بازار ارز توافقی» است که جایگزین «ارز نیمایی» شد که مدت‌ها برای تنظیم معاملات ارزی استفاده می‌شد.

مقامات اقتصادی نظام امیدوارند، برخلاف بازار آزاد، این سیستم جدید به کسب و کارها این امکان را بدهد که ارز را بر اساس نرخ‌های توافقی تعیین‌شده توسط دولت خرید و فروش کنند، نه فقط بر اساس عرضه و تقاضا.

سیستم نیما به خاطر ضرر به صادرکنندگان، افزایش رانت‌خواری در میان واردکنندگان و ناکامی در تضمین رسیدن یارانه‌های ارزی به مصرف‌کنندگان مورد انتقاد قرار گرفته بود. این ناکارآمدی، به ویژه صادرکنندگان کالاهای معدنی را تحت تأثیر قرار داد که با سیاست‌های محدودکننده در بازگشت درآمدهای ارزی مواجه بودند. در عمل، جمهوری اسلامی ایران سعی کرد تا نرخ‌های ارز را از طریق الزام کسب و کارها به فروش ارز خارجی با نرخ دولتی تنظیم کند، نه اینکه بگذارد بازار ارزش آن را تعیین نماید.

با این حال، این اهرم کنترلی نتوانست فعالیت‌های سفته‌بازی را کاهش دهد و ارزش ریال همچنان در بازارهای غیررسمی به دلیل فرار سرمایه، فشارهای تورمی و کمبود اعتماد سرمایه‌گذاران، کم و کمتر شد. بنابراین شکست

● پایگاه خبری «اوراسیا اسپشیاال» در گزارش مفصلی با اشاره به سخت‌تر شدن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی می‌نویسد مقام‌های تهران برای مقابله با پیامدهای تحریم از جمله برای جلوگیری از سقوط ارزش ریال به سراغ الگوهایی رفته‌اند که روسیه در سیاست‌های پولی و بانکی خود پس از جنگ با اوکراین به کار گرفته اما موفقیت چشمگیری نداشته است.

● در این مقاله آمده برخلاف یکپارچگی روسیه در واکنش به بحران اقتصادی و تحریم‌های ناشی از جنگ با اوکراین، جمهوری اسلامی با توجه به وجود کانون‌های متعدد قدرت شامل (رهبری، ریاست جمهوری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بانک مرکزی)، فاقد یک ساختار تصمیم‌گیری یکپارچه است. بنابراین هرگونه تلاش برای سخت‌تر کردن سیاست‌های پولی (مانند افزایش نرخ بهره) می‌تواند رکود را تشدید کند و نارضایتی داخلی را افزایش دهد.

● «با توجه به کاهش ارزش ریال و تأثیر آن در نارضایتی عمومی، استراتژی اقتصادی فعلی جمهوری اسلامی تحت تأثیر نیاز به مدیریت اعتراضات اجتماعی ناشی از بی‌ثباتی اقتصادی قرار دارد».

● «ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید برای نسل‌های جوان به حفظ پایگاه اجتماعی انقلاب در مقابل ناآرامی‌های اجتماعی کمک خواهد کرد. ناآرامی‌ها دقیقاً همان نتیجه‌ای است که تحریم‌کنندگان در تلاش برای تضعیف جمهوری اسلامی از درون به دنبال آن هستند».

پایگاه خبری «اوراسیا اسپشیاال» در مقاله‌ای مفصل با اشاره به سخت‌تر شدن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، می‌نویسد مقامات تهران برای مقابله با پیامدهای تحریم از جمله برای جلوگیری از سقوط ارزش ریال به سراغ الگوهایی رفته‌اند که روسیه در سیاست‌های پولی و بانکی خود پس از جنگ با اوکراین به کار گرفته است.

با توجه به وجود کانون‌های متعدد قدرت شامل (رهبری، ریاست جمهوری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بانک مرکزی)، فاقد یک ساختار تصمیم‌گیری یکپارچه است. بنابراین هرگونه تلاش برای سخت‌تر کردن سیاست‌های پولی (مانند افزایش نرخ بهره) می‌تواند رکود را تشدید کند و نارضایتی داخلی را افزایش دهد.

جمهوری اسلامی همچنین کنترل‌های بیشتری بر معاملات ارزهای دیجیتال اعمال کرده‌اند و درگاه‌های پرداخت صرافی‌ها را برای کاهش فرار سرمایه و سفته‌بازی در بازار «تتر» (یکی از ارزهای دیجیتال) بسته‌اند. این حرکت با تلاش‌های گسترده‌تر برای تنظیم جریان‌های مالی و جلوگیری از فشار بیشتر بر ریال هماهنگ است.

روسیه توانست از صادرات گسترده انرژی خود برای مذاکره با کشورهای چین و هند جهت ایجاد سیستم‌های پرداخت جایگزین استفاده کند، ایران در بازگشت قابل اعتماد درآمدهای صادراتی با مشکل مواجه شده است. تهران تلاش کرده است تا قوانین بازگشت درآمدهای ارزی را اجرا کند، اما این تلاش‌ها به دلیل ضعف‌های اجرایی و



تجمع کارگران در مقابل مجلس شورای اسلامی به مناسبت روز کارگر - اردیبهشت ۱۳۹۸

### افزایش تورم

با وجود تلاش‌ها برای تثبیت اقتصادی از طریق سیاست‌های پولی محدودکننده و کنترل سرمایه، این اقدامات نتایج محدودی به همراه داشته و تورم را تشدید کرده و منجر به کاهش بیشتر ریال شده است. اعمال کنترل‌های ارزی، به ویژه در زمینه بازگشت درآمدهای صادراتی با نرخ‌های زیر قیمت بازار، باعث اختلال در رشد بخش خصوصی شده و عدم اطمینان بیشتری ایجاد کرده است. این قوانین مانع رشد کسب و کارها شده و به محیطی کمک کرده که در آن اقتصاد همچنان راکد است و چشم‌انداز بهبود قابل توجهی وجود ندارد در بخش دیگری از این گزارش مشروح آمده، از لحاظ ژئوپلیتیک، جمهوری اسلامی در ایران با چالش‌های بزرگی روبروست. در حالی که شراکت‌های استراتژیک با چین، روسیه و متحدان منطقه‌ای مانند مسکن عمل می‌کند، اما تهران باید روابط اقتصادی خود را با قدرت‌های غیرغربی تقویت کند تا بطور کامل با تأثیرات تحریم‌های غرب مقابله نماید. برقراری ارتباط با سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بریکس و سازمان همکاری شانگهای می‌تواند تسکین اقتصادی لازم را برای تهران فراهم کند. «اوراسیا اسپشیل» پیش‌بینی کرده، گسترش مناطق اقتصادی ویژه (SEZs)، بهره‌گیری از کریدورهای حمل و نقل بین‌المللی مانند کریدور حمل و نقل شمال- جنوب (INSTC)، و تبدیل بنادر ایران به مراکز مهم منطقه‌ای به ویژه برای مناطق محصور در خشکی مانند آسیای مرکزی می‌تواند «مقاومت اقتصادی» جمهوری اسلامی را تقویت کند.

در پایان این مقاله آمده، «ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید برای نسل‌های جوان به حفظ پایگاه اجتماعی انقلاب در مقابل ناآرامی‌های اجتماعی کمک خواهد کرد. ناآرامی‌ها دقیقاً همان نتیجه‌ای است که تحریم‌کنندگان در تلاش برای تضعیف جمهوری اسلامی از درون به دنبال آن هستند.»

در مقیاس جهانی، استراتژی اقتصادی تهران همچنان با محدودیت‌هایی به دلیل انزوای دیپلماتیک مواجه است. پیوند جمهوری اسلامی با روسیه و چین فرصت‌هایی برای همکاری تجاری و مالی فراهم کرده، اما این روابط حمایت اقتصادی مورد نیاز تهران را ارائه نمی‌دهد.

چین در حالی که خریدار عمده نفت ایران است اما در معاملات مالی خود احتیاط و از تقابل مستقیم با تحریم‌های آمریکا اجتناب می‌کند. روسیه نیز با وجود هم‌پیمانی ژئوپلیتیک با جمهوری اسلامی، اولویت را به بهبود اقتصادی خود می‌دهد و کمک مالی چشمگیری به تهران نکرده است. این مناسبات توانایی جمهوری اسلامی را در اجرای یک استراتژی جامع ثبات اقتصادی محدود کرده و آن را مجبور به اتکا به مکانیسم‌های داخلی نموده که تا کنون مؤثر نبوده‌اند.

### مدیریت اعتراضات اجتماعی

در نهایت، با توجه به کاهش ارزش ریال و تأثیر آن در نارضایتی عمومی، استراتژی اقتصادی فعلی جمهوری اسلامی تحت تأثیر نیاز به مدیریت اعتراضات اجتماعی ناشی از بی‌ثباتی اقتصادی قرار دارد. توانایی دولت در تثبیت ارز تحت تأثیر محدودیت‌های ذخایر ارزی و فرآیند تصمیم‌گیری مقطعی شده قرار دارد، جایی که قدرت بین بازیگران مختلف سیاسی و نظامی تقسیم شده است. برخلاف روسیه که ۶۰۰ میلیارد دلار ذخایر قبل از جنگ اوکراین داشت، ایران چنین پشتیبانی مالی ندارد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی می‌تواند بطور تهاجمی در بازارهای ارز مداخله کند، که همین موضوع یک ثبات بلندمدت را دشوار می‌سازد. برخلاف یکپارچگی روسیه در واکنش به بحران اقتصادی و تحریم‌های ناشی از جنگ با اوکراین، جمهوری اسلامی

نقص‌های ساختاری تنها تا حدی مؤثر بوده است. بدون استراتژی جامع‌تری که شامل اصلاحات اقتصادی و مالی وسیع‌تری باشد، تلاش‌های تهران برای تثبیت بازار ارز به احتمال زیاد محدود خواهد بود.

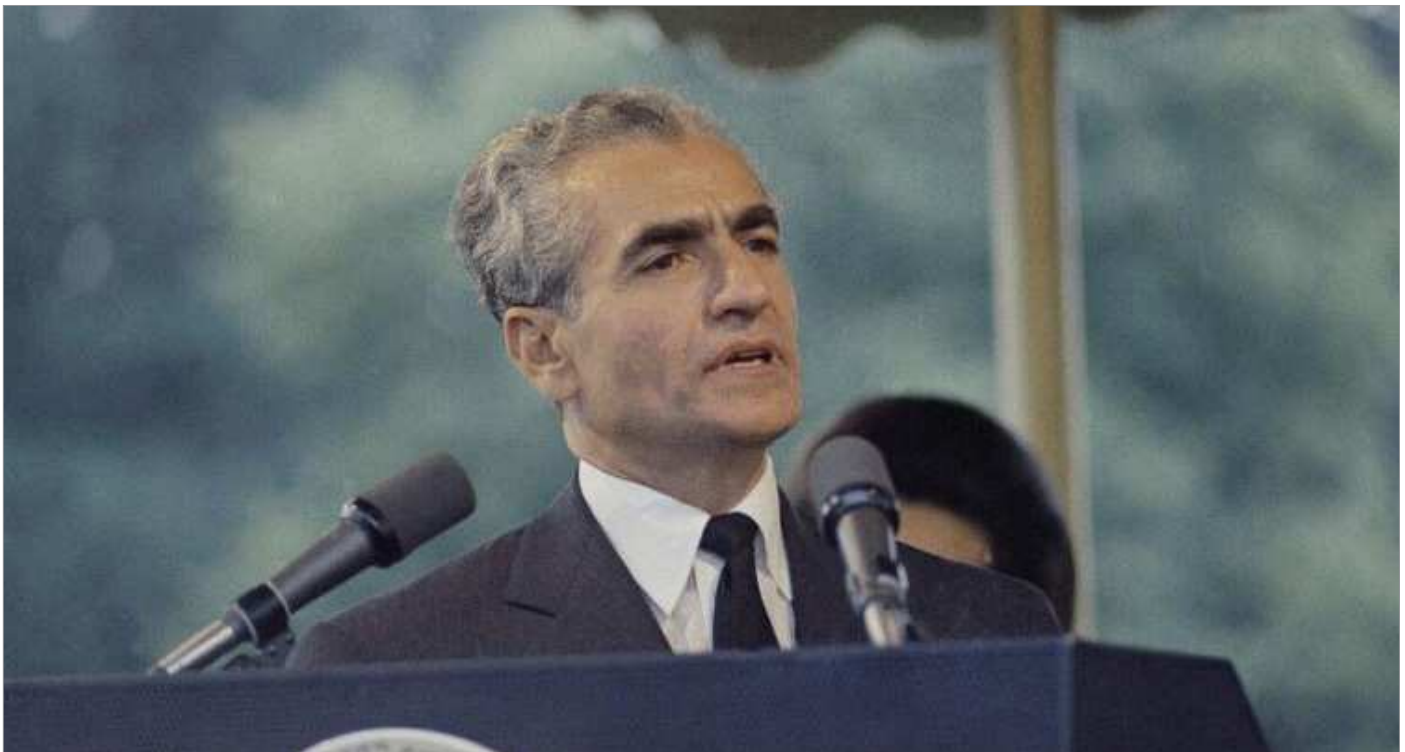
### نقش و تأثیرات ژئوپلیتیک

مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی در یک محیط ژئوپلیتیک پیچیده در حال وقوع است که عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی نقش زیادی در آن ایفا می‌کنند. در داخل ایران، دولت با فشار فزاینده‌ای برای کنترل تورم و تثبیت ارز بدون تحریک رکود بیشتر مواجه است.

سیاست‌های پولی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، از جمله تنظیمات نرخ بهره، به دلیل عدم اعتماد بازار و خروج مستمر سرمایه، تأثیر محدودی داشته‌اند. در عین حال، تصمیم‌گیری اقتصادی هنوز تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار دارد. در داخل حکومت بر سر اینکه آیا باید کنترل‌های مالی سختگیرانه‌تری اعمال شود یا راه حل‌های دیپلماتیک برای کاهش فشارهای اقتصادی جستجو شود، اختلاف وجود دارد. چالش‌های اقتصادی جمهوری اسلامی همزمان با تغییرات ژئوپلیتیک وسیع‌تری در حال افزایش است. در حالی که تهران تلاش کرده تا روابط خود را با کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی عادی کند، همکاری اقتصادی آنها اما همچنان محدود است. محدودیت این کشورها برای همکاری مالی بیشتر با ایران ناشی از تحریم‌ها و نگرانی‌های مستمر درباره تنش‌های ژئوپلیتیک و بی‌ثباتی اقتصادی در ایران است.

صرف نظر از منابع نفت و گاز، تهران با مشکلات بیشتری در تأمین خریداران بین‌المللی به دلیل اجرای تحریم‌های ثانویه آمریکا و رقابت از سوی دیگر تأمین‌کنندگان دیگر انرژی مواجه است. در کنار اصلاحات بازار ارز، مقامات

## محمد رضا شاه پهلوی؛ دیکتاتور مستبد یا رهبری مقتدر و اصلاحگر



طی یک بازه زمانی تقریباً ده ساله شاه جوان موفق شد به تدریج بر بحران‌ها غلبه و نظم و انضباطی برقرار کند. به بحران جدایی‌طلبی آذربایجان ( حزب دموکرات آذربایجان- پیشه‌وری) و جمهوری مهاباد کردستان (قاضی محمد) که هر دو با پشتوانه اتحاد جماهیر شوروی اعلام موجودیت کرده بودند، پایان داد، اما هسته مرکزی جریان وابسته به شوروی (حزب توده) تقریباً دست نخورده باقی ماند، و اگرچه در سال ۱۳۲۴ این حزب غیرقانونی اعلام شد اما فعالیت‌های آن با تغییر تاکتیک، به صورت نفوذ و فعالیت مخفی در ارتش و به ویژه در کارخانجات و آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و صنعت نفت ادامه داشت. همزمان قشریون مذهبی و فداییان اسلام نیز که تضاد آشتی‌ناپذیری با مدرنیته شدن کشور داشتند از هیچ فرصتی برای ضربه زدن به شاه و برقراری حکومت اسلامی فروگذار نمی‌کردند.

ترور احمد کسروی (۲۰ اسفند ۱۳۲۴)، ترور عبدالحسین هژبر نخست وزیر (۱۳ آبان ۱۳۲۸)، ترور رزم آرا نخست وزیر (۱۶ اسفند ۱۳۲۹)، سوء قصد به حسین علا نخست وزیر (۲۵ آبان ۱۳۳۴)، ترور حسنعلی منصور نخست وزیر (۱ بهمن ۱۳۴۳) بخشی از عملیات اسلام‌ست‌ها در همان دهه نخست به قدرت رسیدن شاه بود.

شخص محمد رضا شاه نیز چند بار مورد سوء قصد قرار گرفت از جمله در بهمن ۱۳۲۷ هنگامی که برای گشایش کتابخانه دانشکده حقوق به دانشگاه تهران رفته بود از جانب شخصی به نام ناصر فخرآرایی (خبرنگار روزنامه پرچم اسلام) مورد سوء قصد مسلحانه قرار گرفت اما از این حادثه جان سالم به‌دربرد. در دی‌ماه ۱۳۳۳ با لو رفتن سازمان افسران حزب توده در ارتش و دستگیری نزدیک به ۶۰۰ نفر از آنها شاه توانست تهدید بالقوه دیگری را از سر راه خود بردارد در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ محمد رضا شاه باردیگر مورد سوء قصد قرار گرفت، اینبار در کاخ مرمر و از سوی یکی

پهلوی تاسیس شده بود، حضور داشتند، آثار آنها چاپ می‌شد، فیلم‌های آنها و ترانه‌هایشان که گاه انتقاد به سیستم حاکم نیز بود، تولید و پخش می‌شد. نویسندگان و هنرمندان شناخته شده‌ای که بعد از انقلاب با زبانی تیز از «خفقان سیاه محمد رضاشاهی» سخن می‌گفتند، همان کسانی بودند که در آن دوران به اصطلاح «سانسور و خفقان» با چاپ آثارشان و یا نمایش فیلم‌ها و پخش ترانه‌هایشان به مردم شناسانده شدند و برایشان اعتبار اجتماعی آفریده شد. ایران از نظر آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی نسبت به کشورهای منطقه و حتی برخی کشورهای اروپایی در موقعیت بالاتری قرار داشت، اما آنچه شاید بتوان گفت این است که از نگاه شاه ایران در شرایط آن روز، ایجاد فضای باز سیاسی همزمان با توسعه اقتصادی، اولویت چندانی برای او نداشت. اما آیا این ضعف و کمبود و یا قصور معطوف به شخصیت دیکتاتورمآبانه و مستبد پادشاه بود و یا یک واکنش اجتناب‌ناپذیر ناگزیر نسبت به شرایطی بود که از بیرون و درون بر او تحمیل شده بود. در همین رابطه خوبست نگاهی گذرا داشته باشیم به مواردی که محمد رضا شاه را ناگزیر نمود که برخلاف میل خود، دراموری که مربوط به امنیت کشور بود سیاست‌های سختگیرانه‌تری در پیش بگیرد در شهریور ۱۳۲۰ که ولیعهد جوان در سن ۲۱ سالگی زمام امور را به دست گرفت، ایران در وضعیتی بحرانی و متزلزل قرار داشت. دوقدرت پیروز جنگ جهانی دوم، شمال و جنوب کشور را به اشغال خود در آورده بودند. ارتش ایران تقریباً از هم پاشیده بود. شوروی به دنبال گسترش نفوذ خود و جدا کردن بخش‌های دیگری از کشور بود و نفت شمال را مطالبه می‌کرد. انگلیس بر صنعت نفت و خطه جنوب کشور مسلط بود. شاه جوان عملاً هیچ اختیاری نداشت و قدرت در دست نیروهای اشغالگر بود و حتی در مورد انتخاب نخست وزیر و کابینه هم اعمال نفوذ می‌کردند.

**امیر دها -** محمد رضا شاه پهلوی از جمله شخصیت‌های بحث برانگیز تاریخ معاصر ایران است. برخی او را دیکتاتوری مستبد معرفی می‌کنند که آزادی‌های سیاسی را سرکوب کرد، در حالی که گروهی دیگر او را یک حاکم مقتدر و اصلاحگر می‌دانند که ایران را از کشوری عقب‌مانده و ضعیف، به کشوری قدرتمند و رو به پیشرفت در منطقه رساند.

این تناقض در روایت‌ها یکی از موضوعات مهمی است که باید با روش‌های علمی و با بررسی داده‌های تاریخی، اسناد و مقایسه ایران با سایر کشورهای منطقه و جهان در آن بازه زمانی و همچنین چالش‌ها و تهدیداتی که ایران در شرایط آنروز با آن مواجه بود، تحلیل و ارزیابی شود

تحلیل حکومت محمد رضا شاه نیازمند بررسی چندین بعد مختلف از جمله اقتصاد، سیاست داخلی، سیاست خارجی، توسعه اجتماعی و مسائل امنیتی است. حکومت او در بازه‌ای کمتر از چهار دهه از یک دوران ضعف و بی ثباتی آغاز شد، به اوج قدرت رسید و در بهمن ۱۳۵۷ سقوط کرد. ایران در سال‌های پایانی حکومت شاه یکی از پنج کشور با سریع‌ترین رشد اقتصادی در جهان بود. طرح‌های بزرگ صنعتی، اصلاحات ارضی، توسعه زیرساخت‌ها و گسترش دانشگاه‌ها، چهره ایران را بطور ملموسی تغییر داده بود. شاه بر آن بود که ایران را به یک قدرت جهانی تبدیل کند و چشم‌اندازی که برای ایران در نظر داشت این بود که ایران را تا سال ۱۹۹۰ میلادی به یک کشور صنعتی و مدرن تبدیل کند.

آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی در حد استانداردهای کشورهای پیشرفته در ایران وجود داشت، زنان حق رأی داشتند و تا سطح وزیر و مدیرکل در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت داشتند، هیچ‌گونه محدودیت مذهبی بر پوشش و سبک زندگی افراد وجود نداشت، بسیاری از نویسندگان و شاعران و حتی منتقدان حکومت در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که به همت شهبانو فرح

## رونمایی از تندیس مهسا امینی در فلورانس



ایتالیا را به پخش آن عزیز فعال مدنی که اخیراً حکم اعدام او به تأیید دیوان عالی نیز رسیده است، اعطا کند. این تندیس کاری از زوج هنرمند ایرانی پارتین باستان و مرجان نجفی است. احمد رأفت در گزارشی از این مراسم، با پارتین باستان گفتگویی انجام داده است.

در راستای اهداف خرابکارانه این گروه‌ها برای آنها تبلیغ و یا مشی آنها را توجیه و ترویج می‌کردند آزادی عمل نمی‌داد نیز یک واقعیت است. اما این تمام حقیقت نیست! باید پرسید آن کسانی که شاه به آنها آزادی عمل نمی‌داد و یا آنها را سرکوب می‌کرد در پی چه بودند؟ آیا آنها آنطور که ادعا می‌کنند به دنبال آزادی و یا دموکراسی برای ایران بودند؟ آیا برای توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و یا برای رفاه بیشتر مردم ایران مبارزه می‌کردند؟ آیا در پی این بودند که وجهه و اعتبار جهانی ایران را از آنچه بود بالاتر ببرند؟ عملکرد گذشته و امروز همه این گروه‌ها همگی در جهت ابطال ادعای آنهاست. چنانکه عملکرد رهبران فکری آنها نیز (از استالین و ماو و کاسترو و پل پت و خمینی) و تجربه حکومت آنها، سياهترین و هولناک ترین صفحات تاریخ معاصر را رقم زده است.

محمد رضا شاه پهلوی به باور من نه یک دیکتاتور مستبد، بلکه یک پادشاه مردم‌دوست و توسعه‌گرا و اصلاح‌گر بود که اگر با تهدیدات ناشی از همسایگی با اتحاد جماهیر شوروی، فضای جنگ سرد و پیامدهای آن از یکسو، و اقدام‌ها غیروستانه جهان غرب در جریان جنگ نفت مواجه می‌بود، شاید میهن ما هیچگاه چنین روزهای شوم و سیاهی به خود نمی‌دید.

محمد رضا شاه پهلوی یکی از سیاستمداران شاخص و برجسته روزگار خود بود و تاریخ از او به بزرگی و نیکی یاد خواهد کرد.

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۳ در جریان مراسمی در ساختمان استانداری توسکانی در شهر تاریخی فلورانس، استاندار و مدیر دوسالانه هنری فلورانس از تندیس مهسا (ژینا) امینی رونمایی کردند. در همین روز شورای شهر فلورانس در نشستی تصمیم گرفت شهروندی افتخاری پایتخت رنسانس

خرابکارانه گروه‌های چریکی فداییان و مجاهدین عمدتاً در دهه پنجاه خورشیدی انجام می‌گرفت. در سال‌های اوج شکوفایی اقتصادی و اجتماعی ایران؛ در سال‌هایی که رشد اقتصادی ایران رشک بسیاری از کشورهای منطقه شده بود. آزادی‌های اجتماعی و فردی در استاندارد پیشرفته‌ترین کشورها در ایران وجود داشت. شاه با اصلاحات شگرف و بی‌سابقه‌ای که تحت عنوان انقلاب سفید انجام شد چشم‌اندازهای جدیدی فراراه پیشرفت و عدالت اجتماعی گشود. اصلاحاتی که هم‌اکنون وقتی پس از گذشت شصت سال به مفاد آن می‌نگریم، حتی امروز نیز تصور انجام آن در بسیاری از کشورهای منطقه در ذهن نمی‌گنجد. اصلاحاتی که نخستین بار روح الله خمینی بود که علم مخالفت با آن برافراشت و در پی آن بسیاری از جریان‌های سیاسی که آبخور فکری و ایدئولوژیک و یا اهداف سیاسی مشترکی با او داشتند با وی همراه و هم‌زمان شدند. چون هدف آنها نه توسعه و پیشرفت ایران بلکه مبارزه با شاه به هر بهانه بود. طنز روزگار اما آنجاست که شاه از جانب کسانی متهم به انسداد فضای سیاسی می‌شود که خود چه آن زمان که مذب و مسلسل و ترور ابزار و زبان مبارزه سیاسی‌شان بود و چه پس از آنکه شاه را از حکومت ساقط کردند، چنان ابعادی از خشونت و سرکوب و کشتار در کارنامه خود به ثبت رساندند که در تاریخ معاصر ایران بی‌مانند است.

اینکه محمد رضا شاه پهلوی گروه‌های چریکی مسلح را سرکوب می‌کرد یک حقیقت است؛ اینکه او به کسانی که

از ماموران گارد سرباز وظیفه رضا شمس آبادی. در جریان این سوء قصد یک گلوله به کتف شاه اصابت و گلوله دیگری گونه اش را زخمی کرد.

این سوء قصدها اما با دستگیری افسران مخفی وابسته به حزب توده و فرار رهبران حزب به شوروی، پایان نیافت بلکه با ظهور دو سازمان چریکی تازه تاسیس یعنی سازمان چریک‌های فدایی و سازمان مجاهدین خلق ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد. آنها با شیوه‌های پیچیده‌تر با ترور افسران بلند پایه نظامی و امنیتی، ترور مستشاران آمریکایی و نیز ترور کارآفرینان و سرمایه‌داران ایرانی، حکومت را با چالش‌های امنیتی جدیدی مواجه نمودند. این سازمان‌ها به گمان خود می‌خواستند با شکست فضای پلیسی و امنیتی، زمینه‌های انقلاب و سرنگونی شاه را فراهم نمایند.

آن روزها در فضای به شدت دوقطبی جنگ سرد، مبارزه با تمام مظاهر غرب و هر آنچه دستاوردهای غرب و «امپریالیسم» قلمداد می‌شد یک ارزش «انقلابی» بود. اتحاد جماهیر شوروی سیمای فریبنده‌ای از «حکومت پرولتاریا» در اذهان جوانان ترسیم کرده بود. نوعی هیجان انقلابی بخشی از جوانان را در گوشه و کنار جهان در بر گرفته و چه گوآرا و سبک زندگی و حتی نوع پوشش او مدل بسیاری از آنها شده بود. نه فقط در ایران بلکه این موج و فضای به اصطلاح روشنفکری اروپا را نیز در بر گرفته بود. در اروپا نیز بودند جوانانی که برای رسیدن به اتوپیای کمونیستی خود دست به سلاح می‌بردند.

در آلمان (سال ۱۹۷۷) دولت ناگزیر شد با فراکسیون ارتش سرخ (آر-آی-اف) برخورد بسیار سختگیرانه‌ای داشته باشد. اعضای اصلی این گروه از جمله آندریاس باوئر، گودرون انسلین و اولریکه ماینهوف دستگیر و در زندان‌های فوق امنیتی حبس شدند.

ایتالیا به ویژه پس از ربه‌ده شدن و قتل نخست وزیر آلدو مورو (در سال ۱۹۷۸) توسط بریگادهای سرخ (بی آر) سرکوب شدیدی را اعمال کرد که منجر به دستگیری صدها عضو این گروه شد. دولت همچنین قانون ویژه‌ای را تصویب کرد که شامل حبس‌های طولانی و محرومیت از حقوق مدنی برای اعضای این گروه می‌شد. فرانسه نیز سیاست سرکوب شدیدی را علیه گروه «اکسیون داپرکت» در پیش گرفت. بسیاری از اعضای این گروه از جمله مارک رویلان و ناتالی منیگون در سال ۱۹۸۰ دستگیر و به حبس ابد محکوم شدند.

در اسپانیا نیز بسیاری از اعضای گروه «مقاومت اول» دستگیر و به حبس‌های طولانی محکوم شدند. بریتانیا یکی از شدیدترین برخوردها را با گروه‌های مسلح ایرلندی و ارنش آزادیبخش ایرلند در پیش گرفت. سیاست‌های دولت شامل دستگیری‌های گسترده، بازداشت بدون محاکمه، شکنجه و گاهی قتل‌های هدفمند توسط نیروهای ویژه می‌شد. برخی از محکومین در زندان دست به اعتصاب غذا زدند که منجر به مرگ برخی از آنها (از جمله بابی سدنز) شد بلژیک نیز گروه «کمونیست‌های مسلح مبارز» را در سال ۱۹۸۰ دستگیر و به حبس‌های طولانی مدت محکوم نمود.

در یونان گروه «۱۷ نوامبر» و در پرتغال گروه «اف پی ۲۵» نیز سرنوشت مشابهی یافتند.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این گروه‌ها که با حمایت مالی شوروی محروم شده بودند و یا از نظر ایدئولوژیک و مشی سیاسی خود سرخورده و مأیوس شده بودند رو به زوال رفتند.

نکته عبرت‌آموزی که لازم است به آن اشاره شود این است که در ایران، عملیات مسلحانه و مذب‌گذاری و عملیات

ویدئو

# انقلاب بدون ماشه؛ چگونه یک رهبر می‌تواند خشم عمومی را تبدیل به ماشه انفجار کند



تظاهرات در تهران / پاییز ۱۴۰۱

با استفاده از آن بتوانند نقش کاتالیزور انقلاب را ایفا کنند.

۲- شکاف درون حکومت و از هم پاشیدگی داخلی. تجارب تاریخی نشان داده‌اند که رژیم‌ها زمانی سقوط می‌کنند که شکاف‌های درونی آنها عمیق‌تر و بخشی از حکومت به این نتیجه رسیده باشد که ادامه وضع موجود غیرممکن و تنها راه نجات پیوستن به صفوف مخالفان است. نقش شاهزاده، تشویق هرچه بیشتر نیروهای نظامی و غیرنظامی ایران در پیوستن به مردم است.

۳- اعتراضات سراسری و غیرقابل کنترل. تظاهرات پراکنده تنها زمانی به انقلاب تبدیل می‌شوند که یک نیروی سازمانیافته بتواند آن را به یک جنبش هماهنگ و هدفمند هدایت کند. اگر مردم احساس کنند که یک رهبر مشخص، دارای استراتژی و برنامه‌ای برای آینده است، ترس آنان از سرکوب کاهش و میزان مشارکت شان افزایش پیدا می‌کند.

**نتیجه‌گیری: انقلاب‌ها همواره در انتظار یک فرمانده‌اند**

ایران غوطه‌ور در نفرت و خشمی نسبت به جمهوری اسلامی است که از نظر اجتماعی و اقتصادی مستعد تحولی بزرگ است، اما بدون یک رهبری سازمانیافته، به نتیجه رساندن این خشم عمومی غیرممکن به نظر می‌رسد. تجارب تاریخی نشان داده‌اند که تهی‌دستان به تنهایی قادر به آغاز یک انقلاب نیستند، بلکه این طبقه متوسط، روشنفکران، نخبگان سیاسی و نظامی هستند که مسیر تغییر را هموار کرده‌اند.

با توجه به حمایت گسترده مردمی از شاهزاده رضا پهلوی و توان بالقوه ایشان در متحد کردن مخالفان رژیم جمهوری اسلامی، همراه با نقش فعال ایشان در هدایت جنبش‌های اعتراضی و وجود ساختار منسجمی با هدف براندازی رژیم جمهوری اسلامی، می‌توان ادعا کرد که «ماشه انفجار» در ایران آماده چکاندن شده است.

آیا این لحظه نزدیک است؟ پاسخ را آینده مشخص خواهد کرد، اما حقیقت قطعی در برابر ماست: بدون یک رهبری سازمانیافته، هیچ انقلابی به پیروزی نرسیده است.

\*کورش کلهر تکنوکرات و کارشناس حقوق و مدیریت

منسجم شده است. اما در صورت وجود یک رهبری قوی و سازمانیافته که بتواند مردم را از ترس و انفعال خارج کند، قادر خواهد بود تا توان و کارایی این سرکوب را خنثی کند.

## آیا شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند ماشه این انفجار باشد؟

با توجه به سابقه تاریخی و موقعیت کنونی ایران، رهبر یک انقلاب موفق باید دارای سه ویژگی کلیدی باشد:

۱- مقبولیت مردمی و مشروعیت تاریخی. نظرسنجی‌ها و شواهد موجود نشان می‌دهند که شاهزاده رضا پهلوی از حمایتی گسترده مردمی برخوردار و برخلاف دیگر مخالفان حکومت، نه به یک ایدئولوژی خاص مرتبط و نه بخشی از حکومت فاسد فعلی است. این ویژگی خاص، ایشان را به یک گزینه وحدت‌بخش تبدیل کرده است.

۲- توان دیپلماتیک تغییر در ایران نیازمند حمایت بین‌المللی است. رضا پهلوی به عنوان یک چهره شناخته‌شده در سیاست جهانی، توانایی ایجاد اتحاد در میان سازمان‌های بین‌المللی علیه حکومت فعلی را داراست و می‌تواند حمایت قدرت‌های بزرگ را جلب کند.

۳- توان بسیج و سازماندهی که بدون یک نیروی سازمانیافته، اعتراضات مردمی به نتیجه نخواهند رسید. اگر شاهزاده بتواند یک ساختار هماهنگ برای هدایت اعتراضات و تبدیل آنها به یک جنبش منسجم ایجاد و هدایت کند، احتمال وقوع تغییرات اساسی در ایران چند برابر افزایش خواهد یافت.

## چه زمانی ماشه انفجار باید چکانده شود؟

وجود نارضایتی عمومی و فشار اقتصادی در ایران به تنهایی کافی نیست؛ آنچه تعیین‌کننده است، لحظه‌ای است که مردم باور کنند «یک مسیر روشن برای تغییر وجود دارد». این لحظه ممکن است در یکی از شرایط زیر رخ دهد

۱- ایجاد یک تشکیلات منسجم و هدفمند توسط شاهزاده رضا پهلوی، (در صورت نبود آن) می‌بایست هرچه زودتر هسته‌ای مرکزی از نخبگان، روشنفکران و چهره‌های کلیدی داخل و خارج از کشور گرد هم آورده شوند تا ایشان

● در انقلاب‌های موفق، همیشه یک آلترناتیو مشروع وجود داشته که مردم را حول یک محور مشخص متحد کرده است. در ایران، یکی از دلایل بقای حکومت، نبود یک گزینه رهبری روشن و مورد قبول عامه بوده است. اما افزایش محبوبیت شاهزاده رضا پهلوی و نقش بالقوه او به عنوان چهره‌ای ملی و فراتر از جناح‌های سیاسی، این معادله را در حال حاضر تغییر داده است.

● وجود نارضایتی عمومی و فشار اقتصادی در ایران به تنهایی کافی نیست؛ آنچه تعیین‌کننده است، لحظه‌ای است که مردم باور کنند «یک مسیر روشن برای تغییر وجود دارد».

● ایران غوطه‌ور در نفرت و خشمی نسبت به جمهوری اسلامی است که از نظر اجتماعی و اقتصادی مستعد تحولی بزرگ است، اما بدون یک رهبری سازمانیافته، به نتیجه رساندن این خشم عمومی غیرممکن به نظر می‌رسد.

**کورش کلهر -** ایران امروز بیش از هر زمان دیگری در وضعیتی انفجاری قرار دارد. فشارهای اقتصادی، نارضایتی اجتماعی و بحران‌های ساختاری، جامعه را به بشکه‌ای از باروت تبدیل کرده است. اما همانگونه که تجارب تاریخی انقلاب‌های قرن بیستم نمایانگر آنند، صرف وجود نارضایتی، به خودی خود منجر به تغییر رژیم‌ها نشده‌اند. انقلاب محتاج «یک ماشه انفجار است» نیرویی که بتواند این خشم را سازماندهی و به آن جهت بدهد.

در این میان، شواهد داخلی و خارجی نشان می‌دهد که شاهزاده رضا پهلوی از حمایت گسترده‌ای در میان مردم ایران برخوردار است و نزدیک به ۸۰ درصد جامعه او را به عنوان رهبر بالقوه تحول در کشور می‌شناسند. این امر می‌تواند عنصری حیاتی در معادله تغییر در ایران باشد، یعنی یک رهبری مشروع، سازمانیافته و مورد قبول اکثریت.

## چرا نارضایتی عمومی تاکنون به انقلاب منجر نشده است؟

۱- طبقات فرودست بدون رهبری، نیرویی سرگردان هستند در حالی که مردم عادی بیشترین فشار اقتصادی و اجتماعی را تحمل می‌کنند، آنها به تنهایی توان سازماندهی یک انقلاب را ندارند. انقلاب‌های گذشته نشان داده‌اند که این نخبگان، روشنفکران و رهبران سیاسی هستند که مسیر حرکت را تعیین می‌کنند. بدون یک چهره مورد اعتماد، اعتراضات به شدت پراکنده باقی مانده و در نهایت توسط حکومت سرکوب می‌شود.

۲- نبود آلترناتیو مشخص، عامل تداوم وضع موجود است. در انقلاب‌های موفق، همیشه یک آلترناتیو مشروع وجود داشته که مردم را حول یک محور مشخص متحد کرده است. در ایران، یکی از دلایل بقای حکومت، نبود یک گزینه رهبری روشن و مورد قبول عامه بوده است. اما افزایش محبوبیت شاهزاده رضا پهلوی و نقش بالقوه او به عنوان چهره‌ای ملی و فراتر از جناح‌های سیاسی، این معادله را در حال حاضر تغییر داده است.

۳- سرکوب گسترده عامل جلوگیری از سازمانیافتگی است حکومت ایران برخلاف رژیم‌های سرنگون‌شده گذشته، از روش‌های پیچیده‌ای برای سرکوب و کنترل افکار عمومی استفاده می‌کند. دستگیری فعالان، کنترل فضای مجازی و ایجاد رعب و وحشت، مانع از شکل‌گیری یک جنبش

## پوتین جمهوری اسلامی را فدای توافق با ترامپ بر سر اوکراین خواهد کرد؟



دیدار پوتین با پزشکیان / دی‌ماه ۱۴۰۳

حمایت از مردم ایران» تأکید می‌کنند. در همین ارتباط بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل پس از دیدار با دونالد ترامپ در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت: «مردم ایران بعد از اسرائیل بزرگترین حامی آمریکا در خاورمیانه هستند.»

نتانیاهو اواسط آذرماه ۱۴۰۳ نیز در دومین پیام ویدیویی خود به مردم ایران گفته بود: «هراس جمهوری اسلامی از شهاست که خواهان صلح و آزادی هستند.»

به نظر می‌رسد پیام دولتمردان اسرائیل به گوش مقامات جمهوری اسلامی هم رسیده باشد. در واقع در تهران سران حکومت می‌دانند که حتی اگر اسرائیل با یا بدون آمریکا دست به اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی بزند، هدف‌اش ورود به یک جنگ پرهزینه و طولانی نیست، بلکه اقدامی کنترل شده و محدود خواهد بود که نظام را ناکار کند.

در این میان، زمامداران حکومت ایران بارها ادعا کرده‌اند که اسرائیل و آمریکا به دنبال «راه انداختن آشوب و اعتراض» در ایران هستند تا مردم و حکومت را در مقابل هم قرار دهند. این در حالیست که این دو کشور نیازی به این کار ندارند و مردم ایران سال‌هاست که در مقابل حکومت ایستاده و سرکوب‌خشن و وحشیانه‌ی آنها نیز به همین دلیل است! از سوی دیگر، مقامات رژیم خود را برای هواداران نظام دست بالا قلمداد می‌کنند و عدم تمایل اسرائیل و آمریکا به جنگ را به عنوان «توان نظامی» جمهوری اسلامی می‌فروشند!

در چنین شرایطی نگرانی‌های جمهوری اسلامی بطور فزاینده بیشتر می‌شود. دولت ترامپ در مذاکره با روس‌ها، طرفین اروپایی و حتی اوکراین را هم تا حدود زیادی کنار زده و مصمم است تا فروش نفت ایران را به «صفر» نزدیک کند. این وضعیت برای رژیمی که با انبوه بحران‌ها دست به گریبان است، می‌تواند تهدید اساسی برای بقای آن محسوب شود. هرچند که برخی در داخل ایران می‌گویند رونمایی از «مب اتم» می‌تواند گزینه‌ای بازدارنده در برابر «خارج» باشد و در «داخل» هم «ماشین سرکوب» علیه مردم معترض می‌تواند بقای نظام را تضمین کند.

بازگشایی سفارتخانه‌ها و از سر گرفتن روابط دیپلماتیک و تلاش برای پایان دادن به جنگ در اوکراین می‌شود. کیت کلاگ نماینده ویژه ترامپ در امور اوکراین و روسیه پیش از نشست وزرای خارجه آمریکا و روسیه در ریاض گفته بود که تلاش خواهد شد عدم حمایت روسیه از رژیم ایران و همچنین چین و کره‌شمالی بخشی از توافق میان واشنگتن و مسکو باشد.

### جمهوری اسلامی: «وجه‌المصلحه»

یکی از افرادی که طی دو سه سال اخیر بارها به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داد که «روس‌ها ایران را وجه‌المصلحه اخذ امتیاز از طرف غربی در جنگ اوکراین خواهند کرد» حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی است.

پس از توافق اولیه آمریکا و روسیه در ریاض، فلاحت‌پیشه در یک مصاحبه تکرار کرد که «باید به صراحت گفت که احیای برجام فدای جنگ اوکراین شد و در حال حاضر باید از این ترسید که ایران فدای صلح اوکراین شود.» او در این مصاحبه عنوان کرده که جمهوری اسلامی به محل تبانی آمریکا و روسیه برای صلح در اوکراین تبدیل می‌شود و روسیه هم «به راحتی ایران را خواهد فروخت.»

همزمان با افزایش بحران‌های اقتصادی در ایران و بیشتر شدن شکاف میان حکومت و مردم، جمهوری اسلامی هیچ تهدیدی را بیش از آغاز مجدد تظاهرات خیابانی در اعتراض به وضعیت بدمعیشتی احساس نمی‌کند. در همین ارتباط امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سه‌شنبه شب ۳۰ بهمان ۱۴۰۳ در یک مصاحبه تلویزیونی عنوان کرد که نگرانی جمهوری اسلامی از جنگ و حمله نظامی نیست بلکه نقطه آسیب‌پذیر نظام، «اقتصاد» است هرچند مقامات اسرائیلی مستقیم در مورد احتمال حمله نظامی به تأسیسات اتمی، نظامی و موشکی و حتی زیرساخت‌های جمهوری اسلامی صحبت می‌کنند اما در مواضع و سخنرانی‌های رسمی خود بیش از آنکه گزینه جنگ را تقویت کنند بر «سرنوشتی جمهوری اسلامی از طریق

● در ایران شماری از عوامل حکومت شامل برخی مقام‌های فعلی و پیشین دولتی و تحلیلگران سیاسی و اقتصادی که اغلب نزدیک به جریان «اصلاح‌طلب» به شمار می‌روند، از اواخر دوران ریاست جمهوری جو بایدن، درباره توافق احتمالی میان روسیه و آمریکا بر سر جنگ اوکراین و پیامدهای حمایت نظامی جمهوری اسلامی از روسیه به نظام هشدار می‌داده‌اند.

● پس از توافق اولیه آمریکا و روسیه در ریاض، فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس هشدار داده «باید از این ترسید که جمهوری اسلامی «فدای صلح اوکراین» شود. او توضیح داده است که جمهوری اسلامی به محل تبانی آمریکا و روسیه برای صلح در اوکراین تبدیل می‌شود و روسیه هم «به راحتی ایران را خواهد فروخت.»

● همزمان با افزایش بحران‌های اقتصادی در ایران و بیشتر شدن شکاف میان حکومت و مردم، جمهوری اسلامی هیچ تهدیدی را بیش از آغاز مجدد تظاهرات خیابانی در اعتراض به وضعیت بدمعیشتی احساس نمی‌کند.

● کیت کلاگ نماینده ویژه ترامپ در امور اوکراین و روسیه پیش از نشست وزرای خارجه آمریکا و روسیه در ریاض گفته بود که تلاش خواهد شد عدم حمایت روسیه از رژیم ایران و همچنین چین و کره‌شمالی بخشی از توافق میان واشنگتن و مسکو باشد.

در ایران شماری از عوامل حکومت شامل برخی مقام‌های فعلی و پیشین دولتی و تحلیلگران سیاسی و اقتصادی که اغلب نزدیک به جریان «اصلاح‌طلب» به شمار می‌روند، از اواخر دوران ریاست جمهوری جو بایدن، درباره توافق احتمالی میان روسیه و آمریکا بر سر جنگ اوکراین و پیامدهای حمایت نظامی جمهوری اسلامی از روسیه به نظام هشدار می‌داده‌اند.

این هشدارها پس از دو سوء قصد ناموفق علیه دونالد ترامپ پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شکل جدی‌تر به خود گرفت، زیرا پیش‌بینی می‌شد که مستقیم و غیرمستقیم رد پای جمهوری اسلامی در این اقدامات تروریستی مطرح شود.

با گذشت سه سال از آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین، هرچند دولت‌های اروپایی بارها نسبت به ارسال پهپادهای انتحاری و موشک به روسیه توسط جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند اما در نهایت آنچه در عمل تا کنون برای مقابله با این روند اجرا کرده‌اند، تحریم پروازهای هواپیمای «ایران ایر» به پایتخت‌های اروپایی و محدود کردن کشتیرانی جمهوری اسلامی و تحریم چند شرکت و افرادی بوده که در انتقال این محموله‌ها دخالت داشتند.

جیرانی که در ایران منافع جمهوری اسلامی را در توافق با آمریکا ارزیابی می‌کند، پیش‌بینی کرده بود که بازگشت مجدد ترامپ به قدرت، احتمال توافق او با ولادیمیر پوتین بر سر اوکراین زیاد است.

اکنون به نظر می‌رسد که پیش‌بینی آنها درست از کار درمی‌آید. تبادل شهروندان زندانی آمریکایی و روسی و پس از آن دیدار نزدیک مارکو رویو و سرگی لاوروف وزرای خارجه آمریکا و روسیه در ریاض، مقدمه توافق اولیه میان واشنگتن و مسکو بر سر چند موضوع اساسی شده است که شامل

# «تاگس اشپیگل»: پدافند هوایی جمهوری اسلامی ناکارآمد بود و بعد از حمله اسرائیل وخیم تر شد

ترامپ چندی پیش به فاکس نیوز گفت که «همه فکر می‌کنند اسرائیل با کمک ما و یا با موافقت ما [به تأسیسات اتمی] حمله کرده و آنجا را با بمب به جهنم خواهد فرستاد. اما من ترجیح می‌دهم این اتفاق نیفتد.» وی سپس افزوده که دو راه برای توقف تهران وجود دارد: یا با بمب یا با یک تکه کاغذ [توافق] و «من ترجیح می‌دهم با آنها به یک توافق برسم و آنها بمباران نشوند.»

حالا کسی نمی‌تواند پیش‌بینی کند که آیا مذاکرات بر سر برنامه اتمی رژیم ایران موفق خواهد بود یا اینکه شکست می‌خورد.

## مذاکره یا جنگ؟ دو راه برای مقابله با حکومت ایران

دیوید جلیوند کارشناس ایران و رئیس شرکت مشاوره Orient Matters می‌گوید: «ترامپ بازگشت به سیاست فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی را که در دولت اول وی اعمال می‌شد، اعلام کرده و همزمان افراد بسیاری را که از سیاست سختگیرانه علیه رژیم ایران حمایت می‌کنند در دولت خود به کار گرفته است.»

## مب‌های سنگر شکن برای اسرائیل

یک نشانه دیگر از دوگانگی سیاست ترامپ این است که او اخیراً فروش مب‌های MK84 به اسرائیل را تأیید کرده است؛ [این محوله اخیراً به اسرائیل منتقل شد] چیزی که جو بایدن رئیس جمهور پیشین آمریکا مانع آن شده بود. بایدن نگران بود که اسرائیل این مب‌ها را در مناطق پرجمعیت غزه بطور بی‌هدف استفاده کند.

مب‌های MK84 از بزرگترین مب‌های هدایت‌نشده در زرادخانه آمریکا است. این مب‌ها قادر به شکافتن بتن و سازه‌های فلزی هستند و برای تخریب پناهگاه‌های زیرزمینی طراحی شده‌اند. تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی در اعماق زمین ساخته شده‌اند تا در برابر حملات محافظت شوند.

## گزینه‌های نامطمئن

بر اساس ارزیابی‌های فابیان هینتس، در چنین شرایطی تهران نیز گزینه‌های موفقیت‌آمیز در برابر خود ندارد: «احتمالاً رژیم می‌تواند تصمیم بگیرد که آخرین قدم را به سوی تشدید تنش بردارد و یک مب بسازد. ولی درست همین موضوع می‌تواند اسرائیل را وادار به یک حمله پیشگیرانه کند.»

دیوید جلیوند کارشناس مسائل خاورمیانه در این مورد که اسرائیل در چنین حالتی چه اقدام مشخصی می‌تواند بکند، می‌گوید، احتمالاً هم تأسیسات مربوط به برنامه اتمی و اهداف نظامی و هم زیرساخت‌های مدنی مانند تأسیسات تولید انرژی را هدف قرار خواهد داد.

به عقیده جلیوند، احتمالاً یک الگوی اسرائیل همان خواهد بود که علیه حزب‌الله در لبنان پیش برد: «به تدریج عناصر مرکزی ساختار نظامی شبه‌نظامیان از کار افتادند.»

در این میان نتایج هم‌چنان به یک «جبهه مشترک» با آمریکا امیدوار است. اما پس از دیدار با مارکو روبریو وزیر خارجه ایالات متحده، روز یکشنبه ۱۶ فوریه تأکید کرد که او مصمم است «کار جمهوری اسلامی را یکسره کند.» این قاعدتا به این معنی است که اسرائیل اگر لازم باشد به تنهایی علیه دشمن وارد عمل خواهد شد.

از قابلیت بازدارندگی خود را از دست داده است؛ قابلیتی که به کمک تهدید به واکنش متقابل، از حملات پیشگیری می‌کرد. اکنون اسرائیل تقریباً قادر است هر هدفی را در ایران مورد حمله قرار دهد و حتی احتمال دارد تأسیسات هسته‌ای این کشور را نیز هدف بگیرد.

## نتایج‌ها و دنبال حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران؟

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، از طرفداران حمله به سایت‌هایی است که گمان می‌رود در برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی نقش دارند. در اول اکتبر ۲۰۲۴ (فروردین ۱۴۰۳) جمهوری اسلامی برای اولین بار مستقیماً اسرائیل



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه تسلیحاتی / بهمن ۱۴۰۳

را هدف حمله قرار داد. با توجه به ضعف فعلی جمهوری اسلامی، نتایج‌ها ممکن است این زمان را بهترین فرصت برای حمله بدانند. به گفته هینتس، رژیم «ایران در واکنش به حملات بعدی با دشواری زیادی روبرو خواهد شد.»

## گزینه‌های حکومت ایران در برابر حمله اسرائیل

در بخش دیگری از این گزارش آمده، البته تهران ممکن است به گزینه‌های دیگری متوسل شود، مانند تلاش برای بستن تنگه هرمز یا حمله به تأسیسات نفتی سایر کشورهای منطقه، با این حال اگر چنین تهدیداتی که به سود خود جمهوری اسلامی نیز نیست عملی باشند، به گفته هینتس، مشخص نیست که این اقدامات بتوانند اسرائیل را از حمله بازدارند.

## برنامه‌های اسرائیل برای حمله به تأسیسات فردو و نطنز؟

روزنامه‌های آمریکایی «واشنگتن پست» و «نیویورک تایمز» اخیراً به نقل از منابع اطلاعاتی آمریکا گزارش داده‌اند که اسرائیل در حال آماده شدن برای بمباران تأسیسات هسته‌ای فردو و نطنز طی شش ماه آینده است.

## موضع ترامپ: جنگ یا مذاکره؟

هنوز مشخص نیست که دولت اسرائیل می‌تواند روی حمایت نظامی ایالات متحده حساب کند یا نه. دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا دوست اسرائیل است و جمهوری اسلامی را به عنوان یک تهدید می‌بیند. اما در عین حال، تمایلی برای ورود به یک جنگ ندارد.

● نشریه آلمانی «تاگس اشپیگل» ۱۸ فوریه (۳۰ بهمن) در گزارشی نوشت، علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی خود را برای مقابله با یک حمله احتمالی نظامی از سوی اسرائیل آماده می‌کند.

● در این گزارش آمده دلیل این اقدام، نگرانی از این است که اسرائیل، شاید حتی با حمایت ایالات متحده، در صدد وارد آوردن ضربه‌ای قاطع به جمهوری اسلامی باشد.

● فابیان هینتس کارشناس تسلیحات از اندیشکده بین‌المللی مطالعات راهبردی (IIS) در برلین می‌گوید: «پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران پیش از اینهم ناکارآمد بود و با از کار افتادن سامانه‌های روسی S-300 در آوریل و اکتبر ۲۰۲۳، وضعیت آن وخیم‌تر شد.»

● به گفته این کارشناس، حکومت ایران بخش عمده‌ای از قابلیت بازدارندگی خود را از دست داده است؛ قابلیتی که به کمک تهدید به واکنش متقابل، از حملات پیشگیری می‌کرد. اکنون اسرائیل تقریباً قادر است هر هدفی را در ایران مورد حمله قرار دهد.

نشریه آلمانی «تاگس اشپیگل» می‌نویسد علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی خود را برای مقابله با یک حمله احتمالی نظامی از سوی اسرائیل آماده می‌کند. کارشناسان بررسی می‌کنند که چه عواملی احتمال وقوع چنین سناریویی را افزایش می‌دهد و چه عواملی می‌توانند مانع آن شوند در این گزارش که ۱۸ فوریه (۳۰ بهمن) منتشر شد، با اشاره به بازدید علی خامنه‌ای از دستاوردهای جدید نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی آمده است که در پس این نمایش پیام روشنی وجود داشت: «هر کسی که جرأت کند به ایران حمله کند، قدرت باز یابی‌شده این کشور را احساس خواهد کرد.»

موشک‌های کروز، موشک‌های بالستیک و مهمات پیشرفته؛ جمهوری اسلامی ماه‌هاست که سرمایه و نیروی زیادی را صرف توسعه و نوسازی توانایی‌های نظامی خود، به ویژه در حوزه پهپادی کرده است.

نقطه اوج این نمایش، معرفی پهپاد انتحاری «حدید ۱۱۰» بود. کارشناسان فناوری توضیح دادند، که پیش‌ترانه جت جدید این پهپاد، سرعت و مانورپذیری بالاتری را فراهم می‌کند و آن را به گزینه‌ای ایده‌آل برای هدف قرار دادن اهداف استراتژیک تبدیل کرده است.

## نگرانی از حمله اسرائیل

به نظر می‌رسد رژیم ایران بطور جدی در حال تقویت کردن ظرفیت‌های دفاعی خود است. دلیل این اقدام، نگرانی از این است که اسرائیل، شاید حتی با حمایت ایالات متحده، در صدد وارد آوردن ضربه‌ای قاطع به جمهوری اسلامی باشد. «تاگس اشپیگل» می‌نویسد، این نگرانی بی‌اساس نیست. جمهوری اسلامی پس از یک حمله گسترده از سوی اسرائیل در اکتبر سال ۲۰۲۴ به ویژه در حوزه پدافند هوایی تقریباً بی‌دفاع شده است

## پدافند هوایی جمهوری اسلامی در ضعف شدید

فابیان هینتس کارشناس تسلیحات از اندیشکده بین‌المللی مطالعات راهبردی (IIS) در برلین می‌گوید: «پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران پیش از اینهم ناکارآمد بود و با از کار افتادن سامانه‌های روسی S-300 در آوریل و اکتبر ۲۰۲۳، وضعیت آن وخیم‌تر شد.»

به گفته او، مهم‌تر از این، حکومت ایران بخش عمده‌ای



# بودجه سال آینده صداوسیما جمهوری اسلامی؛ بیشتر از بودجه ۱۰ وزارتخانه!

در شرایطی که بودجه‌پاشی به نهادها و سازمان‌های حکومتی در بودجه هر سال به کانال رانتخواری «خودی»‌ها در جمهوری اسلامی تبدیل شده، افزایش بودجه هر نهاد با انتقاد جریان رقیب روبرو می‌شود.

در شرایطی که بسیاری از نهادهای همسو با اصلاح‌طلبان از جمله موسسه نشر و حفظ آثار امام که متعلق به خانواده روح‌الله خمینی است نیز بودجه‌های هنگفتی دریافت می‌کنند اما بودجه صداوسیما که اصلاح‌طلبان سهمی از آن ندارند با انتقاد این جریان روبرو شده است. روزنامه «هم‌میهن» نزدیک به اصلاح‌طلبان در گزارشی از افزایش بودجه صداوسیما در سالهای گذشته انتقاد کرده است.

مجید رضائیان، استاد ارتباطات نیز در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» درباره افزایش بودجه صداوسیما، «شفاف‌سازی درباره درآمد» این سازمان را نخستین ضرورت اعلام کرده و گفته «در دنیای امروز رسانه‌های بزرگ دنیا همه‌ساله شفاف‌سازی می‌کنند و گزارش می‌دهند که از هر حوزه درآمدزایی اعم از مشترکان، خدمات و آگهی‌ها چقدر درآمد کسب کرده‌اند. ما تاکنون یک‌بار هم ندیده‌ایم که صداوسیما اعلام کند چقدر درآمد داشته است. این موضوع از این جهت مهم است که قانون به صداوسیما اجازه داده است که درآمدزایی کند. بنابراین اختصاص بودجه به این نهاد زمانی معنی پیدا می‌کند که ما بدانیم درآمدش چقدر بوده است.» از نظر این استاد و پژوهشگر روزنامه‌نگاری، تناسب مخاطب و بودجه، شرطی اساسی در تخصیص اعتبار به رسانه‌ها است: «بودجه با مخاطب سنجیده می‌شود. یعنی زمانی که بودجه برای رسانه‌ای اختصاص می‌دهند معنایش این است که به همان تناسب افزایش رقم بودجه، مخاطبان آن نیز افزایش یابد. سوال این است اگر آمارها، پایش‌ها و نظرسنجی‌های چند سال اخیر صداوسیما را در یک نمودار ترسیم کنیم، مخاطبانش افزایش یافته است؟»

مجید رضائیان به استفاده از فناوری‌های جدید در برنامه‌سازی تلویزیونی نیز اشاره کرده و گفته «در دنیای رباتیک فعلی، بسیاری از هزینه‌های تولید برنامه حذف یا کاهش یافته است و بسیاری از شبکه‌ها و کانال‌های معروف جهان با استفاده از فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی هزینه‌های تولید برنامه‌های خود را کاهش داده‌اند. ما ندیده‌ایم که صداوسیما گزارش بدهد که آیا از تکنولوژی ارتباطی وب ۳ یا هوش مصنوعی استفاده کرده است یا خیر. اگر استفاده کرده باشد، انتظار این است که هزینه‌هایش هم کاهش یابد. پس چرا بودجه را افزایش می‌دهند؟»

به گفته رضائیان، «درآمدهای اسپانسرینگ صداوسیما و عدم شفافیت درباره آن مسئله‌ای است که در تحلیل افزایش بودجه صداوسیما باید به آن توجه شود.» وی می‌گوید: «در حال حاضر، صداوسیما درآمدهایی از طریق اسپانسرینگ کسب می‌کند که تهیه‌کنندگان آن را تامین می‌کنند. این درآمدها متفاوت از آگهی‌های تبلیغاتی است. یعنی تهیه‌کنندگان از طریق جذب اسپانسر کل هزینه‌های تولید برنامه را تامین می‌کنند و صداوسیما هم پولی برای تولید برخی برنامه‌ها پرداخت نمی‌کند. اگر همه این‌ها را کنار یکدیگر قرار دهیم، آیا منطقی است که بودجه صداوسیما به ۴۳ هزار میلیارد تومان برسد؟»

درصد مخاطب داشته باشد ناراحتند. چرا باید ناراحت باشند؟ رسانه ملی جمهوری اسلامی در جنگ نابرابر رسانه‌ای با جبهه استکبار قرار دارد؛ پس باید از آن حمایت بشود، اما مورد تخریب قرار می‌گیریم. نظرسنجی‌های معتبر می‌گویند بطور طبیعی مخاطبان صداوسیما نسبت به باقی سکو‌ها و مراجع رسانه‌ای در رتبه بسیار بالایی قرار دارند. البته این مورد جدید و عجیبی نیست.»

با وجود بودجه هنگفتی که برای این بازوی تبلیغاتی حکومت هزینه می‌شود اما برنامه‌های آن بی‌محتوا و بی‌کیفیت است و هیچ تناسبی با انتظارات و سلیقه



مخاطبان و جامعه جوان ایران ندارد. «مرکز داده‌های باز ایران» فروردین ۱۴۰۲ در گزارشی نوشته بود «در حالی که برخی روحانیون در ایران از کمبود برنامه‌های دینی صداوسیما و بی‌توجهی به مسائل شرعی انتقاد می‌کنند، آمارهای رسمی نشان می‌دهد بیش از یک پنجم برنامه‌های تولیدی صداوسیمای ایران، اختصاص به معارف اسلامی دارد. به عبارتی از هر پنج ساعت برنامه‌ای که در تمام شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی صداوسیما پخش می‌شود، یک ساعت به مسائل اسلامی و مذهبی اختصاص دارد.»

بررسی‌های پایگاه داده‌های باز ایران نشان می‌داد از مجموع ۳۴۵ هزار ساعت برنامه تولیدی رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۰ بیش از ۷۰ هزار ساعت به «معارف اسلامی» اختصاص داشته است. این رقم معادل ۲۰ درصد کل سالانه برنامه‌های تولیدی صدا و سیما است. همچنین مقایسه حجم برنامه‌های «معارف اسلامی» نیز نشان می‌داد معادل ۶ برابر موضوعات علمی و ۳ برابر موضوعات سیاسی و اقتصادی است.

بودجه صداوسیمای حکومت در لایحه بودجه ۱۴۰۳، ۲۲ هزار و ۲۰۸ میلیارد تومان پیشنهاد شده بود اما دست آخر نمایندگان مجلس، این رقم را به ۲۴ همت رساندند و همان را هم تصویب کردند. بودجه این سازمان در سال ۱۴۰۲ نیز نسبت به سال ۱۴۰۱ با افزایش ۵۸ درصدی روبرو شده بود

● **صداوسیمای حکومت حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان بودجه در سال آینده از بودجه عمومی کشور دریافت می‌کند و ۸ هزار میلیارد تومان به عنوان درآمد برای این دستگاه تبلیغاتی در نظر گرفته شده که در مجموع رقمی بالغ بر ۴۳ هزار میلیارد تومان بودجه در اختیار خواهد داشت.**

● **روزنامه «جمهوری اسلامی»: «سهم صداوسیما از بودجه عمومی دولت پزشکیان در سال ۱۴۰۴ بیش از بودجه ۱۰ وزارتخانه و حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان است. این رقم در بودجه سال جاری ۲۴ هزار میلیارد تومان بوده است.»**

● **با وجود بودجه هنگفتی که برای این بازوی تبلیغاتی حکومت هزینه می‌شود اما برنامه‌های آن بی‌محتوا و بی‌کیفیت است و هیچ تناسبی با انتظارات و سلیقه مخاطب ایرانی ندارد.**

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بودجه صداوسیمای حکومت در سال آینده با افزایش یک و نیم برابری به ۴۳ هزار میلیارد تومان رسیده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش تفسیری لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ در حوزه رسانه و فضای مجازی را منتشر کرده است. بر اساس مصوبات دولت و مجلس شورای اسلامی، صداوسیمای حکومت حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان بودجه در سال آینده از بودجه عمومی کشور اعتبار دریافت خواهد کرد. همچنین مبلغ ۸ هزار میلیارد تومان به عنوان درآمد برای این دستگاه تبلیغاتی در نظر گرفته شده و بدین ترتیب نهاد رسانه‌ای جمهوری اسلامی رقمی بالغ بر ۴۳ هزار میلیارد تومان بودجه در اختیار خواهد داشت.

روزنامه «جمهوری اسلامی» در یادداشتی با عنوان «جهت اطلاع» به نقد بودجه اختصاص داده‌شده به دستگاه در سال ۱۴۰۴ پرداخته و نوشته است: «سهم صداوسیما از بودجه عمومی دولت پزشکیان در سال ۱۴۰۴ بیش از بودجه ۱۰ وزارتخانه و حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان است. این رقم در بودجه سال جاری ۲۴ هزار میلیارد تومان بوده است.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» همچنین افزوده «سهم صداوسیما از بودجه عمومی دولت معادل مجموع اعتبارات بودجه‌ای کل وزارتخانه‌های نفت، دادگستری، امور خارجه و میراث فرهنگی است و با وزارت جهاد کشاورزی برابری می‌کند.»

بودجه صداوسیمای جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته همواره افزایش یافته آنهم در حالی که به علت عمیق‌تر شدن شکاف میان مردم و حکومت، بینندگان مهمترین ابزار تبلیغات رسانه‌ای جمهوری اسلامی به شدت ریزش کرده است.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) اوایل پاییز امسال نتایج یک نظرسنجی را منتشر کرد که نشان می‌داد تنها ۱۱/۵ درصد شهروندان فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیون حکومت را می‌بینند و تنها ۱۲/۵ درصد مردم اخبار صداوسیمای آن را دنبال می‌کنند!

همزمان محسن شاکری‌نژاد رئیس مرکز تحقیقات صداوسیمای دولتی طی جوابیه‌ای به این نظرسنجی مدعی شد این رسانه بالای ۶۵ درصد مخاطب دارد، اما پیمان جبلی رئیس صداوسیما ۲۸ بهمن این رقم را ۴۱ درصد عنوان کرد.

پیمان جبلی رئیس صداوسیمای جمهوری اسلامی در واکنش به این نظرسنجی گفته بود «عجیب این است که برخی از چهره‌ها و رسانه‌ها از اینکه رسانه ملی بالای ۷۰

## برگزاری همایش سالانه «انجمن علوم سیاسی» در دانشگاه تهران؛ «شاهنشاه محور اتحاد ایرانیان بود»



### حمایت از «تحولخواهان»

محسن عباسزاده دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه مازندران در تشریح مقاله‌ای از خود با عنوان «فراسوی ایدئولوژی و دیستوپیا» عنوان کرد، «وضع موجود ایران به گونه‌ای است که برای عموم جامعه، دیگر دستیابی به آرمانشهر معنا ندارد و تنها خواهان تحقق انتخاب‌های شخصی خودش است.»

او توضیح داد که «در حقیقت به خاطر بحران‌های کشور، جامعه امید خود برای رسیدن به یک وضع مطلوب در شرایط فعلی را از دست داده و تحولخواه است که این تحولخواهی نماینده‌ای در نهادهای سیاسی ندارد و به اقبال کم مردم نسبت به هر دو جریان سیاسی در انتخابات منجر شد.»

این دانشجو مدعی شد که در ایران «فرصت‌های مؤثری برای سیاست‌ورزان تحولخواه وجود دارد و این فرصت‌ها به صورت خودجوش در جامعه در حال شکل‌گیری است که نظام سیاسی را وادار به تحول می‌کند.»

در جامعه سیاسی کنونی ایران، تحولخواهی و تحولخواهان همان اصلاح‌طلبی و اصلاح‌طلبان را شامل می‌شود که پس از شکست در اصلاح جمهوری اسلامی به متحول کردن آن باور دارند به این معنی که نه با سرنگونی و جایگزینی یک نظام متکی بر آزادی و حاکمیت مردم و دموکراسی، بلکه با تحول همین جمهوری اسلامی می‌توان یا می‌بایست به آزادی و حاکمیت مردم و دموکراسی رسید!

### اهمیت «مشروطه» در تاریخ ایران: مردم ایران دینخواه نیستند

نوذر خلیل طهماسبی در تشریح مقاله خود با عنوان «فرهنگ سیاسی ایرانیان و تجدد در ایران معاصر» با تأکید بر اهمیت «مشروطه» در تاریخ ایران، آن را «مرز بین ایران قدیم و جدید» دانست و گفت که مشروطه در حرکت فرهنگ سیاسی و تجدد بسیار راهگشاست.

هجدهمین همایش سالانه «انجمن علوم سیاسی» چهارشنبه اول اسفندماه ۱۴۰۳ در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران برگزار شد. در این نشست مطرح شد که مردم ایران «اصلاً دینخواه نیستند» و «بسیاری در کشور خواهان نظام سلطنتی هستند.» این نشست همراه با ۵ پنل تخصصی بود که یکی از این پنل‌ها عنوان «فرهنگ سیاسی ایرانیان» را داشت.

در این پنل تعدادی از اساتید و پژوهشگران از جمله نوذر خلیل طهماسبی نویسنده و تحلیلگر سیاسی و همچنین علی مرادی بهمنی عضو هیات علمی دانشگاه «امام حسین» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حضور داشتند که هر یک به تشریح مقالات و دیدگاه‌های خود درباره وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران پرداختند.

● هجدهمین همایش سالانه «انجمن علوم سیاسی» چهارشنبه اول اسفندماه ۱۴۰۳ در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران برگزار شد. عنوان یکی از پنل‌های این نشست «فرهنگ سیاسی ایرانیان» بود که اساتید و پژوهشگران از جمله یکی از اعضای هیات علمی دانشگاه «امام حسین» وابسته به سپاه پاسداران به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند.

● محسن عباسزاده دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه مازندران: «فرصت‌های مؤثری برای سیاست‌ورزان تحولخواه وجود دارد و این فرصت‌ها به صورت خودجوش در جامعه در حال شکل‌گیری است که نظام سیاسی را وادار به تحول می‌کند.»

● نوذر خلیل طهماسبی نویسنده و تحلیلگر سیاسی: «مشروطه، مرز بین ایران قدیم و جدید است و در حرکت فرهنگ سیاسی و تجدد، بسیار راهگشاست... مردم ایران اصلاً دینخواه نیستند و ایرانیان دین را با آموزه‌های ملی خود تطبیق می‌دهند.»

● محمد عثمانی، پژوهشگر سیاسی: «امروز بسیاری در کشور ما خواهان نظام سلطنتی هستند. این ریشه در افکاری دارد که ایرانیان در طول تاریخ تا دوره معاصر با خود حمل کرده‌اند. هزاران سال پیش، شاهنشاه محور اتحاد ایرانیان بوده است.»

● مفاهیم «دینخواه» و «دینخواهی» از آرامش دوستدار اندیشمند ایرانی است که در کتاب‌های خود به تشریح آنها پرداخته است. از نظر وی، برای «دینخواه» بودن الزاماً نباید به دینی باور داشت. بلکه «دینخواهی» نوعی روش تفکر و زندگی است که عادت به پرسش و تعمیق و تأمل ندارد.

● در جامعه سیاسی کنونی ایران، تحولخواهی و تحولخواهان همان اصلاح‌طلبی و اصلاح‌طلبان را شامل می‌شود که پس از شکست در اصلاح جمهوری اسلامی به متحول کردن آن باور دارند به این معنی که نه با سرنگونی و جایگزینی یک نظام متکی بر آزادی و حاکمیت مردم و دموکراسی، بلکه با تحول همین جمهوری اسلامی می‌توان یا می‌بایست به آزادی و حاکمیت مردم و دموکراسی رسید!



دانشگاه تهران



## مقامات اسرائیلی: ترکیه در انتقال پول به حزب الله با جمهوری اسلامی همکاری می‌کند



گدعون ساعر وزیر خارجه اسرائیل

بهمن‌ماه) انجام شد، گفت که «حکومت» ایران تلاش‌های خود را برای انتقال پول به لبنان با هدف احیای قدرت و جایگاه حزب‌الله افزایش داده است، از جمله از طریق ترکیه و با همکاری آنکارا.»

پایگاه خبری «میدل‌ایست مانیتور» می‌نویسد، تلاش‌های حزب‌الله برای بازسازی خود پس از یکسری شکست‌های ژئوپلیتیک و نظامی در ماه‌های اخیر صورت می‌گیرد. این گروه در نتیجه حملات اسرائیل تا حد زیادی رهبری خود را از دست داده و همچنین برخی از متحدان کلیدی منطقه‌ای از جمله رژیم ساقط‌شده بشار اسد در سوریه را از دست داده است.

با این حال، هیچ مدرکی دال بر حمایت مالی، دیپلماتیک یا هر نوع کمک دیگر ترکیه به حزب‌الله ارائه نشده و وزیر امور خارجه اسرائیل نیز هیچ منبع یا مدرک مشخصی برای تأیید ادعای خود ارائه نکرده است. بسیاری از تحلیلگران بر افزایش تنش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای بین آنکارا و تهران، که حامی اصلی حزب‌الله است، طی سال گذشته تأکید کرده‌اند.

منابع غیررسمی گزارش می‌دهند که جمهوری اسلامی کمک‌های مالی را به صورت رمزارز و یا چمدانی از طریق صرافی‌های خاص ابتدا به ترکیه انتقال داده و از آنجا به صورت نقدی (چمدانی) از طریق فرودگاه‌های کوچک و هواپیماهای خصوصی یا کامیون به بیروت منتقل می‌کند. برخی از کمک‌ها نیز با کشتی از طریق بنادر لبنان به حزب‌الله منتقل می‌شود. این در شرایطی است که با اولتیماتوم آمریکا و اسرائیل، دولت لبنان وادار شده است تا از فرود هواپیماهایی که از ایران به فرودگاه بیروت پرواز می‌کنند جلوگیری کند.

خود داشتند.

در همین ارتباط طبق نظرسنجی مؤسسه «گمان» مستقر در هلند که فرودم‌ماه ۱۴۰۳ منتشر شد، در میان احزاب و ایدئولوژی‌های سیاسی، مردم بیشترین گرایش را به مشروطه (پادشاهی) دارند و شاهزاده رضا پهلوی محبوب‌ترین چهره سیاسی ایران است.

● گدعون ساعر وزیر خارجه اسرائیل در دیدار با هیئتی از سناتورهای آمریکایی به سرپرستی مورگان اورتگاس معاون فرستاده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه که ۱۸ فوریه (۳۰ بهمن‌ماه) انجام شد، گفت که «حکومت» ایران تلاش‌های خود را برای انتقال پول به لبنان با هدف احیای قدرت و جایگاه حزب‌الله افزایش داده است، از جمله از طریق ترکیه و با همکاری آنکارا.»

● هیچ مدرکی دال بر حمایت مالی، دیپلماتیک یا هر نوع کمک دیگر ترکیه به حزب‌الله ارائه نشده و وزیر امور خارجه اسرائیل نیز هیچ منبع یا مدرک مشخصی برای تأیید ادعای خود ارائه نکرده است.

● منابع غیررسمی گزارش می‌دهند که جمهوری اسلامی کمک‌های مالی را به صورت رمزارز و یا چمدانی از طریق صرافی‌های خاص ابتدا به ترکیه انتقال داده و از آنجا به صورت نقدی (چمدانی) از طریق فرودگاه‌های کوچک و هواپیماهای خصوصی یا کامیون به بیروت منتقل می‌کند. برخی از کمک‌ها نیز با کشتی از طریق بنادر لبنان به حزب‌الله منتقل می‌شود.

مقامات اسرائیلی ترکیه را متهم می‌کنند که به جمهوری اسلامی در پولشویی و انتقال آن به گروه تروریستی حزب‌الله لبنان کمک می‌کند، این در شرایطی است روابط بین آنکارا و تل‌آویو همچنان رو به وخامت می‌رود.

گدعون ساعر وزیر خارجه اسرائیل، در دیدار با هیئتی از سناتورهای آمریکایی به سرپرستی مورگان اورتگاس معاون فرستاده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه که ۱۸ فوریه (۳۰

ارزش‌ها و اصول سیاسی بر پایه «هویت ملی» رو به گسترش است و اغلب مردم بر این باورند که پادشاهی پهلوی چنین هویت تاریخی و فرهنگی را نمایندگی می‌کرده است. بر اساس گزارش منابع حکومتی، اکثریت بازداشت‌شدگان در اعتراضات سال ۱۴۰۱ مشروطه‌خواه بودند و با بسیاری از زندانی‌ها و اعدام‌شدگان نماد و پرچم «شیرخورشید» با

او در ادامه به توضیح درباره «مشروطه‌خواهی ایرانیان و تجدد» پرداخت و گفت: «صحبت اصلی مشروطه‌خواهی این است که فرهنگ سیاسی مانع تجدد نیست. بعلاوه [مشروطه‌خواهی] معتقد است که باید دیگری‌گزینی کنیم و این دیگری تنها غرب نیست، بلکه بر استفاده از تجربه بشر تأکید دارد.»

نوذر خلیل طهماسبی در ادامه تشریح کرد که «گفته می‌شود فرهنگ سیاسی ایران دینخواه است و مردم ایران به دین خو گرفته‌اند، در حالی که اتفاقاً نگاه ایرانیان به دین، همراه با فرهنگ است و اصلاً دینخواه نیستند. در حقیقت، ایرانیان دین را با آموزه‌های ملی خود تطبیق می‌دهند.»

مفاهیم «دینخواه» و «دینخواهی» از آرامش دوستدار اندیشمند ایرانی است که در کتاب‌های خود به تشریح آنها پرداخته است. از نظر وی، که پنجم آبان ۱۴۰۰ در نود سالگی در آلمان درگذشت، برای «دینخواه» بودن الزاماً نباید به دینی باور داشت. بلکه «دینخواهی» نوعی روش تفکر و زندگی است که عادت به پرسش و تعمیق و تأمل ندارد و باورهای خود را، چه دینی و چه غیردینی، حقیقت مطلق و غیرقابل بحث و پرسش می‌داند.

### بسیاری از مردم خواهان نظام پادشاهی هستند

محمد عثمانی پژوهشگر سیاسی نیز در تشریح مقاله خود با عنوان «ریشه‌های تاریخی فرهنگ سیاسی ایرانیان» چنین گفت: «امروز بسیاری در کشور ما خواهان نظام سلطنتی هستند. این ریشه در افکاری دارد که ایرانیان در طول تاریخ تا دوره معاصر با خود حمل کرده‌اند. هزاران سال پیش، شاهنشاه محور اتحاد ایرانیان بوده است.»

او در ادامه افزود: «پس از ورود اسلام به ایران نیز پس از کشته شدن یزگرد سوم، نخبگان بر اساس همان تفکر خود، مفهوم امام را در جایگاه شاهنشاهی بازتولید کردند؛ با این تفاوت که مثلاً «قره‌ایزدی» به «عصمت» تبدیل شد و حکومت‌های شیعی آل‌بویه و صفویه شکل گرفت.»

این پژوهشگر سیاسی ادامه داد: «در قاجاریه، امر دینی از پادشاه سلب شده و به روحانیت شیعی تعلق گرفت و حتی روحانیت نقشی بسیار تأثیرگذار در سیاست پیدا کرد. این شرایط نهایتاً به ولایت فقیه و اولویت یافتن امر دین بر امر سیاسی منجر شد و جامعه ایرانی نیز به خاطر سرخوردگی‌های تاریخی خود، به این مدل از حکمرانی و از بین رفتن پادشاهی، اعتماد کرد.»

### گسترش شبکه‌های اجتماعی

علی مرادی بهمنی عضو هیات علمی دانشگاه «امام حسین» وابسته به سپاه پاسداران در این نشست به تشریح مقاله خود با عنوان «از رسانه‌های سنتی تا شبکه اجتماعی» پرداخت و از نقش آن در «تغییر هویت سیاسی، افزایش آگاهی عمومی و افزایش قدرت بسیج اجتماعی» صحبت کرد.

او عنوان کرد: «ظهور شبکه‌های اجتماعی باعث شد شهروندان که زمانی صرفاً مصرف‌کننده اطلاعات بودند، به تولیدکننده اطلاعات تبدیل شوند.»

مرادی بهمنی «دو قطبی شدن افکار عمومی» را از چالش‌های ناشی از گسترش شبکه‌های اجتماعی دانست و گفت تحلیل چالش‌های اخلاقی و روانی و تقویت زیرساخت‌های حقوقی لازم برای آن جزو کارهایی است که باید توسط دانشگاهیان صورت گیرد.

این دیدگاه‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران در بطن جامعه ایران گرایش به

## تهران و واشنگتن؛ دستیابی به توافق یا شکست مذاکرات برای همیشه؟!



هرمز را خواهند بست. اما بعداً تصریح کرد: «ما از نظر نظامی توانایی بستن تنگه هرمز را داریم، اما در حال حاضر این کار را انجام نمی‌دهیم، زیرا خودمان نیز از این تنگه استفاده می‌کنیم».

درواقع رژیم ایران قادر به بستن تنگه هرمز نیست، زیرا ۴۰ درصد از تولید جهانی نفت از این مسیر عبور می‌کند و این یکی از راه‌های مهم انتقال نفت به چین، متحد حکومت ایران نیز محسوب می‌شود. بنابراین تهران نمی‌تواند راه خود را مسدود کرده یا مانع رسیدن نفت به چین شود، اما می‌توان این اظهارات را در چارچوب فشارهای سیاسی تفسیر کرد. این نخستین بار است که حکومت ایران پس از آغاز جنگ اسرائیل در غزه و تشدید تنش‌ها توسط حوثی‌ها در دریای سرخ، که جایگزین هرمز به عنوان منطقه جدید تنش در تجارت بین‌المللی شده، تهدید به بستن تنگه هرمز می‌کند.

رژیم ایران تلاش کرد از جنگ غزه برای تقویت «وحدت میدان» و بهره‌برداری منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کند، اما این وضعیت کاملاً به ضرر آن تمام شد. حمله حماس با عنوان «طوفان الاقصی» با شکست ابزارهای پروژه ایران در منطقه پایان یافت. حکومت ایران سالی پر حادثه را پشت سر گذاشت؛ رئیس‌جمهور رژیم در سانحه سقوط هلی‌کوپتر کشته شد، دو بار هدف حملات موشکی اسرائیل قرار گرفت که منجر به تخریب سیستم‌های دفاعی و موشکی‌اش شد، و سه متحدش یعنی نظام بشار اسد در سوریه، حزب‌الله در لبنان و حماس در غزه با مشکلات جدی مواجه شدند. در این شرایط، برنامه هسته‌ای ایران مهم‌ترین اهرم آن برای چانه‌زنی با غرب و مذاکره محسوب می‌شود.

در اواخر سال گذشته، ایران حدود هفت کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد غنی‌شده تولید کرد که نزدیک به سطح ساخت سلاح اتمی است و در صورت غنی‌سازی بیشتر، می‌تواند سالانه برای ساخت دو بمب هسته‌ای کافی باشد. اکنون

بدون نیاز به انجام گام اضافی عالی خواهد بود. اشاره او به برنامه هسته‌ای رژیم ایران و منظورش از «گام اضافی» نیز حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات اتمی تهران است.

در مقابل مقامات جمهوری اسلامی در دولت مسعود پزشکیان، به ویژه عباس عراقچی و محمدجواد ظریف، در اظهارات خود بر لزوم ادامه روند دیپلماسی و دوری جستن ترامپ از سیاست فشار حداکثری تأکید داشته‌اند. اما رئیس سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران، مجید خادمی، هشدار داد که هرگونه تهدید منافع ملی با واکنشی متقابل در سطح جهانی روبرو خواهد شد. او مذاکره با آمریکا را «خط قرمز» دانست و گفت: «اگر آمریکا دست به اقدام شرارت‌آمیزی بزند، همانطور که مقام رهبری فرمودند، ما قاطعانه و محکم پاسخ خواهیم داد».

قضیه‌ی مذاکرات با واشنگتن، شکافی در داخل نظام ایران ایجاد کرده است؛ برخی معتقدند که باید باب مذاکرات را باز گذاشت و اظهارات خامنه‌ای را تاکتیکی و نه استراتژیک دانست، در حالی که روزنامه‌های تندرو موضع خامنه‌ای درباره عدم مذاکره با آمریکا قطعی و نهایی قلمداد می‌کنند بدون شک، سخنان خامنه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا طبق قانون اساسی و واقعیت‌های اجرایی، تصمیم‌گیری درباره سیاست خارجی، مذاکرات با واشنگتن و پرونده هسته‌ای کاملاً در اختیار اوست.

در همین حال، گزارش‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهد سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در روزهای پایانی دولت جو بایدن اعلام کرده‌اند که اسرائیل در حال بررسی حملات گسترده به تأسیسات هسته‌ای ایران در سال جاری است و تل‌آویو برای حمایت از این حملات بر دولت ترامپ فشار خواهد آورد.

از سوی دیگر، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران گفت که آنها در پاسخ به تهدیدات ترامپ و اقدامات خصمانه او در مورد ممنوعیت صادرات نفت و تحریم‌های شدید، تنگه

● قضیه‌ی مذاکرات با واشنگتن، شکافی در داخل نظام ایران ایجاد کرده است؛ برخی معتقدند که باید باب مذاکرات را باز گذاشت و اظهارات خامنه‌ای را تاکتیکی و نه استراتژیک دانست، در حالی که روزنامه‌های تندرو موضع خامنه‌ای درباره عدم مذاکره با آمریکا قطعی و نهایی قلمداد می‌کنند.

● رژیم ایران تلاش کرد از جنگ غزه برای تقویت «وحدت میدان» و بهره‌برداری منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کند، اما این وضعیت کاملاً به ضرر آن تمام شد. حمله حماس با عنوان «طوفان الاقصی» با شکست ابزارهای پروژه ایران در منطقه پایان یافت. حکومت ایران سالی پر حادثه را پشت سر گذاشت؛ رئیس‌جمهور رژیم در سانحه سقوط هلی‌کوپتر کشته شد، دو بار هدف حملات موشکی اسرائیل قرار گرفت که منجر به تخریب سیستم‌های دفاعی و موشکی‌اش شد، و سه متحدش یعنی نظام بشار اسد در سوریه، حزب‌الله در لبنان و حماس در غزه با مشکلات جدی مواجه شدند. در این شرایط، برنامه هسته‌ای ایران مهم‌ترین اهرم آن برای چانه‌زنی با غرب و مذاکره محسوب می‌شود.

● رژیم ایران خواهان مذاکرات است، اما آن را راه حلی برای مشکلات خود نمی‌داند. از نظر تهران، مشکلات با واشنگتن عمیق و ریشه‌دار است و باید مدیریت شود، نه حل. ایران به مذاکرات به عنوان یک تاکتیک برای مقابله با چالش‌های اقتصادی و مهم‌تر از آن، حفظ نظام از تهدید سقوط در صورت حمله آمریکا یا اسرائیل نگاه می‌کند. در حالی که نخبگان ایرانی بر این باورند که هدف آمریکا از مذاکره، تشدید محاصره‌ی رژیم ایران است. این وضعیت باعث شده رژیم ایران به دنبال مذاکرات و توافقی باشد که فشارها را کاهش داده و تحریم‌ها را رفع کند.

هدی رؤف (ایندیپندنت عربی) - دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا اخیراً در اظهاراتی گفت که این مسئله

## ادعای یک مقام ارشد اروپایی: آمریکا به دنبال «مذاکره مستقیم» با جمهوری اسلامی است



بنر خامنه‌ای در راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» ۱۴۰۳

این دیپلمات ارشد اروپایی همچنین مدعی شده که «مقامات ایرانی هر توافقی را در صورتی که شامل رفع تحریم‌ها شود، خواهند پذیرفت.» او می‌افزاید، «ضعف متحدان تهران در منطقه، زمینه را برای یک توافق گسترده‌تر فراهم کرده است، امری که دو سال پیش قابل تصور یا واقع‌بینانه نبود.»

این ادعا در شرایطی مطرح می‌شود که پیشتر دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا دو گزینه پیش روی مقامات تهران گذاشت: معامله با امضای کاغذ (توافق) یا مپ! با اینهمه علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در جمع فرماندهان نیروی هوایی ارتش تأکید کرد که «نباید با آمریکا مذاکره کرد.» مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور چهاردهم جمهوری اسلامی که خودش از حامیان مذاکره بود پس از اولتیماتوم خامنه‌ای از مواضعش عقب‌نشینی کرد و گفت: «رهنمودهای رهبری فصل‌الخطاب است.»

اما برخی تحلیلگران می‌گویند سیاست دوگانه خامنه‌ای همواره «نه» به مذاکره با آمریکا و همزمان تلاش برای پیدا کردن روزنه‌ای برای «معاملات پشت پرده» است هرچند ابزارهایی که به جمهوری اسلامی برای معامله کمک می‌کرد از جمله آتش‌بازی شبه‌نظامیان علیه منافع آمریکا در منطقه در جریان حملات اسرائیل به حزب‌الله به شدت تضعیف شده است.

در داخل ایران گروه‌هایی که نزدیک به جریان اصلاح‌طلب هستند همچنان منافع نظام را در مذاکره و معامله با آمریکا می‌بینند اما محافل قدرت مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «مقاومت» را تنها راه ممکن می‌دانند. محمدباقر قالیباف رئیس‌مجلس شورای اسلامی اخیراً در واکنش به منع مذاکره با آمریکا گفته بود آنها فراتر از مسئله هسته‌ای به دنبال «خلع سلاح ایران» هستند.

● العربیه ۲۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ به نقل از یک مقام ارشد اروپایی گزارش داد که دولت دونالد ترامپ به دنبال «مذاکرات مستقیم» و «محرمانه» با جمهوری اسلامی درباره برنامه هسته‌ای تهران است.

● این مقام اروپایی گفته «اگر قرار باشد یک دولت آمریکایی بتواند به توافقی با [حکومت] ایران برسد، آن دولت، دولت ترامپ خواهد بود.»

● او توضیح داد که «هر توافقی جدیدی بین دو کشور فراتر از فعالیت‌های هسته‌ای خواهد بود» و به احتمال اعمال شروط دیگری اشاره کرد.

شبکه العربیه به نقل از «یک مقام ارشد اروپایی» ادعا کرد که تلاش‌هایی برای برقراری ارتباط میان جمهوری اسلامی و آمریکا در جریان است.

در این گزارش که ۲۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ منتشر شد آمده که دولت دونالد ترامپ به دنبال «مذاکرات مستقیم» و «محرمانه» با جمهوری اسلامی درباره برنامه هسته‌ای تهران است.

این مقام اروپایی که اشاره‌ای به نام یا موقعیت او نشده است، افزود که دولت آمریکا تلاش خواهد کرد تا پیش از اکتبر آینده، یعنی زمان پایان یافتن توافق هسته‌ای فعلی که در سال ۲۰۱۵ با غرب امضاء شد و ترامپ در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد، به یک توافق با جمهوری اسلامی ایران دست یابد.

وی همچنین تأکید کرد که «اگر قرار باشد یک دولت آمریکایی بتواند به توافقی با [حکومت] ایران برسد، آن دولت، دولت ترامپ خواهد بود.»

او توضیح داد که «هر توافقی جدیدی بین دو کشور فراتر از فعالیت‌های هسته‌ای خواهد بود» و به احتمال اعمال شروط دیگری اشاره کرد.

ایران سانتریفیوژهای پیشرفته‌تری نصب کرده و برخی از آنها را با اورانیوم غنی‌شده در سطوح بالاتر تغذیه می‌کند. به گفته رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ظرفیت غنی‌سازی ایران هفت برابر افزایش یافته و هیچ کاربرد غیرنظامی معقولی برای این حجم از غنی‌سازی وجود ندارد.

ترامپ فشار را یک ابزار کلیدی در مذاکرات می‌داند، اما در عین حال، هنگام امضای فرمان اجرای سیاست «فشار حداکثری» گفت که امیدوار است توافق هسته‌ای قابل اعتمادی حاصل شود. همچنین، مکانیسم «اسنپ‌بک» که به واشنگتن یا کشورهای اروپایی اجازه می‌دهد تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را بازگردانند، مورد تأکید قرار گرفت از سوی دیگر، رژیم ایران نگران آن است که ترامپ از «پیمان ابراهیم» برای افزایش فشارهای اقتصادی و سیاسی علیه آن و انزوای منطقه‌ای‌اش استفاده کند. همچنین این نگرانی وجود دارد که ترامپ در مقطعی از حمله نظامی اسرائیل به ایران حمایت کند. بنابراین اگر مذاکرات تهران و واشنگتن شکست بخورد، احتمال حمایت آمریکا از حمله اسرائیل تا چه حد خواهد بود؟

رژیم ایران خواهان مذاکرات است، اما آن را راه حلی برای مشکلات خود نمی‌داند. از نظر تهران، مشکلات با واشنگتن عمیق و ریشه‌دار است و باید مدیریت شود، نه حل. ایران به مذاکرات به عنوان یک تاکتیک برای مقابله با چالش‌های اقتصادی و مهم‌تر از آن، حفظ نظام از تهدید سقوط در صورت حمله آمریکا یا اسرائیل نگاه می‌کند. در حالی که نخبگان ایرانی بر این باورند که هدف آمریکا از مذاکره، تشدید محاصره رژیم ایران است.

این وضعیت باعث شده رژیم ایران به دنبال مذاکرات و توافقی باشد که فشارها را کاهش داده و تحریم‌ها را رفع کند. تهران دو سناریو پیش روی خود می‌بیند:

۱- دستیابی به توافق با ترامپ که باعث بهبود وضعیت اقتصادی، رفع تحریم‌ها و افزایش صادرات نفت ایران به ۳ تا ۴ میلیون بشکه در روز خواهد شد و این در صورتی اتفاق خواهد افتاد که دولت ترامپ یا دولت‌های مشابه از سیاست ادامه تحریم‌ها به همکاری دیپلماتیک با تهران روی آورند، اما این امر با چالش‌هایی از سوی روسیه و اسرائیل مواجه خواهد شد. روسیه که هرگونه نزدیکی رژیم ایران با غرب را کاهش نفوذ خود در خاورمیانه می‌داند، و اسرائیل، که مایل به جلوگیری از این نزدیکی است، هر دو سعی خواهند کرد توافق را بی‌اثر کنند.

۲- شکست مذاکرات که به بسته شدن کامل مسیر گفتگوها، احیای «اسنپ‌بک» (مکانیسم ماشه)، تشدید فشارهای اقتصادی و ورود به مرحله تنش‌های خطرناک‌تر منجر خواهد شد. در اینصورت، غرب تلاش خواهد کرد تا ائتلافی منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل داده و با اقدامات دفاعی یا نظامی آن را تحت فشار قرار دهد. اسرائیل نیز احتمالاً از پیش برای مقابله با رژیم ایران، حمایت آمریکا، برنامه‌ریزی کرده است.

در میان این دو سناریو، حکومت ایران سعی خواهد کرد زمان بیشتری بگذرد تا جایگاه بین‌المللی خود را تثبیت کرده و از فشارهای داخلی ناشی از بحران‌های اقتصادی بکاهد. آنچه برای رژیم ایران اهمیت دارد، نه فشارهای اقتصادی، بلکه حفظ بقای نظام است، و به همین دلیل، مذاکره با ترامپ را به عنوان راهی برای جلوگیری از سقوط خود می‌بیند.

\*منبع: ایندپیندنت عربی

\*نویسنده: هدی رؤف

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

## خودکار طلائی شاه؛ به یاد تیمسار سرتیپ غلامحسین علایی



تیمسار سرتیپ غلامحسین علایی در مراسم عروسی

شریف. با وجود موقعیت نظامی و تخصص کم نظیری که داشت هیچگاه ثروتی نیاندوخت. او حتی خانه‌ای از آن خود نداشت. در نهایت سادگی در آپارتمانی اجاره‌ای در یوسف‌آباد تهران زندگی می‌کرد و از دار دنیا یک ماشین پیکان داشت. سودای او در زندگی خدمت به میهن‌اش بود و تا آخرین لحظه نیز، تنها به ایران می‌اندیشید. تقدیر چنین بود که پس از ۲۲ بهمن ۵۷ از همان کارخانه تانک‌سازی که در آن خدمت می‌کرد، بدون داشتن هیچگونه جرمی بازداشت گردد و در خرداد ۵۸، در یک دادگاه غیرعادلانه و به دستور مصطفی پورمحمدی طلبه ۱۹ ساله‌ای که مأموریتی جز خونریزی نداشت و با حکم خمینی به مسجد سلیمان اعزام شده بود به اعدام محکوم شود.

در این تصویری که از او به یادگار برآمده و مربوط به شب عروسی اوست، او را در کنار پدرم ابوالحسن بیگدلی می‌بینیم. در سمت دیگر او همسر زیبایش بانو وحیده آشوری که دختر سرهنگ آشوری سرهنگ مرزبانی در قصر شیرین بود نشسته است. مادرم «بانو شمسی ابراهیم» نیز در کنار عروس دیده می‌شود.

رابطه میان پدرم و غلامحسین خان تنها در حد یک پیوند خانوادگی نبود؛ می‌شد آن را یک دوستی ناب نامید. دوستی عمیق دو جانبه‌ای که بر پایه یک اعتماد و احترام متقابل شکل گرفته بود. بارها شنیدم پدرم به او هشدار می‌دهد هرچه زودتر کشور را که به سمت فروپاشی می‌رود ترک کند. پاسخ غلامحسین خان نیز هر بار این بود: «چرا بروم، خان؟ من که کاری جز خدمت به این آب و خاک نکرده‌ام!» او از نسلی بود که تا آخرین لحظه، به نظام شاهنشاهی وفادار ماند. این وفاداری نه از سر وابستگی، بلکه از روی اعتقاد به نظامی بود که ایران را به سوی توسعه و ثبات پیش می‌برد در تب و تاب بهمن ۵۷ بارها شنیدم که با اطمینان می‌گفت: «اگر شاهنشاه دستور داده بود، ما اینها را فوت می‌کردیم و باد می‌بردشان!»

اعدام غلامحسین خان از آن دست اعدام‌هایی بود که بی هیچ سر و صدایی صورت گرفت. او را در همان مسجد سلیمان کشتند. پس از آن به خانواده‌اش خبر دادند

نداشت. او را نیز که فرماندهی تانک سازی هخامنش در مسجد سلیمان را به عهده داشت مانند هم قطارانش در یکی از روزهای خونبار پس از ۲۲ بهمن ۵۷ بازداشت کردند و مدت کوتاهی بعد در یکی از روزهای داغ خرداد ماه ۵۸ با حکم یک دادگاه فرمایشی به جوخه اعدام سپردند. تیرباران ناجوافرده سرتیپ علایی بی‌سر و صدا صورت گرفت. اما به شهادت کسانی که خود آن روزها در مسجد سلیمان بودند با پیچیدن خبر این جنایت خشونت‌بار در سطح شهر اهالی مسجد سلیمان دست به اعتراض گسترده‌ای زدند و ناراضی‌تی خود را از اجرای چنین حکم ناعادلانه‌ای نشان دادند. مردم آنجا سرتیپ علایی را به خوبی می‌شناختند و سال‌ها بود که از شخصیت مردمی و انساندوستانه او آگاه بودند و می‌دانستند که دست او به هیچ خونی آغشته نبوده است.

روایت دردناک دکتر بهرام بیگدلی را از قهرمانی به نام تیمسار سرتیپ غلامحسین علایی بخوانیم و تمام‌قد در برابر این انسان بزرگ ایستاده، به او ادای احترام کنیم. بهروز فتحعلی

### روایت دکتر بهرام بیگدلی

تیمسار سرتیپ غلامحسین علایی پسرعمه شریف پدرم که ما او را «غلامحسین خان» خطاب می‌کردیم از افسران عالی‌رتبه و نخبگان نظامی ایران بود که در زمره نخستین قربانیان تصفیه‌های خونین پس از انقلاب شوم ۵۷ قرار گرفت. او متخصص تانک (ساخت تانک و جنگ تانک‌ها) بود و تحصیلات خود را در این رشته در آمریکا گذرانده بود. پس از پایان تحصیل مدتی به عنوان وابسته نظامی در سفارت ایران در بغداد به خدمت پرداخت. زمانی که اختلافات ایران و عراق بر سر اروند رود بالا گرفت صدام حسین او را از عراق اخراج کرد. پس از بازگشت به ایران، ریاست کارخانه تانک‌سازی هخامنش در مسجد سلیمان را بر عهده گرفت و تا روزهای آخر بهمن ۵۷ که به بازداشت او انجامید در همین سمت باقی ماند. در خرداد ماه ۵۸ سرنوشت او نیز مانند بسیاری از هم‌قطارانش در میان موج اعدام‌های بی‌ضابطه و بدون هیچ محاکمه عادلانه‌ای به تیرباران ختم شد.

غلامحسین خان انسانی بود بسیار سخاوتمند، متواضع و

● غلامحسین خان انسانی بود بسیار سخاوتمند، متواضع و شریف. با وجود موقعیت نظامی و تخصص کم نظیری که داشت هیچگاه ثروتی نیاندوخت. او حتی خانه‌ای از آن خود نداشت. در نهایت سادگی در آپارتمانی اجاره‌ای در یوسف‌آباد تهران زندگی می‌کرد و از دار دنیا یک ماشین پیکان داشت. سودای او در زندگی خدمت به میهن‌اش بود و تا آخرین لحظه نیز، تنها به ایران می‌اندیشید. تقدیر چنین بود که پس از ۲۲ بهمن ۵۷ از همان کارخانه تانک‌سازی که در آن خدمت می‌کرد، بدون داشتن هیچگونه جرمی بازداشت گردد و در خرداد ۵۸، در یک دادگاه غیرعادلانه و به دستور مصطفی پورمحمدی طلبه ۱۹ ساله‌ای که مأموریتی جز خونریزی نداشت و با حکم خمینی به مسجد سلیمان اعزام شده بود به اعدام محکوم شود.

● اعدام غلامحسین خان از آن دست اعدام‌هایی بود که بی هیچ سر و صدایی صورت گرفت. او را در همان مسجد سلیمان کشتند. پس از آن به خانواده‌اش خبر دادند که بروند و پیکر بیجان او را تحویل بگیرند. یکی از دوستان نزدیک غلامحسین خان که در بحبوحه ناآرامی‌ها به آمریکا گریخته بود، همینکه خبر تیرباران را می‌شنود، مزاری را که بیشتر در حوالی شاه‌عبدالعظیم برای خود تهیه کرده بود در اختیار خانواده او قرار می‌دهد تا هرچه سریع‌تر پیکر پاک او را در آن دفن کنند. برادر آن جانب‌اخسته فوراً مینی‌بوسی تهیه می‌کند و خود را به محل می‌رساند. پیکر غرق به خون برادر را که جایی بیرون مسجد سلیمان رها شده بود برمی‌دارد، جای اصابت گلوله‌ها را با گچ می‌پنسد، پیکر را داخل یک تابوت نهاده اطرافش را در آن گرمای خردامه‌ها با مقدار زیادی یخ می‌پوشاند و بی‌درنگ راهی تهران می‌شود.

انقلاب ویرانگر ۵۷ یادآور روزهای شومی است که ۴۶ سال پیش ساختار جامعه ایران را از پایه و اساس بهم ریخت و به شهادت تاریخ مسیر حرکت کشوری را که رو به پیشرفت و توسعه داشت به سمت مخالف آن تغییر داد. ۲۲ بهمن ۵۷ را باید آغاز خشونت جنایت باری دانست که با روزهای نخست روی کار آمدن خمینی و تیرباران افسران بلندپایه ارتش شاهنشاهی در پشت بام مدرسه رفاه گره خورده است.

هنوز یک روز از ۲۲ بهمن نگذشته بود که به فرمان مستقیم خمینی اعدام فرماندهان ارتش شاهنشاهی و مقامات بالای حکومت شاه در دستور کار روحانیت همراه او قرار گرفت. خمینی خواهان خون بود و به دستور او کار کشتار فر پشت بام همان مدرسه‌ای آغاز شد که خود و ستاد انقلابی‌اش در آن مستقر شده بودند. در همان پشت بام بود که برجسته‌ترین مقامات لشکری و کشوری پس از محاکماتی شتاب‌زده و غیرعادلانه به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

هنوز هم از تصفیه و قتل ده‌ها هزار افسر و پرسنل میهن پرست ایران در آن روزها و ماه‌های سپاه، آمار دقیقی در دست نیست. اما تردیدی نباید داشت که در آینده‌ای نه چندان دور با دسترسی به کوه اسنادی که از چشم ملت ما پنهان مانده است، پرده از بسیاری از فجایع آمده بر یکایک آن آزاد مردان برداشته خواهد شد. مردان شریفی که در مکتب میهن دوستی محمدرضاشاه پهلوی پرورش یافته بودند و تحصیلات بالا و تخصص آنان با روح خدمت به میهن سرشته شده بود.

تیمسار سرتیپ غلامحسین علایی را شاید کمتر کسی شناخته باشد. افسر بلندپایه‌ای که از زبده ترین فرماندهان ارتش بود و در سرتاسر خدمت خود هدفی جز اعتلای میهن

## جمهوری اسلامی در مسیر شوری یا عراق و لیبی؟!



ویدئو

همزمان ادعا کرده اگر هر هفته از یک شهرک موشکی رونمایی شود تا دو سال آینده هم تمام نمی‌شود. برخی تحلیلگران می‌گویند جمهوری اسلامی همان مسیری را می‌رود که اتحاد جماهیر شوروی رفت و برخی دیگر می‌گویند، سرنوشت علی خامنه‌ای و نظام او شبیه صدام حسین و معمر قذافی است.

همزمان با آغاز «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی، مقامات تهران می‌گویند قصد دارند بودجه نظامی را تا دو برابر در سال ۱۴۰۴ افزایش دهند، که مستلزم تأمین پول آن از منابع ملی و کوچکتر شدن سفره مردم است. امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی است، مطلقاً جنگ نمی‌شود؛ اما

## جنگ معدنی چین با آمریکا



ویدئو

دولت آمریکا برای جلوگیری از توانایی چین برای دسترسی و تولید تراشه‌هایی است که می‌توانند به پیشرفت هوش مصنوعی برای کاربردهای نظامی کمک کنند یا امنیت ملی آمریکا را تهدید کنند.

مقابله به مثل چین اما ممکن است چقدر موثر باشد؟ این مواد معدنی چه هستند و چقدر برای آمریکا اهمیت دارند که چین با «جنگ معدنی» به مصاف آمریکا برآید؟

رویترز دسامبر ۲۰۲۴ گزارش داد چین سه شنبه سوم دسامبر صادرات مواد معدنی حیاتی به آمریکا را در پی تشدید تنش‌های تجاری میان دو کشور ممنوع کرد. محدودیت تازه صادرات چین به آمریکا در پی محدودیت‌های یک روز قبل ایالات متحده علیه صنعت نیمه‌هادی چین بود. این اقدام ایالات متحده تنها چند هفته پیش از ادای سوگند ریاست جمهوری دونالد ترامپ، یکی از آخرین تلاش‌های

که برونند و پیکر بیجان او را تحویل بگیرند. یکی از دوستان نزدیک غلامحسین خان که در بصبوحه نازآرامی‌ها به آمریکا گریخته بود، همینکه خبر تیرباران را می‌شنود، مزار را که پیشتر در حوالی شاه‌عبدالعظیم برای خود تهیه کرده بود در اختیار خانواده او قرار می‌دهد تا هرچه سریع‌تر پیکر پاک او را در آن دفن کنند. برادر آن جانبازته فوراً مینی‌بوسی تهیه می‌کند و خود را به محل می‌رساند. پیکر غرق به خون برادر را که جایی بیرون مسجد سلیمان رها شده بود برمی‌دارد، جای اصابت گلوله‌ها را با گچ می‌بندد، پیکر را داخل یک تابوت نهاده اطرافش را در آن گرمای خردادماه با مقدار زیادی یخ می‌پوشاند و بی‌درنگ راهی تهران می‌شود.

من به همراه پدرم و چند تن از بستگان، در جایی در بیابان‌های اطراف شاه‌عبدالعظیم منتظر ایستاده بودیم که ماشین از راه رسید. با کمک هم تابوت را روی دوش‌مان جا داده و راهی مزار مورد نظر شدیم... در سکوت محض... گرمای شدید یخ‌ها را آب کرده بود و لباس‌هایمان از خونابه‌ای که از درون تابوت می‌ریخت خیس شده بود. حدود شاید دو کیلومتر راه رفتیم تا به مزار مورد نظر رسیدیم و همانجا پیکر او را به خاک سپردیم.

گرمای شدید آن روز و خونابه‌هایی که از زخم‌های آن زنده‌یاد جاری بود و شتاب برای پنهان کردن جنازه، خاطره تلخی است که هرگز از ذهنم پاک نخواهد شد.

مدتی بعد خانواده سنگ مزاری را با نامی دیگر تهیه کردند و بر مزار او نهادند. سال‌ها گذشت تا خانواده بتوانند نام واقعی آن جاویدنام را بر سنگ مزار او حک کنند. چندی پیش شنیدم که همه محوطه آن گورستان فروخته شده و با کمال تأسف دیگر اثری از مزار وی نیز باقی نمانده است.

با جنابیتی که بر آن سرباز میهن‌پرست رفت دبری نیابید که شیرازه خانواده را از هم پاشاند. مادرش پس از چند ماه از غصه جان داد. همسر جوان و زیبایش به بیماری مبتلا شد و در نهایت بر اثر سرطان درگذشت. از او دو فرزند به نام بابک و مامک باقیست. بابک در ایران زندگی می‌کند و مامک به خارج مهاجرت کرده است.

غلامحسین خان، نه‌تنها یک فرمانده نظامی، بلکه مردی با درکی عمیق از سیاست جهانی بود.

من از نوجوانی اخبار زیاد می‌خواندم و در آن میان به مباحث سیاست خارجی آمریکا علاقه زیادی نشان می‌دادم. در آن سال‌ها، آمریکا درگیر جنگ با ویتنام بود و من همه جا از موضع آمریکا دفاع می‌کردم. غلامحسین خان که این علاقه مرا دیده بود، یک روز مرا به تماشای فیلمی درباره ترور جان اف. کندی برد که در سینماهای کشور اکران شده بود. معروف بود مردمی که به دیدن این فیلم می‌رفتند هنگام تماشای آن به گریه می‌افتادند. پس از آن، مرا به یک کتابفروشی برد و برایم کتاب «سیمای شجاعان» نوشته کندی را خرید. خواندن آن کتاب چنان تجربه شیرینی بود که طعم آن هنوز هم پس از اینهمه سال در ذهنم باقیست در همان سال‌ها، یکبار هم او برای تشویق من و به خاطر علاقه‌ای که به من داشت، خودکار طلایی خود را که شخصاً از شاه دریافت کرده بود، به من هدیه داد.

غلامحسین خان برخلاف تصویری که اسلامگرایان بی‌سواد و بی‌اطلاع از دانش نظامی، از افسران ارتش شاهنشاهی ترسیم می‌کردند، مانند همپایان نظامی خود مردی با دانشی عمیق بود که نه‌تنها در امور نظامی، بلکه در تحلیل سیاست‌های داخلی و خارجی شاه ذهنی روشن و آگاه داشت. او نمونه‌ای از افسران خیره‌ای بود که شاه برای ایران و آینده آن تربیت کرده بود؛ ارتشیان میهن‌پرستی که نه‌تنها نظامی، بلکه متفکر و استراتژیست بودند.

یادش گرمی و نامش تا همیشه جاودان باد!

## ۷۵ درصد از مساحت ایران درگیر محرومیت؛ بودجه‌های «محرومیت‌زدایی» ناپدید می‌شوند



نشان می‌دهد که دولت ۱۶۵ هزار میلیارد تومان برای این حوزه در نظر گرفته که نسبت به سال گذشته رشدی ۸۰ درصدی دارد. اما افزایش ارقام روی کاغذ به معنای تخصیص آنها در عمل و بهبود اوضاع نیست. بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰، از مجموع بودجه‌ی مصوبه برای «محرومیت‌زدایی» تنها ۳۰ درصد تأمین شده است. در سال ۱۴۰۲ نیز فقط ۶۷ درصد از اعتبارات تخصیص یافته بود. روندی که نشان می‌دهد هم بودجه‌ی این بخش نوسانات شدیدی دارد و هم روند تخصیص آن هم سال به سال سلیقه‌ای‌تر می‌شود. از سوی دیگر هر چند ظاهراً ارقام «محرومیت‌زدایی» برای سال آینده افزایش یافته اما به گفته مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعتبارات اصلی محرومیت‌زدایی متناسب با تکالیف قانونی رشد نکرده است و به گفته مرکز پژوهش‌ها، این بودجه در ردیف‌های اعتباری لایحه ۱۴۰۴ عقب ماندگی ۳۹ هزار میلیارد تومانی از تکلیف قانونی‌اش دارد.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین تأکید کرده که در برخی استان‌ها، بخش عمده‌ای از اعتبارات صرف پروژه‌هایی می‌شود که حتی در اولویت نیازهای ساکنان مناطق محروم هم نیست. از سوی دیگر، هیچ تغییری در الگوی توزیع استانی این اعتبارات ایجاد نشده است. توزیع بودجه‌ی ۱۴۰۴ تفاوتی با سال‌های قبل ندارد، یعنی همان روش‌های غیرکارشناسی که در گذشته شکست خورده‌اند، امسال هم ادامه خواهند داشت.

روزنامه «شرق» با انتشار بخشی از گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده «با وجود افزایش عددی بودجه، همچنان مشکلات بنیادین در نحوه تخصیص و تحقق منابع دیده می‌شود. پول‌هایی که هر سال برای محرومیت‌زدایی وعده داده می‌شوند، یا هرگز به مقصد نمی‌رسند، یا در مسیرهای نادرست خرج می‌شوند. تا زمانی که این روند اصلاح نشود، محرومیت همچنان در ۷۵ درصد از کشور ادامه خواهد داشت، فارغ از اینکه چه عددی در بودجه‌ی سالانه برای آن در نظر گرفته شود.»

متوسط نرخ، شکاف و شدت فقر در مناطق شهری به ترتیب ۱/۵۵، ۲/۱۵ و ۶ درصد است. این ارقام نشان می‌دهد ۱/۵۵ درصد جمعیت مناطق شهری کشور در سال ۱۴۰۱ فقر غذایی داشتند و کالری دریافتی خانوارهای فقیر در این مناطق، ۲/۱۵ درصد کمتر از حداقل کالری مورد نیاز روزانه بوده است؛ لذا برای از بین بردن فقر، کالری دریافتی خانوارهای فقیر باید ۲/۱۵ درصد افزایش یابد.

طی دو سال گذشته تورم و کاهش قدرت خرید خانوار افزایش یافته و به نظر می‌رسد درصد بیشتری از خانوارهای شهری در فقر غذایی قرار گرفته باشند.

یکی از تازه‌ترین بررسی‌ها در سال ۲۰۲۴ که تأثیر سوء تغذیه بر جمعیت در سنین متفاوت را سنجیده نشان می‌دهد ۱۲ درصد کودکان زیر ۵ سال به علت سوء تغذیه یا مؤلفه‌های مرتبط به آن می‌میرند. ۴۱ درصد کودکان بالاتر از ۵ سال، وزن کمی نسبت به قد خود دارند که نشان‌دهنده سوءتغذیه حاد است. ۵۳ درصد از کودکان ایرانی به علت سوء تغذیه مزمن، کوتاه‌قد هستند و ۶۵ درصد از ایرانی‌ها کالری مناسبی دریافت نمی‌کنند!

احسان سلطانی اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی نیز به تازگی با محاسباتی نشان داده که قدرت خرید گوشت به نصف ۱۳۹۸ و یک-سوم دوران قاجار رسیده که با افزایش قیمت گوشت در سال آینده به شدت کاهش خواهد یافت محرومیت نه تنها در حوزه دسترسی به غذای کافی بلکه در عدم دسترسی بخش زیادی از شهروندان به بهداشت و آموزش و زیرساخت‌های رفاهی نیز برجسته است و نشان می‌دهد برخلاف شعارها، جمهوری اسلامی در اجرای «محرومیت‌زدایی» با عقب‌ماندگی روبروست. مرکز پژوهش‌های مجلس به تازگی گزارشی درباره اعتبارات محرومیت‌زدایی تهیه کرده است که در آن عنوان شده ۷۵ درصد از مساحت ایران همچنان به عنوان مناطق محروم شناخته می‌شود، اما توزیع بودجه‌های سالانه نه بر اساس نیاز واقعی این مناطق، بلکه بر پایه فرمول‌های کهنه و غیرمفید انجام می‌شود.

بررسی اعتبارات محرومیت‌زدایی در لایحه بودجه ۱۴۰۴

● مدیرعامل اتحادیه پرورش‌دهندگان دام سبک ایران اعلام کرده در حال حاضر یک دهک و در نهایت قریب ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ۸۵ میلیونی جزء مشتریان ثابت گوشت قرمز هستند.

● ۱/۵۵ درصد جمعیت مناطق شهری کشور در سال ۱۴۰۱ فقر غذایی داشتند و کالری دریافتی خانوارهای فقیر در این مناطق، ۲/۱۵ درصد کمتر از حداقل کالری مورد نیاز روزانه بوده است.

● بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰، از مجموع بودجه‌ی مصوبه برای «محرومیت‌زدایی» تنها ۳۰ درصد تأمین شده است.

● گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین تأکید کرده که در برخی استان‌ها، بخش عمده‌ای از اعتبارات صرف پروژه‌هایی می‌شود که حتی در اولویت نیازهای ساکنان مناطق محروم هم نیست.

«محرومیت‌زدایی» همواره یکی از شعارهای مقامات جمهوری اسلامی بوده اما گزارش‌ها نشان می‌دهد طی ۴۶ سال عمر حکومت، نه تنها محرومیت در ایران کاهش نیافته بلکه بر شمار محرومان افزوده شده است. بر اساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۷۵ درصد از مساحت ایران همچنان به عنوان مناطق محروم شناخته می‌شود، اما توزیع بودجه‌های سالانه نه بر اساس نیاز واقعی این مناطق، بلکه بر پایه فرمول‌های کهنه و غیرمفید انجام می‌شود.

فقر و محرومیت به ویژه در یک دهه گذشته به شکل فزاینده‌ای در ایران گسترش پیدا کرده است. با توجه به رقم خط فقر و مقایسه آن با سطح دستمزدها برآورد می‌شود بیش از نیمی از جمعیت کشور زیر خط فقر قرار داشته باشند.

گزارش‌های مرتبط با فقر و سوءتغذیه در ایران تکانه‌دهنده است. افشین صدر دادرس مدیرعامل اتحادیه پرورش‌دهندگان دام سبک ایران اعلام کرده «بر اساس برآورد ما در حال حاضر یک دهک و در نهایت قریب ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ۸۵ میلیونی جزء مشتریان ثابت گوشت قرمز هستند. با توجه به نرخ فعلی عرضه گوشت، بقیه جمعیت جزء جامعه هدف این محصول محسوب نمی‌شوند»

محاسبات نشان می‌دهند یک خانواده سه تا چهار نفره برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی نیازمند درآمدی دست‌کم ۳۰ میلیون تومانی در ماه هستند. این رقم برای شهر تهران ۴۲ میلیون تومان برآورد شده است. این در حالیست که کارگران در حال حاضر با پایه حقوقی کمتر از ۸ میلیون تومان کار می‌کنند و در صورت دریافت همه مزایای شغلی رقم دریافتی آنها در نهایت به ۱۲ میلیون تومان می‌رسد.

نتایج یک مطالعه پژوهش «توزیع مکانی فقر، ناامنی غذایی و عوامل مؤثر بر آن در مناطق شهری ایران» که در مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی منتشر شده نشان می‌دهد مناطق شهری ایران در شرایط بحرانی امنیت غذایی بسر می‌برند بطوری که سرانه کالری دریافتی در مناطق شهری کشور ۲۵۴۰ کیلوکالری است و عموماً این کالری از غلاتی تأمین می‌شود که ارزش غذایی پایین و کربوهیدرات بالا دارند.

بررسی وضعیت شاخص‌های فقر غذایی نیز نشان می‌دهد



## عبدالناصر همتی ۱۲ اسفندماه استیضاح می‌شود

مسئول رفع تمامی مشکلات اقتصادی در نظر گرفت» گفته «تأثیر منفی تحریم‌ها و رفتارهای سیاست خارجی بر وضعیت اقتصادی کشور قابل کتمان نیست. بانک مرکزی، وزارت تعاون، صمت، امور خارجه و دیگر وزارتخانه‌ها نیز برای حل مشکلات اقتصادی مسئولیت دارند.»

او گفته «استیضاح وزیر در این شرایط و تنها چند ماه پس از آغاز کار دولت به صلاح نیست» و افزوده «باید در فضای همدلی مشکلات را رفع نموده و بهبود شرایط را ممکن کنیم.»

این عضو فراکسیون اصناف مجلس خواستار همکاری تمامی وزارتخانه‌ها برای حل مسائل اقتصادی شد و بر لزوم حذف رانت در حوزه ارز تأکید کرد و برآورد امیدواری کرد که تلاش‌های وزارت اقتصاد و امور دارایی برای حذف رانت به بهبود شرایط اقتصادی کمک کند.

حمیدرضا گودرزی دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی نیز پس از نشست غیرعلنی روز گذشته و با اشاره به توضیحات ارائه شده از سوی مسعود پزشکیان، محمدرضا فرزین و عبدالناصر همتی مدعی شده بود که «دیگر فضای استیضاح وجود ندارد و نباید هم وجود داشته باشد.»

رسانه‌های حامی دولت پزشکیان نیز در تلاش هستند تا استیضاح وزیر اقتصاد را با وجود عملکرد بسیار منفی طی شش ماه گذشته، تلاش رقبا برای ضربه به دولت نشان دهند.

-روزنامه «آرمان ملی» نوشته «برخی نمایندگان مجلس معتقدند که تغییر در راس وزارت اقتصاد می‌تواند شرایط را بهبود شرایط اقتصادی مساعدتر نماید. از همین رو نیز به دنبال استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد هستند. اینکه مجلس حق دارد از ابزار نظارتی خود استفاده کند در جای خود درست و محفوظ؛ اما به عقیده عده‌ای نگاه سیاست زده و بعضاً سیاسی به مسائل اقتصادی را نمی‌توان چندان قابل قبول دانست.»

«آرمان ملی» نوشته «عده‌ای از نمایندگان از همان زمان معرفی عبدالناصر همتی به عنوان گزینه تصدی وزارت اقتصاد مخالفت آشکار خود را با او اعلام کردند و نه تنها رأی اعتمادی به او ندادند بلکه از زمان تشکیل دولت نیز انتقاداتی را نیز به عملکرد وزیر اقتصاد وارد آورده‌اند. اینکه دولت باید فکر عاجل و چاره‌ساز برای حل مشکلات اقتصادی کند به جای خود؛ اما اینکه این موضوع دستاویزی برای تسویه حساب با همتی قرار داده شود امر مطلوبی نیست.»

اینهمه در حالیست که قیمت دلار طی شش ماه گذشته که عبدالناصر همتی سکندار وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی بوده، حدود دو برابر افزایش یافته است. بسیاری از کارشناسان اقدام عبدالناصر همتی برای حذف بازار ارز نیما و جایگزین کردن بازار ارز تجاری را از جمله عوامل موثر در افزایش قیمت ارز می‌دانند.

بازار ارز تجاری تابعی از بازار آزاد است و با توجه به اینکه واردکنندگان کالا و مواد اولیه، ارز مورد نیاز خود را از این بازار تأمین می‌کنند افزایش قیمت‌ها در آن اثر مستقیمی بر افزایش قیمت کالاها و خدمات در کشور و تشدید تورم دارد. این در حالیست که به فاصله چند روز از راه اندازی این بازار ارز تجاری، قیمت ارز نیمایی در بازار جدید با افزایش بیش از ۲۰ هزار تومانی روبرو شد و به کانال ۶۰ هزار تومان وارد شد.

نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی مطرح کردند. همچنین تیم اقتصادی دولت درباره اقدامات انجام شده و برنامه‌های دولت برای کنترل بازار ارز توضیحاتی ارائه کردند رسانه‌های داخلی نوشته‌اند این جلسه در پی درخواست نمایندگان برای بررسی دقیق‌تر وضعیت اقتصادی کشور و با توجه به طرح استیضاح وزیر اقتصاد برگزار شده بود و همتی به سوالات نمایندگان امضاکننده طرح استیضاح پاسخ داد.

به گزارش «هم‌میهن» در پایان این نشست همتی در مورد محور استیضاح گفته «محور بیشتر مباحث اقتصادی، تورم، بی‌ثباتی اقتصادی و مسائل مربوط به ارز است» و افزوده «اگر نظر دوستان قانع شدن بر اساس حرف‌های من باشد



باید قانع شوند اگر نه که دیگر به من ربطی ندارد.» همتی همچنین در واکنش به اینکه طرح استیضاح او پس از این نشست به هیئت رئیسه ارجاع شده گفته که «باز هم خیلی خوب است؛ صحبت می‌کنم و آنجا کل نمایندگان را قانع می‌کنم.»

برخی رسانه‌های حامی دولت نیز مدعی شدند که شماری از نمایندگان که پیشتر طرح استیضاح همتی را امضا کرده بودند، امضای خود را پس گرفته‌اند!

حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی اما درباره نشست غیرعلنی روز گذشته مجلس با حضور وزیر اقتصاد گفته «جلسه غیرعلنی که برای تظهير آقای همتی در مجلس برگزار شد، به دلایل افزایش نرخ ارز پرداخته نشد، جای تعجب است در روز احضار وزیر، چنین جلسه بی‌فایده‌ای برگزار می‌شود؛ سفره و معیشت مردم، خط قرمز ما است و به دلیل خسارات وارده، در تلاشیم تا استیضاح آقای همتی با قدرت انجام شود.»

در آنسو برخی دیگر از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی که به جناح اصلاح طلب نزدیک هستند عملکرد همتی را توجیه می‌کنند.

آرآ شاوردیان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «می‌توان وزارت اقتصاد را به تنهایی

● ۹۱ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح استیضاح همتی وزیر امور اقتصادی و دارایی را امضا کرده‌اند و اصلی‌ترین دلیل استیضاح، افزایش قیمت ارز است.

● رسانه‌های حامی دولت پزشکیان نیز در تلاش هستند تا استیضاح وزیر اقتصاد را با وجود عملکرد بسیار منفی طی شش ماه گذشته، تلاش رقبا برای ضربه به دولت نشان دهند.

● طرح استیضاح همتی در حالی به هیئت رئیسه مجلس ارجاع شد که ساعاتی پیش از آن او به همراه مسعود پزشکیان و محمدرضا فرزین در نشست غیرعلنی مجلس حضور پیدا کرد تا درباره آشفتگی اقتصادی کشور توضیح دهند.

● همتی در واکنش به اینکه طرح استیضاح او پس از این نشست به هیئت رئیسه ارجاع شده گفته که «باز هم خیلی خوب است؛ صحبت می‌کنم و آنجا کل نمایندگان را قانع می‌کنم.»

طرح استیضاح عبدالناصر همتی وزیر امور اقتصاد و دارایی از سوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد و جلسه استیضاح وزیر اقتصاد دولت پزشکیان قرار است روز یکشنبه ۱۲ اسفندماه برگزار شود.

احمد نادری عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در جلسه صحن علنی امروز چهارشنبه اول اسفندماه مجلس از اعلام وصول طرح استیضاح عبدالناصر همتی وزیر امور اقتصادی و دارایی خبر داد.

حمیدرضا حاجی بابایی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در توضیحاتی گفت: «بر اساس آیین‌نامه داخلی وزیر تا ۱۰ روز فرصت دارد بگوید که چه روزی می‌خواهد بیاید؛ در همین راستا صبح امروز با وزیر محترم هماهنگ کردم و قرارمان بر این شد که آقای وزیر در دهمین روز فرصت خود به صحن مجلس بیایند؛ بنابراین هفته آینده بودجه را بررسی می‌کنیم و دو هفته بعد در روز یکشنبه ۱۲ اسفند استیضاح را در صحن در دستور کار قرار خواهیم داد.»

به گفته احمد نادری ۹۱ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح استیضاح همتی وزیر امور اقتصادی و دارایی را امضا کردند.

افزایش نرخ ارز، افزایش تورم، عدم پرداخت وام‌های ازدواج از سوی بانک‌ها و در مجموع مشکلات اقتصادی از محورهای استیضاح عبدالناصر همتی اعلام شده است.

طرح استیضاح وزیر اقتصاد از هفته دوم دی‌ماه امسال از سوی شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تدوین شد. با اینهمه محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و برخی نمایندگان به دنبال عقب افتادن استیضاح وزیر اقتصاد دولت پزشکیان بودند.

این طرح در حالی از سوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به هیئت رئیسه مجلس ارجاع شد که ساعاتی پیش از آن او به همراه مسعود پزشکیان و محمدرضا فرزین در نشست غیرعلنی مجلس شورای اسلامی حضور پیدا کرد تا درباره آشفتگی اقتصادی کشور توضیح دهند.

بر اساس گزارش‌ها محور اصلی این جلسه بررسی نوسانات اخیر بازار ارز و تأثیر آن بر معیشت مردم بود. در این نشست، نمایندگان مجلس نگرانی‌های خود را درباره افزایش

## ضربه دیگر جمهوری اسلامی به میراث فرهنگی؛ ۱۱۸ آرامگاه تاریخی مشتی خاک شد



آغاز شده است، موجب تخریب بخش‌های گسترده‌ای از این محوطه تاریخی شده است.

قدیر افروند مدیر پایگاه میراث ملی ری در اینبار به خبرگزاری «ایلنا» گفته است شهرداری ری برای احداث این پروژه، اقدام به خاکبرداری، تسطیح و خیابان‌کشی در این محوطه تاریخی کرده است.

مدیر پایگاه میراث ملی ری افزوده «در مقاله شهریار عدل آمده است، در گورستان هزارساله ری ۱۱۸ برج آرامگاه شناسایی شده است. اما شما دیگر هیچ نشانی از آنها در این محوطه تاریخی مشاهده نمی‌کنید. شهرداری و مدیریت شهری ری برای احداث پروژه بام ری، غیرمسئولانه روی آثار و بقایای این آرامگاه‌ها خاک ریخته و همان‌طور که می‌بینید جز دو-سه آرامگاه هیچ نشان دیگری از این ۱۱۸ آرامگاه وجود ندارد.»

قدیر افروند توضیح داده «از زمانی که این ۱۱۸ برج-آرامگاه در گورستان زیرین کشف شد تا سالها این محوطه تاریخی رها شد، تنها اقدامی که در این محدوده صورت می‌گرفت فعالیت‌های کشاورزی بود که به داخل این محوطه هم سرایت می‌کرد و با انتقال خاک‌های کشاورزی به این محدوده لایه‌ای ایجاد می‌کردند که به لایه‌های زیرین آسیبی وارد نکند. هرچند که این اتفاق به محوطه خسارت قابل توجهی ایجاد نمی‌کرد اما فاجعه از زمانی آغاز شد که شهرداری ری در سالهای اخیر آغاز به احداث پروژه گردشگری بام ری یا باغ طبرک نمود. مجری این طرح سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری است اما نظارت و بهره‌برداری طرح به عهده شهرداری منطقه ۲۰ یعنی شهر ری است.»

یکی از نگرانی‌های فعالان میراث فرهنگی این است که گورستان تاریخی زیرین ری هنوز به ثبت ملی

که در ۴۲ هکتار و در عرصه اثر ملی کوه «نقاره‌خانه» در شهر ری در حال اجرا است؛ پروژه‌ای که گفته می‌شود بدون مجوز و طرح مصوب از مراجع میراث فرهنگی از سوی شهرداری پیش می‌رود!

این پروژه پیشتر به دلیل شکایت وزارت میراث فرهنگی متوقف شده بود اما با وجود مخالفت‌های متعدد از سوی متخصصان میراث‌فرهنگی و باستان‌شناسان به تازگی دوباره شروع شده است.

بسیاری از باستان‌شناسان و کارشناسان میراث‌فرهنگی معتقدند اجرای این پروژه نه تنها به‌طور مستقیم به تخریب آثار تاریخی و ثبت‌شده منجر می‌شود، بلکه ممکن است پیامدهای جبران‌ناپذیری برای این میراث فرهنگی داشته باشد.

یکی از مهمترین محوطه‌های تاریخی در این منطقه، گورستانی هزارساله در دامنه کوه نقاره‌خانه بود و اکنون در پی خاکبرداری و تسطیح برای احداث پروژه‌های جدید، از بین رفته است.

قدیر افروند مدیر پایگاه میراث ملی ری به خبرگزاری «ایلنا» گفته است بیش از ۷۰ درصد از این محوطه تاریخی به دلیل عملیات‌های عمرانی تخریب شده و آثار برج‌ها و آرامگاه‌های تاریخی به طور کامل نابود شده‌اند.

گورستان تاریخی زیرین ری، که پیش‌ازاین توسط باستان‌شناسان مشهوری مانند یحیی کوثری و شهریار عدل شناسایی و کاوش شده است، شامل ۱۱۸ برج آرامگاه است. این گورستان چند هزارساله که در گذشته به‌عنوان یک «شهر مردگان» مشابه نکرپولیس آن شناخته می‌شد، یکی از مهمترین آثار تاریخی و باستانی ری است. اما پروژه بام ری که با هدف ایجاد تفرجگاه و جاذبه گردشگری در این منطقه

● پروژه «پارک گردشگری بام ری» در ۴۲ هکتار و در عرصه اثر ملی کوه «نقاره‌خانه» در شهر ری در حال اجرا است؛ پروژه‌ای که گفته می‌شود بدون مجوز و طرح تصویب‌شده توسط مراجع میراث فرهنگی از سوی شهرداری پیش می‌رود!

● یکی از مهمترین محوطه‌های تاریخی در این منطقه، گورستانی هزارساله در دامنه کوه نقاره‌خانه است که اکنون در پی خاکبرداری و تسطیح برای احداث پروژه‌های جدید، از بین رفته است.

● این پروژه پیشتر به دلیل شکایت وزارت میراث فرهنگی متوقف شده بود اما با وجود مخالفت‌های متعدد از سوی متخصصان میراث‌فرهنگی و باستان‌شناسان دوباره از سر گرفته شده است.

● انجمن علمی باستان‌شناسی ایران نیز به تازگی در نامه‌ای به مسئولان شهری و فرهنگی تهران و شهرستان ری، درباره پیامدهای منفی پروژه «بام ری» بر آثار تاریخی ثبت‌شده ملی شهری هشدار داده است.

گزارش‌ها حاکی از آنست که اجرای پروژه «پارک گردشگری بام ری» سبب تخریب بیش از ۷۰ درصد از گورستان هزارساله و نابودی کامل آثار ۱۱۸ «برج-آرامگاه» شناسایی شده در این محوطه تاریخی شده است.

انجام پروژه‌های عمرانی در شهرهای مختلف ایران سال‌هاست به تهدیدی جدی علیه میراث فرهنگی و بناهای تاریخی تبدیل شده و در مواردی به آثار مختلف آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر وارد شده است.

یکی از جدیدترین گزارش‌ها درباره این تخریب‌ها مربوط به اجرای پروژه‌ای با عنوان «پارک گردشگری بام ری» است

## برخلاف ادعای دولت اصلاح طلبان، بحران کمبود برق در سال آینده هم ادامه دارد



است اما مقامات دولت این اقدام را «مدیریت مصرف» می‌خوانند و در همین حال وزرای پزشکیان نیز در مواجهه با رسانه‌ها و افکار عمومی به فرافکنی پرداخته و یکدیگر را مسئول و مقصر جلوه می‌دهند.

در پی قطع برق اعلام نشده در تهران و چند شهر دیگر کشور در روز سه‌شنبه ۲۳ بهمن، وزارت نیرو دلیل خاموشی را افزایش مصرف گاز خانگی و محدودیت‌های تأمین سوخت نیروگاه‌ها عنوان کرد، در حالیکه وزارت نفت اعلام کرد سوخت به موقع تأمین شده و مشکل به مدیریت بازمی‌گردد.

این ادعاها با صدور بیانیه و مصاحبه‌هایی از سوی مقامات وزارتخانه‌های نفت و نیرو علیه یکدیگر ادامه پیدا کرد. هاشم اورعی استاد دانشگاه صنعتی «شریف» و رئیس اتحادیه انرژی در گفتگو با وبسایت «فرارو» در اینباره معتقد است «دعوا سر این است که مازوت و گازوئیل نداریم یا داریم و داده نمی‌شود».

او افزوده «مسئولان وزارتخانه‌های نفت و نیرو از یک سید بیرون آمده‌اند و به اصطلاح، از یک قماشند و در نتیجه ملت نمی‌توانند انتظار داشته باشند، مسئولان وزارت نفت بتوانند برنامه‌ریزی کنند و مسئولان وزارت نیرو نتوانند یا بالعکس، این‌ها با یک فرمول انتخاب شده‌اند که سالهاست غلط است. ماجرا از این قرار است که ما در هر دو بخش مشکلات جدی داریم.»

به گفته هاشم اورعی «وقتی ما نتوانیم گاز نیروگاه‌های کشور را تأمین کنیم، طبیعتاً کار ساده‌ای نخواهد بود که گازوئیل و مازوت جایگزین به نیروگاه‌ها برسایم. اساساً نیروگاه‌های ما تا ۹۰ درصد به گاز وابسته‌اند و در نتیجه روی هیچ چیز به جز گاز برنامه ریزی نکرده‌ایم.»

● **قطع برق در عمل به معنای «پاک کردن صورت مسئله» است اما مقامات دولت این اقدام را «مدیریت مصرف» می‌خوانند.**

● **هاشم اورعی کارشناس انرژی: بحران انرژی مثل زلزله، نابهنگام نبوده و در عرض یک شب رخ نداده که نشود تدبیری اندیشید. سوال این است که چرا وزارت نیرو در طول سالهای گذشته و اخیر، هیچ اقدامی برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی انجام نداده است؟**

● **مهدی عرب‌صادقی تحلیلگر انرژی: رویکرد رؤیایی ۳۰ هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر، سراب است و نتیجه آن اتلاف بیش از ۳۰ میلیارد دلار منابع ملی است برای نیروگاه‌هایی که بیش از ۲۵ درصد بهره‌وری ندارند و در واقع مناسب تأمین بار پایه نه در ایران بلکه در هیچ کجای دنیا نیست.**

● **گزارش‌ها حاکی از آنست که قطع مکرر برق و گاز نه تنها باعث خرابی تجهیزات و کاهش عمر ماشین‌آلات شده، بلکه به کاهش تولید و از دست رفتن بازارهای داخلی و خارجی نیز منجر شده است.**

دولت پزشکیان قطع برق بخش خانگی را به قطع برق بخش صنعت و کشاورزی افزوده و مدعی «مدیریت مصرف انرژی» است. این در حالیست که بحران اصلی ناتوانی در تولید برق مورد نیاز داخل است اما دولت هیچ راهکار موثری در اینباره ارائه نداده است.

در روزهای گذشته بار دیگر خاموشی‌ها به شهرهای مختلف ایران بازگشته و قطع برق در سردترین روزهای سال آسایش شهروندان را سلب و در زندگی آنها اختلال ایجاد کرده است.

قطع برق در عمل به معنای «پاک کردن صورت مسئله»

→ نرسیده است، اگرچه این محوطه واجد شرایط لازم برای ثبت در فهرست آثار ملی است.

به گفته قدیر افروند، «این را باید از دوستان میراث‌فرهنگی استان تهران پرسید که چرا گورستانی که قابلیت ثبت ملی دارد، تاکنون معطل مانده است.» او اشاره می‌کند که کوه نقاره‌خانه در سال ۱۳۱۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، اما هنوز سایر آثار پیرامون این کوه از جمله گورستان تاریخی زیرین و برین در فهرست آثار ملی ثبت نشده‌اند.

انجمن علمی باستان‌شناسی ایران نیز به تازگی در نامه‌ای به مسئولان شهری و فرهنگی تهران و شهرستان ری، درباره پیامدهای منفی پروژه «بام ری» بر آثار تاریخی ثبت‌شده ملی شهری، به‌ویژه گورستان تاریخی زیرین ری و کوه نقاره‌خانه، هشدار داده است.

در این نامه که به امضای «محمداسماعیل اسمعیلی جلودار»، رئیس هیئت‌مدیره انجمن علمی باستان‌شناسی ایران رسیده است، از عواقب جبران‌ناپذیر ادامه این پروژه بر میراث فرهنگی و تاریخی ری ابراز نگرانی شده است. در این نامه آمده است: «شهر ری با تاریخ و تمدنی چندین‌هزارساله، از جمله فرهنگ پیش از تاریخی هشت‌هزارساله چشمه علی، محوطه‌های باستانی مختلف و آثار اسلامی برجسته‌ای همچون مقام «عبدالعظیم الحسنی» در این منطقه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.» انجمن باستان‌شناسی ایران اشاره کرده که در طول یک قرن گذشته، اقدامات نادرست و بی‌توجهی به حفظ این میراث تاریخی، آسیب‌های زیادی به این شهر وارد کرده است. با این حال، در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای بازسازی و حفظ شکوه تاریخی ری آغاز شده است که از جمله آنها می‌توان به تلاش‌ها برای ثبت جهانی این منطقه اشاره کرد.

در بخش دیگری از نامه، انجمن علمی باستان‌شناسی ایران به پروژه «بام ری» یا «پارک گردشگری بام ری» که بر اثر شکایت وزارت میراث‌فرهنگی متوقف شده بود، اشاره و ابراز نگرانی کرده است که پس از متوقف شدن پروژه، شهرداری ری دوباره اقدام به ادامه عملیات غیرمجاز و غیرقانونی در گورستان تاریخی زیرین و کوه نقاره‌خانه کرده است. این انجمن از مسئولان خواسته است تا با همدلی و همکاری با وزارت میراث‌فرهنگی، این پروژه مخرب را متوقف کنند و به حفاظت و احیای این آثار تاریخی کمک کنند.

انجمن باستان‌شناسی ایران ضمن محکوم کردن اقدامات غیرقانونی شهرداری ری، عواقب این اقدامات را «جبران‌ناپذیر» ارزیابی کرده و از مسئولان خواسته است عاملان این تخریب‌ها را بازخواست کنند. همچنین، این انجمن خواسته است با همکاری مسئولان ملی و محلی، اقدامات لازم برای حفاظت از میراث فرهنگی ری و تسریع در فرایند ثبت جهانی این آثار انجام شود.

انجمن علمی باستان‌شناسی ایران بر این باور است که ادامه پروژه بام ری می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به میراث تاریخی ری وارد کند. این انجمن از مسئولان خواسته است با همکاری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، به حفاظت از آثار تاریخی این منطقه بپردازند.

اینهمه در حالیست که موارد مشابه نشان داده جمهوری اسلامی دغدغه‌ای برای حفظ میراث فرهنگی و بناهای تاریخی ندارد و به احتمال زیاد پروژه «پارک گردشگری بام ری» نیز با تصور کمک به صنعت گردشگری و با وجود هشدارهای کارشناسان و فعالان میراث فرهنگی تا بهره‌برداری پیش رفته و اجرایی خواهد شد.

رئیس اتحادیه انرژی با انتقاد شدید نسبت به عملکرد مقامات جمهوری اسلامی گفته «برنامه‌ریزی مسئولان برای مواجهه یا بهتر است بگویم پیشگیری از این بحران، در حد صفر و زیر صفر است. مسئولان زحمت کشیده‌اند و یک واژه اختراع کرده‌اند به نام «مدیریت مصرف». در این واژه همه چیز جا داده شده به جز مدیریت. از قطعی برق ملت تا عدم برنامه‌ریزی علمی. آقایانی که شبانه برق بخش‌های زیادی از پایتخت را قطع کرده‌اند، معتقدند در راستای مدیریت مصرف، برق را قطع کرده‌اند. دقیقاً واژه مدیریت کجای قطعی برق در سرمای شبانه زمستان جا می‌گیرد؟ در بخش صنعتی هم وضعیتی بدتر از بخش شهری است.»

هاشم اورعی تأکید کرده که بحران انرژی «مثل زلزله، ناپهنگام نبوده و در عرض یک شب رخ نداده که نشود تدبیری اندیشید. ما سالهاست می‌دانیم که با این مشکلات مواجهیم، سوال این است که چرا وزارت نیرو در طول سال‌های گذشته و اخیر، هیچ اقدامی برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی انجام نداده است؟ چرا سوخت‌های جایگزین و تجدیدپذیر، حداقل از ۱۵ سال قبل تا کنون مورد حمایت و جایگزینی، قرار نگرفته‌اند؟»

هاشم اورعی یک روز پیشتر نیز در گفتگو با وبسایت «انتخاب» با اشاره به اینکه «در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، در تابستان سال آینده، ۲۰ هزار مگاوات کسری برق خواهیم داشت» گفته بود که «باید دعا کنیم باران زیادی تا بهار ببارد که سدها پر شوند و هوا گرم نشود و اگر هر دو دعای ما بگیرد، یک سوم تولیدمان کسری خواهیم داشت؛ اگر میزان تقاضا خیلی بیشتر شود، شاید شبکه هم بخواهد.»

«ما بد مصرف می‌کنیم، از دولت گرفته تا من رئیس جمهور»؛ این جمله آخرین اظهارنظر مسعود پزشکیان درباره قطع برق است که در یک سخنرانی در سفر به استان بوشهر مطرح کرد. گرفتن انگشت اتهام به سوی مردم و همانطور که هاشم اورعی اشاره کرده متوسل شدن مسئولان حکومتی به عبارت «مدیریت مصرف» تنها اقدام «هماهنگ» برای حل بحران انرژی بوده است!

بسیاری از فعالان صنعتی معتقدند چهره دولت بر صنایع نفت و گاز و برق ایران طی چهار دهه گذشته از جمله دلائل توسعه‌نیافتگی این صنایع است. آنها معتقدند اگر این صنایع به بخش خصوصی سپرده شده بود اکنون در فضای رقابتی، وضعیت تولید انرژی در ایران متفاوت بود.

در همین رابطه حمیدرضا صالحی، نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، معتقد است حل بحران گاز و برق نیاز به تغییر نقش دولت دارد.

او توضیح داده که «در حال حاضر ۳۳ درصد مردم زیر خط فقر هستند؛ این در حالی است که ایران دومین منابع گاز دنیا و چهارمین منابع نفت دنیا را دارد. باید دولت نقش خود را تغییر دهد و اجازه دهد بخش خصوصی کار اصلی خود را بر عهده بگیرد.»

نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران تأکید کرده که «اگر رقابت افزایش یابد، مردم هم از آن استقبال می‌کنند. اما وقتی در رانت باز باشد، همه چیز چندنرخ می‌شود و مردم عادی هم دنبال رانت می‌روند تا کار نکنند. باید با مردم صحبت کنیم و بگویم این پول را به بیمارستان‌ها، راه‌آهن‌ها و زیرساخت‌ها اختصاص می‌دهیم. مردم اگر ببینند که دولت درست عمل می‌کند، به آن اعتماد خواهند کرد.»

اینهمه در حالیست که قطع برق در بخش صنعت و کشاورزی که از ابتدای سال تا کنون ادامه داشته و خسارت

سنگین اقتصادی را رقم زده است.

محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان نیز از عدم‌النفع ۹۰ هزار میلیارد تومانی صنعت ناشی از قطعی برق و گاز خبر داده است.

گزارش‌ها حاکی از آنست که قطع مکرر برق و گاز نه تنها باعث خرابی تجهیزات و کاهش عمر ماشین‌آلات شده، بلکه به کاهش تولید و از دست رفتن بازارهای داخلی و خارجی نیز منجر شده است.

علیرضا کلاهی صمدی، رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران، خسارات ناشی از قطع برق بالغ بر ۲۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران گفته «تنها در صنایع فلزی، کاهش صادرات به ۸ میلیارد دلار رسیده و در بخش معدن، زیان روزانه ۴۱ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شود.»

بر اساس مطالعات بانک جهانی هر یک درصد خاموشی رقمی بین ۰.۱ درصد تا ۰.۳ درصد تولید ناخالص داخلی را کاهش می‌دهد.

مهدی عرب‌صادق تحلیلگر حوزه انرژی اما در مطلبی در روزنامه «شرق» نوشته «میانگین انرژی برق تأمین‌نشده در کشور سه درصد است. بر این اساس تخمین متوسط کاهش تولید ناخالص داخلی ما با توجه به یارانه‌های هنگفت انرژی حدود ۰.۹ درصد است و این معادل چهار میلیارد دلار از ۴۶۰ میلیارد تولید ناخالص داخلی کل است. این رقم خسارت واقعی سالانه خاموشی است. البته ناگفته نماند نفس این میزان مصرف یعنی ۳۸۰ تراوات ساعت مطلقاً تناسبی با سهم ایران در شاخص تولید ناخالص داخلی ندارد. سهم ایران در تولید ناخالص داخلی در دنیا ۰.۳۸ درصد است.»

این تحلیلگر حوزه انرژی توضیح داده که بر اساس GDP ایران به میزان ۴۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ و مصرف برق کل حدود ۳۸۰ تراوات ساعتی، هزینه هر کیلووات ساعت خاموشی ۱.۲ دلار خواهد شد. اگر انرژی تأمین‌نشده معادل سه درصد انرژی کل در سال در نظر گرفته شود، ۱۱.۳ تراوات ساعت مجموع خاموشی به‌علاوه مدیریت مصرف خواهد بود و این میزان خسارت را به رقم سرسام‌آور ۱۳.۵ میلیارد دلار می‌رساند.

به عقیده مهدی عرب‌صادق رویکرد رؤیایی ۳۰ هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر، سراب است و نتیجه آن اتلاف بیش از ۳۰ میلیارد دلار منابع ملی است برای نیروگاه‌هایی که بیش از ۲۵ درصد بهره‌وری ندارند و درواقع مناسب تأمین بار پایه نه در ایران بلکه در هیچ کجای دنیا نیست.

او همچنین می‌گوید برخلاف آنچه ادعا می‌شود، در این نیروگاه‌ها احتساب ضریب تأثیر و ضریب بهره‌برداری مربوطه به‌ازای هر مگاوات به‌صورت غیرمستقیم بیش از دو میلیون دلار اعتبار می‌طلبد و این در حالی است که ارتقای نیروگاه‌های حرارتی از واحدهای گازی موجود به واحدهای سیکل ترکیبی در حدود ۲۰۰ هزار دلار برای هر مگاوات اعتبار می‌طلبد و از طرفی تولید برق پایدار دارند و برای واحدهای وارد مدارشده به‌صورت سیکل ترکیبی نیازی به مصرف گاز وجود ندارد.

مهدی عرب‌صادق با اشاره به وعده‌های مسعود پزشکیان و وزاری او درباره جبران کمبود برق با انرژی تجدیدپذیر در سال آینده نوشته «آقای رئیس‌جمهور، رفع ناترازی از طریق انرژی تجدیدپذیر سراب است، رؤیا نیست. توسعه، اصول تخصصی و فنی دارد و با هیجان‌های مسئولان، از بحران موجود به فاجعه خواهیم رسید.»

## «فاندبگیران»؛ اتهامات مطرح و پرسش‌های بی‌پاسخ

● «فاند» به معنی «تامین مالی» یا «کمک مالی» است. دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، موسسات خصوصی، بنیادهای فرهنگی یا وابسته به احزاب در کشورهای مختلف جهان بخش محدودی از بودجه خود را به تامین مالی، حمایت و کمک به اشخاص حقیقی یا حقوقی یا پروژه‌های مشخص اختصاص می‌دهند.

● غزال مدیریان: «دریافت «فاند» به خودی خود اشکالی ندارد. بسیاری از سازمان‌های معتبر حقوق بشری یا مراکز حمایت از پناهنجویان، از کمک‌های دولتی و غیردولتی برای پیشبرد اهداف‌شان استفاده می‌کنند. اما اشکال از جایی آغاز می‌شود که این کمک‌ها بدون نظارت کافی پرداخت شوند، یا به افرادی تعلق بگیرند که صرفاً برای منافع شخصی یا تبلیغات سیاسی، و نه برای بهبود شرایط، از آن استفاده کنند.»

حنیف حیدرنژاد- پس از شروع دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ، دولت ایالات متحده آمریکا در بهمن ماه ۱۴۰۳ / ژانویه ۲۰۲۵ اعلام کرد برای مدت ۹۰ روز کمک‌های مالی خارجی این دولت معلق خواهد شد. قرار است در این مدت بررسی شود که آیا پروژه‌هایی که تامین مالی می‌شوند با هدف اعلام‌شده‌ی ترامپ با شعار «اول آمریکا» همسوئی دارد یا نه. از زمان اعلام این خبر، بسیاری از گزارش‌ها در رسانه‌های مختلف فارسی‌زبان میزان کمک‌های دولت ایالات متحده به اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی را بالغ بر ۶۵ میلیون دلار اعلام کردند.

مطلب حاضر به موضوع «فاند» و «فاندبگیران» پرداخته و تلاش می‌کند تصویر روشن‌تری از این موضوع ارائه دهد.

### «فاند-Fund» چیست؟

«فاند» به معنی «تامین مالی» یا «کمک مالی» است. دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، موسسات خصوصی، بنیادهای فرهنگی یا وابسته به احزاب در کشورهای مختلف جهان بخش محدودی از بودجه خود را به تامین مالی، حمایت و کمک به اشخاص حقیقی یا حقوقی یا پروژه‌های مشخص اختصاص می‌دهند. این کمک‌ها اغلب رسمی و علنی بوده و حوزه‌های مختلفی از جمله پروژه‌های بهداشتی، علمی، آموزشی، حقوق بشری، سیاسی و پروژه‌های تکنولوژیک را شامل می‌شود.

معمولاً تامین‌کننده کمک مالی در وبسایت رسمی، اهداف خود را مشخص و شرایطی را که بر اساس آنها یک فرد حقیقی یا حقوقی می‌تواند درخواست داده و کمک مالی دریافت کند، مشخص می‌کند. در قراردادهایی که هنگام تأیید یک پروژه برای تامین مالی امضا می‌شود مدت تامین مالی یا نوع کمک‌های غیرنقدی مشخص شده و روش‌های کنترل و حسابرسی تعیین و شرایط تمدید در سال‌های بعد مشخص می‌شود. همچنین مشخص می‌شود در صورت تخلف



و کلاهبرداری چه اقدامات تنبیهی به اجرا گذاشته شده و چگونه ممکن است کمک مالی به تعلیق درآمده، قطع شده یا حتی در صورت تخلف، پرونده به دادگاه برده شود. مکانیزم‌های کنترل برای جلوگیری از تخلف و کلاهبرداری در کشورهای مختلف با هم فرق کرده و بسته به اینکه تامین کننده مالی یک نهاد دولتی یا خصوصی باشد، ممکن است اطلاعات مربوط به این کمک‌های مالی در معرض دسترسی عموم قرار داده شده یا محرمانه بماند. معمولاً دریافت کنندگان کمک‌های مالی موظف هستند تامین کنندگان مالی خود را معرفی و نام و لوگوی نهاد تامین کننده را در وبسایت یا در نامه‌های رسمی خود اعلام کنند. بسیاری از کشورهایی که کمک مالی ارائه می‌دهند بر «گردش آزاد اطلاعات» تاکید داشته و خواهان آن هستند که بر اساس اصل «شفافیت»، هم تامین کننده و هم دریافت کننده کمک، اطلاعات مربوط به پروژه خود را در اختیار افکار عمومی قرار داده و دسترسی به آن را میسر کنند.

نهادهای دریافت کننده کمک‌های مالی در اساس به عنوان یک موسسه یا انجمن «عام‌المنفعه» یا «غیرانتفاعی» ثبت شده و هدف آنها نباید کسب سود شخصی برای مسئولین و افراد شاغل در آن موسسه باشد. هر نشانه‌ای مبنی بر استفاده شخصی از کمک‌های مالی توسط مسئولین یا افراد شاغل در نهادهای دریافت کننده، موضوعی است که باید با دقت و حساسیت بررسی شده تا اطمینان حاصل شود منشأ و مبدأ تخلف کجاست. در بسیاری موارد این تخلفات از طریق حساب‌سازی، رقم‌سازی و دست بردن در اسناد مالی انجام شده و هزینه‌های واقعی با مبالغ آورده شده بر روی کاغذ تطابق و همخوانی ندارد. از همین رو کنترل دقیق اسناد مالی از سوی بازرسان مستقل ضروری است تا این تخلفات کشف شوند.

### کمک‌های مالی ایالات متحده به «فاندبگیران» ایرانی

بسیاری از انجمن‌ها، موسسات یا نهادهای ایرانی در خارج کشور با کمک «فاند» و کمک‌های مالی ایجاد شده یا به فعالیت خود ادامه می‌دهند. منبع برخی از این «فاند»ها دولت‌ها یا بنیادها و نهادهای غیردولتی‌اند. دولت ایالات متحده آمریکا یکی از اصلی‌ترین تامین کنندگان مالی اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی در حوزه‌های مختلف است. نهادهای ایرانی که کمک‌های مالی دولت ایالات متحده آمریکا به آنها پرداخت می‌شود، حوزه‌های مختلفی را پوشش می‌دهند از جمله در حوزه حقوق بشر (به ویژه در زمینه مستندسازی)، حوزه آموزشی (در زمینه حقوق بشر یا ارزش‌های دموکراتیک)، حوزه سیاسی (در زمینه دموکراسی و ساختارهای سیاسی). حوزه فنی- تکنولوژیک (در زمینه رفع فیلترینگ اینترنت) و نهایتاً در حوزه رسانه (راديو- تلویزیون).

در کنار گزارش‌های کوتاه و اغلب غیردقیق، کلی و مبهم که در رسانه‌های فارسی‌زبان در مورد «فاندبگیران» ایرانی در ایالات متحده آمریکا منتشر شده است، غزال مدیران یک ایرانی ساکن کانادا با انگیزه کشف حقیقت و آگاهی‌رسانی، به تحقیق در این مورد پرداخته است. او توانست با روش قانونی و تلاش، منابع رسمی متعددی را که اطلاعات مربوط به گروه‌های ایرانی دریافت کننده «فاند» را در اختیار دارند، پیدا کند. او با دقت به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته و با مطابقت دادن این داده‌ها با آنچه «فاندبگیران» در وبسایت‌های خود ادعا می‌کنند، تخلفات یا تناقضات زیادی را کشف کرده است. او در مورد برخی از افراد، اتهاماتی را مطرح کرده ولی در بیشتر موارد به طرح

کرده یا کمتر به آن می‌پردازند. از این طریق آنها این هدف را دنبال می‌کنند که بر تحولات سیاسی- اجتماعی در ایران تاثیر گذاشته تا میدان را برای قدرت گرفتن یک جریان سیاسی مشخص تقویت کنند. چنین رویکردی با ماهیت حرفه‌ای فعالیت‌های حقوق بشری مغایرت دارد. ادامه این روش می‌تواند به اعتبار فعالیت‌های حقوق بشری آسیب رسانده و موجب بی‌اعتمادی مردم به چنین نهادهایی شود - فعالیت برخی از این موسسات و گروه‌های حقوق بشری تنها به زندانیان سیاسی تقلیل داده شده و زندانیان عادی و دیگر موارد نقض حقوق بشر را پوشش نداده یا بطور جدی به آن نمی‌پردازند. از جمله موضوعات مربوط به محیط زیست، بهداشت و درمان، تحصیل و آموزش، فقر و گرسنگی و...

- مواردی وجود دارد که برخی از «فاندبگیرها» در سطح مدیران موسسات، در فعالیت‌های تجاری یا خرید و فروش املاک یا ثبت شرکت‌های پوششی شرکت داشته‌اند. رقم‌های بسیار بالایی که در این فعالیت‌ها جابجا شده پرسش‌برانگیز است. منشأ پول‌های استفاده شده نامشخص است. همزمانی آن فعالیت‌های تجاری با شروع پروژه‌ها و دریافت «فاند»، این تردید را ایجاد می‌کند که ممکن است پول‌های دریافت شده تحت عنوان پروژه‌های حقوق بشری، برای اهداف شخصی هزینه شده باشد.

- حداقل در یک مورد مدیران یک سازمان حقوق بشری دچار تخلفات جزائی شده و زندانی بوده‌اند. با اینهمه مطابق اسناد مالی موجود، آنها همچنان «فاند» دریافت کرده‌اند.

### چرا توجه به موضوع «فاندبگیرها» مهم است؟

درخواست کمک مالی و دریافت کمک مالی از نهادهای دولتی یا غیردولتی به خودی خود اشکالی ندارد. در کشورهای دموکراتیک این یک روند قانونی است. اما «فاند» گرفتن در موارد زیر مشکل‌ساز بوده و قابل دفاع نیست: اگر «فاندبگیر» در مورد گرفتن کمک مالی و میزان پول دریافتی و هزینه‌هایی که می‌کند شفاف نباشد. هزینه‌های انجام شده باید از طریق بازرسی مستقل قابل کنترل باشد. اگر با منافع ملی ایران تعارض داشته یا با آن در تضاد باشد.

اگر با اصول حقوق بشر و اصول دموکراسی مغایرت

پرسش می‌پردازد. پرسش‌هایی که بی‌پاسخ مانده‌اند. غزال مدیران اسنادی را که به دست آورده در صفحه اینستاگرام خود در اختیار عموم قرار داده و در چند گفتگوی تصویری در مورد انگیزه و یافته‌هایش صحبت کرده است.

### شبکه «فاندبگیرها» و برخی ویژگی‌های آنها

تحقیقات غزاله مدیران در مورد «فاندبگیران» ایرانی در حوزه حقوق بشر و دیگر حوزه‌ها که در آمریکا ساکن هستند، تا کنون چندموضوع را مشخص می‌کند:

- «فاندبگیرها» کم و بیش همدیگر را می‌شناسند و در موارد مختلف در این یا آن پروژه «مُعرف» یکدیگر بوده و همدیگر را تأیید کرده یا همدیگر را به عنوان کارشناس مهمان دعوت می‌کنند. چنین دعوت‌هایی همراه با پرداخت دستمزد، هزینه رفت و آمد و اقامت در هتل است. به مرور زمان این افراد شبکه‌ای تشکیل داده و جدا از موضوعات حقوق بشری، هر جا لازم باشد از هم حمایت می‌کنند. ادامه این وضعیت یک طیف سیاسی مشخص را دارای تریبون و بلندگو کرده و دیگر اندیشه‌ها را حذف می‌کند.

- تامین کنندگان کمک‌های مالی، عمدتاً موسسات یا نهادهای دولتی ایالات متحده آمریکا و متمایل به حزب دموکرات هستند. به ویژه آن بخش که به دنبال مماشات با جمهوری اسلامی هستند. آنها با تغییر رژیم در ایران مخالف و به دنبال مماشات و کنار آمدن با جمهوری اسلامی هستند - برخی از افرادی که «فاند» دریافت می‌کنند، به ویژه در سطوح مدیریتی، افرادی هستند که در گذشته با اصلاح‌طلبان حکومتی ارتباط داشته یا با محمدجواد ظریف و اتاق‌های فکری که از سوی جمهوری اسلامی حمایت می‌شوند، ارتباط داشته‌اند. برخی از این موسسات یا اتاق‌های فکر به نفع جمهوری اسلامی لابی‌گری کرده‌اند.

- برخی از موسسات یا گروه‌های حقوق بشری که «فاند» می‌گیرند، در گزارش‌های خود برخی زندانیان سیاسی را بیشتر مطرح کرده و در مورد برخی دیگر از زندانیان سیاسی یا گزارش نمی‌دهند یا بسیار مختصر به آنها اشاره می‌کنند. این، یعنی آنها حقوق بشر را «خودی و غیرخودی» می‌کنند. به نظر می‌رسد که آنها عامدانه و آگاهانه سیاست هدمفندی برای «معروف کردن چهره‌های مشخصی» را دنبال می‌کنند. به نظر می‌رسد آنها جهت‌گیری سیاسی مشخصی را دنبال کرده و جریان یا جریان‌های سیاسی دیگر را عامدانه بایکوت

داشته یا با آن در تضاد باشد.

دریافت‌کننده کمک مالی باید نهادی باشد که فعالیت‌هایش عام‌المنفعه بوده و نباید پول دریافتی برای مصارف شخصی یا گروهی استفاده شود.

اگر پرداخت‌کننده پول، نیروی غیردموکراتیک بوده یا منشأ پول آن با غارت و چپاول یا با خون و سرکوب آغشته شده باشد، نباید و نمی‌توان به چنین جانی درخواست کمک مالی داد یا از آنجا کمک مالی را پذیرفت.

اگر پرداخت‌کننده یا دریافت‌کننده پول قصد داشته باشد از طریق پروژه‌های مشخص، اما به نام حقوق بشر یا دفاع از دموکراسی، دفاع از حقوق بشر، دفاع از حقوق زنان و... اهداف سیاسی مشخصی را دنبال کرده و یک نیروی مشخص سیاسی را تقویت یا نیروی دیگری را ضعیف یا حذف کند، چنین پروژه‌های ماهیت سیاسی داشته و باید با همان نام و بطور شفاف اعلام شود تا مردم با ماهیت آن آشنا باشند.

استفاده ابزاری و پوششی از حقوق بشر، دموکراسی، حقوق زنان و... عملی فریبکارانه و غیراخلاقی است و باعث بی‌اعتمادی مردم به چنین نهادهایی می‌شود. حقوق بشر در ایران با «خون» نوشته شده و تداعیگر دستگیری، سرکوب، زندان، شکنجه، تجاوز، اعدام، کشتار و... است. سوء استفاده ابزاری از حقوق بشر یا دموکراسی با هدف تجارت و ایجاد «دکان» برای خود و تامین سود شخصی یا گروهی، برابر است با «خونخواری».

همه اشخاص، موسسه‌ها یا نهادهایی که در معرض این اتهام قرار گرفته‌اند که «فاند»های دریافتی را برای اهداف شخصی یا گروهی استفاده کرده‌اند، موظفند برای روشن کردن افکار عمومی و برای بازگرداندن اعتماد نسبت به خود، بطور شفاف در مورد اتهامات یا پرسش‌های مطرح شده پاسخ دهند. عدم پاسخگویی می‌تواند به معنی تأیید ادعاها یا اتهامات مطرح شده باشد. شفافیت و پاسخگویی از الزامات دموکراسی است.

در کشورهای دموکراتیک در کنار خبرنگاران تحقیقی، نهادها و انجمن‌هایی وجود دارند که در آنجا شهروندان مسئول، با روش‌های قانونی شخصیت‌ها، کارگزاران و مسئولین حکومتی یا غیرحکومتی را زیر ذره‌بین برده و بر اساس اصل «شفافیت و پاسخگویی» دارائی‌ها، منابع درآمد، نقل و انتقالات مالی آنها را زیر نظر می‌گیرند. برخی از این نهادها سالانه گزارش مالی ارائه داده و موارد فساد و کلاهبرداری را به اطلاع مردم می‌رسانند. موارد جدی به دادستانی‌ها ارجاع داده شده یا خود دادستان‌ها رأساً پیگیری‌های حقوقی را به دست می‌گیرند.

در سطح بین‌المللی سازمان شفافیت بین‌المللی (Transparency International) یک سازمان غیردولتی مستقر در برلین آلمان با تمرکز بر پیشگیری و مبارزه با فساد در سطوح ملی و بین‌المللی تلاش می‌کند تا با افزایش شفافیت و پاسخگویی، به بهبود مدیریت کشور و کاهش فساد کمک کند. این نهاد در سال ۱۹۹۳ تأسیس شده و در حدود ۱۰۰ کشور نمایندگی دارد.

این حق شهروندان ایرانی است که شجاعانه و مسئولانه نهادها، موسسات یا چهره‌ها و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای یا نهادها و شخصیت‌های حقوق بشری را- چه در داخل یا خارج کشور- زیر نظر گرفته و در صورت مشاهده تخلف، آن را به اطلاع افکار عمومی برسانند. بر این اساس، تلاش‌های غزاله مدیران اهمیت دارد.

در چنین روشنگری‌ها یا افشاگرانهایی باید دقت کرد که مرز بین «تخلف»، «ظن»، «اتهام»، «جرم» یا پرسش‌های

موجه، از هم جدا بوده و زمینه‌ای برای اتهام زدن بی‌پایه و اساس ایجاد نشود. چنین روشنگری‌هایی نباید زمینه‌ای برای تخریب شخصیت یا تسویه حساب‌های شخصی و گروهی در شبکه‌های اجتماعی شود. جایی که در آنجا می‌توان به سادگی و به صورت ناشناخته اسناد را دستکاری کرد و با ترور شخصیت به بازار شایعه دامن زد. از همین روست که باید در طرح موضوع و زبان به کار گرفته شده در طرح مطلب بسیار دقت کرد. استفاده از تیت‌های جنجالی می‌تواند باعث جلب توجه و بالا رفتن تعداد خواننده و بیننده مطلب شود، اما اگر اصول حرفه‌ای و اخلاقی در نوع ارائه مطلب رعایت نشود، چنین روشنگری‌هایی می‌تواند به شایعه‌سازی و ایجاد فضای بی‌اعتمادی راه برد. همچنین باید به لحاظ فنی، عکس‌ها و سندها به شکلی انتشار داده شوند که منبع اصلی در آن قابل تشخیص بوده، به نحوی که در صورت دستکاری، قابل تشخیص باشد.

### پرسش و پاسخ با غزال مدیران

برای آشنائی با تلاش‌های غزال مدیران، پرسش و پاسخی از طریق ایمیل با او انجام شد که در ادامه می‌خوانید:

● انگیزه شما از کار تحقیقی و تمرکز بر موضوع «فاند» بگیرها، به ویژه در مورد سازمان‌های حقوق بشری چیست؟

انگیزه اصلی من بررسی این مسئله است که آیا «فاند»هایی که به نام حقوق بشر، حمایت از پناهندگان یا دفاع از دموکراسی پرداخت می‌شوند، واقعاً در راستای اهداف اعلام شده خرج می‌شوند یا نه. در طی تحقیقاتم مشخص شد که بسیاری از این سازمان‌ها نه تنها اثرگذاری لازم را ندارند، بلکه در برخی موارد مستقیماً در جهت مخالف ادعاهای خود عمل کرده‌اند. همچنین این پرداخت‌ها باعث شده‌اند که برخی افراد و گروه‌ها بجای فعالیت‌های مستقل و واقعی، بیشتر درگیر بازی‌های سیاسی و مالی شوند.

● آیا دریافت «فاند» به خودی خود اشکال دارد؟

دریافت «فاند» به خودی خود اشکالی ندارد. بسیاری از سازمان‌های معتبر حقوق بشری یا مراکز حمایت از پناهنجویان، از کمک‌های دولتی و غیردولتی برای پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کنند. اما اشکال از جایی آغاز می‌شود که این کمک‌ها بدون نظارت کافی پرداخت شوند، یا به افرادی تعلق بگیرند که صرفاً برای منافع شخصی یا تبلیغات سیاسی، و نه برای بهبود شرایط، از آن استفاده کنند.

● منبع پولی که پرداخت‌کنندگان «فاند» در آمریکا به دریافت‌کنندگان پرداخت می‌کنند، کجاست؟ آیا از پول مالیات‌دهندگان است یا منبع دیگری دارد؟

در اغلب موارد، این «فاند»ها از بودجه‌های عمومی و از جیب مالیات‌دهندگان کشورهای غربی تأمین می‌شود. در برخی موارد، مؤسسات خصوصی یا بنیادهایی مثل بنیادهای مرتبط با دولت‌های غربی، پول‌هایی را اختصاص می‌دهند. اما نکته مهم این است که در بسیاری از مواقع، مکانیزم‌هایی که برای نظارت بر این «فاند»ها وجود دارد، ناکارآمدند یا به عمد نادیده گرفته شده‌اند.

● آیا تخلفاتی که شما پیدا کرده‌اید برای پرداخت‌کنندگان «فاند»ها مشخص بوده؟ اگر آری، چرا با وجود آگاهی از تخلفات به این پرداخت‌ها ادامه داده‌اند؟

-بله، در موارد زیادی این تخلفات برای نهادهای

پرداخت‌کننده مشخص بوده. برخی از آنها به دلیل لابیگری و روابط سیاسی، چشم خود را بر این مسائل بسته‌اند. در برخی موارد، آنها حتی از این سازمان‌ها برای اجرای سیاست‌های خود در کشورهای دیگر استفاده می‌کنند. بنابراین، بعضی از این تخلفات عامدانه نادیده گرفته می‌شوند.

● آیا اشخاص حقیقی یا حقوقی که شما موارد تخلف را در مورد آنها انتشار داده‌اید، تا کنون واکنشی در رابطه با گزارش‌ها و روشنگری‌های شما نشان داده‌اند؟

-بله، برخی از افراد و سازمان‌هایی که درباره آنها روشنگری کرده‌ام، به روش‌های مختلف سعی در بی‌اعتبار کردن گزارش‌های من داشته‌اند. برخی تلاش کرده‌اند مرا با اتهامات جعلی مورد حمله قرار دهند، در حالی که برخی دیگر سعی کرده‌اند از طریق نفوذ در رسانه‌ها، انتشار این گزارش‌ها را کم‌اثر کنند. اما با توجه به اینکه اطلاعات و مدارک من مستند و قابل بررسی است، این تلاش‌ها تا کنون موفق نبوده است.

● آیا رسانه‌های فارسی‌زبان جریان اصلی (ایران اینترنشنال، صدای آمریکا، بی بی سی، رادیو فردا و...) با شما تماس گرفته و علاقه‌ای به کار تحقیقی شما نشان داده‌اند؟ اگر آری، نتیجه چه بوده و اگر نه، دلیل آن را چه می‌دانید؟

-خیر، این رسانه‌ها نه تنها علاقه‌ای نشان نداده‌اند، بلکه در برخی موارد حتی سعی کرده‌اند این موضوعات را سانسور کنند. دلیل آن این است که برخی از این رسانه‌ها خودشان به سازمان‌هایی وابسته هستند که همین «فاند»ها را دریافت می‌کنند و در بسیاری از موارد، به نهادهایی که این پول‌ها را پرداخت می‌کنند وابسته‌اند. بنابراین، پوشش دادن این موضوعات برایشان به معنای به خطر انداختن منافع مالی و سیاسی‌شان است.

● چگونه می‌توان پرداخت‌کنندگان «فاند» را نسبت به کم‌کاری و بی‌دقتی آنها در عدم تشخیص خلافکاری‌ها و تکرار پرداخت در سال‌های بعد به پاسخگویی کشاند؟

-بهترین راه برای پاسخگو کردن این نهادها، انتشار عمومی تخلفات و جلب توجه افکار عمومی است. اگر مردم، روزنامه‌نگاران مستقل و نمایندگان پارلمان‌های کشورهایی که این «فاند»ها را پرداخت می‌کنند، از این تخلفات آگاه شوند، می‌توانند برای تغییر قوانین و اعمال نظارت بیشتر فشار بیاورند. ایجاد کارزارهای رسانه‌ای و ارسال گزارش‌های مستند به پارلمان‌ها و نهادهای نظارتی نیز از روش‌های موثر است.

● چگونه می‌توان دریافت‌کنندگان «فاند»ها را در برابر تخلفات انجام شده و روشنگری‌ها به پاسخگویی در برابر افکار عمومی و قبول مسئولیت کشاند؟

-برای این کار، باید مستندات این تخلفات را به شکل گسترده منتشر کرد و از رسانه‌های مستقل و شبکه‌های اجتماعی برای آگاه ساختن مردم استفاده کرد. همچنین می‌توان با برگزاری نشست‌ها، نوشتن مقالات تحقیقی و ارائه گزارش‌های مستند، بر این افراد و سازمان‌ها فشار وارد کرد تا مجبور به پاسخگویی شوند. اگر افراد و سازمان‌های متخلف بدانند که افکار عمومی آگاه شده و نظارت افزایش یافته، دیگر به راحتی نمی‌توانند به فعالیت‌های غیرشفاف خود ادامه دهند. فساد در سیستم پرداخت «فاند»های حقوق بشری و سیاسی، مسئله‌ای جهانی است و تنها به یک کشور یا منطقه محدود نمی‌شود. برای اصلاح این روند، نیاز به افشاگری، نظارت و شفافیت بیشتر داریم.

# افزایش خودکشی در ایران؛ زنان خانه‌دار، کارگران، دانش‌آموزان و دانشجویان در صدر آمارها



● حمید یعقوبی رئیس انجمن پیشگیری از خودکشی ایران با بیان اینکه آمار خودکشی در دسترس اساتید دانشگاه و پژوهشگران قرار نمی‌گیرد گفته «آمار خودکشی در ایران تا سال ۱۴۰۱ منتشر شده بود اما بعد از آن متوقف شد.»

● سعید معیذفر رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران با تأکید بر اینکه «خودکشی در سال‌های آینده شتاب بیشتری پیدا می‌کند» گفته «ما وارد فرآیندی شده‌ایم که به خودکشی شتاب داده است، آنچه در حال رخداد است، خطرناک به نظر می‌رسد.»

● در سال ۱۴۰۱ زنان خانه‌دار، رتبه چهارم مرگ ناشی از خودکشی را داشتند، اما در اقدام با ۳۲/۸ درصد اول بودند؛ بعد از آنها کارگران قرار می‌گیرند با ۱۸/۸ درصد و رتبه بعدی به دانش‌آموزان اختصاص پیدا می‌کند با ۱۵/۲ درصد!

آمار خودکشی در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد بیشترین آمار مربوط به زنان خانه‌دار، کارگران، دانش‌آموزان و دانشجویان بوده است. در سال‌های گذشته به علت مشکلات اقتصادی و احساس ناکامی برای داشتن یک زندگی عادی، آمار اقدام به خودکشی در ایران با افزایش چشمگیری روبرو شده است.

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی از چهاردهمین همایش سلامت روان و رسانه با عنوان «آرزومندی، نابرابری و سلامت روان» با تأکید به «بحرانی» بودن نرخ خودکشی در ایران نوشته در سه چهار سال اخیر، هر سال ۱۰ درصد به آمار خودکشی افزوده شده؛ روانپزشکان و فعالان حوزه روان، نسبت به روند رو به رشد پایان‌دادن به زندگی در کشور، هشدار می‌دهند. آنها می‌گویند، جهشی در این زمینه رخ داده که آمار ایران را حتی نسبت به کشورهای دیگر افزایش داده است.

حمید یعقوبی روانشناس بالینی و رئیس انجمن پیشگیری از خودکشی ایران در این همایش از توقف اعلام آمار خودکشی از سال ۱۴۰۱ خبر داد و گفت: «ما بر افزایش شفافیت در آمار مربوط به خودکشی تأکید می‌کنیم اما در همین رابطه برای من در دادسرای فرهنگ و رسانه به اتهام نشر اکاذیب، پرونده تشکیل دادند. آنجا به من گفتند که چرا گفته‌ام آمار خودکشی در ایران محرمانه است. درحالی‌که این آمارها روی سایت و در دسترس عموم نیست.»

او با بیان اینکه آمار خودکشی در دسترس اساتید دانشگاه و پژوهشگران قرار نمی‌گیرد گفت که «در همه جای دنیا، آمار خودکشی روی سایت‌ها قرار دارد؛ جز ایران. آمار خودکشی در ایران تا سال ۱۴۰۱ منتشر شده بود اما بعد از آن متوقف شد.» او در همین نشست آمارهای مهمی از میزان خودکشی در ایران و جهان و مقایسه آنها ارائه داد.

حمید یعقوبی با اشاره به اینکه «آمار خودکشی در جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال به‌عنوان سومین علت مرگ شناخته می‌شود» گفته که «از سال ۹۰ تاکنون، روند خودکشی در کشور بالا رفته. یعنی در سال ۹۰ از ۴/۷ به ۸/۱ در سال ۱۴۰۱ و در سال ۱۴۰۲ به ۸/۹ رسیده و امسال هم احتمالاً آمار بیشتر است. آمارها نشان می‌دهد که در سه، چهار سال اخیر، هر سال ۱۰ درصد به مرگ‌های ناشی از خودکشی اضافه شده

دنیا ۵۸ درصد خودکشی‌ها مربوط به افراد زیر ۵۰ سال است و ۴۲ درصد هم بالای ۵۰ سال. در ایران اما ۸۰ درصد خودکشی‌ها برای افراد زیر ۵۰ سال است. یعنی در ایران، خودکشی نیروهای مولد و جوانان را از بین می‌برد و نشان‌دهنده ناامیدی در کشور است!

سعید معیذفر رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران به عنوان یکی دیگر از سخنرانان این همایش نیز با تأکید بر اینکه «خودکشی در سال‌های آینده شتاب بیشتری پیدا می‌کند» گفته «ما وارد فرآیندی شده‌ایم که به خودکشی شتاب داده است، آنچه در حال رخداد است، خطرناک به نظر می‌رسد. اقتصاد کشور به سمت فروپاشی تمام‌عیار رفته، اگر نتوانیم مسئله‌مان را با دنیا حل کنیم، به گفته کارشناسان، سال آینده همین موقع نرخ ارز به بالای یک میلیون تومان می‌رسد.»

رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران افزوده «ما همین حالا با موارد زیادی از اقدام به خودکشی مواجهیم که تحت‌عنوان خودکشی آنومیک می‌شناسیم، مردم دچار استیصال شده‌اند، میزان اعتماد اجتماعی به‌سرعت پایین رفته و کار به جایی رسیده که تمام ارتباطات اجتماعی مختل می‌شود.» به گفته او، این وضعیت به خانواده‌ها هم کشیده شده؛ آمارها نشان می‌دهد که بالاترین میزان قتل در خانه‌ها رخ می‌دهد. درحالی‌که قبلاً خانواده، ضربه‌گیر تمام مشکلات جامعه بود اما اکنون خود خانواده درگیر بحران شده است. قبلاً خانواده مورد حمایت بود، امروز اما هیچ‌کس را ندارد. در چنین شرایطی آدم‌ها نسبت به بی‌اعتمادی می‌شوند.

سعید معیذفر توضیح داده که «ما امروز با وضعیتی مواجهیم که به‌سمت آنومی اجتماعی می‌رویم که همزمان با بحران اقتصادی رخ داده است و هیچ افقی برایش وجود ندارد و همزمان درگیر گسست‌های اجتماعی و نبود نهاد اجتماعی هستیم. در این میان سیستم هم تلاش کرده تا همه جا را محدود کند. مثلاً همین سازمان‌های مردم‌نهاد که مجوزشان در بخش امنیتی بررسی می‌شود درحالی‌که این وظیفه وزارت کشور است.»

دیگر آمارهای ارائه شده از سوی این رئیس انجمن پیشگیری از خودکشی ایران نشان می‌دهد «در سال ۱۴۰۱، ۴۸ درصد از طریق دار زدن و ۱۸ درصد از طریق قرص برنج اقدام به خودکشی کرده‌اند. در استان مازندران ۴۸ درصد موارد خودکشی با قرص انجام می‌شود و ۸۳ درصد هم با مسمومیت دارویی. سازمان جهانی بهداشت می‌گوید که دسترسی‌ها را محدود کنید، ما در استان مازندران اگر این قرص‌ها را کنترل کنیم، تعداد زیادی از خودکشی‌ها کم می‌شود.»

رئیس انجمن پیشگیری از خودکشی ایران افزوده که «در سال ۱۴۰۱ زنان خانه‌دار، رتبه چهارم مرگ ناشی از خودکشی را داشتند، اما در اقدام با ۳۲/۸ درصد اول بودند، بعد از آنها کارگران قرار می‌گیرند با ۱۸/۸ درصد و رتبه بعدی به دانش‌آموزان اختصاص پیدا می‌کند با ۱۵/۲ درصد.»

همچنین استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، همدان و چهارمحال و بختیاری، به عنوان استان زاگرس‌نشین بالاترین میزان خودکشی را در کشور دارند. بعد از آنها استان‌های گیلان، لرستان، اردبیل، آذربایجان شرقی و... قرار می‌گیرند و استان‌های سمنان، هرمزگان، خراسان‌ها، هرمزگان و... هم کمترین آمار را دارند.

میزان خودکشی در کل کشور ۸/۱ است اما در ایلام ۱۸/۷، یعنی دوونیم برابر کل کشور. براساس نوع شغل هم در ایران، ۳۲ درصد خودکشی‌ها به طبقه کارگری مربوط می‌شود؛ یعنی حدود یک‌سوم. بعد از آنها دانشجویان و دانش‌آموزان با ۱۹ درصد و در رتبه بعدی خانه‌داران با ۱۱ درصد و مشاغل آزاد با ۱۱ درصد قرار می‌گیرند. ۷۶ درصد خودکشی‌های کشور هم از سوی افراد با تحصیلات پایین رخ می‌دهد. انتظار می‌رفت که تاهل افراد به‌عنوان عامل پیشگیری‌کننده از خودکشی به‌شمار رود، اما شواهد این را نشان نمی‌دهد.

بر اساس اعلام این روانشناس، جوانان ۲۵ تا ۳۴ سال بیشترین اقدام به خودکشی را در سال ۱۴۰۰ داشتند، در

## گزارشی از پنجاه و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم روتردام

● امسال ۴۸۲ فیلم (۲۳۴ فیلم بلند، ۲۴۸ فیلم کوتاه و نیمه‌بلند) از ۹۴ کشور در بخش‌های مختلف این جشنواره در ۱۴۰۵ نوبت اکران به نمایش درآمدند. در این میان ۲۰۱ فیلم اولین نمایش جهانی را در این جشنواره داشتند. ویژگی فستیوال فیلم روتردام در اینست که با وجود این حجم از نمایش برای بیش از سیصد هزار تماشاگر مشتاق و حدود سه هزار میهمان، معمولاً صندلی هیچ نمایشی خالی نمی‌ماند.

رضا چاوک - پنجاه و چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم روتردام که از ۳۰ ژانویه آغاز شده بود، روز یکشنبه ۹ فوریه به کار خود پایان داد. مدیریت امسال جشنواره با وانیا کالوجرچیک Vanja Kaludjeric بود.

امسال ۴۸۲ فیلم (۲۳۴ فیلم بلند، ۲۴۸ فیلم کوتاه و نیمه‌بلند) از ۹۴ کشور در بخش‌های مختلف این جشنواره در ۱۴۰۵ نوبت اکران به نمایش درآمدند. در این میان ۲۰۱ فیلم اولین نمایش جهانی را در این جشنواره داشتند. ویژگی فستیوال فیلم روتردام در اینست که با وجود این حجم از نمایش برای بیش از سیصد هزار تماشاگر مشتاق و حدود سه هزار میهمان، معمولاً صندلی هیچ نمایشی خالی نمی‌ماند. امسال نیز چون سال‌های گذشته نمایش فیلم‌های مستقل و تجربی در کانون توجه این جشنواره قرار داشت.

### فیلم‌های بازگشایی و پایانی جشنواره

جشنواره با فیلم هلندی «فابولا» Fabula ساخته میشیل تن هورن Michiel ten Horn گشایش یافت و با فیلم «شهر میدان نبرد است» This City is a Battlefield پایان یافت. این فیلم اثر فیلمساز اندونزیایی مولی سوریا Mously Surya است که با کمک مالی فوندز هوبرت بالز وابسته به فستیوال فیلم روتردام ساخته شده بود.

### بخش مسابقه و جایزه

جشنواره جهانی فیلم روتردام گرچه در سال‌های اول به صورت غیرمسابقه‌ای برگزار می‌شد، ولی از سال ۱۹۹۵ به شکل رقابتی درآمد و جایزه‌ای به نام جایزه ببر Tiger Award نیز به برگزیدگان خود اهدا می‌کند. امسال نیز هیئت داوران بخش اصلی جشنواره، متشکل از پنج فیلمساز یا دست‌اندرکار سینما بودند. یکی از اعضای هیئت داوران سهیلا گلستانی بازیگر فیلم «درخت انجیر معابد» از محمد رسول‌اف بود ولی به علت ممانعت رژیم جمهوری اسلامی از خروج او، نتوانست در جشنواره حضور پیدا کند.

امسال چهارده فیلم برای دریافت سه جایزه ببر طلایی و چهل هزار یورو جایزه نقدی رقابت داشتند که سرانجام فیلم «آتش یا مرگ» Fiumo O morel ساخته ایگو بسینوویچ Igor Bezinovic فیلمساز کرواسی به عنوان برنده ببر طلایی این دوره جشنواره معرفی شد.

همچنین دو جایزه ده هزار یورویی ویژه هیئت داوران به فیلم‌های L'abre de l'authenticté از سامی بلوچی Sam-my Balozji از جمهوری کنگو و فیلم «در خانه والدینم» Im haus meiner Eltem ساخته تیم الریش Tim Ellrich از آلمان تعلق گرفت.

همزمان با اهدای جوایز بالا، «انجمن بین‌المللی منتقدان فیلم» نیز از میان پانزده فیلم شرکت‌کننده در بخش «آینده



صحنه‌ای از فیلم «دانه انجیر معابد» یا «دانه انجیر مقدس» از محمد رسول‌اف

نداشت ولی استقبال بی‌نظیری توسط تماشاگران مشتاق هلندی از این فیلم به عمل آمد. رسول‌اف در فیلم «درخت انجیر معابد» به طرز ماهرانه‌ای فعالیت‌های سیاسی را با درام خانواده‌ای ازهم‌گسیخته بهم پیوند می‌زند. اعضای خانواده در بستر اعتراضات زن، زندگی، آزادی، واکنش‌های متفاوتی دارند. دختران نوجوان (رضوان و ثنا) از سرنوشت نامعلوم دوست خود صدف که در جریان تظاهرات خیابانی مجروح و اسیر شده، شوکه شده‌اند. در همین حال، پدرشان (ایمان) به عنوان بازرس تحقیق منصوب می‌شود و تحت فشار قرار می‌گیرد تا برای محاکمه معترضان دستگیر شده شتاب و شدت عمل بیشتری داشته باشد. نیمه دوم فیلم همچنان انگیزتر است و در آن «ایمان» دچار پارانوئید فزاینده علیه همسر و فرزندان‌ش می‌شود.

### «تهران، تاریخ ناتمام» Tehran, An Unfinished History

«تهران، تاریخ ناتمام» فیلم بلند و تاثیرگذار دیگری بود از سعید نوری. این فیلم مستند، نگاهی گسترده به شهری دارد که دیگر وجود ندارد: شهری با تضادهای بزرگ، تضادهای قابل مشاهده و کمتر قابل مشاهده.

سینمای قبل از ۱۹۷۹ ایران یکی از غنی‌ترین و ناشناخته‌ترین گنجینه‌هایی است که در مورد آن بسیار کم نوشته شده- حتی به فارسی. به لطف حمایت سخاوتمندانه آرشیو فیلم ملی ایران، سعید نوری در طول چهار پنج سال از میان صدها فیلم ساخته شده قبل از انقلاب و تبدیل دیجیتال آنها، ساکنین تهران و مردان و زنانی را که با آرزوهای متفاوت از روستاها و شهرستان‌های مختلف راهی پایتخت می‌شوند روایت می‌کند.

تهرانی که در این فیلم می‌بینیم یا مدت‌هاست از بین رفته یا به گفته برخی زیرزمینی شده است: شهری جهانی با جدیدترین مدهای لندن و پاریس، اما همچنین شهری با شکاف بسیار دردناک بین غنی و فقیر.

سینمای ایران با همه اینها برخورد کرد، گاه بسیار

درخشان، فیلم «آتش یا مرگ» Fiumo O morel ساخته ایگو بسینوویچ Igor Bezinovic را بهترین فیلم تشخیص داد و جایزه منتقدان را به وی اهدا کرد.

### فیلم‌های برگزیده تماشاگران

در این بخش بازدیدکنندگان جشنواره بیشترین آرای خود را به فیلم «من هنوز اینجا» I'm still here به کارگردانی والتر سالس Walter Salles از برزیل و فرانسه دادند و این فیلم مقام اول انتخاب تماشاگران را به خود اختصاص داد و برنده جایزه ده هزار یورویی این بخش شد.

### فیلم‌های کوتاه

در این بخش ۲۵ فیلم کوتاه (حداکثر ۶۳ دقیقه‌ای) شرکت داشتند که در پایان فیلم‌های Merging bodies ساخته آدریان پاچی Adrian Paci از ایتالیا، فیلم «یک دگرپسی» A Metamorphosis به کارگردانی آنگ لین Aung Lin از میانمار و فیلم Temo Re ساخته آنکا گوجابیدزه Anka Gujabidze از گرجستان، اول تا سوم شدند و جایزه پنج هزار یورویی بطور یکسان به هر کدام از سازندگان آنها اهدا شد.

### فیلم‌های ایرانی شرکت‌کننده در جشنواره

امسال پنج فیلم ایرانی و یک فیلم از کانادا به زبان فارسی در جشنواره حضور داشتند.

### «درخت انجیر معابد» The Seed of the Sacred Fig

بر خلاف سال‌های اخیر که نمایش فیلم‌های رسول‌اف در جشنواره فیلم روتردام بدون حضور او نمایش داده می‌شد و هر بار فضای جشنواره مملو از درخواست برای رفع ممنوع خروجی و یا آزادی او بود، امسال رسول‌اف همزمان با نمایش فیلم «درخت انجیر معابد» به عنوان میهمان ویژه فستیوال حضور داشت.

هرچند این فیلم در بخش‌های رقابتی جشنواره شرکت



همراه نیست، بلکه می‌تواند از طریق دستکاری‌های روانی و عاطفی اعمال شود. در جهانی که ترس بر آن حکمفرماست، نوایی درام خود را به گونه‌ای فزاینده خفقان‌آور می‌سازد تا نشان دهد که حتی افراد درستکار نیز ممکن است به انجام بی‌رحمانه‌ترین اعمال سوق داده شوند. بجزامیر علی نوایی چند تن دیگر از دست اندرکاران و بازیگران فیلم، از جمله بابک کریمی در جشنواره روتردام حضور داشتند.

### «غفلت» Negligence

این فیلم قدیمی که در سال ۱۳۳۲ ساخته شده، به سفارش جشنواره فیلم روتردام توسط سعید نوری از فیلمخانه ملی ایران تهیه و تبدیل به دیجیتال شده و به جشنواره آورده شد.

### «یک زبان جهانی» Une langue universelle

علاوه بر پنج فیلم ایرانی، فیلم کانادایی «یک زبان جهانی» با بازیگران ایرانی و به زبان فارسی نیز در جشنواره حضور داشت.

در شهری که ترکیبی از مانیتوبای معاصر و تهران دهه نود است، مسیرهای دو دختر، یک راهنمای تور و یک کارمند دولتی بهم گره می‌خورد. این دو دختر جوان و پرانرژی تلاش می‌کنند اسکناس یخزده‌ای را از دل سرما بیرون بکشند. یک راهنمای تور گروهی گیج و مبهوت را در شهری زمستانی هدایت می‌کند و یک کارمند دولتی پیاده‌روی طولانی خود را به سمت خانه آغاز می‌کند.

در این شهر عجیب و غریب و منحصر به فرد، زبان فارسی را می‌توان بر تابلوی رستوران زنجیره‌ای تیم هورتون مشاهده کرد، «مخزن دستمال کاغذی» به عنوان یکی از بناهای شاخص شهر شناخته می‌شود و یک کیف گمشده که روی نیمکتی قرار دارد، عنوان میراث جهانی یونسکو را به خود اختصاص داده است!

ماتیو رانکین فیلم‌ساز کانادایی با این فیلم نه تنها یادآور طراحی صحنه‌های خاص وس اندرسون است، بلکه به زیبایی از شاعرانه بودن موج نوی سینمای ایران و علاقه‌اش به سینمای مؤلف ایرانی الهام می‌گیرد. او با این فیلم، عشق خود را به وینپگ (شهری در غرب کانادا) و سینمای ایران در ادای احترامی دلنشین و منحصر به فرد به نمایش می‌گذارد. فیلم ترکیبی است خلاقانه از طنز، احساس و فضای سوررئال



### «ساشاین اکسپرس» Sunshine Express

«ساشاین اکسپرس» نخستین فیلم بلند و داستانی امیرعلی نوایی است که در تهران ساخته شده و اولین نمایش جهانی خود را در فستیوال روتردام داشت.

شرکت‌کنندگان که هر کدام در یک بازی، نقشی از یک شخصیت خاص به آنها اختصاص داده شده، در یک سفر خیالی با یک قطار دکوری به جزیره‌ای می‌روند تا برنده یک جایزه نقدی شوند، پس از آن، رقابت آنها تبدیل به دنیای کوچکی از محدودیت‌هایی می‌شود که در زندگی واقعی

خود تجربه می‌کنند. آنها در این بازی بی‌نام به نقطه عزیمت می‌رسند. در آنجا یک بازرس شناسه‌های آنها را چک می‌کند و قبل از اینکه سوار قطار ساختگی به جزیره خیالی هرمیا شوند به آنها



### «جماعت» The Crowd

گفته می‌شود که نقش کدام شخصیت را بازی می‌کنند آنها باید شخصیت خود را برای برنده شدن حفظ کنند و تمام وظایف را انجام دهند. اما با حرکت قطار، برخی از شرکت‌کنندگان این احساس را پیدا می‌کنند که چیزهای بیشتری برای بازی وجود دارد. قطار به طرز آزاردهنده‌ای به عامل واقع‌گرایانه‌ای تبدیل می‌شود که مقصد واقعی آن نامشخص است.

«ساشاین اکسپرس» یک فیلم تمثیلی درخشان است درباره اینکه چگونه نظام‌های توتالیتر خود را از طریق همدستی جمعی حفظ می‌کنند. نوایی این مفهوم را با عناصر رقابتی یک مسابقه تلویزیونی و جرعه‌ای از فضای کافکایی در هم می‌آمیزد تا دنیایی را خلق کند که بازتابی از زندگی شرکت‌کنندگان است. این بازی هیچ آزادی به همراه ندارد، بلکه برعکس، اسارت آنها را تشدید می‌کند، چرا که اراده آزاد در آن توهمی بیش نیست و اجبار همواره با خشونت

سهند کبیری کارگردان با استعداد ایرانی، اولین فیلم بلند خود، به نام «جماعت» را به جشنواره فیلم روتردام آورد. با توجه به اینکه این فیلم بدون مجوزهای رایج از وزارت ارشاد و سایر ارگان‌های دولتی ساخته شده و هر لحظه امکان لو رفتن پروژه و ممانعت از ادامه ساخت می‌رفت، کبیری این فیلم را در دوازده روز فیلمبرداری کرد. فیلم «جماعت» پرتنه‌ای است که زندگی روزمره نسل زد و باهوش ایران را ترسیم می‌کند و حال و هوای تازه‌ای به سینمای ایران می‌بخشد.

گروهی از جوانان در تدارک یک جشن خداحافظی برای دوست‌شان (رامان) هستند که در حال مهاجرت است. دوستان رامان راهی عالی برای این وداع پیدا می‌کنند. با این حال، برنامه‌های پارتی با درگیری مواجه می‌شود. از جمله یک بحث حل نشده بر سر دوستی که در یک تصادف جان خود را از دست داده و یک برادر بزرگتر محافظه کار که زندگی این جوانان را با دیده تحقیر می‌نگرد، تلاش می‌کند تا پارتی را متوقف کند.

سهند کبیری تلاش می‌کند پرتنه‌ای شخصی از زندگی جوانان طبقه متوسط ایران معاصر را به تصویر بکشد: پر جنب و جوش و چالش‌برانگیز. در روزهای نمایش فیلم سعید کبیری کارگردان فیلم و بیش از ده نفر از بازیگران و دیگر عوامل فیلم در جشنواره حضور داشتند.

## قدردانی متقابل جو ویلسون و شاهزاده رضا پهلوی از دیدار و گفتگو در مونیخ

جو ویلسون عضو جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا روز شنبه ۱۵ فوریه ۲۰۲۵ در شبکه ایکس در قدردانی از دیدار و گفتگو با ولیعهد ایران در مونیخ با شعار «ایران آزاد» نوشت که متأسفانه دفتر وزارت خارجه آلمان به اشتباه سخترانی وی را از کنفرانس امنیتی مونیخ حذف کرد، ولی او مرعوب نشد. شاهزاده نیز در واکنش به این پیام با سیاست از جو ویلسون تأکید کرد: «جو ویلسون دوست واقعی مردم ایران و همه کسانیت که در سراسر دنیا برای آزادی و کرامت مبارزه می‌کنند. او می‌داند که یک ایران آزاد برای خاورمیانه صلح خواهد آورد و به آمریکا و جهان ثبات عرضه خواهد کرد.»

## آزادی سه گروگان اسرائیلی در شهر خان یونس

ساگوی دکل چن، ساشا تروفانوف و ایایر هورن سه گروگان اسرائیلی در شهر خان یونس روز شنبه ۱۵ فوریه (۲۷ بهمن ماه) از اسارت آزاد شدند. دکل چن و هورن گروگان حماس و تروفانوف گروگان جهاد اسلامی بودند. بر اساس ویدیوهایی که به صورت زنده از مبادله این گروگان‌ها پخش شد، نماینده صلیب سرخ و نماینده گروه تروریستی حماس برگه‌هایی را امضاء کردند و شبه‌نظامیان نقابدار سه گروگان را جلوی دوربین‌ها آوردند. در مقابل، اسرائیل قرار است ۳۶۹ زندانی فلسطینی را آزاد کند.

علی کریمی:

## اتحاد برای ایران

علی کریمی چهره ورزشی محبوب ایران روز شنبه ۲۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ همزمان با تظاهرات ایرانیان از کشورهای مختلف اروپا و به ویژه آلمان در مونیخ در حمایت از صدای ملت ایران و اعتراض به تصمیم اشتباه کنفرانس امنیتی مونیخ که تحت فشار وزارت خارجه این کشور برای لغو سخترانی ولیعهد ایران، در رسانه‌های اجتماعی خود نوشت:



«در حساس ترین و سرنوشت سازترین لحظات تاریخ ایرانمان هستیم. امروز، هریک از ما نقشی حیاتی در آینده این سرزمین دارد. بی تفاوتی حتی یک نفر، می‌تواند زخم‌های عمیقی بر پیکر ایرانمان بگذارد. بیایید با قلب‌هایی سرشار از عشق به میهن، دست در دست هم، ایران و فرزندان را از تاریکی نجات دهیم. این سرزمین به اتحاد ما نیاز دارد، امروز بیش از هر زمان دیگری.»

## شعار «رضاشاه، روح شاد» در حاشیه مسابقه تیم‌های پرسپولیس و النصر

تماشاگران طرفدار تیم پرسپولیس، شامگاه دوشنبه ۲۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ هنگام خروج از استادیوم «آزادی» (آریامهر) پس از مسابقه تیم‌شان مقابل النصر عربستان، شعار «رضاشاه، روح شاد» سر دادند.

## شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به قتل امیرمحمد خالقی امنیت ملت در گرو آسایش و امنیت همه شهروندان است

شاهزاده رضا پهلوی شامگاه جمعه ۲۶ بهمن در واکنش به قتل امیرمحمد خالقی دانشجوی دانشگاه تهران که پنجشنبه ۲۵ بهمن در یک زورگیری نزدیک کوی پسران دانشگاه کشته شد، در ایکس نوشت: «قتل امیرمحمد خالقی و خشونت علیه دانشجویان معترض در کوی دانشگاه تهران بار دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی چه اندازه در تامین امنیت ملت بی‌کفایت است و بجای حفاظت از جان و حقوق شهروندان، با سرکوب، بازداشت، و کشتار، خود اصلی‌ترین عامل ناامنی است. بی‌توجهی به فجایع انسانی، صرفاً بخشی از کارنامه سراسر تباهی این رژیم ضدایرانی است.» شاهزاده در ادامه ضمن همدردی با خانواده، دوستان و همکلاسی‌های خالقی، از دانشجویان و استادان دانشگاه‌های سراسر ایران خواست در همبستگی با دانشجویان معترض دانشگاه تهران بایستند و اجازه ندهند که قتل این دانشجو و سرکوب دانشجویان برای حکومت بدون هزینه باشد. او همچنین از اقشار مختلف ملت ایران نیز خواسته است که «پشتیبان و همراه دانشگاهیان در اعتراضات‌شان علیه ناامنی و سرکوب باشند که امنیت ملت در گرو آسایش و احساس امنیت همه شهروندان است.»

نازنین افشین‌جم:

## دولت‌های غربی نباید با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مماشات کنند



نازنین افشین‌جم نویسنده و هنرمند ایرانی‌تبار کانادایی روز سه‌شنبه ۱۸ فوریه (۳۰ بهمن‌ماه) طی سخنانی در اجلاس ژنو خطاب به دولت‌های غربی گفت: «ناباید با رژیم جنایتکار و کودک‌کش جمهوری اسلامی مماشات کنند.» او با اشاره به ضرورت تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط اتحادیه اروپا خواستار تعطیل شدن سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی شد.

## پیام شاهزاده رضا پهلوی درباره اقدام به خودکشی ناهید شیرپیشه مادر دادخواه پویا بختیاری در زندان

«خانواده زندیاد پویا بختیاری خبر داده‌اند که مادر دلیر آن جاویدنام، بانو ناهید شیرپیشه در زندان جمهوری اسلامی اقدام به خودکشی کرده است. ننگ و شرم بر این رژیم ضدایرانی که مادری داغیده و خانواده‌ای دادخواه را اینگونه تحت فشار قرار داده؛ جان فرزند میهن‌پرست را ستانده و پدر و مادر او را به بند ضحاک افکنده است. مسئولیت سلامت و امنیت بانو شیرپیشه بر عهده رژیم جمهوری اسلامی و شخص علی خامنه‌ای است. اما این به معنای عدم مسئولیت شخصی کارمندان دستگاه‌های امنیتی و قضایی نیست. به ملت ایران بپیوندید و بیش از این سرنوشت خود را به رژیمی که در سراسر سقوت است پیوند نزنید.»

شاهزاده رضا پهلوی در سفر به لندن:

## قانونگذاران، رهبران تجاری و رسانه‌ها برای ایران نوین آماده باشند

شاهزاده رضا پهلوی که در سفر اروپایی و دیدارها و گفتگوهای مختلف با اهالی سیاست و تجارت و رسانه بسر می‌برد، با انتشار این ویدئو در رسانه‌های اجتماعی خود نوشته است: «خوشحالم که این هفته بار دیگر در لندن بودم در جلساتی که با قانونگذاران، رهبران تجاری و رسانه‌ها داشتم. به آنها گفتم که برای ایران نوین آماده باشند. ایرانیان با مبارزه برای آزادی کشورمان و برای ثبات در خاورمیانه و جهان در آستانه‌ی تغییر تاریخ قرار دارند.»

نماینده حزب دموکرات‌های آزاد در پارلمان آلمان:

## رضا پهلوی را برای گفتگو به آلمان دعوت کنیم

تورست لیب نماینده پارلمان آلمان از ایالت هسن/فرانکفورت روز دوشنبه ۲۹ بهمن (۱۷ فوریه) در رسانه



اجتماعی ایکس با اشاره به لغو سخترانی شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۲۵، نوشت که لغو دعوت از او اشتباه و «یک سیلی به صورت ایرانیانی بود که برای تغییر تلاش می‌کنند.» این سیاستمدار سپس افزود: «پیشنهاد می‌کنم که ما به عنوان حزب دموکرات‌های آزاد FDP و فراکسیون این حزب در پارلمان، وی را برای گفتگو به آلمان دعوت کنیم.»

## گازگرفتنی ۵۰ دانش آموز در شاهین دژ

پنجاه دانش آموزان یک دبیرستان دخترانه در شاهین دژ در آذربایجان غربی امروز شنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۳ در کلاس درس دچار گازگرفتنی شدند.

روابط عمومی آموزش و پرورش آذربایجان غربی اعلام کرده «به دنبال احساس مسمومیت تعدادی از دانش آموزان در یکی از مدارس شهرستان شاهین دژ، با حضور عوامل اورژانس و هلال احمر، این دانش آموزان به مرکز درمانی شهرستان منتقل شدند.» همچنین اعلام شده علت بروز این حادثه بررسی و اعلام خواهد شد.

## تجمع دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به قتل امیرمحمد خالقی

شماری از دانشجویان دانشگاه تهران جمعه ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۳ در اعتراض به قتل امیرمحمد خالقی، در محوطه داخلی دانشگاه تهران درست به اعتراض زدند. «مسئول بی کفایت ننگت باد»، «دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد» و «مسئول بی لیاقت استعفاء» شعارهایی بود که این دانشجویان در اعتراض به قتل هم دانشگاهی خود سر دادند. این دانشجویان روز پنجشنبه ۲۵ بهمن ماه در جریان یک زورگیری در داخل کوی دانشگاه تهران به قتل رسید. معترضان می گویند این قتل به دلیل عدم تأمین امنیت خوابگاه کوی دانشگاه از طرف مسئولین این دانشگاه روی داده است.

## سبد معیشت به ۳۸ میلیون تومان رسید

خبرگزاری ایلنا به نقل از یک فعال کارگری گزارش داد، «اگر تورم ۳۰ درصدی را مبنا قرار دهیم و روی سبد ۲۹ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان اعمال کنیم، به رقمی حدود ۳۸ میلیون برای سبد معیشت بهمن ماه می رسیم.»

عضو کارگری کمیته مزد شورای عالی شنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۳ در مصاحبه ای توضیح داد، «در دو ماه اخیر [دی و بهمن]، در همه کالاهای اساسی افزایش قیمت داشتیم؛ روغن



سبد معیشت به ۳۸ میلیون تومان رسید

حدود ۴۰ درصد، برنج نزدیک ۱۰۰ درصد و کالاهایی مانند سیب زمینی و پیاز هم افزایش نرخ داشته اند؛ فکر می کنم میانگین افزایش قیمت سبد معیشت در این دو ماه بیش از ۳۰ درصد بوده است. اگر تورم ۳۰ درصدی را مبنا قرار دهیم و روی سبد ۲۹ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان اعمال کنیم، به رقمی حدود ۳۸ میلیون برای سبد معیشت بهمن ماه می رسیم.»

## محموله بمب های سنگین آمریکا به اسرائیل رسید

منابع اسرائیلی گزارش داده اند که اولین محموله بمب های سنگین MK-84 را که به دستور دونالد ترامپ ارسال شده بود، دریافت شده است.

وزیر دفاع اسرائیل شنبه شب ۱۵ فوریه (۲۶ بهمن ماه) در اینباره گفت: «تجهیزات وارد شده به اسرائیل برای نیروی هوایی مهم است.»

وی تأکید کرد که «دولت آمریکا به ارائه هر آنچه برای تضمین امنیت ما لازم است به اسرائیل ادامه خواهد داد.»

وزیر دفاع اسرائیل همچنین افزود: «من از پرزیدنت ترامپ و دولت ایالات متحده به دلیل حمایت ثابت شان از اسرائیل تشکر می کنم و به همکاری برای تقویت امنیت خود ادامه خواهیم داد.»

## ورود چند بمب افکن B52 و تانک های سوخت رسان آمریکا به خاورمیانه

بر اساس اطلاعات و بسایتهای ردیابی هوایی ما، همزمان با سفر مارکو رویو وزیر خارجه آمریکا به منطقه، تعدادی از بمب افکن های استراتژیک B52 و هواییهای سوخت رسان نیروی هوایی ارتش آمریکا در خاورمیانه مستقر شدند.

رویو پس از ملاقات با بنیامین نتانیاهو در اسرائیل قرار است ۱۷ فوریه (۲۹ بهمن ماه) به ریاض سفر کند.

## نجات دریانوردان ایرانی و هندی در خلیج فارس توسط ارتش آمریکا

بر اساس گزارش سنتکام، ناو «یواس اس دواستاتور» نیروی دریایی آمریکا و کاتر گارد ساحلی ایالات متحده هفت سرنشین کشتی ایرانی به نام «شایسته» شامل پنج ایرانی و



نجات دریانوردان ایرانی و هندی در خلیج فارس توسط ارتش آمریکا

دو هندی را نجات دادند. این کشتی سه شنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۳ با پرچم قطر شناور بود اما به دلیل کج شدن شدید درخواست کمک اضطراری کرده بود. کشتی پس از نجات سرنشینان در نهایت غرق شد. سرنشینان کشتی «شایسته» به شناور گارد ساحلی آمریکا منتقل شده و تحت مراقبتهای پزشکی قرار گرفتند.

## حمله به مدیران پتروشیمی «امیرکبیر» با اسلحه و چاقو

دادستان عمومی و انقلاب بندر ماهشهر، ۲۸ بهمن ماه ۱۴۰۳ گزارش داد، پنج نفر از عاملان تیراندازی به دو مدیر پتروشیمی «امیرکبیر» و همچنین سه نفر دیگر که مدیران این پتروشیمی را که با سلاح سرد تهدید کرده بودند، بازداشت شدند. مهران مهمان نواز دادستان ماهشهر توضیح داد که آنها با هم «اختلاف کاری» داشتند!

بر اساس گفته های این مقام قضایی، «در بازرسی از مخفیگاه متهمان، دو قبضه سلاح مورد استفاده در تیراندازی کشف و ضبط شد و همچنین دو دستگاه خودروی متعلق به آنان توقیف شد.» متهمان در تحقیقات اولیه ضمن ابراز ندامت، به جرم خود اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده قضایی و با قرار قانونی روانه زندان شدند.»

نماینده خامنه ای در قم:

## کسی حق ندارد سخن از مذاکره با دشمنان مردم بزند

محمد سعیدی امام جمعه و نماینده علی خامنه ای در قم ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۳ در خطبه های نماز با انتقاد از حامیان مذاکره با آمریکا گفت: «نباید کسی از مذاکره با دشمنان صحبت کند چرا که راه حل تمام مشکلات در داخل کشور است.» او همچنین تأکید کرد، «کسی حق ندارد سخنی از مذاکره با دشمنان مردم بزند و هیچکس نباید به مذاکرات پوچ و تو خالی با دشمنان دل ببندد... مطمئن باشند دشمنان مردم در برابر کشور هیچ غلطی نمی توانند انجام دهند.»

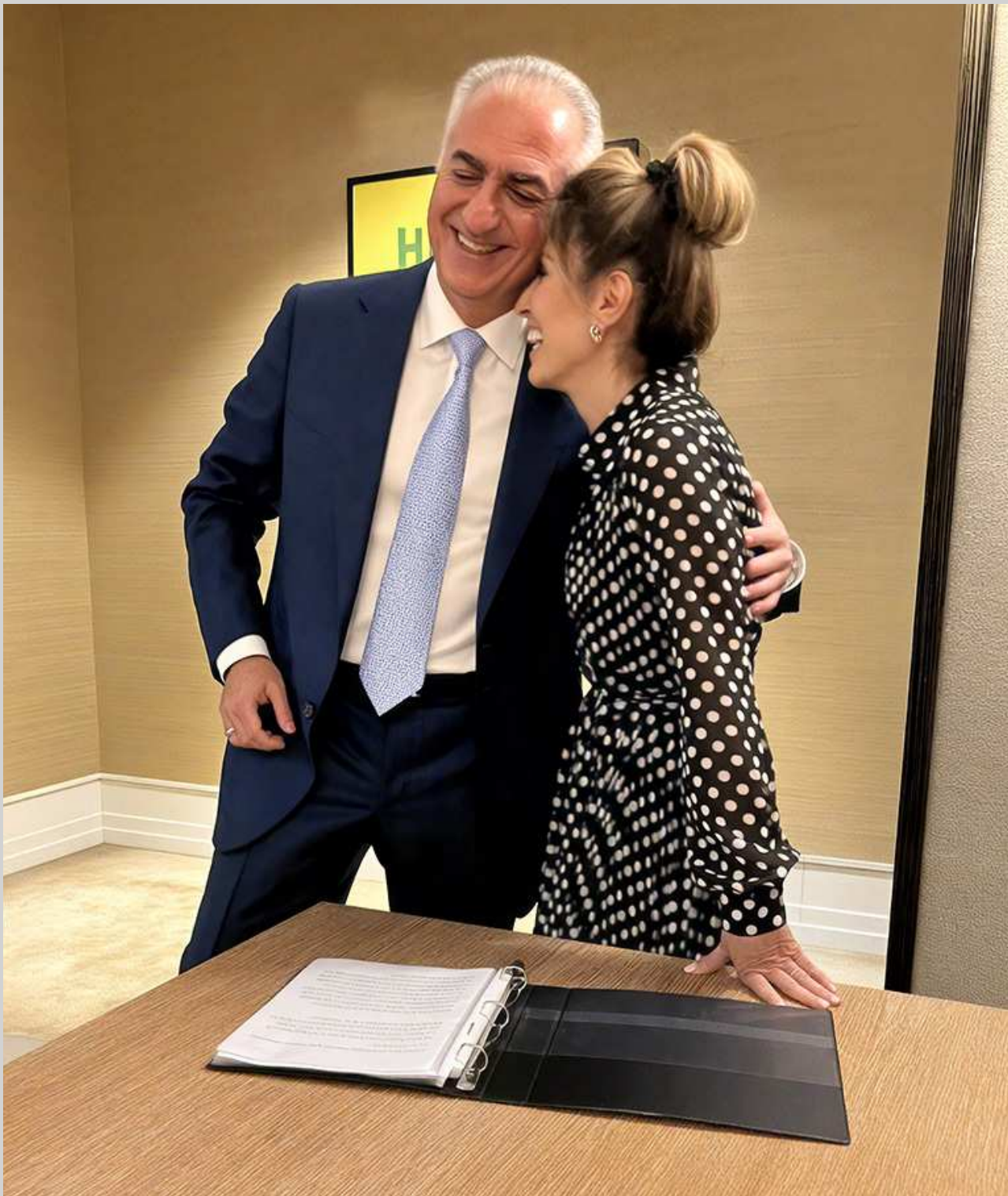
وی در خطبه های نماز تشکیل جمهوری اسلامی را گام بلند برای «تحقق فرج و نزدیک شدن ظهور امان زمان» دانست!

## آتش سوزی در کمپ اقامتی کارگران تقویت فشار دهلران



آتش سوزی در کمپ اقامتی کارگران تقویت فشار دهلران

کمپ اقامت کارگران پروژه تقویت فشار دهلران در جنوب استان ایلام، دچار آتش سوزی شد. خبرگزاری ایلنا ۲۹ بهمن ۱۴۰۳ گزارش داد «بخش زیادی از این اقامتگاه بر اثر آتش سوزی از بین رفت.» گفته می شود «در این حادثه امدادگران حین خاموش کردن آتش متوجه می شوند هیچ کارگری در این اقامتگاه حضور ندارد.»



عکس هفته | شاهزاده رضا پهلوی و بانو یاسمین

پیش از سخنرانی در «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» / سه‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ (۱۸ فوریه ۲۰۲۵)